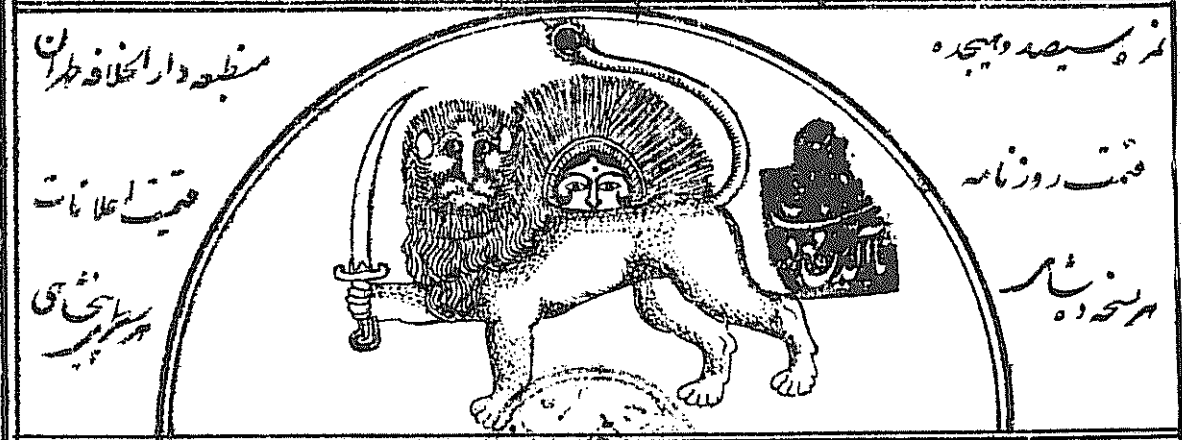


روزنامه قایم انقادیه نیایش یوم خیمه ششم شهر بزم مطایر لوی



اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران
چون جناب قحمت نصاب نظام الملک سواره خان
اقدس هائون را احسن خدات خود خرسند داشته
در رسیدگی سبابت ولایات و ایرادات هیچوقت
واهمال ننموده خاصه این اوقات که نزد یک عید نوروز و
سال است شبانه روز باستوفیان عظام اوقات خود را
مصرف انجام و اتمام سبابت ولایات نموده لهند کمال
اقدس هائون محض ظهور و افات رحمت ملوکا ذریع
جناب معینی الیه یکشوب باده ترمه شمشه دار مرصع ملبوس
تن مبارک را باقتضای سردی هوا بجناب معینی الیه
مرحمت فرمودند
چون میرزا صادق قایم مقام احضار دربار کردند
هائون شده جرب امر قدر قدر اعلیحضرت قضا
شاهی صان لسیایم شوکه عن لستاهی قدیمی قد
دولت ابدار تاسم مؤمن سلطان مقرب الخاقان
میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا نیز در آذربایجان

و بامردم آنجا حسن معاشرت و سلوک خود را بطل آورده
االی ملیده و بلوک را از حسن سلوک خود راضی داشته بود
به پیشکاری کل مملکت آذربایجان اتم از امور قشون و نظام
مأمور و منصوب گردیدیم موازی یکشوب خرقه ترمه شمشه
شسته مرصع از طبوس تن مبارک بر خیم از جناب
سنی الجوانب هائون در حق و حمت گردیدند
روسا و سرداران افغانه که در این اوقات بدر بار
هائون آمده اند از جناب سنی الجوانب ملوکا کمال حم
در باره هر یک از آنها بنده دل فاده لسانی دولت علیه
مقربان حضرت کردون بطب تسمیه نیز سبابت اختصاصا فتها
سکین جناب ترتیب داده و آنها را با بعضی از اعیان و اکابر
چاکران دربار هائون که قریب خواجه شست نفر مجلس فریب
چهار صد و پانصد نفر و سبته و متعلی دعوت شکان می شد
در منازل خود و ماینهای خوبه دند و ایکو ضیافتهای سنگین
در دار الخلافه که اتفاق افتاده بود سرداران افغانه از این ضیافتها
خیلی مخطوط گردیدند
سایر ولایات

بطام و شاهرود

از قراریکه در روزنامه بطام و شاهرود نوشته اند
 اخبار جنگ با قشون انگلیس که با نولایت رسیده
 از امانی آنجا بقدر هزار نفر مردان کاری داد و طلب
 جهاد فی سبیل الله و جانفشانی در راه دین و
 دولت شده همه با اسباب جنگی و سلاح
 تفنگچیان رنبد خوب در نزد مقرب الخاقان
 حاکم آنجا بمان داده و مستعدی بوده اند که بعد از
 سان عازم دربار جهاندار شاهنشاهی خلد الله ملک و
 شوند که به طرف که مأمور کردند اقدام نمایند ولی
 مقرب الخاقان مشارالیه بعد از آنکه با و طمان
 خودشان مرتخص کرده است که مهیا و مترصد حکم
 اولیای دولت علییه باشند که هر وقت حکم
 برسد بدون درنگ حرکت کنند
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفرقلیان اینجا
 حاکم استرآباد و بخجورد در بیست و دویم جمادی الثانی
 با سواره و جمیع خود وارد شاهرود گردید مقرب
 جانمحمد خان لوازم استقبال و احترام را بجا آورده
 تا سه روز که سواره و جمیع مزبور در آنجا توقف داشتند
 بمهر اسم جهانذاری و صیافت پرداخته کمال محبت
 در باره آنها معمول داشت
 دیگر نوشته اند که چون مدتی بود که باریزکی در آنولایت
 شده بود غله و اجناس ترقی کرده و رعایا تیش را
 غله داشتند ولی از تفضلات جناب قدس الهی از
 غره جمادی الثانی الی بیست و دوم باریزکیهای

۲۰۹۰

شده امید واری تمام بجهت صاحبان املاک و زراعت حاصل
 شد و نرخ غله نیز بواسطه این باریزکیها متزلزل کرده از آن
 شد

دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان کاه و در آنولایت
 افتاده مانند ناخوشی و با اغلب کاه و این ناخوشی تلف
 می شوند و بعضی بهم که خوب میشوند معالجاتی که و بانی را
 معالجه میکردند معالجه میشوند و همچنین کوزن و شکار کوهی و
 اهوی صحرائی بهین مرض مبتلا گردیده بسیار تلف شدند

دیگر نوشته اند که در اواخر ماه جمادی الاول در کوه پیاپی
 قریب بغرب و ستاره بسیار درشتی از سمت مشرق ظاهر شده
 و بسمت مغرب کشیده شد بواسطه السماء که رسید صدای
 میسی از او استماع شد بطوری که گویا بیت توب بزرگ میگفت
 خالی کردند بعد از آن کشیده شده بسمت مغرب غروب کرد
 و نیز در غره شهر جمادی الثانی غریب صبح در سمت غربی مقبره
 شاهرود اشخاصی که بجهت مناجات و شب خوانی بالای
 باها رفته بودند روشنائی آتش ملاحظه نمودند که از زمین
 آسمان متصاعد بود و بقسمی روشنائی او تافته بود که همه
 قصبه شاهرود و صحرائی آن اطراف را مانند روز روشن
 کرده بود و این روشنائی تا نیم ساعت امتداد داشت
 بعد از آن موقوف گردید و در شب دو تم فیر همان وقت
 باز روشنائی مزبور از همان سمت مانند سحله آتش هوا
 متصاعد و تا نیم ساعت امتداد یافته اطراف را بطریق
 شب سابق روشن کرده بود که همه اهل شاهرود دیده
 کردند بعد از آن دیگر ظاهر نشد

کرامت‌شان

از تواریک در روزنامه کرامت‌شان نوشته اند در پیش
و جدی مطلقا با رند کی در آن ولایت نشد و مردم
داشتند که خدا خواسته کرانی بشود لکن از اول تحول
شمس سرج دلو تا یکماه باران و برف پیای هم در
و هم در بلوکات و کرسیرات زیاد آمد بطوری که در کثرت
میلاقات که معابر قوافل و مترددین است راه آمد و شد
مسدود شده بود و ولی هوا خندان برودت نداشتند
خصوصا هوای دارالدوله کرامت‌شان و آن اطراف
که در کمال ملایمت و مانند هوای بهار گذشته است
ازین بارندگی نهایت خرسندی و امیدواری بجهت
صاحبان اطاک و اهل زراعت حاصل گردیده نشوید
که بجهت خشکالی داشتند رفع شد

دیگر نوشته اند که امور آن ولایت احسن مراقبت نواب
مستطاب هزارده والا تبار عا دالدوله حکمران کرامت‌شان
قرین استقام و انضباط است و در نظم ولایت و رفاه
آسودگی سپاهی و رعیت کمال اهتمام را معمول میدارند و
امور شهر و محلات منظم و سرت و شرات بسیارند
اتفاق می افتد و همچنین طرق و شوارع نهایت امنیت و نظام
دارد و سواره مستحفظ و قواسوزان در راهها بحفظ و حرارت
مشغولند و زور و قوافل در نهایت آسودگی و خاطر جمعی
عبور و مرور می نمایند

دیگر نوشته اند که نواب مغربی الیه با امور نوکر متوقف انولاست
انهم از افواج نظام یا سواره نهایت دقت و رسیدگی
نمایند هر روز ده دسته دسته از صحنی را سان دین

ملاحظه نمک و چاق و اسب و اسباب آنها را نموده که هر
از هر چیز کسر داشته باشند مقرر داشته اند که در دست
و موجب سرباز و توپچی و غیره را با مستحضرات عالیه سیر
محمد خان نوری علامه پنجم است که از دربار بامیون مأمور
برسیدن سان و موجب نوکر انجا بود و کلا پرداخته و در
لوازم و تدارکات آنها نصیب است

دیگر نوشته اند که سواد شش هزار نوکر دیوانی که در کرامت‌شان
استند از امانی و ایلات آن ولایت چهار هزار نفر سواره
و تفکیکی رنده بفرم مقامه بادشهان دین مبین و مجاهد
با مخالفان دولت ابد این خدمت نواب مستطاب علامه
آمده سان دادند و مستدعی زن و اجازت شدند که
مدبر بار بجا بدار شاهنشاهی آمده بهر طرف مأمور شوند
نمایند نواب مغربی الیه کمال عطوفت و رافت او بیای
دولت علیه را با آنها اظهار داشته مقرر داشتند که در
اماکن و اوطان خود ساکن بوده منتظر حکم مجدد از جانب
اولیای دولت علیه باشند

دیگر نوشته اند که مقترب بخاقان حاجی محمد خان پنجم است
همایون که از جانب سنی انجانب طوکانه مذورات و بد آنجا
روضه تبر که جناب امیر المومنین علی ابن ابیطالب صلوات الله
میرد وارد کرامت‌شان شده نواب مغربی الیه لازمه احترام را
در باره او معمول داشته و در وقت حرکت آدمی مخصوصا
خود همراه او روانه نموده اند که در جمیع منازل مراقب احترام
و رعایت جانبش را الیه با و نیز مقرر داشتند که عالیجناب
سنبابی نیز بابت نفر سوار قابل تا بغداد با عالیجناب
همراهی نماید

هرات

از قراریکه در روزنامه هرات نوشته اند عالجایه مقرب الخاقان
حسین خان که حامل خلایع و نشان بجهه نواب مستطاب هرات
والا بتاجام سلطه حکمران مملکت خراسان و سایر سران و
صاحب منصبان عا که منصور هرات از دربار جهان مد
تالیون بود در مقدمه جادی الاول بانجا رسیده نواب
معزی الیه بجهه توقیر و احترام خلایع آفتاب شعاع خود و توقیر
قوام الدوله ویر و و سران پادشاه تا یکفرسخ باستقبال نشاند
بعد از لوازم توقیر و احترام بیایع که در بیرون شهر هرات
آمده اند و در آنجا خلعت پوشان نموده و خلایع سران و صاحب
عا که منصوره و امالی و اعیان هرات را هم که از دربار بانجا
مصحوب معرب الخاقان شایه حمت و در روزنامه آنجا
مفصلا نوشته شده بود بهر یک هر یک داده زیبک
و مباحات نمودند و اجرای شکک توپ کردند و در آن
مهر لجان مبارک که از مصدر سلطه عظمی با فتی نواب معزی
و عا که منصوره و امالی هرات شرف صدویافته بودند و در آن
مجمع که همگی حضور داشتند با و از بلند خوانده شده مراتب رافت
و عنایت سرکار قدس تالیون شاهنشاهی خلد الله مملکت سلطه
در حق رعیت و سپاهی کوشش و خاص عام گردیده همگی
بدعا کونی وجود فایض اسجد و ملوکانه صد بلند نمودند بعد از
شربت و شیرینی و شیلان حوالی عصر نواب پادشاه پادشاه
مراجعت نمودند و سایر اهل سلام هم برودش را بخلایع آفتاب
شعاع و نشانهای نشان زیب و زینت داده در کمال
دشادمانی بمنازل و اماکن خود مراجعت نمودند
دیکر نوشته اند که نواب مستطاب سلطه عالجایه میرزا

مستوفی هرات حکم نمودند که لوگرای قدیمی آنولایت را از قبیل طایفه
فارسی از جماعت افشار و ریشوند و شاملو و هاجمی و پشوند و قبا
و غیره همه را متحقق حاضر نماید که قرار موجب آنها را داده و در
عاکر نظام نمایند عالجایه شایه هم آنها را متحقق نموده و در
دسته را خدمت نواب پادشاه آورده و در آن میدان و کارگذار
نواب معزی الیه ثبت دقمری نمایند از جمله از طایفه فارسی میر
عباس خان و سیرتپ حیدرقلیان و از طایفه افغان سیرتپ
حکیم خان که از طایفه بابوری و در بیرون شهر قبل از فتح هرات
مصدر خدمات شده بودند و در این روزها قرار
موجب تعینک سربازی و طبوس آنها داده خواهد شد که در
عا که حضرت آثار شاهی ابد الله جیش که دیده مستول خدمت
و هم چنین عالجایه میرزا محمد حسین مستوفی و مبارک شین
حکم شد که صورت داد و ستد و جمع و یوانی هرات را در نزد
بلوکات بقرار یک در ایام مرحوم یار محمد خان ظمیر الله و له نسبت
بود با اتفاق عالجایه میرزا محمد خای مستوفی و کارگذاران نواب
معزی الیه متحقق نمایند و مواجب و مسواتی هم که از آن اوقات
در حق هر کس از امالی آنجا مقیم و برقرار بود متحقق کند تا حکم
آن ارجانب نواب معزی الیه شده از اقرار محول و در روز
حب احکام نواب معزی الیه جاری کشیدند که کوچا و بازاریان را
پاکیزه و تمیز نمایند و هر کس در خانه و حدود خود در صبح و عصر
نماید که پاکیزه باشد و نیز حب احکام جاری کشیده شد که طایفه
منای بکلی موقوف و ممنوع باشد و چند نفر نهی خاشاک
در شهر بودند همگی را از شهر اخراج کرده و پنج فرسخ بیرون
شهر برده سپرده از امالی آنجا الزام گرفتند که آنها را از آنجا
هم دور کرده و در غن با که دیگر هرات نیایند

اخبار دول خارج

اصلاح نمایند

از قراریکه نوشته اند در پاریس چون آب کواری خوب
موافق مطلوب یافت نمی شد و گذشته از بی آبی مالی تاس
و چار اضطراب می شد بجهت دفع این فقره دول قبل ازین
یک قومانته بزرگ ترتیب و تشکیل داده با اسباب بجهت
آهنی که ازترین می نامند و در پاریس و محل پاریس نام
بکندن چاه مبادرت کرده بودند از آنوقت تاکنون ازین
ذرع متجا و زمین حفز کرده اند گذشته از اینکه آبی که در آن
موافق مطلوب نیست کفایت جمعیت نمی کند و از گذشته
تا صد و پنجاه ذرع دیگر نیز حفز نمایند چون بحال کوه زمین
بجای تنهیک بزرگ باید تا اگر چه این یکصد و پنجاه ذرع را
نیز خواهند کندی و در نیت که آبی که از او بیرون بیاید
آب بحر تنهیک بزرگ باشد و بجهت بلخی بکار بخورد

چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته بودند بحسب تعهد
دول فرانسه و روس و کلیس از جانب دولت یونان بایست
از صرفان کلیس و جی فرض شده بود بجهت کمی مالیات
ادای این قرض مقدور دولت یونان نشده بود سهیل است
از نفع این خواه نیز چیزی ممکن نشده بود بد بجهت اصرار
مربور در مطالبه طلب خود چهار سال قبل ازین نفع نخواهد بود
از جانب دولت روس و فرانسه داده شده و چون کمی
یونان بدرجه کمال رسیده است بجهت ندادن نفع این پول
درین سال از جانب دولت یونان مذکوره رسته نوشته
در این اوقات از جانب دول مزبور مأمورین و در آن
پای تحت یونان یک مونسون ترتیب داده میشود که وارد
و مصارف دولت مزبور را حباب و امورات لیاات انجام

دوازده سال قبل ازین از جانب دولت فرانسه موسس
مباشرت بچین رفته بود در این اوقات مشارالیه باز بشارت
مخصوصه قرار شده است بچین برود و بجهت تحصیل فنون
از بهروران فرانسه هم چند نفر همراه مشارالیه روانه
خواهند شد

در روز دهم ماه ربیع الثانی از صاحب مضبان چاکر دول
ناپولی بقورخانه در جانی که با مدو و بود است رفته کرد
تخمینا دوسه حردار بار و طکه در آنجا بوده است پس گرفته
روز تعطیل بوده و از غلج جات کسی در آنجا نبوده است فقط
دو نفر صاحب مضب با ده نفر دیگر که در آنجا بودند تلف
در روزنامه دباه فرانسه نوشته اند که نایب الایاله مصر
نباداشته است که بطرف جنوب ولایت مصر سفر نماید بجهت
رسیدگی امور ولایت و رعیت زیرا که مذکور بوده است که حکام
آنجا ماریا یا ظلم و تعدی می نمایند لهذا اراده دارد که رفته آنجا
نظم داده مرخص نماید

دیگر نوشته اند که عددا شتایی که در راه های آبن فرانسه
مردورند از سی و دو هزار نفر زیادتر هستند و چون راهها
ساخته میشود تا مشاء و بزار فقر خواهند رسید از جمله
مخارج که در راه آبن شده است این است که پلی در بالای
رودخانه رون که تقریباً سصد و پنجاه ذرع طول آن است
ساخته اند و یک کروم خرج آن شده است و چندین در رودخانه
دیگر ساخته اند که در هر یک بقدر دوهزار تومان مخارج شده
و یک راه دیگر از میان کوه کنده شده از شهر لیون تا پاریس که چهار
هزار ذرع طول آن است و قریب دوهزار آن راه خرج کرده اند

دیکر نوشته اند که راه آتشی از شهر و بستون بشهر مایسلز ساخته
که چهار هزار و چهار صد ذرع طول دارد تخمیناً و کور و نیم حج
شده است

دیکر نوشته اند که امپراطور استریتیه بقدر هشتاد نفر از تقصیر
که در شورش آنولایت فحاش کرده بودند در این اوقات
تقصیر آنها را بخشیده و اطمینان بخودشان رو کرده است

در روزنامه یونان نوشته اند که چند وقیش ازین محل
لوادیه نام بقدر چهل نفر از عابرین سیرفته اند جمعی قطع الطر
بر سر آنها ریخته همه را برهنه کرده بودند حتی نفث نفران
آنها را کوش و بینی بریده بودند و سبجه انتشار این اخبار
و مرور باز بملکت یونان مکل شده است سبجه دفع مصر
این در زمان از جانب دولت یونان ریاده است تمام شده
چند وقیش ازین سیزده نفر دزد و کبرفته شده و نفر
اخبار اجس و در بنجر نموده و یارده نفر دیگر را بقتل رسانیده
بودند

اردوگاه و محل اجتماع عا کرد دولت روس تاکنون
شهر مسکو بود اعلیحضرت امپراطور روس بعد از جلوس خود
قرار داده است که محل اجتماع اردوی دولت روس را اینجا
بر داشته شده در شهر عرقوف نام که مابین مسکو و خوجه
مقرار دوی عا کر باشد

سبجه استخدام در خدمات عسکریه فرانسه سابقاً از جانب
روس بقدر صد نفر صاحب منصب فرستاده بودند
بعد از آن سبجه خدمات سحریه چند نفر صاحب منصب دیگر
فرستاده شده و دولت فرانسه نیز درین باب سرخر
جانبانده در این اوقات امپراطور روس بعجوم صاحب

اذن داده است که هر کدام بخواهند در ملک خدمت گیرند
دولت فرانسه در آیند با موافقی که دارند چیزی هم عا
با آنها داده خواهد شد

دیکر نوشته اند که دو نفر از اعضای مجلس دولت ناپولی
چند وقیش ازین سبب بعضی سباب ترک مورت کرده
و به مدت و قرا مابین شهرهای مایلو و مسینه که در جزیره
سیسیلیا واقع اند رفقه امانی اینجا را تحریک بیاعلیگی
نموده و آنها نیز رفق لوای عصیان بدولت ناپولی نمودند
و مؤخر این حالت با امانی آن دو شهر نیز سرایت کرده و امانی
و آنرا مذکوره نیز و فرقه شده فرقه یا عیان بشهرهای مایلو
هجوم آورده این کیفیت را پادشاه ناپولی که مستحضر شد
مقدار وافی قشون با اینجا و ستاده و با امانی مرقومه یک
مدتی حرب کرده بقدر ده بیت نفر از آنها تلف و بعضی دیگر
نیز کرفته شده بجانب ناپولی ارسال شد و سبجه گرفتن
آن دو نفر شد که از اجرای مجلس بودند و در اینجا محکوم

و امانی عا شش شده بودند از جانب دولت ناپولی زیاد
اهتمام شده ولی فرار کرده پید نیامد

دیکر نوشته اند که یک کشتی بخار پسته فرانسه در رود
فراخای مالت شبانه بیک کشتی شرع دار یونان برخورد
از شدت تلاطم آنها بیکدیگر کشتی شرع دار زیاده شد
و فی الفور غرق گردید و امانی آن یکی کشتی بخار پسته در
کر یک نفر از آنها که تلف شده بود

دیکر نوشته اند که یک کشتی پسته فرانسه از مصر با سالیامیر فرقه است در
تونس سکنه شده پاشای تونس کشتی بخار فرقه آن کشتی را بمنکرگاه
آورده و امانی از کشتی نده مبار سالیار وانه کرده است

روزنامه قایم القایه تاریخ یوم خمیس یازدهم شهر ذی القعدة مطابق ۱۳۰۵

منطبعة دار الخلفه طهران

نمره سیصد و نوزده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بر مطبعه

هر نسخه شاهی



اخبار داخل ممالک محروسه یاوشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه دوازدهم انیماه که شب عید مولود مسعود جناب امام المتقین امیر المومنین علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه
نظر بلایت هوا علی حضرت آقا سید یون شاهنشاهی عزیمت ریارت بقعه تبرک اما مزاده و جب التعظیم حضرت شاهزاده
تصمیم داده میباشند و نه یار در باغ دولت آباد صرف فرموده از اینجا زیارت روضه مطهره شتافه بعد از نماز
آن اطراف را گردش و تفریح نموده ببارک مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند در شب شنبه ۱۳ شهر حرم
که شب عید مولود جناب ولایت تاب و سادات الخاب امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه و علی اولاده الکرام الف الف التحیه و السلام
بود و علی حضرت آقا سید یون شاهنشاهی حسن و شادمانی فرموده جمعی از محترمین شاهزادگان عظام و امنای دولت بید و جام
و مقربان حضرت کردند و بلبت شرفیاب حضور مهر ظهور بودند و منظرهای یون را چراغانی نموده سباسبش بازی که در
حضور مبارک و در میدان ارک چیده بودند پیش داده بلوانم سباسب سرور و تفریح خاطر ملوکانه برداخته و فردای
آن شب مانند اعیان بزرگ ما بسلام عام داده و دیوانخانه بزرگ پادشاهی اوضاع سلام فراموش آمد تخت مبرمانا
بزرگ بقدر وجود فانیس الحودهایون زیب و زینت یافته امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردند و بلبت سینه و سران
سپاه و صاحب مضبان نظام نصرت فرجام و مستوفیان عظام و سرداران و بزرگان افغانه و سایر اهل اسلام و بعد
کنجایش دیوانخانه مبارک از نظام توپچی و سرباز هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک شدند
بعد از اسم مبارک جناب امیر المومنین علی علیه السلام صد و ده تیر توپ شلیک شده عالیجا خطیب باشی خطبه بیخ داد و پند
دانت آقا سید یون شاهنشاهی ختم نموده بعد از آن عالیجا میرزا محمد علیخان شمس الشرافیه غراکه در تهنیت این عید سعید

نظم کشیده بود با و از بلند معروض پیشگاه حضور بابر المورطو کانه داشته مورخین و التفات گردید و سلام عام بخجری
منقضى شد مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان و بیرهمام خارج چندی بود که موقتاً بدار الخلافه احضار شده بود
این روزها بر حسب امر اقدس هائون کاکان مأمور اذربایجان شد که در امور معهام خارج آن محکمت لوازم اهتمام و
مراقت را بعمل آورده و خدمات محکمه دولت علیه را از روی کمال کاردانی و کفایت سمت انجام و اتمام دهد و در
روابط دوستی دولت علیه بادر و بی همعهد و همجو خود و انجام مطالب حقه قونسولهای دول متحابه مقیمین و ارباب
لازمه کوشش را بعمل آورد و یکثوب جبهه ترمه علی از طبوس خانه خاص هائون بر رسم خلعت مقرب الخاقان مشارالیه
گردیده چند روز دیگر بکابل مأموریت خود روانه خواهند شد مقرب الخاقان میرزا مصطفی قلی مستوفی پیر قلی
مذوی دولت ابدارت هم موتمن سلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام بشغل سرشته داری و شریف
و قمر محاسبات اذربایجان حب الامر مأمور و فرمان هائون با فتحی مشارالیه شرف صدور یافته یکثوب جبهه ترمه
با خلعت مرحمت شد و چند روز دیگر بکابل مأموریت خود روانه خواهند شد عالیجاه خانوار خان هزاره که اورم
فرمانفرما حکمران بق محکمت خراسان بکجاست ولایت مرو برقرار و منصوب نموده بودند برادر خود شریک اجمالی خود
نایب الحکومه قرار داده خود این روزها با چند نفر ریش سفیدان و آق سقلاان مرو و اردو و بار هائون گردیدند و بعد
از چند روز دیگر شرفیاب حضور مبارک خواهند شد چون مقرب الخاقان حسین خان شامون در جنگ ترکمان
خدمت نمایان کرده بود و تفصیل آن در روزنامه پیش سمت ترقیم یافته است این روزها از جانب سنی احوال هائون
شاهی خلد الله علیه و سلطانه منصب جلیل تیرپی سرافراز گشته یک قطعه نشان از مرتبه دویم تیرپی هم در حق او
و فرمان مبارک شرف صدور یافت چنانچه در روزنامه های پیش نوشته از طوایف کولکان و مو
و سایر ترکمانان تبعه این دولت علیه بعد از استماع غایله جنگ و جدال فیما بین دولت علیه و انجلس معادل شش هزار
نفر داوطلب جدا و دفاع گشته نزد مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلمخانی و بیگلربیگی اسر آباد آمد مستدعی شدند که
مقرب الخاقان مشارالیه مراتب فدویت و لفتائی آنها را در راه ملت بین و دولت متین معروض رای اولیای دولته
مقرب الخاقان مشارالیه علیهم الصلوات و السلام و ابلاغ داشت چون اولیای دولت علیه آمدن شش هزار نفر سواره آنها را
و ضرورت داشت و نخواهند که بآمر از استعدادی داوطلبانه و غیره آنها هم صرف نظر نمایند لهذا حکم با حضا
مقرب الخاقان جعفر قلیخان و آوردن معادل دو هزار نفر از سواران زبده طوایف مذکوره صادر و انفاذ گشته بود
مقرب الخاقان مشارالیه بعد از وصول حکم مطاع سان سواره داوطلب ترکمانان را دیده اسب و اسلحه آنها را
و تدارکات طر و مالتان را فراهم نموده معادل دو هزار نفر سواره زبده بطایفه را با اتفاق بزرگان و
آنها برشته از اسر آباد عازم دربار محکمت مدار شد در یازدهم شهر حبه الحرب که خبر ورود مقرب الخاقان

در روز بیست و دوم ماه جمادی الثانی مقترب الخاقان عمده الامراء العظام فضلعلی خان امیر تومان از باغ جهان نما
شیراز حرکت کرده با سواره رنده از راه کاروان روانه اردوی سمت پوشه کرد و از سواره طوالیف که همراه او بودند
سواره قرا باغی و ناخلی و کمری و قورت بیکلو با استعداد و تدارکات لازم و با سواره ابوالجیمی خود مقصد داشت که
کوچ بر کوچ عازم مقصد بوده در هیچ منزلی توقف ننماید و در روز بیست و پنجم ماه فروردین امیر الامراء العظام میرزا محمد
کشیکچی باشی از باغ نوشیراز حرکت کرده در یکفرسخی شهر اردود با توپخانه و قورخانه و افواج قاهره و تفکیکی و سواره
بدین تفصیل که چهارده عراده توپ و هفت فرج که عبارت از فوج خونی و فوج قراجه داعی و فوج سیم تومان اول
و افواج ثلثه اصفهان و فوج احلاص را بودند و از تفکیکی پیاده اصفهان آنچه رسید بودند چهارصد نفر و باقی نیز از
صد نفر تفکیکی در راه بوده اند که بایست محلی بار زد و شوند و سواره از علما مان و غلام پیشیمان و سواره ناخلی و سوار
افشا فریب هزار نفر و جیره یکماه این قشون را امیر الامراء العظام کشیکچی باشی بخودشان داده و سایر تدارکات
انهار را از سرب و بار و ط و فشک و بیل و کلنگ داده و علی حساب مقصد و پنجاه بار قورخانه از کوله توپ و بیل و
و غیره حمل دو آب نموده با قشون ارسته و تدارکات را حرکت کرده در منزل اول که یکفرسخی شیراز بود یک
در قریه فیجان را بانی عالیجاه مقترب الخاقان میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس جهان بوده و علی الصبح که از
از آنجا حرکت نمود امرا و خوانین و سایر اهل شیراز کلامت اعیانده هر یک از مباحثین و کارگذاران امور
دیوانی نهاد انجام امور محوله بخود را نموده و تدارکات اکیده رفت که سیرت بعد قشون را با قورخانه و سرب
بار و ط و سایر اسباب که لازم است انجام داده متعاقب و متوالی بار زد و نفرستند و از آنجا با نظم تمام حرکت کرده
مقر شد که کوچ بر کوچ تا برازجان در هیچ منزلی توقف ننماید و تیر سپان و شکان و صاحب منصبان افواج هر
و سرکردگان سواره کلا در کمال خوشوقتی و دلگرمی ابوالجیمی خود را حرکت داده و محمود حاد و افراد قشون با نهایت
شغف و خوشنودی طالب دشمن گنی و خصم گنی بودند و بفضل الله تعالی و نیروی نجات بلند و طالع فیروز منته
العلی حضرت قوی شوکت شاه اسلام پناه اید الله حیثه و ابد العیش امید واری و کان کلی داشتند که اگر خصم
مقابل شکر فیروزی اثر بیاید از صدمت تیر و ضربت شمشیر غایبان لشکر اسلام و مجاهدین و دولت ابد فرجام جهان
بدر برسد و از برای مقترب الخاقان شجاع الملک نیز که در جنگ سابق تجربه کثرت با ندکی و سیل به بند واد صانع
ضرر رسیده بود چهار پویش و وجه نقد فرستاده شد که تا ورو دین اردو به برازجان ادم بخندد و استعداد
درست گردد اما و و دستیار و همچنین عالیجاه فرامرزخان مهندس نیز با اجزای خود وارد شده و آنچه اسباب
که لازم داشت تدارک کرده و دیده و سر انجام نموده حمل دو آب با گشش کرده با اردوی امیر الامراء العظام کشیکچی
ملحق گردید و سوار و پیاده نیز پیالی میسند

اخبار دول خارجی

در روزنامه دیپلماتیک فرانسه نوشته اند بتاريخ ۲۱ جمادی الاول که بعد از آنکه در شهر نیوکسل و لایس مجلس کرد و بود
 این مجلس عریضه بمجلس نوشته اند که جنگ با دولت ایران با اختیار حاکم هندوستان نیست که اعلام جنگ کند این
 جنگ دولتی است و باید اخبار این جنگ را دولت نماید جواب آن هنوز معلوم نشده است. ایضا نوشته اند که چنین
 معلوم میشود که جنگ انگلیس با چین جنگ متفق خواهد بود چونکه نیکی دنیای شمالی که قبل ازین اهل چین چند نفر از غریبه های آنها را
 گرفته بودند با انگلیس در محاصره شهر کانتان بودند و حکم شده است از فرانت که کشتیهای فرانس هم در آن طرف
 جمع شوند و چند نفر از تجار بزرگ هندوستان و چین که از رعایای انگلیس تند عریضه بزرگ کردند نوشته اند که اورا با این
 جنگ ترغیب نمایند. در چهار سال قبل ازین در لندن معاهده نامه تنظیم داده شده ایالت نوشتاتل را بحایت دولت
 پروسیه قرار داده بودند و این کیفیت را بدولت منعلوم و دولت فرانسه هم تصدیق میفرموده بود و چونکه نوشتاتل
 قبل ازین در اختلافی که در نوشتاتل ظهور کرده بود در آن اثنا اگر چه ایالت مرقومه از حمایت دولت پروسیه بیرون آمد بمالک
 جمهوری اسوچر منضم گردید این کیفیت را آنوقت دولت پروسیه قبول نکرده و درین خصوص رسماً پرسش نمود و باین
 از ایالتی ایالت مرقومه آنها را که طرفدار پروسیه بودند اظهار تصاحب کرده چند و پیش ازین بموجب تفصیلی که در روزنامه های
 اینجا نوشته بودند ترجمه شده درین روزنامه ها نیز نوشته شد اما لی مرقومه نیز بطرداری دولت پروسیه لوی جنگ افت
 بردی طرفداران جمهوری هجوم آورده بودند بعد از آنکه جمهوری اسوچر آن آشوب را خاموش کردند طرفداران پروسیه را
 گرفته بمجلس القامونند و در باب اخراجی آنها دولت را ایها هر قدر ادای تبلیغات نموده قطعاً حواله سمع اقبای جمهوری این
 باین جمهوری اسوچر و دولت پروسیه بجای اوله اینجا میزد چون که طرف مالک اسوچر با فرانسه هم حدود است در باب فتح
 منازعه حالیه دولت فرانسه توسطی که لازم است اجرا خواهد نمود مثلاً این توسط و تدابیر آثار نافذ و نافعه اش در حالتی که شاید
 میشود باید در حق دولت پروسیه و اسوچر خیر و منفعت آن ظاهر شود و در باب اخراجی و حضی مجوسین مرقومه توسط فرانسه
 از جانب دولت پروسیه بآنکه مخصوصه خواش شده و باین جهت اخراجی آنها بر ذمه امپراطور فرانسه لازم آمده و از جمهوری
 مزبور طلب نموده درین باب بغفشت و معاطه شده و جواب گفتند و باین فرانسه و پروسیه اظهار محبت و و داد شده درین
 صورت که خواش جزئی فرانسه را جمهوری اسوچر قبول نکردند نهایت امتداد این حال با سترحت حاضر فرنگستان خلل
 میرساند و اگر دولت فرانسه با دولت پروسیه متفق شود جمهوری اسوچر نباید تعجب نماید. بموجب اخباری که در این
 اوقات رسید جمهوری اسوچر مجوسین را که طرفداران دولت پروسیه بودند در بیت و سیم ماه جمادی الاول اجراء
 سیاست آنها را اعلام کرده اند دیگر نوشته اند که جمهوری اسوچر بجهت حرکات حاضر با بقادر شهر برن که مقر حکومت آنها
 مجلسی منعقد کرده و بیت و چندار قشون ترتیب نمودند و خبرال ده فور نام را باین قشون سر کرده تعیین کرده در این اوقات

برای و صواب دید سر کرده مزبور بجمع کردن بمقتاد دو هزار قشون نیز مباحث نموده اند دیگر نوشته اند بجهت
 اینکه بعضی مواد مهمه با امپراطور فرستاده شفا گفتگو شود از جانب جمهوری اسوچره کرن نام بپایین تخت فرست
 رفته است دولت پرستیه بجهت احوال حاضر از آن فرقه و نود هزار کس مرکب عا کرمی حاضر کرده و غنیمت
 حرکت دادن این قشون بجهت اسوچره جمهوری نموده و اگر موقوفه حسب الموضع از خاک حکومت و تبرع باید عبور نماید
 درین باب پادشاه پروسه بکومت مزبور بیان کیفیت نموده و حکومت مزبوره بی طرفی خود را در این باب اظهار
 کرده و عدم موافقت خود را بیان نموده درین صورت عبور این قشون از باویه را لازم می آید و درین باب بخیل
 و مشتت خوانند **تجهه مصارف لازمه** در این اوقات جمهوری اسوچره از بعضی قومانیته بشرایط عیدیه
 بقدرشش کرو در قرض کرده است دیگر نوشته اند پاشا پاس ملت کنو لیک عیسوی که در فرانت بود در ششم
 ماه جمادی الاول در کلیت در اموریته و عظمی و ضیعی میکرد با پاس دیگر بسهولت نزد او رفته باقیه که نهان داشت
 او را زده و کشته است و رالیه را همان ساعت گرفته و در وقت اجرای سیاست از او تحقیق کردند که این حرکت
 از چه سبب از تو ناشی شد گفته بود در بعضی مباحث دینیته مابین من و سر پاس برودت حاصل شده بود
 از تقریرات رالیه آنما جنون ظاهر شده بود لهذا سیاست او را تا بخراند اخته جشن نمودند از نمایندگان
 جمهوری بکی دنیا دو قطعه کشتی بلنکگاه واپس که از شهرهای چین است رفته بودند و از لنگرگاه واپس بان کشتیها
 انداخته و جنیل کشتی در کشتیها بهم رسید اما لی کشتیها بجهت طلب ضمیمه جرای بعضی تبلیغات باالی واپس نمودند
 آنها جواب داده بودند که تا کنون کشتی یکی دنیا باین ولایت نیامده و بیدقی یکی دنیا دیده شده بود و این کشتیها را
 کشتی سارقین تصور کرده توپ انداختند و بعضی عذرهای دیگر نیز آورده بودند سر کرده کشتیهای یکی دنیا نیز غنیمت
 آنها را قبول کرده بود چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده بود از جانب دولت فرانسه سفارت مخصوص
 و موقته سفیری مأمور چین شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسید سفیر مزبور در اواخر جمادی الاول از پاریس
 حرکت کرده و بجهت مرید احتشام اصد و پنجاه نفر از غل کفران با او همراه کرده اند در دولت دوستیه قرار است
 که از غل کر نظام اگر سرقتی ظاهر شود در هر منصب و رتبه که باشد از آن منصب معزول و اطلاق او ضبط دیوان می شود
 تا مدت ده سال در سبک تابین سرباز باید خدمت نماید این قرار باغ داده شده بود مؤخر از ضابطان نظام چند
 که یکی از آنها رتبت امیر تو مانی داشت سرقت ظاهر شده حکم مزبور در باره آنها اجرا کردید در این اوقات از صا
 همان رتبه ما دو نفر باز سرقتان ظاهر شده اطلاق موجوده آنها ضبط و خودشان از منصب معزول شده تا مدت
 ده سال در سبک نفرات عسکریه درآمده بآردوسی قفقاز ارسال شدند دیگر نوشته اند که در ماه جمادی الاول در
 مالمطوفانی شید ظاهر شد کشتی بخاری پسته که از اسکندریه بپرس میرفته از شدت طوفان غرق و کشته شده و انت باج

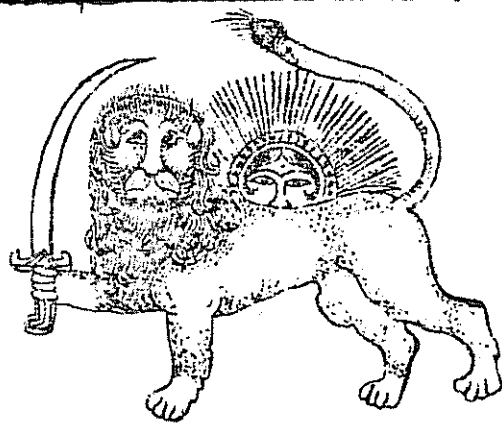
عمله که در کشتی نمر بود و ده اند فقط یازده کس با صلوات رسیده اند مابقی غرق و تلف شده اند دولت فلک
واردات و مالیاتش زیاده از مخارج و مصارف میخانه است در این اوقات قرار داده اند که بعضی از کمره های
انبار را تشریل بدهند دوسه ماه قبل ازین طوفانی بسیار شدید و رند و ستان شده در سواحل هندوستان
خیلی تلف شدگی و خرابی بنهوا آمده است حتی از کشتیهایی جنگی دولت فرانسه که در سواحل انبار کوشش میکردند
کشتی و قرق نام از شدت تلاطم امواج بکل نشسته و شکسته شده استیاهی که در میان او بوده اند تقریبی با صلوات
در آمده اند ولی چون در انبار که شکلی بیرون شدند بسیار بانی بود و در آبادی و خالی از آدم لا بد بر قرق نشسته و بیا
مدیر یافتند درین بین یک کشتی بخار فرانسه با نهها بر خورده آنها را ز قرق بکشتی بخار در آورده با صلوات سلامت
اختلاف طایفه ایانی معلوم است و بعضی اوقات چیرهای نشین از طبقات بشر بنظر میرسد که تازگی دارد از جمله
شخصی صاحب کنت و تجل در ممبئی فوت شده صنیعت نامه او را دیدند نوشته بود که ارباب خیرات بجهت مرخصی
اینان بیمار خانهای زیاده ساخته و پولهای فراوان خرج کرده اند ولی برای حیوانات ناکون بیمار خانه ساخته
و ناخوش و زخم داران را قلم حیوانات در بخولها و مغاره و کوه دیها تلف میشود لهذا فلان قدر اموال من
باید صرف این کار بشود که بیمار خانه بجهت انواع حیوانات بزند و معالجه و مداوای حیوانات رنجی و معلول بر داند
منبع گزافی چند هزار تومان زمینات و صیبت کرده و کذا اشته است و مثل این نیز در علاقه اسلامبول نوشته اند که
جواهری قانر نام از محلی عبور میکرد نظرش بر سکی ناخوش افتاد کارهای خود را کرده تا آن سکه را معالجه و مدا
کرد و بکاری دیگر پرداخت و تا بسوک دره و زیتون برونی و جامهای دیگر رفتن را متحمل شد تا اینکه او را چاق کرد
شهر دینه پای تخت شهر چون از بلاد بارده است در نستان غلبه اوقات برف زیاد در انبار میبارد و حتی بعضی
اوقات از کثرت برف عبور و مرور در کوچهها مشکل میشود و چندی پیش ازین از جانب دولت سهریه اعلان شده که صاحب
بیمارخانه باید برف در خانه خود را بردارد و هر مسامحه نماید منسحب معینی که تخمینا دوازده هزار دینار پول این ولایت است
بعنوان ترجمان از او بگیرند آن روزیکه این اعلان شده بود در شب آرزو برف زیاده آمد از پول استیاضی که باین اعلان
متألف نگرده بودند در یکروز بقدر پنجاه هزار تومان جمع شده بود چند و پیش ازین در پاریس پای تخت فرانسه
شخصی با سس فاخر و مقطع میخانه در آمده غذا طلبیده بود و بعد از صرف بعضی اطعمه لذیذ بخال سرفقت کار و و چکال
که با آنها غذا میخورد افتاده کار و و چکال را بغل خود پنهان کرده بود صاحب بیمارخانه هم فهمید و با خود گفته بود
اگر نظا بر از او مطالبه کار و و چکال کنم عیب رسوای و کسر بوس او خواهد بود در ذیل فقرهای ماکولات که صرف کرده بود پنجاه
هم پول کار و و چکال نوشته سیاه را بدست او داده بود معالجه هم بعد از ملاحظه سیاه فی الحال بدون تأمل خبر نوشته بود و داده و قریب
چون در سایر بیمارخانهها پول کار و و چکال متداول نبود و انکسبهای زیاده از قیمت اینمغنی سبب تعجب صاحبان بیمارخانهها
شده

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه و دوم شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

مردم سید و بیت

قیمت اعلانات
برطریق پستی



قیمت روزنامه
بر نسخه دیشهر

اجبار واحد مملکت محروسته پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات که چند روز بعد از نوروز سلطانی مانده و آغاز طبعه بهار و هنگام حضرت و زرتب تبین و جوباد از تفصیلات الهی بارندگی کامل شده و جویبار آمل و کشت زار آملی عباد سیراب مالا مال گردید هوا ای دارالخلافه طهران در کمال خرمی و اعتدال است و در دنیا من اقبال بیروال علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی صان الله انما شکته عن لبتناهی انواع نهای الهی از هر جنس و هر قبیل در نهایت فراوانی دار زانی است و عموم مالی و اعیان دارالخلافه صرفه بحال فارغ المبال بدعا کوئی ذات اقدس مایون شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان اشتغال دارند و چون هنگام غیبت حجاج بطواف بیت الله الحرام عالیجناب خیر الحجاج حاج میر بهار الدین جوادش با شکی بیزار آمده مردم را بر زیارت بیت الله الحرام اجبار و اعلام غیبت در این اوقات نیز بقانون مقررده بر ساله عالیجناب شایسته محل و کجا و بسته و زینت و آرایش بطور خاص که باعث ازدیاد شوق حاج بود داده بیزار را دمخات بر آمده مردم را بر زیارت که معطله اجبار نموده که از راه مقام غیبت نمایند و در روز بیت و مغمم اینها حجاج دارالخلافه طهران خواهند نمود (نظر سجدات و صدقات و دست فلی مقرب الخاقان میرزا عبداللہ خان سنونی خاصه که خاطر حضرت خا اعلیحضرت اقدس مایون شاهنشاهی را در عمل محاسبات و خدمات مرجوعه بخود راضی داشته خاصه در رسیدگی و محاسبه مفت له بطوس خانه خاصه بدن مبارک ابوالجحمتی مقرب المحضه النجافیه آقا عبداللہ رخت دار که کمال دقت و اهتمام بعمل آورده نهایت صداقت و راست فلی را منظور کرده اند و محبت طو کانه معضی حتمی خاص در باره ایشان مبارکده) بموازی یکموجبیه تر از بطوس خانه خاصه قریب ایثار و افتخارش فرمودند که بهتر از پیشتر بطوانم صداقت و حدت پر دازد (قدیمی فدوی دولت ابدار شام مؤتمن سلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام که مأمور در بار بود از در بار کردون مدار خض و روانه کردید) (عالیجناب مقرب الحضرت العلیه جیم خان پیشخدمت سرکار اقدس حسن

شغل محاسبان و قهرخانه اذربایجان بامر حرم ابراهیم خان والد او بود از رکاب مبارک مرخص و مأمور شد
 اذربایجان شد که در سر شغل و الدخود بوده محصلی مالیات و تمام کردن کتابچه های ولایات اذربایجان با اوباش (عالیجاه)
 حسین سرشته دار قهرخانه مبارک که چون در انجام خدمات خود کمال اهتمام را بعمل می آورد و در شب عید موکوب
 ولایت آیت امیر المومنین علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه که سبب حسن تشبازی از قهرخانه مبارک که بحضور یون
 آورده بود خوب از عهده برآمده و خدماتش تحسین و مقبول خاطر اولیای دولت علیه افتاده لکن ثواب چه تر
 لای همان شب بعالیجاه مشارالیه خلعت و در حق قهرخانچیان هم که مبارک سبب تشبازی بود و دافع امور موکوب
 کردید امورات قشونی در روز یکشنبه بهیچ هم نپناه که سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی غایت
 و شکار فرموده سوار شدند در بالای میدان اسب دوانی میان افواج قاهره تشریف آورده اول میان فوج ششم
 جمعی عالیجه محمد باقر خان سرهنگ آمد و فوج مزبور را ملاحظه فرمودند و فوج مزبور مورد انعام و التفات ملوکانه گردید
 بعد از آن میان افواج متوقف در انخلا تشریف آورد و فوج اردبیل و کین جمعی مقرب انخاقان نتیجه انخوانین انظام
 پشت سر تپ که مدتی در در انخلا و مشغول خدمت و قراولی میباشند از نظر مزارک شده در کمال خوبی مشغول
 و مورد رحمت ملوکانه گردیدند و چون مقرب انخاقان مشارالیه در نظم فوج مزبور اهتمام نموده بود از جانب سیاح
 اقدس تایون شاهنشاهی جناب اشرف اجداد فرخ عظیم نهایت التفات در حق او مبذول آمد بعد از آن یافواج را
 که صف نظامی کشیده بودند ملاحظه و تحسین فرموده و از آنجا میان سواره مقرب انخاقان خیر قلیخان ایلخانی تیر
 برده و سواره آنها را ملاحظه و تحسین فرموده مقرب انخاقان مشارالیه مورد التفات و نوازشات ملوکانه گردید و بعموم
 سواره مزبوره و آق سقالان نرنگان التفات و نوازش فرموده از آنجا بتفرج و شکار اطراف غایت نموده حوالی غروب قاص
 بارک مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند (فوج فدرسکی که احضار رکاب حضرت آیت تایون شده بودند در روز یکشنبه
 گذشته وارد در انخلا و مبارک گردیدند) از آنجا که خبر از تقییس سید زریس خلیفه بزرگ ملت اردلان
 در روز ۲۹ جمادی الثانی وفات نموده است و این قضیه بدو حق سابقه اتفاق افتاده زیرا که هیچ مرضی و علنی نبوده
 و در کمال صحت و تندرستی بوده است چنانچه چند روز قبل از وفات در جنرال قونسولگری دولت علیه با عالیجاه محبت
 و فحاشی همراه جنرال لیلی و عالیجه مقامات آگاه قونسول فرانسه و چند نفر از صاحب منصبان دولت بهتیه روسیه
 بودند غذای ایرانی و روسی ترتیب داده بودند زریس خلیفه غذای ایرانی را خیلی پسندید از مقرب انخاقانیه میرزا
 حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه خواش نمود که پیشتر خود را بمنزل ایشان نفرستد که پیشتر خلیفه را وضع
 طبع اغذیه ایرانی یاد بدیده و بهیچ روز سه شنبه بیت و ششم جمادی الثانیه جمعی را خلیفه بمنزل خود و عده گرفته از کارپردازان
 این دولت نیز و عده خواست اگر چه کارپرداز اول این دولت در روز موعود بجهت نقابت فراخ عذر خواهی کرده نبوده

بود برود لکن خلیفه در کمال صحت و مشغول نیز بانی معانیهای خود بود است در روز چهارشنبه بیت دهم شهر
منزبور اول طلوع فجر از خواب برخاسته سر و صورت خود را شسته چون روز منور روز ولادت او هم بوده با سها
فاخر خود را پوشیده عازم کلیسا میشود و پیش خلوت در الحاق را باز نموده بیرون رفته پرده را نگاه میدارد
خلیفه نیامد بعد یک دقیقه ایستاده بعد داخل الحاق شد می بیند خلیفه در روی صندلی با سترحت نشسته لکن نگاه
مکنی کند نزدیک او رفته ملاحظه می کند که فوت نموده است نو دوش سال شسته و خیلی آدم آگاه و مؤدب با سلوک بود

نفس او را بکلیس کذارد و اند تا با اعزاز و اکرام زیاد با وچ کلیسا حمل و نقل نمایند (از اینجا که توانست شایسته
افخم و الا بتا رحتام الدوله خاظمیرا حکم ان عربان و لرستان و بر وجه و بختیاری همواره اوقات آن
خدمات و نظم مملکت واری خود و خاطر اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه را راضی و مسرور داشته
در این اوقات محض رحمت ملوکانه در باره نواب مغری الیه یک قبضه نعلک دوله بسیار خوب تمناز با
لوله و در بین خوب سبزه ایشان رحمت و انفا ذکر دید) (چون عالیجاه آقا علی شتیانی پیشخدمت که محصل وجوه
خاصه همایون است در انجام خدمات مرجعه بخود کمال اهتمام را معمول داشته و خدمات او پسند خاطر اقدس همایون
شاهنشاهی و امنای دولت علیه گردیده بود لکن در این اوقات یک شب جبهه ترسیده و رحمت فرمودند)
از و فرخیدن انگلیس در بنادر فارس و حدود مملکت دولت علیه در این ایام مجاریه خواه بجهت فتنه و لیای دولت علیه خوا
سبب غیرت و حمیت امالی ایران کمال صوب داشت انگلیسها از اینجا که همیکر و حیل را شاعر خودشان دارند بول
رنیادی که زده با خود آورده بودند که در وقت تنگنا بخرج داده کار خودشان را علی العجله براه بیندازند و قتی که دیدند بندگان
و باقیمت های متعارفی امالی بنادر و سرحدا ت این دولت آذوقه با آنها نخواهند فروخت بنای عمل را بقلب گذاشته است
داده بودند که قیمت هر جنسی را ده سالی بپشت وی داده خواهند خرید بعضی از مردم ده لوح طرح که خبری از خیر و شر عالم
و نظایات کلی ندارند از شنیدن این قیمت کزاف طمعشان بچوش آمد در خیمه طالب با انگلیسها مشایع را از قرار قطع
و کار از قرار یک رسده تومان و پنچین سیر اجناس اینهن نسبت فروخته از آن پولها قلب گرفت کرده و خود را مستغنی گاشته
بودند بعد از دو روز دیگر فهمید بودند که این پولها جمیعاً قلب و میصرف و عیم زخرف بوده اند از قرار یک حساب کرده اند مرغ را براه
بلیتی و کار از قرار یک عباسی فروخته اند و الان بعضی از سکه های قلب نکلیس که هیچ نمی ارزد در دست امالی بندرات فارس مانده
و از نمون آن پولها با اسلحه طران هم آورده اند مردم تماشا کرده تعجب از ترستی ضراحتها نکلیس بنید اگر چه برای اینطور مردان
پر طبع بی تمیزی حقیقت نیامده بر اینهاست و کسی با حوال چنین آدمهای بی حمت افسوس ندارد و لکن برای اسم دولت نکلیس هم لایق
که کار گذاران بند بنای کار خود را با این شست و شسته بکند از و فریب عایای فقیر را غنیست بداند اگر چه نفری درین میان
کشیدند دیگران را هم بر ت حاصل که انگلیس نقد پول کزاف دارد که مرغ را یکی یک تومان بخرد و نه نقد سخی است که پول خود را با
خرج نماید بعد از این البته در خیمه نهانی هم امدی غبت نخواهد کرد که با انگلیسها چیزی بفروشد و اطفالی خالص
باضاعاف مضاعف و قیمت اجناس بهمند

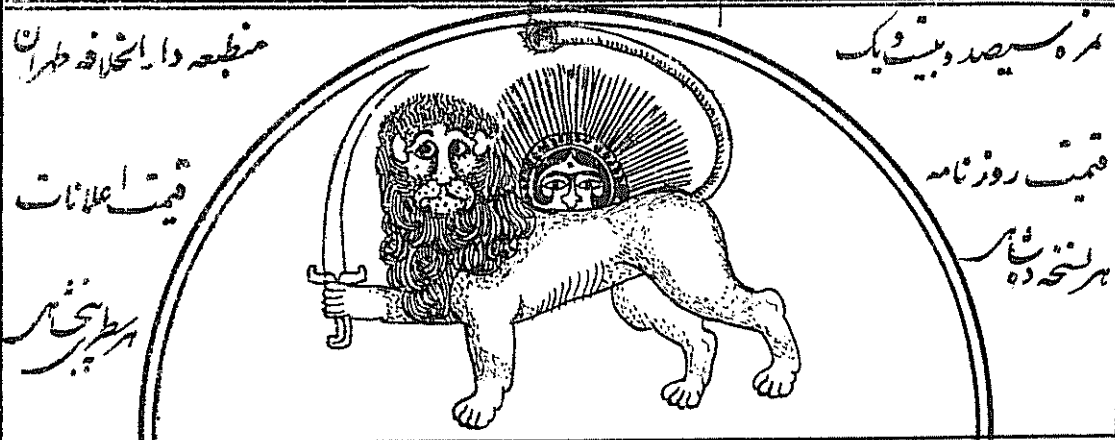
اخبار دول خارجی

در محاربات سیواسبول از قراریکه در روزنامهها نوشته اند چند نفر اعراف و اعیان کی از ضابطان گروشی را در جنگ گرفته و کشته بودند مقول نمایند چاشوش آنهاست که هر طور بود صاحب منصب مزبور را از جنگ آنها کشته همراه خود با سیر بار دو آورده بعد از وقوع مصاحبه او را بطول خود معاودت داده بود چون مثالی از صاحب دست و تکل بود در عوض این مجبیتی که چاشوش عکرمزبور با نموده و او را از کشتن خلاص کرده بود اما میانه با د قرار داده است در هر دو می توان نقد با و میسراند و همچنین در وقتی که قشون یورش با آنها برده بودند یکی از اعراف که فرانس بجا داخل شد طفل در دست او آمد آن طفل همراه خود بار دو آورده و مانند اولاد خود نگه داری نموده و موخر ایس برده در روزهای پاریس گذارش او را نوشته بودند آن روزنامه سیواسبول بنمود در آنجا خوانده بودند یکی از آن اشخاص که در وقت محاربه اطفال خود را گم کرده و پیدا نداشتند در کجا باشد معلوم کرد که این طفل اوست که در پاریس سلامت است مثالی از حیاتی یافته و با عیال خود غریب سفر پاریس نموده بان تکی که در روزنامه نوشته بودند رفته طفل خود را لم دید فوق العایدان و سر در شد و چون این شخص نیز صاحب وضع و ممول بود در حق آن شخص که طفل او را آورده بود انعام و اکرام میباید کمال محبت و آن را در باره او می دانست) (در حالیکه فرنگستان خصوصاً در انگلیس و فرانسه تخیلی که بکارها تعرض میدادند نفع آن در سال صد و پنجاه و یک و مئول بود چند وقت پیش ازین بجهت احوال حاضره ناپولی و ایسوپه نفع پول رتی کرده بعد وقت رسید در این اوقات که رفیع غایب آنها شده است بجهت تراحت مشقه فرنگستان باز نفع پول بهمان صد و پنجاه و یک قرار گرفته است) (در واسطه ماه جمادی الاول در سواحل فرانسه و انگلیس طوفانی شدید داده و تا سه روز متداوم بوده است از شدت تلاطم امواج و کشتیهای تجاری انگلیس باخیلی کشتیهای بادبانی شکسته و غرق شده است) (در دولت روس تفکیکی که سالات استمال می کنند همه چهاقی است چون بر وجه مطلوب بکار نیخورد این اوقات دولت مزبور قرار داده است که تفکیک افواج نظام کلاً و کلی و چاشنی دار باشد و بجهت آوردن استادان این صنعت بریطرزبورغ از جانب دولت روس چند نفر صاحب منصب فرنگستان رفته اند) (از امتعه و اجناسی که از خارج به دولت روس میرفت بجا که زیاد میگرفتند در این اوقات که چهار صد نوع از امتعه و اجناس را بر آن داده و کمتر نموده اند) (در سال گذشته در طوفان دریایا از کشتیهای تجاری فرانسه چهار صد و چهل و شش کشتی از انگلیس هزار و نهصد و پنجاه و شش کشتی در دریایا شکسته و غرق شده اند) (در پنجم کانون مانی در جزیره مانیل نام که از جزایر هندوستان و در زیر حکومت دولت اسپانیا است طوفانی شدید ظاهر شده از کمال شدت طوفان و انقلاب هوا بقدر سه هزار خانه با سفارتخانههای دولتی و کتبی فرانسه و انگلیس که در آنجا بوده اند کلاً منهدم گردیده و زیاده از ده هزار درخت نیز شکسته و ریشه کن شده است

چنانچه در روزنامه‌های گذشته نیز نوشته شد باین دولت وسیه جمهوریة ایسویچه در باب ایالت نوشتن برودتی که حادث
 شده بود در فترت رفته رفته شدت کرده و بیک مجر شد پادشاه پروسیه نود هزار قشون را به نه فرقه ترتیب داده و این قشون را از
 ورتنبورگ که مجبور از آنجا است بروداراده داشت بجانب ایسویچه حرکت بدید درین باب بکومت ورتنبورگ اخبار رسانید که
 حکومت مرنوردرین خصوص موافقت کرد و اخبار بی طرفی نمود بموجب روزنامه که بعد از است پادشاه پروسیه قشون مرنور
 از راه بادغاند و قزغزیت داشته است که حرکت بدید (جمهوریة ایسویچه نیز در شهر برن مقرر حکومت خود مجلسی را
 کرده بودند میت وچهار قشون ترتیب داده و جنرال دو قیونام را بر داری قشون مرنور تعین کرده بودند و بری و صوابدیه سردار
 بقا و دو هزار قشون دیگر نیز قرار گذاشته بودند که ترتیب بدیند بموجب اخباری که در مانی رسید جمهوریة ایسویچه قرار دادند که
 ایالتی ایالات خود را از ایست له تا چهل که در سلاک قشون داخل نموده با جرای تعلیمات می آنجا پرداختند و این باب که قرار داده
 شد و قشون ایسویچه به چهار صد و پنجاه هزار کسج بدید (در بیت و دویم با جمادی الاول خبر از راه سیم تغراف سلا
 رسیده بود که از ایالتی نوشتن کسانی که اصحاب دو احتمال باین احوال حاضر شده و باعث برودت باین دولت پروسیه
 و جمهوریة ایسویچه بودند اجرای محاکمات موافقت طرفین بدول فرنگستان محول شده اخبار اطلاق کردند و باین جهت علی
 جنگ طرفین موقوف شد است) (کذا ارش دولت ناپولی در بعضی از روزنامه‌های گذشته نوشته شده است
 که پادشاه ناپولی با ایالتی و تبعه خود پاره تعذات ظاهر کرده بود و این مقصد باعث انکارات باین دولتین و باین
 دولتین مرنور بعضی تکلیفات و اخطارات پادشاه ناپولی تبلیغ نموده بودند قبول نکرده باین سبب ترک مرادود و مخا برمود
 و سفر انجی خود را از ناپولی برداشتند و دولت ناپولی در صحیح معاملات داخله و بیقیه خود صورت جبریه طایفه کرد مع بدنا کنو
 تکلیفات مرقومه را مطلقا قبول کرده بودند و قشون از ایالتی ناپولی جسی آدم مقرر حکومت سیم تغراف از اجرا
 محاکمه بکفر از معامله بار ده که از او ناشی شده بودند و عرض حال آنها مرضی و مقبول خاطر پادشاه ناپولی افتاد و بعد از اصلاح
 امور داخله و اصول بیقیه خود همه آن شخصی را که باد و نفوذ و کلا محبوبت داشت امر با خراج آنجا فرستاد و کلا را غنیمت
 و متلخص است چون حاصل تبلیغات دولتین مرنور عبارت است از خلاص مجوسین مرقومه بود درین صورت که مقصود آنجا
 آمده دیگر باین برودتی فیما بین مانده دولتین مرنور باز اعاده مناسب و تاکیدی مانی داد و مخا و نت نموده اند) (در این وقت
 مجلس ملت و اصل از دکان اسوج و نوچیا کسوده و قرار گذاشته اند که از ایالتی آنجا از میت و دول ای چل خجی و در وقت
 جمع کرده با جرای تعلیمات آنها بپردازند و همین قشون تابیت و سال در سلاک کسج متلکشان و بجای که نموده اند
 انجار تا مقصد هزار کسج تخمین کرده اند) (از ایالتی فرانسه شخصی که قیصری چیزند در تابستان هر طو است کاری را
 پیدا می کنند و کدزان می نمایند ولی در نستان بی کار میمانند و بجزرت می کنند و از آنجا به صلاح حال آنها بلیاقتان

در خدمات دولتی و باقی بکار مزدوری از قبیل سنگی شش ماهها مشغول باشند در این اوقات از جانب حکومت
امپراطور فرانسه شش کرد و فرانک که برزاقی عبارت از یکزار دینار باشد اعطا شده است (و دیگر در باب فی که
در ایام جمهوری فرانسه حرکات معنیه تمیز بدولت کرده و آنهارا بجهت دشمنی که خفیه کرده بود در این اوقات
از جانب امپراطور فرانسه اعلان شده است که این شخص را عرض حال و ستهای مختصی از جانب امپراطوری قسم بخورند که
بدولت بعد از این عاصی و یا غی نشوند استعدای آنها قرین قبول و از حبس مستخلص خواهند بود) (تاکنون در نظر اهل
چین اهل فرانکستان مردمان وحشی و دور از مدینه می نمودند حتی اگر یکی را اهل چین بایک فرانکی الف می گرفت یا بجا
بفرانکستان می بردند در معاودت با او طریق بیکانگی مسلوک داشته و از او دوری می نمودند در این اوقات خاقان
چین بخلاف این قانون به نیت پیدا کردن مناسبت و روابط آمیزش و اختلاط بعضی دول فرانکستان اراده کرده
که سفیر روانه نماید) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده بود که از جانب دولت فرانسه سفیری بفرانسه
مخصوصه موقتاً نمیت چین عازم است از قرار روزنامه که بعد از سیصد و پنجاه سوره بودن بفرانسه و برای محافظت شیبهای
فرانسه که در سواحل چین مستند چند کشتی جنگی و در فرانسه حاضر کرده بودند و امرال ژنرال نام امیر البحر کشتیهای
معین کردید) (در فرانکستان بموجب قانون غلبه دول هر چند سال یکبار نفوس موجوده را سرشماری می کنند از جمله
دولت فرانسه درین اوقات اهل ولایات خود را سرشماری کرده است ذکر را و انا تا مختار و دو و کور و وسی و نه هزار
سیصد و شصت نفر بقیه آمده اند) (جزیره مد که هر که در سمت شرقی قطعه افریقا واقع است اهل آنجا بسیار وحشی و
از آمیزش و اختلاط با اهل مدین و دول مستند از قراریکه در روزنامه نوشته بودند از طرف دولت انگلیس سببه مراد
و تجارت نمودن با آنها سفیری مخصوص بآنها رفته و حکم آن جزیره را بفرانسه که زنی است ملاقات کرده اظهار
معاهده تجارتی نموده است که باین او و دولت انگلیس شود مثلاً اینها اصلاً مراد و مقصود ازین عهدنامه چه باشد
بگویش جایگزین شده و سفیر بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه
(از قراریکه از دولت بفرانسه اند و سمت مالک آن دولت بقدری ناستان است ولی و جمعیت و نیت
و ظهور و قوت صنایع با غلبه مالک فایق است صنایع آنجا بیش از جای دیگر است و بجهت صنایع در مالک بفرانسه
شصت و سه کارخانه روزنامه است که از هر کارخانه هر روز روزنامه طبع و نشر میشود) (در قطعه استرالیا که
معاودن طلا چند سال است پیدا شده و طلای بسیار از آنجا هر سال عاید میشود و تفصیل آن بکرات در روزنامه ها نوشته
در این اوقات در یکی از معاودن آنجا شخصی طلائی یکا رجه بهیئت سنگ وزنه که ششاد و چهارمین و کسری وزن او بوده است
پیدا کرده و به منظور بدن آورده اند و مقدار هر تومانی متجاوز قیمت آن است چون پاچه طلائی باین بزرگی تا حال
هیچیک از معاودن دیده نشده و تا یکی دارد از آنجا بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه

روزنامه قایم انفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور ماه مطابق سال ۱۲۷۳



اجبار داخل ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب شنبه بیست و چهارم ماه حبس چهل و دو دقیقه از دوازده ساعت گذشته تحویل آفتاب برنج محل گردید عید نوروز
فیروزستانی وقوع یافت اکثری از مجتهدین عظام و علمای اعلام ذوی الاحترام و خواص محترمین بزرگان و امنای دولتی
و مقربان حضرت کردون بطق سینه و سران و صاحب منصبان نظام و یورو مجلس تحویل بر حسب دعوت و اجبار حضور
داشتند تقدیم مبارکبادی عید فرموده و از انعام ملوکانه و شاهی شرفی عیدی بهره مند گردیدند و مجلس تحویل بسیار
و شایسته منعقد شده بود اعلیحضرت اقدس عالیون شاهنشاهی توجه خطاب خطاب عالیون را بجانب جناب اشرف ارفع
امجد صدر اعظم فرموده و نسبت به هر یک از علمای اعلام اظهار افتخار و عطف ملوکانه و از هر یک از خواص حضرت
تفقدات شایسته فرموده و فضیلت و انضام کشور و شکر بیان فرمودند و جناب اشرف ارفع را مخصوصاً بابت
حسروانی فرموده از سعی جمیده و خدمات جلیله ایشان تشنودی خاطر اقدس عالیون را اظهار فرمودند و جناب
نیربان بشکر گذاری کثوره بتقریرات بلیغه و بیانات انبغرض ائمان بحضور هر طوایف عالیون نمودند و فرمای آن شب گرد
عید نوروز بود سفرای دول متحابه بقرار معمول هر یک در ساعت مقرر با لباسی سراسی شرفیاب حضور مبارک و مورد انواع
ملوکانه گردیدند و بعد از مرخصی از حضور عالیون با جناب اشرف ارفع ملاقات نمودند و از تواب مستطاب اشرف ارفع و
امیر نظام با احترام نیر دیدن کردند و در دیوانه بزرگ پادشاهی سلام عید منعقد شده تحت مرمه تالار دیوانه بفرموده
فایض الحود عالیون زیب و زینت یافت امنای دولت علیه و شاهزادگان عظام و خواص حاکمان دربار سپهر ام و سران
صاحب منصبان نظام و خوانین و ارباب علم و یر خدتم و شرم و تقدیر کنجایش دیوانه مبارکه از توپچی و سپه باز هر یک در
مقام خود ایستاده اجرای شایسته و زینورک بقانون معمول این دولت علیه شده و بمرکز اعلیحضرت قوی کشته اقدس عالیون

۲۱۰۹

در سلام جناب شرف افخم را مخاطب فرموده غماشها می که باعث امیدواری و دلگرمی رسوم ملی مملکت از سپاسی و عین
 بالفاظ در بار او فرمودند بعد از آن عالیجناب خطیب باشی ادای خطبه بلیغ بنام نامی سرکار قدس تالیون و اختتام مدعا
 از دیاد دولت و شوکت ابد مقرر نموده و عالیجناب میرزا محمد علیخان شمس الشرافیه غرا که در تهنیت عید نوروز چون
 لالی آید برشته نظم کشیده معروض پیشگاه حضور مظهر و باو از بلند کوشش و نزدیک دور واقفان حضور نموده مورد
 تحسین و التفات حسه وانی گردیده سلام عام بخیر منقضی شد بعد از آن سرکار قدس تالیون بتالار سردرب دیوانخانه
 که شرف میدان ارک است تشریف فرما گردیده مالی دارالخلافه که از ضعیف و کبیر و برنا و پیرو میدان ارک مجتمع بودند
 از زیارت و جود فایض الحود و تالیون یکدیگر را چشم روشنی داده و در آنجا نیز شاهی شرفی بعضی ارباب طرب و غیره
 رحمت کرده (چون در هر یک از اعیاد از جانب بنی ایوانب قدس تالیون جمله ترمه شد و از سنگین جناب شرف افخم
 همه اعظم رحمت می شد در این عید چون هوا برودت داشت بمناسبت دفع سحر خیز ترمه بطایفه جناب طبوس خاص
 مبارک خود را قبل از سلام تحفه جناب معظم الیه محترم فرمودند و از جانب جناب صدارت عظمی نیز یکبار سرکداری تقدیم
 (در این روز نامه جمعه کردش عید و دید و بازدید مردم بیکدیگر علیحضرت قدس تالیون شاهنشاهی بخیر معده و تقدیر
 از خواص خدمت باقی جا کران در بار تالیون را از اعالی و ادانی از التزام در خانه و خدمات دیوانی معاف و حضور
 که بیدین علمی اعلام و مجتهدین ذوی القرب و الاحترام و دید و بازدید یکدیگر و ادای مراسم عید و مبارکبادی
 صدید پر دارند و همچنین نظام نصرت فرجام توقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و سرباز و عواره نظام و غیره کلا در
 چند روزه از شوق و تعلیم و تعلیم دارالفنون از تعلیم و تعلم معاف و مخصر میشدند) (این اوقات در گذارش احوال
 حاضره باین دولت علیه ایران و انجمن روزنامه زبان فرنگستان هر یک مصانین عبارات کونا کون می نویسند که
 نوشتن هر آنکه با عین نظیر یکدیگر اغلبی بی ماخذ بنظمی آید ولی از بعضی روزنامه مجتهدین آنها کاهی فقراتی که درین کتب می نویسند
 ترجمه شده درین روزنامهها مضمون مسکود از جمله در روزنامه که این اوقات از فرانسه رسید نوشته اند و ابتداء
 و اراشورای مجلس لایه و پالمسون بعد از گفتگوی زیاد در خصوص امورات داخله و امورات خارج که بنوعی متعلق
 در باب سلسله ایران چنین میگوید در باب امورات ایران راست است که ابتداء ای رقا را از جانب ولیای دولت طلب
 و نتیجه عمل دلیل بر جان رقا است و نباید این مسئله را بکوت گذراند چنانچه خواست بعضی اشخاص است که دولت
 ایران صاحب هرات باشد حضرات اجزای اولیای دولت سابقه مطلع شدند که دولت ایران اراده دارد
 که مملکت هرات را جزو ممالک خود بکند در این باب شجاعت تشرامیز دولت ایران نوشته شد دولت مذکور که
 از خیالات خود دست برداشت فقط آنوقت و حال اولیای دولت انجمن ملتفت شدند که برای خاطر سعادت و آزادی
 ممالک هندوستان باید دولت ایران را از گرفتن مملکت هرات مانع شد و پولیتیک حاضره همه در سر سلسله هرات است که

از سرحدات خاطر جمع شد اراده اولیای دولت انجلس آن بود که کلیه نوشتجاتی بر ایران را از نظر اجزای این
مجلس بگذرانند لکن اخبار رسید که فتح خان سفیر کبیر دولت ایران وارد پاریس شده با ایلی کبیر این دولت ملاقات
کرده است و از نتیجه ملاقات چنان معلوم میشود که امید صحت است چون مسئله مابین دو سفیر کبیر با یکدیگر است و امید
که بطور دلخواه بگذرد (چون پس از امورت امیر الامراء العظام کشیکچی باشی نسبت فارس عالیجاه نتیجه الامر را
محمد مهدیخان ولد خود را در سر منصب شغل خود گذارده بود و لازم بود که بحجه اطلاع آحاد و افراد الوابجعی عالیجاه
ظهور غایتی درباره او شود بنابراین یک ثوب جبه ترمه دور زنجیره از جانب سنی الحجاب اقدس هائون در وجه
عالیجاه مشارالیه محبت و غایت کردید) (چون عالیجاه خیمه الامراء العظام محمد حسین خان عالم سمنان و دوا
از عهد انتظام ولایت وصول و ایصال مالیات بسیار درست و بقاعده برآمده بود و انانی ولایت کمال
از حسن سلوک و نظم مشارالیه و اشتد بنا بر آن یک ثوب جبه ترمه در وجه مشارالیه محبت و غایت کردید که بانیست
امید واری در سرپرستی رعایا و انتظام ولایت خدمات تجله بخود اتمام داشته مشول خدمات دیوان اعلی
بوده باشد) (چون مقرب المحضه الهیه میرزا عبدالستوفی میزان مؤلفه یکده ماهه مأمور آذربایجان گردیده قیام
مهرجانی که در نزد او بود و عالیجاه میرزا سید رضی سرشته دار کمرگانیهای مالک محروسه که برادر او است پسر ده
که تا بر کشتن مشارالیه از آذربایجان در نزد او باشد و کس جوازی را در دهر بر نهد) (حاجی اسمعیل خان
شایبانی سالها درین دولت علیه بحسن خدمت معروف بوده در این اوقات که محمد تقی خان شایبانی و علیخان
وفات یافته هیچ برادران و منوبان او تغذیه دار بود و غایت خاطر ملوکانه شان حال آنها کشته خصوصاً عالیجاه
شایبانی برادر مرحوم مر نور که شایسته و سزاوار محبت بود موازی یک ثوب جبه ترمه برسم خلعت در حق او محبت
کردید که از لباس تعزیت بیرون آمده او و سایر و بستگان مرحوم مر نور بر اسم خاطر اهداش ملوکانه مستظرف و
باشند) (چون عالیجاه میرزا ظاهر وکیل مقرب الخاقان محمد ولینان پیکر بیکی سابق استرآباد در گذران
سه لاله او دینل و بارس نیل و توشقان بیل استرآباد مراتب صداقت و راستی خود را مشهود انانی دولت علیه
ساخته مستوجب غایت و التفات کردید لهذا یک ثوب جبه کرمانی از جانب سنی الحجاب اقدس هائون برسم خلعت
حق او محبت کردید) (سوار خیمه که احضار در بار هائون شده بودند در اوایل این ماه ششصد نفر سوار
سوار کردی عالیجاه نتیجه اخوانین العظام ذوالفقارخان پسر مقرب الخاقان حسینی خان خیمه وار و دار اختلاف مبارک
در سکارگاه از نظر مهر اژدها اقدس هائون گذشته مور بحسن و التفات و عالیجاه ذوالفقارخان سر کرده آنها بخلعت
مهر طاعت هائون مخلص گردیده لشکر نوبان عظام حسب الامر انان را دیده و مواجب شان را پرداخته ملاکات
لازمه آنها را از سر بیا و طعنه داده مأمورین شدند از فرار یک این اوقات خبر از شاهرویه تا آنها با کمال نظم قیام

سایر ولایات

حشران از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند چون آل درستان چنانکه بایست باریک بشود در او آب
 بود اجناس تحمیر شده کندی خرداری چنومان و جو خرداری چهار تومان و ایرجاس به نسبت شتی کرده و کرا
 شده بود ولی در او اخرستان برف و باران زیاد آمده چند نوبت بارندگی کامل شده از ترول حجت الهی چشم دل
 مردم سیر و بارداران انبارهای غله را سر بر کرده نرخ غله و سایر جنوبات تنزل گئی نمود چنانچه کندی از چنومان بدو
 و جو از چهار تومان بهیچده هزار رسیده و بجهت انداز هر نوع اجناس و جنوبات هم در ارض اقدس و هم در سایر ولایات
 کمال فور را دارد و همه چیز فراوان و ارزان است و ازین رکذرا مالی ولایت کمال شکر گذارید و از قدر وین از قراریکه در
 روزنامه قزوین نوشته اند امور ولایت خرمین انتظام و رعایا و مالی اسوده خاطر بدعا کونی دات اقدس بمایون شایستی
 دارند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار در انتظام امور ولایت و فاه و اسود کت و انجام خدمات دیوانی کمال استقامت
 بعملی آورد و بجهت الله نهایت فروانی و ارزانی در ولایت حاصل است با اینکه اسال سجه غله در آذربایجان غله که برال
 خمت و زنجان بقزوین می آمد بنامد مع و لک تفاوتی در نرخ غله بهم رسیده است در اوایل استان هوا بملا ممت و خوشی گذشته
 و بارندگی نشده بود ولی روزنامه ما هم جب که از قزوین رسید نوشته بودند که حال یکجا است که برفهای متوالی آمده
 بهفت شت نوبت در هر نوبتی بقدر نیم ذرع برف برین افتاده هوا را بدت سرد کرد حتی چند روز از شدت برودت کشت
 برف راه عبور از طرق و شوارع مسدود بود بطوریکه از دات نزدیک مس بشهر عبور و مرور نمی شد و تا چند روز دکانین باز
 بسته بود و این بارندگی زیاد و برودت هوا مطلوب دعا قین و زراعت کاران و صاحبان املاک و باغات بود که بآید
 حاصل کمال امید واری بهم رسانیدند (دیگر نوشته اند که چون همه مالکین و مباحثین پنجاه تا بیست هزار در وقتیکه
 بهمانه ای که امسال چ گرفته شده و نیت مالی ولایت را در تنگنا و صعوبت می انداختند امسال مقرب الخاقان حاجی حسنعلی
 از بمکی آنها التزم گرفت که پنجاه هزار کما یمنج نمایند و در استان راه عذر و بهانه نداشتند با و مالی تنگی کشند) (دیگر نوشته
 اند که چون سجه احوال حاضره قشون بکنیس در بندر بوشهر مالی هر یک از مالک محروسه سجه رخصت دفع و جواد و جان
 در راه رفت و دولت قوی بنیاد از جانب خود آدم امین تبسری بدر بار جهاندار بمایون شایستی صان الله ایام شوکه عن الله
 فرستاده و استعدای خود را عرضه نوشته اند مالی قزوین نیز از شدت محبت دین مبین و غیرت دولت ابد این جانب فیض
 محمد الزمان میرزا عبدالوهاب را که محکم کل ایل مله و پیشوای قوم است بدر بار جهاندار بمایون از جانب خود روانه داشته
 و استعدای خود را اینجا کی مبارک عرضه داشت نموده اند تا بدینچه حکم از مصدر سلطت عظمی شرف صدور یازار
 معمول دارند) (دیگر نوشته اند که در باب افواج و اموری که از قزوین عبور و مرور می نمایند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی
 نهایت توقیر و احترام و مهربانی را بعمل می آورد و بنحوی سندی عبور میدهد

اخبار دول خارج

اهل بیان که در سمت شرقی چین واقع است و تقلید صنایع بسیار باهند و هر چیز را پسند بعینه همان را میسازند و حال ده سال است که در ساختن کشتی تجار کوشش میکنند تاکنون شصت و اندک کشتی در این اوقات بجز خود دربار کشتی تجار عتراق و بجهت تحصیل از صاحبان این صنعت بابت یکنی و دنیا و نخلیس بصورت مهندسان اشخاص چند روانه کرده اند که ساختن کشتی تجار را یاد گرفته و ولایت خود را بدور دریای آنجا بکار میسازند (تباریکه در روزهای سابق نوشته بود که کشتیهای جنگی نخلیس که در سواحل چین بودند سر کرده آنها را قایم مقام شهرکانتان طلب ترخیص بجهت یک نفر نخلیس که اهل کانتان کشته بودند نموده از جانب قایم مقام مزبور جوابی بروی مدعیان داده سر کرده کشتیها بمعاذ جبری اقدام نمود قایم مقام کانتان هم بعد از ملاحظه این حالت حکم کرد محله که در جلوه شهر محل شصت و نخلیس و قونسولها و تجار و فرنگستان بودند پیش زدن اهل فرنگستان خود را بکشتیها رسانده جان بدر بردند فقط از نامورین نخلیس و نفر بدست اهل کانتان افتاده بقتل رساندند و در محله مزبور قونسول خانهای نخلیس و اسپانیول و پورتو قال و سایر دولتها فرنگستان را باجلی خانهای تجار فرنگستان آتش زده و خراب کردند و از کشتیهای فرنگیها نیز شهر مزبور توپ میزدند و قراریکه نوشته اند آنچه خانهای فرنگیها بودند اهل کانتان آتش زدند و آنچه اهل کانتان است فرنگیها آتش میزنند درین صورت کلی شهر کانتان محرق و خراب خواهد شد) و دیگر نوشته اند که قایم مقام شهر کانتان باینطور اعلان نامه بکانتان خود نوشته است (منکه قایم مقام شهر کانتانم باین وجه بکافه تبعه خود اعلام میکنم ملاذ ما که مملکت عالییه پادشاه است و قتی که وحشیان نخلیس هجوم آوردند حید و لغدتی آنها بوقوع آمد لهذا اینها را در هر کجا که بیاید بقتل ان شمارا دادیم همگی با اتفاق کله آنها را از بدن قطع نموده بجانب حکومت بیاورید هر سری را سی ریال انعام داده خواهد شد نظر باین اعلان نامه اهل کانتان از اهل فرنگستان کس پشیمان می آید می کشند و سر آنها را نزد قایم مقام مزبور میبرند حتی یک نفر خطیب هم که از اهل ایتالیا بود کشته اند درین حال این ماده علیظ خواهد شد و طولی خواهد کشید تا باصلاح سیاست (در روزنامه دیگر نوشته اند که اهل کانتان قبول دادن ترخیص کرده بودند بعد از آنکه استعداد خود را بشیر دیدند از قبول ترخیص کنول و بکر کرده کشتیهای یکنی و دنیا نیز که ترخیص داده بودند مخالفت نمودند سر کرده کشتیهای نخلیس نیز و کشتی مقابل آنجا کشیده و شروع بشلیک توپ نموده که کخانه آنجا را آتش زده خراب کرد و بعد از آن با سر کرده کشتیهای یکنی و دنیا اتفاق نموده بیک طرف شهر حمله آورده ولی یک برج بیشتر نتوانستند متصرف بشوند و در آن برج یک توپ کار فرنگستان که دویت و پنجاه سال قبل ازین ایام ریخته شده بود یافته بآنخکس فرستاده اند) (در باب ایالت شونگ که متنازع فیته بین دولت پروسیه و جمهوری اسپانیه بود و تقصیل کنول قتل و قتل و تهیه و اعلان حرب و جدال طرفین در روزهای کانتان نوشته شد در این اوقات بمصاحبه آنجا میروند و قرار داده اند که مجلس مصالحه در لندن منعقد شود و از جانب دول فرانسه و پروسیه

و اسبوحه مهرای مخصوصی مانور اندن است که در مجلس مزبور امضا صحیح را بگذرانند (دیگر نوشته اند که از تبعه دولت اسپانیول میروز نام که ده سال قبل ازین سبب اختلال و اعتسای اسپانیول شده و ضرر خسارت زیاد بان دولت وارد آورد تاکنون گرفتن او بجهات عدیده میسر نشده است و بملاحظه اینکه بهین طرز اندن این شخص عاقبت الیای باریب اعتسای دولت اسپانیول خواهد شد از جانب پادشاه اسپانیول بشا رالیه خطوط بیانات شده است که بهیروز در صورتیکه دخالت و استیذان بدولت اسپانیول نماید جنایات او عفو و بیچگونه معامله بآورد و در باره او استخا به یافت بشا رالیه نیز غرض حال بدان منوال کرده و در روزنامه های اسپانیول نوشته اند) (در سمت غلی فطیله افریقا جمهوری پرو که حاوی شت کرد و خلق است رئیس آن جمهوری بهر پنج سال بکثرت طرفداران عوض می شود در این اوقات مدت یاست رئیس جمهوری آنجا بنهایت رسیده در خصوص تعیین رئیس جدید آنجا بجمهوریه با کثرت رجوع شده مابین امالی بعضی مخالفات روی داد و دو فرقه شدند طرفین بجهت اجرای و نحوه خودشان در ششوس نوشته جنلی حرب و جدال نمودند تا فرقه که طرفدار و یقانی نام بودند غالب آمدند و نظر باصول موضوعه و اکثریت هوا داران بشا رالیه ریاست ممکن و اختیار و کشتی نیز که در لنگرگاه آنجا بود با و کردید و بخت دیگر فرقه که مخالف او بودند و دیگر ریاست میخواستند بر سر جمهوری بهجوم آورده جنگ در پیوستند و از کشتیهای مزبور نیز بکجایت و یقانی و جمهوری به مخالفین حارب اقدام کردند درین بین بعضی سباب امالی یکی از آن کشتیها بطرف معاندین مایل شده شروع انداختن توپ بمبت و یقانی و جمهوری نمودند بعد از محاربه زیاد و باز طرفداران و یقانی غالب آمدند بشا رالیه زمام ریاست آنجا بدست گرفت ولی طول کشیدن این اختلافات سبب خرابی امالی آنجا و پریشانی جمهوری شده از طرف بخلتس باسما اصلا حال آنها یک قطعه کشتی جنگی با آنجا رفته است تا بعد چه شود) (در این اوقات در اکثر محال فرمکتان پول کاغذی بسیار شده بیشتر آنها بلکه همه قلب و خارجی درآمده و مبلغانی که درین کاغذها مرقوم است ده سوی آن پول از مردم گرفته شده و خیلی آدمها پوستان از دستشان بیرون رفته است بجهت جلوگیری این کار پادشاه پروتیه در دولت خود کرده است که بعد ازین خواه در برلین پامی تحت پروتیه و خواه در پرتیه های آنولایت مادام که تصدیق حکومت منضم شود ازین پول کاغذی نزنند) (دیگر نوشته اند که در سال قبل ازین در لندن شخصی اورنام چیزی مانند نفیر بت گرفته و خود را اسرافیل نامیده بر بسیل اعلان بعضی کلمات واهی باجاء داده در کوچه و بازارها گردش می نمود و کیفیت در درون مملکت موجب بعضی قیل و قال گردیده لهذا دیوانیان و ارا از آنجا طرد و اخراج کردند و قرار دادند که دیگر باندن نگذار و مشارالیه از آنجا به یکی دنیا رفته و یکی دنیا نیز همین شوه را پس گرفته خیلی از عوام ان تاس بر سر او جمع جمهوری یکی دنیا مطلع شده و ارا از آنجا نیز اخراج کردند تا دنیا باندن آمده همان افکار و اعلان بقره را از سر گرفت در این نوبت گرفته مجوس کردند این اوقات اسرافیل بشا رالیه در محسبان بغیر انیل تسلیم نموده است

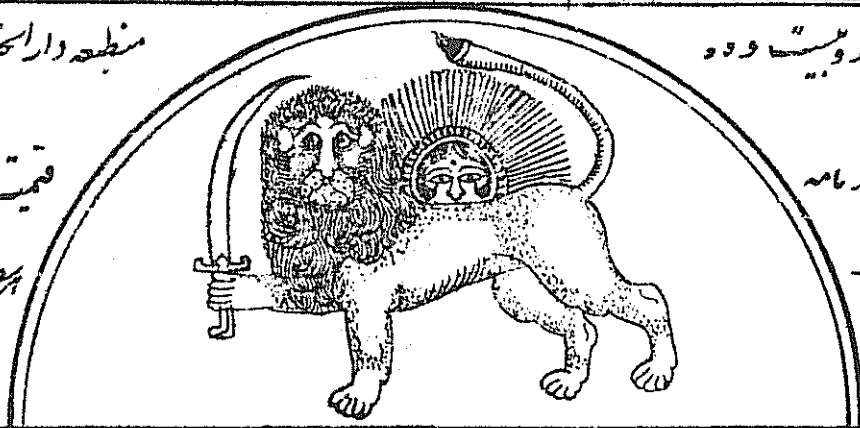
روزنامه قایم القایه تاریخ پویم ششم شعبان المعظم مطابق سیل شلمان سیل

منطقه دار اختلاف طهران

نزدیکیت و دو

قیمت علامات
بهر پرتی

قیمت روزنامه
در نسخه



احبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در این اوقات که اوایل بهار است اطراف دار اختلاف طهران کمال صفای و خرمی را دارد و نظر بخوبی هوا و خضرت
و جو بهار خاطر آدمس هاپون شاهنشاهی بعضی روزها مایل به قریح و تماشا کشه سوار می شوند و اطراف دار اختلاف
بسیار قصر و شمعانات را تفریح میفرمایند افواج قاهره نظام نیز چند روز است که در میدان ارک و میدان خاج
دروازه دولت مشق می کنند و معلمین و متعلمین مدرسه دارالفنون نیز مشغول تعلیم و تعلم قواعده و حریک و طبع
و غیره میباشند و شمعانات و تفریح و رسیدگی بکارشان در روز یکشنبه دویم شهر شعبان علیحضرت اقدس
شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه دارالفنون گردید با طاق هر یک از معلمین تشریف برده و بدین کار
مدرسه رسیدگی نموده و محبت فرمودند (فوج ششم تبریزی ابوبیجمی عالیجاه محمد باقر خان سرهنگ پسر مقرب
محمد خان امیر تومان را در روز دوشنبه بیت و پنجم شهر حرم الحجاب که روز ششم عید نوروز بود حسب الامر اقدس
لکزوبیان عظام در بیرون دروازه نوسان دیده و موجب حیره و انعام رحمتی بآنها را عاید گشته با کمال ازا
و نظم مأمور خدمت خشان شده روانه گردیدند) (چون مقرب انخافان امیرالامرا و العظام امیرصدخان حاکم دار
الکبلان نهایت مراقبت و اهتمام در انجام امورات دیوانی و انتظام امور ولایت و رعیت داری بعمل آورده و مدد
و جوه خزانة عامه و سایر امورات دیوانی خاصه در آوردن چرخ و باب جلای بافی که متجاوز از هزار خزان و زن وارد
انزلی تا بنجیل بطوری که زاید و سبک که احدی نتواند و بهر علت و سببی از غنمه انجام خدمت خود بخود برآمدند
حسن سلوک و رعیت داری مقرب انخافان شایسته مشهور و ملحوظ خاطر اقدس هاپون حبس تحبیل و لای دولت تکلیف
مستوجب عنایت و القای تازه آمده لهذا در این اوقات از جانب طوکار میقطعه نشان تمان بمشال هاپون
مکمل الماس با کتوب جبهه ترمه از جامه خاصه مقرب انخافان شایسته رحمت عنایت گردید) (عالیجاه)

میرزا زین العابدین توفیق بی سبب و حرمه که در سنه ما ضیة لوی یس بکالت کیلان سرفراز شده بود در امر و
 اتولایت بطوریکه باید مراتب جد و جهد و استقامات خود را مشهود خاطر اولیای دولت علیه و شته مور و حجت گردید
 در این اوقات یکثوب جبهه کرمانی با د خلعت مرشد (علیجا نتیجه الامر العظام محمد باقر خان سرنگ فوج
 ششم تبریزی که مامور خدمت سران شد و فوت درین روزنامه مطبوع گردید چون مراتب اتهامات خود را در نظم
 ارستکی فوج مریوز مشهود خاطر اقدس یون دشته بود لهذا از جانب سیاح و اب طوکانه یکطاشال ترمه با خلعت
 گردید) چون مقرب الخاقان امیر الامراء العظام محمد ناصر خان ایکس قاسی باشی در روز عید نور و سلطان فی نظم
 سلام دیوانخانه بزرگ را بطور خوب و شایسته داده و خاطر اقدس یون شاهنشاهی را از حسن کفایت و کاد و
 خود خرسند داشته بود لهذا محض ظهور حجت طوکانه یکثوب جبهه ترمه علی از طبوس بدن مبارک با حجت
 فرمودند) (در روز دوشنبه سیم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بیان نظام تشریف فرما گردید
 افواج قاهره متوقف در اختلاف و در حضور مبارک مشق نمودند حرکات مشق و ارستکی آنها مستحسن و مقبول خاطر
 طوکانه افتاده لصاحب مضبان و عموم احاد و افراد لازم نوارش و التفات را فرمودند) (مقرب الخاقان
 پاشا خان سرتیپ این روزها از دربار جهاندار رخص و مامور گردید که رفته کسر فوج قهرمانیه و خنخال را که
 بشا را لیه ابوابیج شده است تمام نماید و آنها را آماده ساخته بد آنچه حکم شود معمول دارد) (قورخاچیان
 اوز باجانی که احضار در دربار یون شده بودند این روزها وارد در اختلاف طهران گردیدند) (سابق برین
 اعلام از جانب دولت علیه شده بود که هر برات و سند دیوانی که درست کسی لا وصول باندالتبه دلیل خواهد داشت
 که بان سبب ادای خواه آن را از جانب دیوانیان عظام اقدام نشده است و نیز در ضمن همین معنی اعلام شده بود
 که هر کس برات و سند دیوانی او با لغض از سالی بال دیگر بماند و برات مریوز حاسی با و از روی غفلت اتقاق قاده با که وجه
 آن سربران صاحب برات لازم است که در سال نوآمده برات خود را تجدید نماید تا درجه برهم برسد و دیوانیان عظام را در ادوار
 حرفی نرود چون این مطلب از جمله اهم مطالب است و استحضار عاظمه ناس ازین فقره ضرور لازم بود لهذا مجدداً در ضمن این
 روزنامه بالمصراحه اعلام میشود که این حکم دیوان اعلی را کتبی و عسومی دانسته بعد ازین کس را بر حسب اتقاق
 سندی و درست بماند در سال نو بد فقره مبارکه آورده تجدید نماید و از مهر و ثبت جدید ستوفیان عظام
 و الا ان برات حکما از روی دلیل خالی از وجه و خارج از درجه اعتبار خواهد بود بدیهی است که هر برات جانی
 در همان سال صد و برات عاید میشود و اگر نشد دلیل بر بطلان آن موجود است و یا اگر سهو و بیان شده باشد
 تجدید لازم دارد در هر حال برواه کهنه دیوانی را مدام که تجدید نشود اعتبار رسد هیچ وجه نخواهد
 بود

امور دارالخلافه طهران و توابع از حسن اقب و اتهامات نواب مستطاب هزاره مجسم والا تبار میرزا
 حکمران دارالخلافه و مقرب انخافان میرزا موسی وزیر در عین انظام است و مایه ایجا که محمود خان کلانتر و
 که خدایان حسب الامر بطلم امور شهر و محلات و انجام خدمات محلی که بخود مشغول میباشند و امر و اول
 در نهایت انضباط است و سرعت و خلاص حساب بسیار بندرت اتفاق می افتد و امانی دارالخلافه و کمال
 فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات اقدس تالیون شاهی شغال دارند در روز سیردهم عید تقانون
 دولت علیه مردم از صغیر و کبیر و کاهن و بازار بارالسبه تهنیت و تماشا به بیرون شهر و باغات و
 و سبزی کارها میروند و آن روز از عیش و تفریح و سرور بسیار بهره دارند و در آن روز از بعضی جهال و الواط در
 مزبور هرزگی و شرارت بروز میکرد در این ایام انکال مراقبت اولیای دولت علیه شرارت و هرزگی
 موقوف است و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد و چنانچه درین سیرده عید با وصف کثرت و ازداد
 خلق که از همه دروازه بیرون رفته بودند و در هر طرف جمعیتی منعقد بود صدای خلاف از اصدای بلند شد
 و از هیچکس خلاف حسابی ناشی و صادر نگردید (از اخبار دول خارج اگرچه در صفحه پنجم و ششم بعضی فقرات
 نوشته شده ولی یک دو فقره که تازه ترجمه شده و تازه نگینی داشت درین صفحه مسطور گردید) (در روزهای
 و مکنستان نوشته اند که نوکر یک صراف رفته بود که برآه نه صد تومان وصول کند و آن پول را برات دو
 گرفته بود و در مراجعت شخصی باو برخورد کرده بود که لباس و جزو کشتی مثل نوکر صراف داشت و باو گفته بود که
 هم نوکر فلان صراف هستم بعد از آنکه چند قدمی باهم رفته بودند مردی دیگر با آنها برخورد و بزبان ابله سنگی
 تکلیم نموده و گفته بود که من وجه طلا دارم و میخواهم با برات دولتی عوض کنم رفیق ثانوی گفته بود من ندارم و
 رو بنوکر صراف کرده گفته بود تو که داری عوض کن و هر دو اصرار کرده بودند تا راضی شده برات نهصد
 و طلا گرفته بود بعد از آنکه بمنزل برده در آنجا و ارسی کرده دیده بود که آن پولها کلاسه خارج ضرابخانه
 و مس خالص است که مطلقا کرده اند) (دیگر نوشته اند که در فرانس سالستان ریاضت و سخت
 شده و برف بسیار آمده بود و باین سبب کرگ بسیار از جنگلهای بیرون آمده و رو با آدینا گذارشته
 و خرابی و اذیت با آدینا بسیار شده بود و از جمله در یکجا مرد جوانی شب بمنزل خود میرفته است که
 در عقب او کمین کرده بود و از اتفاقات آن شخص بزرین خورده بود فوراً اگر بروی او حمله و او را
 چنگال درآورده کرد و نش را میچرخ ساخته و خون او را با تمام یکسده او را ملاک کرده بود و این کرگها
 یک جنبی هستند که در آن ولایت بعضی ها یافت میشوند و بخوردن محوم مطلقا میل ندارند از زبان و حیوان
 بچنگان بیاید خون او را می مکند و گوش را میخورد

سایر ولایات

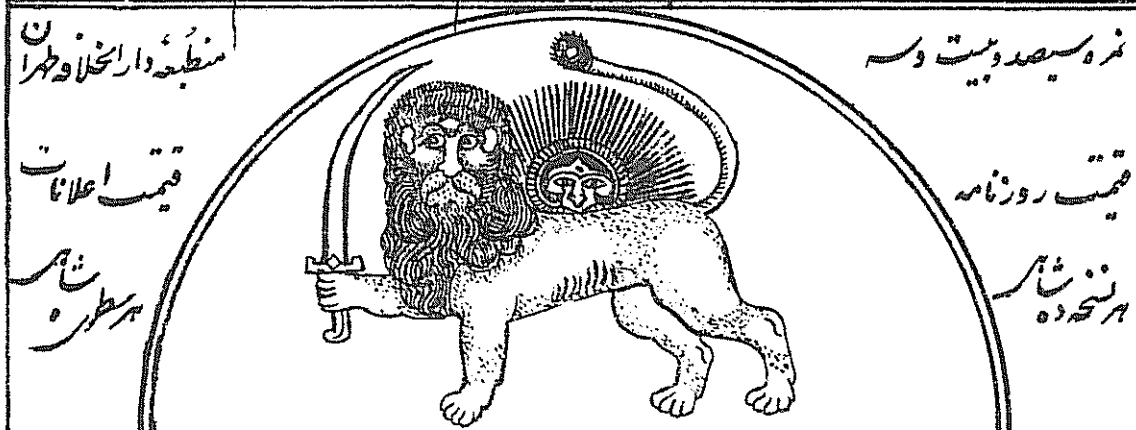
فارس از قراریکه در روزنامه شیراز نوشته اند امور آنجا از اتمیات کارگذاران دیوانی قرین نظام است
 و نواب امیرزاده و مقرب الخاقان حاجی قوام الملک حاجی امیر در نظم امور ولایت و انجام خدمات دیوانی سعی وافیه
 کافی بعمل می آورند با اینکه عساکر نصرت شاهنشاهی ایدالیه مستولان آنجا عبور نموده و می نمایند با بجهت
 عله و آذوقه از چربی نسبت به سایر ولایات دیگر در کمال فراوانی و ارزانی است بخیر و بعضی سقط باریکه فی السجده
 دارد و باقی اجناس و کولات از هر قسم از آن و بسیار است از جمله کدو و قور و دو تومان و جو و خرداری یکتومان
 و بزنج چپایک من هفتصد دینار و بزنج شهری یک من هشتای و گوشت و روغن و سبزیجات و کولات بهین
 نهایت و فوراً دارد و مالی آنجا ازین حمله شکرگذاری تمام دارند خصوصاً در این اوقات که بجهت عبور و مرور عساکر مضبوط
 بازار داد و ستد کسبه و آف کرم بوده و منتفع گردیده اند و از حسن سلوک لشکر فیزی اثر هم نهایت رسانند
 داشته اند که هم در منازل عرض راه و هم در خود شیراز با نظم و حساب راه رفته اند و هیچ جا خلایق
 ناشی و صادر نشده است و مقرب الخاقان میرزا نعیم شکرلو بنی فاشی فارس در کار قورخانه و انجام امور لشکر
 سایر خدمات مرجوعه بخود در وقت تمام بعمل می آورد و همه روز عله و آف قورخانه بستن کیه و فشک توپ تفنگ و انبار
 سایر آلات و ادوات جنگ مشغولند و چنین امور چارهای عرض راه را امیر الامراء العظام کشیکچی باشی در اوقات
 با ولایت نظم خوب داده اسبهای آنها را به عرض نموده اسبهای جوان فربه را به وارد داده و در هر منزلی هم دو اسب
 به استمراری زیاده نموده که در روز و سیاه از اخبار و مکاتیب و حکام بهیچ وجه متعطیل نشده باشد (و دیگر از ردوی قشون دست
 علیه و فارس نوشته اند که مقرب الخاقان شیخ الملک نواب استیجاب بوقت الله و له پیوسته در تنگ بفرک و برار جان آوردند
 و امیر الامراء العظام کشیکچی باشی هم با عدت و حشام تمام با آنجا وارد گردید و لشکر فیزی اثر با استعداد و آسکی تمام آن
 ساحت را فرو گرفته اند و متوالی و متعاقب هم فواج قاهره و فوجی و سوار چون اتا مطار که بهم پیوسته سیل شمر و بجز خار نبودند
 وارد اردوی ظفر گوه میشدند چنانچه از تکیه اصفهانی که تازه گرفته شده بعد از حرکت امیر الامراء العظام کشیکچی باشی از
 شیراز قریب هفتصد نفر زنده وارد شیراز شده روانه اردو گردیدند و فواج قاهره نیز هم لحنی باز دوشده اند و فوج
 مراغه که تازه وارد شیراز شده بوده اند و سه روزی در شهر بجهت انجام بعضی اسباب و لوازم سوار را قبیل طرف است که
 سربازی در سفر خصوصاً در میدان جنگ باید همراه داشته باشد توقف داشته اند که تیه این خبریات را دیده بعد از سه
 روانه اردوی برار جان شوند با بجهت تا بهیم ماه گذشته جب که روزنامه شیراز نوشته اند قشون دولت علیه کمال
 و آسکی در برار جان بوده اند و آذوقه و سیورات نیز از اطراف علی التالی بار دومی آمده است و مالی که میراث
 در مقام خدمتگذاری بوده اند که صفحات داران ولایات خبری عتاش دهنه است چند دسته سربازان مدانی با بجهت

اخبار دول خارج

در روزنامه‌های سابق نوشته شده بود که سپه پاس ملت کولیک عیسی را که در فرانس از جانب پاپای برز
پیشوای ملت بود در وقتی که بابل ملت و عظمی نمود پاپاس یکرا و اناگاه با قمر زده و کشته بود قاتل را با نوقت گرفته
خواستند بوزند قصاص نمایند در بین تحقیق احوال از مکالمات و چون استنباط کرده قصاصش را تاخیر انداخته و را
نمودند بموجب روزنامه که بعد رسیدن را الیه عرض حال خود را با علیحضرت امیر اطراف فرستاده است حاصل مضمون آنکه
اسناد دیوانگی من محض کذب و افتراست و این حرف را یک قتی قبول نخواهم کرد و این کیفیت بذات امیر طوری عاید
شد و گذشته از این بعضی کلمات دیگر نیز بیان کرده معلوم شده بود که دیوانه نیت و این حرکت او از روی جنون بود
لذا حکم قصاص او شده قصاصش نمودند (در اسلامبول اگر چه مدت تماشای خانها و ارباب دولی در این اوقات
بطور فرنگستان رواج یافته است از جمله در روزنامه ماه جمادی الثانی آنجا نوشته بودند که شبی مردم را اعلان کردند
تماشای خان که در محله یک و غلی واقع است باینقرار که هر کس داخل تماشاخانه نمیشود بچاه فروش که تخمیناً یک تومان
پول این ولایت است بدهد و هر کس در محلی نشیند بچاه قرب و بعد از چهار تومان تا سه تومان و دو تومان اگر
فصل ششم بدهد و حاصل این وجوه را که جمع میشود قرار گذاشته اند که در اسلامبول و بلاد ثلاثه بقصرای اهل اسلام و ایران
تقسیم نمایند) (از اسکندرون نوشته بودند که در پنجم شهر جمادی الثانی در آنجا طوفان بسیار شدیدی شده از شدت
تلاطم امواج بعضی کشتیها شکسته و غرق گردیده اند از جمله یک کشتی تجاری نخلی که بعضی امتعه و اشیا با کبری شده با
میرفت در سواحل لازیفه بسیار تخته است و شکسته شده اشیا و امتعه او غرق و تلف گردیده و از اهل کشتی نمیشود
بجز خبری نبوده است که با حل سلامت بیرون آمده باشند و اینهم چنین یک کشتی تجاری دولت بلژیک که در آنجا
اسکندرون بود از شدت تلاطم امواج بسیار بی فایده است و هم در آن اوقات وزیدن باد در اسلامبول شدت کرد
بر تبه که بعضی از دیوارها را خراب کرد و رسیده بود و ولی زیاد مضرتی نرسانده بود مگر اینکه از کشتیهای تجاری سه قطعه
که از رود طونه آذوقه بار کرده با اسلامبول می آمدند در شای راه شکسته و غرق شده اند) (از دولت پروسه نوشته
که چون مخارج آند و تلبیش از مالیاتش شده است خصوصاً در مقدمه بروست باجهتویه ایوگره و اعلان حرب با آنها
که بصرف بعضی مخارج لازم مجبور گردیدند از این اوقات بجهت اصلاح و تدارک این ضرورت در برلین پایتخت پروسه
مجلسی بزرگ منعقد گردید و در آن مجلس گفتگو شد و قرار گذاشته اند که بعد از این از هر کس که از راه آند و تلبیش
و جهتی بکینند و وجهی نیز از رسوم و تری بعضی مؤیین کم نمایند و بعضی هم از نفع قروض آند دولت تشریف نمایند تا جای این
پرسود) (دیگر نوشته اند که کشتی شرع دار سبل نام از دولت فرانس بطایفه کشتیهای تجاری در آنجا رسیده و
گردید و بی طرف بودن این کشتی در احوال حاضره مابین دولت علیه و ایتس مقرر شده است

در روزنامه ای چند وقیش این نوشته بودند که شهر کوپن مکن که متعصومت دولت دینارک است حکامات
سمت خشکی شهر مزبور بسیار مضبوط است ولی طرف دریا چندان سنجامی ندارد و همیشه اندیشه خطر از آن طرف طوطا
چند وقیش ازین ارجانب دولت دینارک قرار کشیدن حصاری سمت دریای آن شهر شده و بجهت این مطلب
مجلسی منعقد گردیده مخارج کشیدن این حصار را بیت و دو هزار لیان ریال برآورده اند (دیگر نوشته اند
که بجهت کار کردن از هوجه بیک بحال معلومه سابقا بخت بدیش و شش قطعه شتی بخار که هر یک هزار و پانصد خروار بار
یک قوپا بنه در لفظ بوزع پای تحت دولت روسیه تکیلی یافته و قرار شده بود که تا مدت عوامه اختتام یابد در این اوقات
در یکی دینا تیرس قطعه شتی دولت روسیه قرار شده است که بجهت قوپا بنه مزبور باشند) (سابقا در روزنامه ها نوشته
شده بود که در هر دو است و پنجاه و پنج سال یکبار ستاره دنباله دار طلوع می کند بعضی از مجتهدین فرنگستان سال که
طلوع ستاره مزبوره را حکم کرده بودند قول آنها را است نیامد و طلوع نکرد بعضی دیگر در اوتوسال ظهور آورده اند که
بعضی از اهل نجوم هم معایر این صورت را حکم کرده بجهت استخراج صورت حقیقت و حکم صحیح این کیفیت که چه وقت طلوع
کرده و ظهور خواهد یافت در این اوقات در بزرگ مجلسی از اجزای مجتهدین ترتیب داده شده است) (در روزنامه ها
سابقا نوشته شده بود که جناب غلام وق فطنین برادر بزرگ اعلیحضرت امپراطور روسیه که دکیل سحریه است غنیمت دیدن
والده اش که در ساردینیه است از راه پاریس داشته است بقراریکه در روزنامه های این اوقات نوشته اند جناب
مشارالیه از راه است ساردینیه رفته است و اراده داشته است که در مراجعت از راه پاریس بیاید و کشتی سازهای
فرانس را تماشا نموده و دیده باشد و درین باب اعلیحضرت امپراطور فرانس آنها را موافقت نموده و بخواهد مشارالیه نیز رسا
اخبار و اعلان کرده اند و نیز بقراریکه در روزنامه های نویسنده خود اعلیحضرت امپراطور روسیه نیز اراده داشته است که
درین نزدیکیها بجهت دیدن والده اش سمت ساردینیه غنیمت نماید) (در روزنامه های سابقا نوشته شده بود که چندی
قبل ازین جناب جلالت مآب والی و الا ان مصر بعزم سیاحت و انتظام صفحت سمت سودان غنیمت نموده است بقراریکه
در روزنامه های این اوقات نوشته اند جناب معنی الیه در اوایل ماه حجب ببلده خرطوم رسیده و اراده داشته است که
از آنجا هم قدری بالاتر رفته و بعد از بیت روزنعاودت نماید) (بمالک قوچین چین نام که در حجه جنوبی چین واقع
و عادی پانزده ملیان خلق که سی کرد و بوده است از دولت فرانسه بجهت پداندن مناسبات و روابط تجاری
ناموری مخصوص با دو قطعه شتی بشهر طوران بام که متعصومت آن ولایت و در ساحل آنجا واقع است ارسال شده بود چند وقت
پیش ازین با آنجا رسیده و در حکومت محلیه بیان کیفیت نموده بودند آنها نیز آنها را موافقت کرده و بی نقطه تنظیم معاند نامه و اقامت
در آنجا قبول کرده بودند از جانب دولت فرانسه باز اصرار شده و تماشایی کرده بودند از کشتیهای فرانسه بدرون مملکت شروع بانداختن کشتی
باز ایلی چین را که می نمود تا کشتیهای فرانسه قشون بکی بیرون آوردن بای مجاری را که از آنوقت علاج تنظیم معاند نامه و اقامت نامورین بخار

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم یکشنبه و دهم شهر شعبان المعظم مطابق میلان سال ۱۲۷۳



اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این روز ماهی است شیرازات بسیار خوب و باقضای فصلی است از شهر دارالخلافه مطلوب است نظر
و گرمی قصر قاجار که درین اوان وایل بهار بعد از آب و طراوت اشجار و شکوفه انار و حضرت و زینت
و جویبارار استه است علیحضرت اقدس هایدون شاهنشاهی اید الله عیش غرمت چند روزه وقت و تفریح در
فرموده در روز یکشنبه نهم از ارک مبارکه سوار شده تشریف بآنجا بردند و در وقت تشریف فوادی سواره فرا
پایاق که از آذربایجان بدر بار جهاندار آمده بودند در کنار راه صف کشیده از نظر همراهان و انی که نشسته
همه جوانان زنده خوب ارسته مکتل که بعضی بازو و کلاه خود بودند با اسب و آنجا شایسته منظر اقدس هایدون
آمدند مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند (نیمه شعبان المعظم که روز ولادت با سعادت حضرت صاحب العصر
و الزمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است چون فرار و قوام عالم و عالمیان بخیر است خداوندی جل شانه
منوط بوجود مبارک آنحضرت پیش آمدند کار علیحضرت اقدس هایدون شاهنشاهی دامت شوکت روز و روز
مزبور را از امسال و ما بعد عید اعظم ملتی قرار دادند و معتقد فرمودند که مثل سایر اعیان و عظیمه لازم آن
از شینیک توپ و انفاد اسلام بزرگ در پیشگاه هایدون و ادای خطبه و تشریف و قصیده و غیره کلاماً رعایت
شود چنانکه لازم تقویم عید مولد مسعود حضرت امیر المؤمنین علیه و آله الاف التحیه و السلام را در سیزدهم
همه له یعنی آورند و آن روز را چند سال است که عید اعظم قرار داده اند) (برای اقدس هایدون سرکار
دوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان بر این قرار گرفته که بعد ازین هر سال از امالی و لایات محروسه پادشاهی

اعظم از علما و سادات ذوی الاحترام و اُمراء و خواجهان و اشراف طبقة نوکرو غیره خواسته باشند
 با خانواده سلطنتی وصلت نمایند چون این امر موصلت نسبت بایر امور موصلتی ندارد و راجع بخانواده سلطنت
 میباشد نباید احدی خود سر قدم بران نماید بلکه باید ابتدا مراتب با اطلاع رای صواب نمای جناب شرف
 امجد صدر هم دام اجلاله برآید بعد هرگاه جناب ایشان ذن و اجازه دادند و حالت آن شخص را مقتضی دانستند
 اقدام نمایند و الا احتراز واجب است (در عهد شاه مبرور حاجی سیف الدوله پسر مرحوم ظل سلطانی
 بجهت خجانی که در خود سریع داشت از دارالخلافه فرار بجاک دولت علیه عثمانی رفقه راحت خود را فرستاد
 باطینان از جانب سفارت دولت انگلیس نمود و شاه جنت مکان بنا بر اصرار والدۀ ماجده عجز و التماس
 میفرموده خودشان که روجه نوابش را الیه است موجب دستخط همایون بتوسط سفارت دولت انگلیس طینان
 عفو و اغماض تقصیر او را دادند و نوابش را الیه راحت بدار الخلافه نمود هرچه در عهد شاه جنت مکان درین
 عهد مجتهد مورد عنایات آمد رفع و حث او نشد و در مجالس و محافل پیوسته بزبان می آورد که اطمینان من بحضرت
 سفارت دولت انگلیس است درین وقت که کار دولتین ایران و انگلیس تقابل و جدال کشید و لیای دولت
 علیه خلاف خرم و احتیاط داشتند که چنان شخص بدکان در پای تحت خاصه در عمارت سلطانی که عبارت از
 ارک دار الخلافه باشد توقف نماید باستحضار جناب موسیوقینوشا رزدد و دولت بهتیه و نه طالب
 او شدند و نوابش را الیه هم در کمال خوشوقتی راضی بر حث بجاک دولت علیه عثمانی گردید از آنجا نیکه با انتمه
 عنایات دو شاه رفع به کانی و حث او نشد و بدون اینکه در مدت توقف او در دار الخلافه طهران نسبت
 بوعده که بتوسط سفارت دولت انگلیس با و داده شده بود خلافتی ظاهر کرد از دار الخلافه روانه و صحیح و سالم
 وارد خاک عثمانی شد و لیای دولت علیه حب الامر بندگان اقدس شاهشای اعلام رسمی این چند کلمه اعلام
 میدانند که پس از آنکه نوابش را الیه بجاک دولت علیه عثمانی وارد شده بحالت اصلیه خود رجوع نمود و درین
 اگر بالفرض دستخط همایون شاه مبرور و لیای دولت علیه را مکلف بکنیفی میباش که اکنون بجای از آن تکلف
 فارغ و بری شدند و باینجهه این سجد هر نوع وعده را که شاه مبرور در حق او بسفارت انگلیس نمود
 بودکان لم یکن می پذیرند بعد ازین اگر نوابش را الیه بخواهد حث بدار الخلافه نماید باید قرار و شروط
 خود را بلا واسطه با ولیای دولت علیه بدهد و باطینان قرار سابق حرکت نماید) (باقصای کمال
 و دوستی حاصله فیما بین دولتین ایران و روس حسن بهجارت قاعده مستمره برقرار است که هر وقت
 جانشین تازه از جانب علیحضرت کیوان رفت امپراطور دولت بهتیه روسیه بملکت قفقازیه مأمور شود
 صاحب منصب یا شانی بدر بار دولت علیه فرستاده مأموریت خود را در ضمن ذریعه مخالفت و دیوبان

روانه اصفهان کردید و یکتوب جبه ترمه کرمانی برسم خلعت برای مزید افتخار و جنت غایت (عالیجاه حاج میرزا حسین قزوینی که بتقدی قنات خالصیات اصفهان و تقدیل پاره بلوکات ناموس اصفهان بود مرخصی کرده عالیجاه عبدالحسین خان روانه کردید) درین روز نامادی نامی دزدی کرده بود تبوط عالیجاه محمدخان کلانتر دستگیر شده بحضور نواب مستطاب شاهزاده والایبار و شیرمیرزا حکمران دارالخلافه طهران آورد حسب الحکم نواب مغری الیه هر دو کوشش و اوراق قطع نموده و چهار کرده در بازارها گردانده اخراج بلد نمود

سایر ولایات (کلپایگان از قراکه در روزنامه کلپایگان نوشته اند عالیجاه محمدابراهیم خان حاکم آنجا در نظم ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و قطع و تسخیر اشرار و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام را ببل می آورد و مالی و رعایای آنجا آسوده خاطر مدعا کوئی ذات اقدس بایون شافعی اشتغال دارند درین سال چون از اول پانز تا و آخر جمادی الثانی مطلقا بارندگی نشده و جنس در آن ولایت تغییر بسیار کرده کران و کم یاب شده بود بطوریکه حرث واری بیت و شت هزار و سه تومان رسید و مقرب آنجا خان محمدابراهیم خان از خود از هر جای دیگر که غله سراغ داشت فرستاده آورد و بجز آن و سایرین میداد تا اینکه از تقضیات الهی از غره ماه جمادی الثانی الی بیت روزیاریانند که بسیار شده و هوای بسیار سرد شد حتی بطوریکه تا چند روز راه عبور و مرور از دوات و قضبات بسته بود بعد از آن هوا طایم گردید و بجهت حاصل امیده واری کلی بهم رسید جنس تنزل نموده کدم و جو فراوان و در آن گردید و بالفعل هر چیزی در آن ولایت فراوان و ارزان است و بعد از آن بارندگی باز بارانهای خوب نافع که سبب ارزانی ولایت و اطمینان مردم است آمده و می آید و مالی و رعایا ازین مرحله کمال شکر دارند) (دیگر نوشته اند که ابراهیم بیک و محسن نام و یک نفر دیگر از غنویان آنها که نوکر نواب حاجی علی بیاشند با هم متفق شده دکان خدا داد عطا ر بهیر و رابریه دولت تومان متجاوز از نفع و اجناس عطا کرد و او را برده بودند و بهر صاحب مال مراتب را بخرش عالیجاه محمدابراهیم خان رسانده مشا را الیه داروغه کاشان بشارت بازار را خواسته التزام گرفت که تا ده روز دزد و مالی را پیدا نمایند و الا از عهد اموال سر بر آیند و آقا کوک بیک فراموشی حاکم نیز متعهد بدست آوردن سارقین و پیدا کردن اموال مسروقه شده در مقام تفحص و تحقیق بر آید مشخص نموده که اموال مسروقه بعینها در خانه اشخاص مزبوره موجود است حسب الحکم چند نفر از علمای اعلام و محترمین ولایت را بان خانه برده اموال پیودی را بیرون آورده بصاحبش تسلیم و سارقین فرار کرده بدست رفته فقط ده ارده تومان نقد از اموال مسروقه تلف کرده بودند که آن آنها چند روز مهلت که فقط که دوازده تومان را هم سرانجام کرده بودند

اخبار دول خارج

در روزهای سابق نوشته بودند فقرائی که در فرانسه هستند در باستان هر طور است کاری برای خود پیدا می کنند و امر محاش خود را می گذرانند ولی در زمستان عسرت بیشتر می کنند درین باب از جانب اعلیحضرت امیرطور بجهت امیر کفران آنجا فراری داده شده بود در این اوقات بجهت تحقیق احوال این بخت و ترتیب سبب آیش آنها جانب قول موسیورس و کلاهی فرانسه از جانب اعلیحضرت امیرطور ناموز شده است که تمامی مالک فرانسه را گردش نماید و باین غنیمت از پاریس حرکت کرده است (در روزهای سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت امیرطور استریه بجهت سیاحت بایالات وندیک و مبار دیار فرجه پاریس تحت وینه کردند و در این اوقات غنیمت سیاحت مجارستان را نموده اند چون در روز و امیرطور و مبار دیار از جانب مالی انجام در اجرای شلیک ترتیب بر سر و سامح و قصیری ظاهر شد بود درین که غنیمت مجارستان نموده اند از برای اینکه این سفر مثل سفر اولی نباشد و سامح در اجرای لوازم احترامات چند نفر از اعیان مجارستان بویته آمده اند که باین خودشان درین باب گفتگو کرده فراری داده باشند (نظر بحاجات بعضی منجین در این اوقات ستاره دنباله دار ظاهر خواهد شد بجهت تصحیح اختلافی که در تعیین وقت ظهور از منجین ظاهر شد در دولت بلژیک مرکب از اعضای منجین انعقاد یافته بود که باین طور کردند این ستاره درین وسعت کردن ضرر و بکریه زمین بطوریکه کل دنیا را زیر و بالا نماید با فواید بعضی اصحاب مذاق افتاده درین باب گفتگو می کنند و حال اینکه طلوع کردن و طلوع نکردن این ستاره بدیهه ثبوت رسیده است و از لیکل مجلس منجین در بلژیک وقت طلوع این ستاره را بدلائل خلاف مشخص نمایند و تصحیح علم نجوم است نه حکم کردن بر تاثیرات ستاره که چه بروز و ظهور خواهد کرد و در این باب از اهل مذاق اگر کسی بوسم خیالی بکند خود را گرفتار راجع کرده خواهد بود در فرنگستان طلوع این ستاره شهرت تمام کرده چینی مردمان سبک مغرور بر طخیال افتاده اند و با آنها ستاره مذکور در اول عزیزان آینه طلوع خواهد کرد و قیام قیامت مقارن طلوع او خواهد بود و باین جهت اشخاص از کتب و کار خود دست کشیده بباقل احوال آینه مشغولند از جمله در فرانس در شهر لیون دختری میخواست بعد از منتشر شدن گذارش این ستاره گفته بود که عسر چهار روزه باین بنی رز که شد خستیا کنم حالانکه آنچه لازم است عبادت خداوند یگانه است باین خیال از امر ترویج امتناع نموده شوهر او گفته بود که این گذارش ستاره کذاب محض است و اصلی ندارد و من بمالعی مصارف کرده ام و دختر قبول ترویج نموده کارش را انجامیده و بجانب حکومت رفته کیفیت ماجرا را تفریر کردند از جانب حکومت نیز بی اصل بودن طلوع ستاره مذکور و کذب اقوالی که درین باب در میان مردم است القاء بدختر ترویج را هرگز کرده بود که بنا بکثرت رضا بدید چون که

اعتقادی او گردیده بود که در طلوع ستاره مزبور قیامت قائم خواهد شد مطلقاً حرف آنها را قبول ننمود آخر قرائت
 که تا اول خیزران که وقت طلوع ستاره مزبور را میگویند امیر تریوچ کماکان بماند و روز دوم خیزران که فردای روز
 قیامت باشد تریوچ اقدام کرده با تمام برسانند (و نیز مانند طلوع این ستاره در این اوقات در بعضی
 فرقه نوشته اند که در جوار پاریس از یک عمارتی شخصی غورنی نام کو یا با یک کشتی هوایی که ترتیب داده است
 بخار بر رفته و قائم مقام آنها را طاقات کرده و پاریس معاودت نموده است اگر چه بعضی از ارباب خبر سابقا
 از این کشتیهای هوایی که بلون بنامند ساخته و بهوارفته اند و حرکت باد بعضی جاها افتاده اند ولی باین طور که
 مانند کشتی بخار حرکت کند و همچنین جای دور دست برود و معاودت کند که خراب نشود و باد و اورا بجائی نراند
 تا حال مسوع نشده و امری محال و دعوی دروغ فیکارید) (در اغلب ولایتهای فرنگستان خصوصاً در پاریس
 و ناپولی و روم و هندیک یک هفته پیش از پریز بزرگ علوی الهی آنجا تبدیل صورت و شکل خود که قزوان تغییر
 عیناً پیدا کرده صورتی بر روی خود می پوشند و کس آنجا از منوکی و لعب و بازی که بخاطرش میرسد بظهور
 چنانچه در یک اه علی اسلامبول نیز بعضی اشخاص بقیافه حال که بروی خود هم بلور کشیده بودند یک تخم مرغ کوچک
 بر لبانهای درشت بسته و بدوش خود بسته بودند و از این قبیل خیلی کارهای دیگر می کنند) (به موجب روزنامهها
 فرنگ که در این اوقات رسیده است در پاریس یک روز به پریز مانده الهی آنجا یک کا و بسیار بزرگ را پیش
 طلاق گرفته و اطرش را با انواع زینتها آراسته کرده در میان شهر گردش میدهند جمیع اهل پاریس مشتاق و صحت
 تمام در کوچهها بجهت تماشا می آیند و از دهام می کنند و بعضی اشخاص با کمال احترام در رکاب کا و مزبور روانه
 و با جمیعت و دسته از بسته تا ساعت کا و مزبور در هر جای پاریس میگردانند بعد از آن تسلیح برده با تنخ اکرام
 و بیج می کنند و چون که خوردن گوشت این کا و را در میان خود نهمی بزرگ میدانند اولاً پارچه از گوشت او بجهت
 امپراطور و امپراطریس زوج او و بعد از سوا می کنند و پارچه هم بجهت پادشاه انگلیس و کلا و کبرای پاریس میفرستند
 باقی را عالی و ادانی محکمت بقیمت اعلی تقسیم کرده میبرند و این قانون فقط در پاریس معمول بود درین سال از قرائت
 در روزنامهها نوشته اند بحال سایر فرقه نیز سرایت کرده است) (چنانچه در هر محلی قمار بازی ممنوع است و بقی
 در محکمت فرنگ نیز قمار بازی با وجود اینکه در محکمت ممنوعیت قوی است در این اوقات بعضی اشخاص هرزه در
 پاره فته و خانها و میخانه بازی میگردانند مجدداً حکم شده است که از جانب حکومت استخار شود در هر جا که قمار
 بازی بشود فی الحال از جانب وکیل ضبطه آنگونه جاهای شبههناک را مسدود کند) (درین سال بحال تحت حکومت اهل الهی محکمت
 تساوت درجه و ثروت مالیات که قبلاً و اقل آن از یک نفره لیرا که بزرگترین بود و هزار دینار پول این لیرا داشت دریافت می کردند ولی بجهت
 سابقه بار و سبب لایستی و جبهه ضمیمه علاوه کرده بودند در این اوقات باز ترتیل داده بقرار سابق رجوع نمودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۳۷۳

محمد بن سید و سید چهار

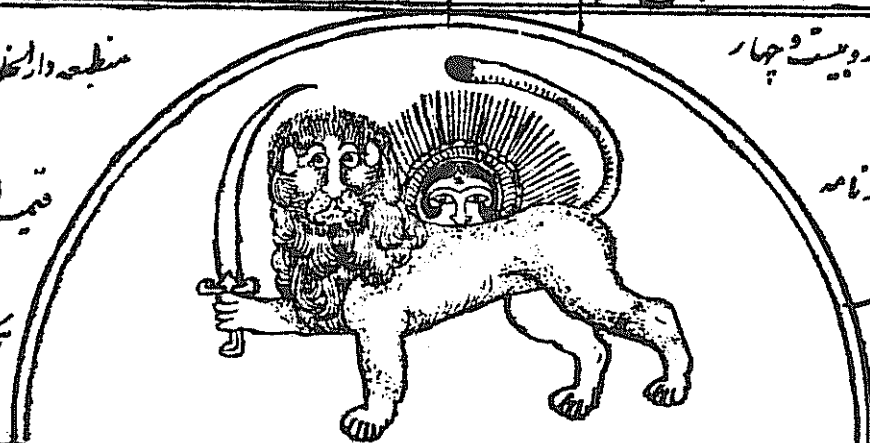
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

پیشہ

قیمت اعلیٰ

بہارِ طہر



احباب دہندہ ممالک محروسہ پادشاہی

دارالخلافہ مدراس

در این اوقات که اعلیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی در قصر قاجار تشریف داشتند بر وجود فانیض السجود مبارک بسیار خوش گذشته در شب شنبه که شب نیمه شعبان و عید مولود مسعود حضرت صاحب العصر و الزمان قایم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود جمعی از خواص شاهزادگان عظام و مقربان دربار سپید اقامت فرمایند جناب حضور مبارک بودند سبب جشن و شربابی در حضور ملایون فراموش آورده آن شب را جشن و شادمانی بر سر بردند و فرمودی آن شب که روز عید مولود مسعود بود مانند عید عظم در همان عمارت قهر قاجار چنانچه در روزنامه مفت که نوشته نوشته شد سلام عید ملی انعقاد یا قدانای دولت عظمی و شاهزادگان عظام و مهران و صاحب مضبان نظام و خوانین و ارباب قلم و سایر خدم و حشم هر یک در مرتبه و مقام خود آبیاده اجرای شیک توپ و زنبورک و ادای خطبه و قصیده تعابده محمول گردید نمود و دوتیر توپ بعد از آنکه حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه شیک شد و سرکار اعلیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی جناب شرف العباد رفیع صدر اعظم را مخاطب بخطبات رحمت آمیز فرموده فضلی از خوبی هوا و زینت و صفای قصر قاجار و یرواد و مراسم سلام در کمال شکوه و شایستگی انضایافت و چنانچه نوشته شده این عید سعید بعد از این است و الله تعالی الی قیام العالمات صلوات الله و سلامه علیه بر سال دین دولت علیه متداول خواهد بود و سال دیگر بهتر از این سال گرفته خواهد شد و چون اسباب یرمالک محروسه پادشاهی این فقره اخبار شده بود در سالهای دیگر در کل ممالک محروسه بکفرن این عید سعید مانند سایر عیاد عظم با کمال احترام اقدام خواهند نمود (در روز دوشنبه بعد از این ماه سرکار اعلیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی از قهر قاجار غنیمت ارک مبارکه دار الخلافه فرموده از دروازه دولت مبارک که سلطانی و مشروطیت عظمی شوکت و ابدالی بر تزلزل فرمودند) (که از شش پذیرائی و احترامات روز روز و عیال و بیانات

همه اخبارالیکوف و صاحب مضبان فرستادگان جناب جلالت و امارت نصاب جائین فقاریه در وقت
 بنقته گذشته نوشته شده است روز دوم درود ایشان بدار الخلفا اباهر مقرب الحضره عبدالحی خان اویس الملک
 پیشخدمت خاصه از جانب سنی بجانب اقدس تالیون شاهنشاهی و امت شوکت بنزل ایشان رفته اطلاع تفقدات
 و الطاف خاطر اقدس ملوکانه را بعل آورده و از طرف جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم عالیجا و محبت سیرا
 میرزا شیخ سرشته دارد و در جناب عظم الیه بنزل ایشان رفته لازمه احوال پرسی و مهربانی را با هر ساحت و از طرف
 جناب فحمت نصاب وزیر امور خارجه نیز عالیجا و شیخی کجا میرزا محمد ششی خاصه وزارت امور خارجه طاعات
 و لوازم مودت و محبت را اظهار نمود چون در اوقات درود ایشان سرکار علیحضرت اقدس تالیون شاهنشاهی جلالت
 بلکه و سلطان تشریف فرمای قهرقا جا رفته بودند و در مقدم شهر شعبان المعظم تشریف فرمای دارالخلافه گشتند
 لهذا در روز بیستم ماه ربیع الثانی در شرفیابی عالیجا معزی الیه و سیرا انان و حضور لامع التوتالیون داده شد
 مقرب الحضره العلیه محمد حسن خان نایب شک افاسی باشی بابت نفوذش و دو نفر شاطر و نجیب اول و دو نفر
 نایب یکی نایب فرشتخانه مبارکه و دیگر نایب شاطر باشی بایک رسل اسب ریا قمر صبح بنزل معزی الیه رفته حضور
 مبارک اقدس علی دعوت کرده و برای هر یک از صاحب مضبان و فرستادگان بهان خاصه از صطبل تالیون
 شاهنشاهی و ستاده شده هنگام حضور معزی الیه از دروازه ارک و میدان ارک سربازان و توپچان قراول که
 در هر جایستاده بودند احترامات عسکریه را بعل آوردند معزی الیه و صاحب مضبان دیگر اول بنزل صدارت علی
 جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم دولت علیه را طاعات کردند و در مقدم مودت مواضله جناب جائین را
 دادند و لوازم زلفت و اکرام از جانب جناب معظم الیه نسبت به عالیجا و جمال کنیا زلیکوف و هر یک از
 صاحب مضبان بهن آمد و از ماموریت ایشان بدربار دولت علیه از جانب جناب امارت و ایالت نصاب جائین
 فقاریه که محض ارزاه کمال استیاده و موالات و ولستین بود اظهار کمال خرمی و خوشحالی نمودند بعد از جانب سنی بجانب
 ملوکانه احضار و اجازت شده شرفیاب حضور تالیون شدند مقرب الحضره العلیه محمد حسن خان نایب شک افاسی
 باشی معزی الیه را با صاحب مضبان ایشان ترتیب و نظمی که مقرر بود به پیشگاه حضور مبارک برده شرفیاب شدند
 و حبیبی که از شاهزادگان عظام و سایر چاکران دربار تالیون سلام خاصی در حضور لامع التوت منعقد شده بود
 عالیجا معزی الیه ماموریت خود را بر پیشگاه اقدس تالیون عرضه داشت و سرکار علیحضرت شاهنشاهی الطاف
 ملوکانه در حق ایشان مبذول فرمودند و عالیجا معزی الیه در نیجه جناب جلالت نصاب جائین فقاریه را بحضور تالیون
 عرض کرد و در حجب شاه علیه سرکار علیحضرت شاهنشاهی جناب وزیر امور خارجه با احترام از دست معزی الیه گرفته
 بر پیشگاه تالیون عرضه داشت و عالیجا معزی الیه هر یک از صاحب مضبان را بحضور تالیون معرفی نمود و نسبت

با نهدل توجهات مانده شد و سرکار علیحضرت شاهنشاهی فرمایشاتی با الفاظ دربار فرمودند که راجع بانجام دوستی
 دولتی و شمول رفت خاص ملوک اینست بجناب جلالت آب جانشین قفقازیه بود و بعد از مرخصی از
 حضور جایون با جهان اجرا و ترسی که شرفیافته بود و در مراجعت کرده خدمت نواب مستطاب شرفیافته
 شاهزاده والا بتبار عظمیٰ محترم امیر کبیر نظام با ختم فرستاد و از انجا بعد از آنکه لوازم احترام محل آمد بخدمت
 نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار عظمیٰ افخم مظفر الدین میرزا رفقه مرسم تو قریبست با ایشان در انجا نیز
 رعایت شد و بعد از انقضای مجلس همان ترتیب و نظم بمنزل خودشان مراجعت کردند (عمده الامر العظام)
 مقرب الخاقان حفر قلیخان ایلمانی بیکر سکی اسرا با دوک با سواره ترکمانیه و او طلب خدمت شده بر کاب هایون
 آمده بود این اوقات که خبر مصالحه دولت علیتین ایران و انگلیس با تعارف رسیده بود و او بیای دولت
 علیه در مأموریت آنها دستی نگاه داشته بودند تا آنکه صورت عهدنامه که فیما بین جناب مقرب الخاقان فرخ خان
 امین الملک سفیر کبیر دولت علیه و جناب محبت نصاب نیری بچار و چارلس بارون کادلی سفیر کبیر
 و مختار انگلیس در پاریس انعقاد یافته بود مصحوبی عالیجاه زمینان خان سیرتپ و نایب اول سفارت
 لهذا مأموریت آنها را لازم ندیده از جانب سنی انجانب با تمام و خلعت سرافراز و مرخص گردید (عالیجاه)
 عمده الامر العظام سردار علیخان حاکم سیستان که بغیر عتبه بوسی دربار فلک مدار علیحضرت شاهنشاهی
 خداوند ملکه و سلطانه آمده بود و وارد شده شرفیافته حضور مهر ظهور هایون گردیده بشمول محرم علیه
 سرافراز شد (جناب مقرب الخاقان امین الملک فرخ خان ایلمانی کبیر دولت علیه مأمور و بر بار دولت بهینه
 بعد از آنکه وارد پاریس گردیدند در باب امور دایره فیما بین دولت علیه و دولت بهینه انگلیس بین ایشان و جناب
 چارلس بارون کادلی ایلمانی کبیر دولت انگلیس بحکم و دستور العلی دولتی بنای مراد و مکالمه شد و چون
 طریقین زیاده از حد شایق و مایل تجدید مراد و دولتی و استحکام دوستی جانین بودند بتاریخ بیستم
 شهر رجب المرجب عهدنامه دولتی فیما بین وکلای جانین در پاریس سمت اختتام پذیرفت و عالیجاه
 زمینان خان نایب اول سفارت کبری بچاری با عهدنامه مبارکه وارد اسلامبول و از انجا بکشتی بخا
 دولت بهینه انگلیس که بحکم اولیای آن دولت بهینه مخصوصا معین و مقرر شده بود سوار شده روز
 ۱۷ شهر شعبان المعظم بیت و شت روزه خود را بدار انحلاقه الباهره رسانید و وزیریم شهر شعبان المعظم
 عهدنامه مبارکه با مضاد تصدیق علیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی و خط و مهر اولیای دولت علیه رسید
 مصحوب عالیجاه جهانگیر خان سیرتپ و بیستم شهر شعبان روانه بغداد شد که موافق نص صریح عهدنامه مبارکه
 در بغداد با وکلای اند دولت بهینه متبادله شود بجهت الله تعالی دوستی و لیتن بحالت اولیه خود و عود نموده بکله و

این دوستی است از دیاد پذیرفته بنیان آن با تمام اولیای دولین و بشوکتین مستحکم و استوار خواهد گردید و
 چند روز بعد از آن برای آوردن جناب ستموره از دربار گردون و قارامور و روانه خواهد شد (سایر)
 محمد یوسف بعد از آنکه بر خلاف منظور حکم اولیای دولت علیه بهرات رفت و بنای اغوای افغانه و دعوت امیر
 دوست محمد خان را بهرات گذاشت باقتضای ملک سجای و حیات خودش گرفتار گردید و مقتدا محبوب
 او را بدربار بهایون آوردند سرکار بهایون علیحضرت اقدس شاهنشاهی از راه تفضل طوکانه قلم غفور تقصیرات
 خیانتهای او کشیده از حقوق سلطنتی خودشان صرف نظر نمودند ولی سردار بهیو و خان و سردار ماد
 پسرهای مرحوم سید محمد خان و سردار محمد صدیق خان برادر مرحوم نرگوروسا پسر سرداران افغانه الگوزانی که
 بر کاب مبارک مشرف شدند بعضی خاکبای مبارک رسانیدند که شاهزاده محمد یوسف سید محمد خان را بقل
 رسانیدند و در نهایی مرحوم نرگوروسا چه خودش بی عده شرعی بجهت زور و متصرف شد و آنچه را که خود تصرف کرد
 بنوکرای خود بخشید و بعضی از نهایی شوهر دار زوسای افغانه بهرات را که شوهرشان حالا زنده اند و بعضی
 آمدند آنها را هم بنوکرای خود بخشید استعدای احقاق حق شرعی خود را کردند چون مراعات عدل و انصاف
 و پیروی شرع و شریعت از لوازم امور دین و دولت و شعار و این سلطنت است بوجب استعدای
 آنها حکم بر تحقیق و رسیدگی شد اولاد مرحوم سید محمد خان شرعاً و عرفاً ثابت کردند که شاهزاده محمد یوسف
 قاتل مرحوم سید محمد خان است و بحکم مطاع شرع لازم الاتباع قاتل میسایت بدست ورش منقول سیر
 شود که بقصاص شرعی برساند اولیای دولت علیه هر قدر خواستند اولیای مقتول را راضی نمایند که تن
 در داده خون لب شود و مبلغی از بابت دیه قتل با اولاد سید محمد خان از خود بدهند که از قتل شاهزاده محمد یوسف
 بگذرند و چنانکه اولیای دولت علیه از حقوق دولتی خود گذشت نموده بودند آنها هم از قصاص بگذرند راضی شدند
 لابد او را تسلیم با اولاد سید محمد خان کردند و آنها در عوض خون پشان او را بقصاص شرعی رسانیدند و این
 مقدمه در سیزدهم شهر شعبان المعظم اوقاتی که موکب بهایون در قصر قاجار نزول اجلال داشت واقع گردید
 سایر ولایات کردستان از قریه در روزنامه کردستان نوشته اند امور این
 ولایت از حسن توجهات اولیای دولت علیه و اتهامات مرتب انجاقان و الی کردستان قرین انظار و انصاف
 و امالی آنجا اسوده خاطر مدعا کونی ذات اقدس بهایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه اشغال دارند و ای
 انولایت در اوایل رستگان بخشی گذشته بارندگی شده بود و امالی آنجا از بجهت زراعت قدری تسویش داشتند
 ولی از ابتدای دلوالی آخر حوت چندان برف و باران آمد که اغلب طرق و شوارع مسدود شده بود و صله
 اطلاق و زراعت بآمدن حاصل امیدواری کلی بهم رسانیدند و شاهزاده صال آنجا بسیار خوب آمد

دار السلطنه هرات از قریه در روزنامه هرات نوشته اند حسب الامر نواب مستطاب هرات
 حام السلطنه سلطان مراد میرزا حکمران مملکت خراسان از ارک نوشهر نسبت شمال برای آمدن خلق در
 کثوده و از باب انصاف نمایند و در می محکم که داشته تختی برای خندق قرار دادند و از سر باز آن فوج
 دویم نصرت خاوند مستحفظ بان در روز محبت گردید و همچنین از ارک مرور در سمت شرقی که داخل
 شهر می شود دروازه دیگر قرار دادند و بجهت تعمیر بروج و بعضی عمارات و باستیانهای محکم خوب در ارک
 بنا و عمل در کار دارند (افواج هراتی که تازه گرفته شده همه روزه از صبح الی چهار ساعت از روز برآمده
 در ارک مشغول مشق هستند و معلمها مراقبت تام بعمل می آورند و چون خود سرباز مرور حبسی شوق مشق دارند
 از قریه محلیین میگویند عنقریب افواج هراتی مثل افواج خوب دیگر ولایات حاکم محروسه با نظام
 عالم لغت و آداب جنگ خواهند شد و دلیل بر زیادتی شوق آنها این است که اغلب این سرباز که تا
 حالا گرفته شده است از بلوکات فرسخ و چهار فرسخ از شهر دورند هر روزه بعد از فراغت از مشق
 بدات خود میروند و روز دیگر وقت طلوع آفتاب در ارک مرور برای مشق حاضرند بجهت آسودگی آنها
 نواب هراته مقرر داشتند که لشکر نوبان حیره آنها را معین کرده عاید سازند که محتاج بر رفتن خانها
 خود نباشند و ایام مشق را حیره گرفته در شهر بمانند و آنچه ازین سرباز جدید که سان دیده اند بطول آنها
 از کلیجه و شوار و لچین داده اند (چون در سنوای سابق موجب قشون هرات اعم از سواره یا پیاده
 درست نمیرسیده است بعضی محلی های ملا وصول داشته اند و برخی را سر کرده صاحب مصبان خود
 و میل نموده اند لهذا نواب هراته عالیجاه ملا اکرم خان ستونی علیجائی را تحویل نظام فرموده خلعت
 قسم التفات نموده مقرر داشتند که آنچه نخواهد و موجب نوکراست تحویل او شود و سه ماه به ماه
 دیوان اعلی عالیجاه را لیه باطلاع صاحب مصبان آنها برساند و مقرر فرمودند که مقرب الخاقان بخاج
 ساخان ابلیخی ستوفیان و لشکر نوبان هرات رنشانده موجب نوکراست جزو مالیات موضوع و معادل موا
 سالیانه آنها محل معین و مباشر تعیین نمایند که نخواهد آنها را تحویل ملا اکرم خان شده و فقط بقسط برساند و این عمل
 مرید امیدواری عموم نوکر شده است) عالیجاه حاجی عطاء الله خان پسر مرحوم حاجی خیر الله خان که برادر و نظر
 در مقدمه برج مقبول شده بود حسب محکم نواب هراته بجهت هماننداری فرستادگان ولات اطراف و سرداران
 و قندهار و دیگران که بعضی بعنوان سفارت و برخی پناهی یافت و حجت ادلیای دولت می آورند مقرر شده
 و نخواهد برای خارج مهاجرت ابواب جمع را لیه فرموده اند که بطور هم اندازی پردازند (و فرستادگان تالیخ بیک والی قندهار
 و کجلی خان حاکم سابق تاش غور قان که با عیاض رادت آمیز خدمت نواب هراته بودند درین وقت با جواب این خلیفه
 و کجلی خان حاکم سابق تاش غور قان که با عیاض رادت آمیز خدمت نواب هراته بودند درین وقت با جواب این خلیفه

ما زنده ران از قرار یک در روزنامه مازندران نوشته اند امور انولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاری
و اهتمامات نواب لایزال الله میرزا حکمران مازندران قریب نظام و نصیاط است و رعایا و پیرایا آسوده خاطر گردیدند
دات اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان اشتغال دارند و سرف و شرف و تندرست و اگر اتفاق بعید در
مقام رفیع آن بری آیند عاجی میرزا شعیب که بر حسب حکم اولیای دولت علیه حکومت عیده باید و مشعشع بود
نواب هزاره او را بار و خوش و ستاده و در حکومت آنجا استقلال داده اند نوکر و ملازم سرف توابعی را
نواب مغزی الیه احضار نمودند ملازم اشرفی ابوالجیمی عاجی میرزا یوسف خان سرپس در سلج نامه جیب و ارد
ساری کردید و آن داده اند ولی سایر ملازم از کلبادی جمعی عاجی ضاقتی خان و نوکر طالش و غیره هنوز حاضر
نشده بودند در روز عید مود و معهود جناب میرالمومنین علی ابن ابیطالب صلوات و سلامه علیه و علی اولاده الطاهرین
نواب هزاره بلوایم احقرات عید میرزا شعیب و راجه خانی و شش باری نموده و در روز عید مجلس سلام عام منعقد
داشتند الی و احیان و اشرف انعمای دوی العز و الاحترام و خو این که از مجلس هنوز حاضر نشده ادای تهنیت
و هم چنین در روز عید نور و رفیر و سلطان فی نیز بم اسم جشن و دمانی پر دخت مجلس سلام منعقد شده و ادای خطبه
بنام اقدس بایون شاهنشاهی صان الله بام شوکه عن تباهی و اختتام بر عظمی و ام و از یاد دولت آید
سایر لوازم عید را بطور شایسته بجا آوردند (از قرار یک در ضمن روزنامه مازندران نوشته اند امسال ما
در میان کاهای انولایت افتاده و در همه جای مازندران این ناخوشی بوده است خصوصاً در امل و توابع که خیلی کاه
این مرض طغشده اند احب ردول خارجه از قرار یک در روزنامه های فرنگستان نوشته اند
در این اوقات در شهر و ارشاد و تدارک پذیرانی اعلیحضرت امیرالطور روس را هدیه که بنا بوده است شهر
مرفور بودند (و نیز نوشته اند که از جانب دولت روس جناب بارون برنوف باید که بیاید و دولت روس
نامیده بود در این اوقات وارد برلین پایتخت دولت بروسیه گردیده است) (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت
امیرالطور دولت استریشیه مقیمین دولت خود را اعم از آنها که مجبوس بوده اند یا آنها که اخراج طلب شده
بودند جنایات نمه آنها را عفو نموده و مقرر کرده است و اعلیحضرت امیرالطور روس نیز بنا دارند که مقیمین
ملت پولک را که بسیر فرستاده اند تقصیرات آنها را عفو نموده و مقرر نمایند) (دیگر نوشته اند که دولت
روسیه در این اوقات اهتمام زیاد در نظم و ترقی امور تجارت و تحصیل علوم و فنون متوجه دارد و ما مورین متحد
بجهت تحصیل فنون و صنایع باید در دول و ستاده و در محویت ممالک خود نیز اقدام وسیع نمائیم دارند) (دیگر
نوشته اند که اعلیحضرت امیرالطور استریشیه چنانچه سابقاً برادر خود جناب پرنس مقیمین آقام مقام و ندیک و لو بار دیا
نموده بود در این اوقات عموی خود جناب ارشد و قاری به را منصب رئیس الوکلانی دولت استریشیه داده است

از قرار یک در روزنامه فرانس نوشته اند در اول ماه جمادی الثانی مجلس ملی و خوانین و پاریس مفتوح شد
 اعلیحضرت امپراطور فرانس خود بمجلس مزبور تشریف فرما گردید بحسن اختتام مسند منصفه اظهار شکر
 نموده و تئیرات امپراطوری در مجلس مزبور از تئیرات است در قونفرانس اول که عبارت از انعقاد مجلس
 مصالح است در نفاذ احکام مندرجه فیما بین دول بعضی مخالفت وقوع یافته بود در قونفرانس ثانی بحسن
 اختتام یافته جای شکرانه و اظهار متشنان است از جمله برودت باین دولت پرستیه و امیدواری که بحسب
 منجر شده بود بصلح انجامید و همچنین قشون انگلیس فرانس که بطور مجبورت در یونان اقامت داشتند بجهت
 نامی که در دول معلومه روی داد دیگر اقامت آن قشون در یونان لزومی نداشته از آنجا برداشته شد
 و بنا بر این نیز که در حق مالی آنجا معامله ظلمه که منافعی عدالت است اجراء شده بود در باب اندفاع آن محاط
 با بقای تبلیغاتی بدولت ناپولی شده نتیجه عدم تقاد آن دولتیست بکلیس فرانس بقطع مخا بر مجبور شدند این
 مقصد ته تیر در آخر با صلاح انجامید در باب محاکمی که در زیر حکومت دهلت فرانس است بمعنویت انساب
 اهتمام نمودن از مواد لازم است بعضی اوقات وقایعی که سرعت اندفاع آن از قوه بشریه خارج است مثل قحط
 و فلا و این قبیل مصائب که از حق ظهور میکند و فقر اگر قاراض ضرر اشیاء بجهت استحصال و اجرای تدابیر مؤثره
 بباختن بعضی راههای این صرف تقدیریهست نمودن از امور مهمه است و بعضی اوقات در درون مملکت
 ازین قبیل قحط و فلا که ظهور میکند بجهت معیشت قدیمه و کثرت کارخانهها باصلات مخلی و اردنی اید و رسال
 گذشته باقیهای رسوماتی که از بعضی شایا تحصیل شده مقدار آن به پنجاه ملیان فرانک که ده کردیج بپول
 ایران باشد رسیده و در مقابل آن کثرت فقر و آوار باب اضطرازند اگر چه با آنها از جانب حکومت فوقانی
 اعانت شده است نظیر کثرت فقر امانتی که با آنها شده است چیزی قابل و کافی ششده نمی شود و درین
 حالت اضطرا آنها با علی مرتبه سعی و تمام از جمله فریضه است در سال گذشته بعضی محال مالک فرانس اکثر
 بارندگی و سیل خراب و غیرتی سیلابه ازین رکب زحینی اشخاص پریشان و بی سامان گردیدند درین باب
 مجلسی از خندسین بقادر پاریس تشکیل یافته بعد ازین نتیجه استقاماتی که در مجلس مزبور قرار داده و هیچ جای
 مملکت فرانس دیگر احتمال خرابی از سیلاب نبرود از مالی این ولایت پاره اشخاص بعضی اودام فحله از
 و جان خود ایتند بعضی اصحاب عقل و درایت بعضی پند آن اشخاص اقدام نمودند مقدما تنخواه
 استقراضی بمصارف حرب مقابل شده اما درین سال واردات و مصارف دولت فرانس با هم مساوی می آید
 تاکنون دولت فرانس در هر سال ششاد هزار کس با قرضه بکسب کرده داخل میکرد بعد ازین هر سال صد هزار کس داخل
 قشون خواهد نمود اگر چه در ایام حضرت در هر سال این مقدار قشون گرفتن لزوم ظاهره ندارد ولی چونکه از هر

و نفوذ و سال در طریق عسکریه بوده بعد بقشون ردلف داخل میشود ازین فقره اصل مراد این است که
همیشه شصت هزار کس در دولت فرانسه در زیر سلاح باشند و بعضی جاها اغلب کتاب و ارباب قلم امثال
خود و عیال و خانهای آنها از عدم کفایت و بیکاری مختل مانده و چار فقره ضرورت میکرد و باین جهت
خیلی اختیار لقب و مشقت می کنند و پریشانی این اشخاص منافی شعار مروت و حرمت است لهذا آنچه امر
معاش این اشخاص و رفاه و آسایش آنها در سالی از خزانه پنج طایف فراتر که صد هزار تومان باشد مخصوص
کتاب اعطا شود بجهت مصارف محاربه و بعضی رسومات که مجدداً احداث شده بود بعد ازین موقوف شود
مقتصرین این دولت سابقاً بچلی از جهت جنوبی یکی دنیای نفی و اخراج می شدند در اینجا بسبب ناخوشی که ظهور کرد اغلب
بهلاکت رسیدند بعد ازین اینکه اصحاب جنایت بچلی دیگر باید طرد و اخراج شوند باجمعه این فقرات را اعلیحضرت
امیرالمؤمنین عظم فرموده و اظهار تشکر کرد و مجلس شورت منقضی گردید (کذاشش شهرکاتان چین و منانه
امالی اینجا با انگلیس که قونولخانه و محله تجار و نمکشان را آتش زدند و سر کرده کشتیهای انگلیس نیز کمرخانه
اتجار آتش زده بود در روزنامه های گذشته نوشته شده بود از فرار روزنامه که درین اوقات رسید
خبر این گذارش که پیکر پای تحت چین رسید خاقان چین در باب خرابی کاتان که بسبب جنگ
طرفین بهر سیه بود آنها را تاسف ریا نموده و قایم مقام کاتان و پیرامورین اینجا را بقل
و تبدیل و بجهت دادن ترخیص و اصلاح حال مأمورین متعه و اینجا و ستاده است) (چند وقت این
در ساردینه طفل مرلیض شد طبعی بجهت معالجه او دوائی ترتیب داده بود مرلیض بمحض خوردن دوا فوراً در گذشت
اولیای او نیز بطیب رفته گفتگو کرده بودند بطیب مرلور گفته بود که فوت او بجهت اجل مرعود بوده نه علت دوائی
و دوائی مرلیضی ندارد بجهت اثبات مدعای خود قدری از ان دوا خودش خورده و قدری بد و اساز خود داده
بود بمحض خوردن هر دو بصورت آن طفل زندگی او دایر گردید بعد از ان اطباء ای دیگران دوا رسیدگی کرده
بودند معلوم شده بود که سهو استی از سموات بد و داخل کرده بوده است که سبب هلاکت آن طفل و مرلیض
و دوا سازش گردید) (در این اوقات در آلمانیا شخصی غمناک که از ارباب ثروت بوده است فوت شده و وصیت
کرده است که بعد از فوت او اوارا با اجزای متشویه بخر کرده و در محفظه خط نموده در سر سفره خانه او بگذارند و بقیه
یکه فقره در ان سفره خانه صنایع بکنند و بجهت خرج این صنایعها چهل هزار تومان از اموال خود موضوع کرده است
اعلانات در روز و شبیهیت ششم اینجا چهار ساعت بنظر روز مذکور مانده در خانه لجا به بر سر محکم سوار غلام
نظام ابتدای ابراج اسباب است کسریل با بیع و خرید اسباب دارد در محله کوچی غریبان نزد یک خانه لجا به خواجه قریط تاجر باشی
لجا به بر سر محکم (چند قسم عطر مسد رازی غیره از دست او رفته اند کسریل با بر سر خواجه باشت زبرد و بکسید و

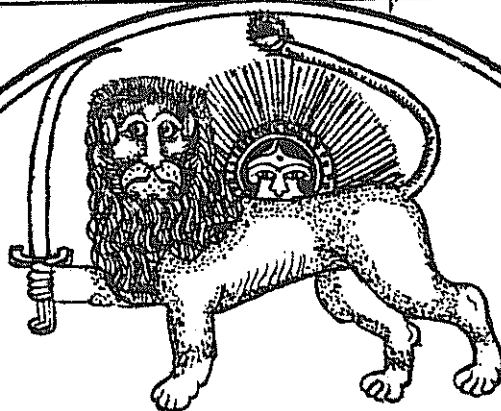
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۷۳

منشبعه دارالخلافه طهران

مهر سیصد و بیست و پنج

میت اعلانات

هر طرره شهر



میت روزنامه

هر نسخه شهر

اخبار و حمله مالک محروم پادشاهی

و اراخلافه طهران

پنجاه قانون این دولت علیه است هر سال دو دفعه یکی در بهار و یکی در پاییز از اسبهای خاصه ایست که در میان دولت علیه و شاهزادگان عظام و خوانین بوقان گذاشته و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دامت شوکه بشارت سیدان اسب دوانی تشریف فرما گردید در حضور مبارک چاکب سواران سب دوانی می کنند لهذا در روز شنبه ۲۳ این ماه عمارت میدان فرور را پیش داده و چادرهای پوشش متحد الذییر برای سفر او امروین دول محتاجه زده و کوب هایون از ارک مبارکه حرکت فرمودند در خروج از دروازه دولت و وسط راه ورود به رت اسب دوانی در دفعه ششیم زنبورک بفرار محمول شده و نظام حضرت فرجام از سواره و سرباز در محیر و کوب هایون صف کشیده بودند بعد از ورود بمیدان اسب دوانی که از امانی دارالخلافه تیر ضعیف اکبر اعلی وادانی سجد ریارت وجود فایض انجور هایون و تماشای اسب دوانی از دحام تمام در اطراف میدان فرور کرده بودند و اسبهای صطبل هایون و سایر اسبهای امر و خوانین را دسته بدسته ترتیب داده از جانب اقدس هایون بید قها زده و صرة های وجهه معمولی و خواجه از پارچه های نفیس سجد خلعت جلوداران و چاکب سواران علاوه بر وجه معمولی هر سال گذاشته بودند سه دسته اسب را چاکب سواران شروع تباحث نمودند دسته اول شش دوره که مسافت هر دوره تخمیناً نیم فرسخ است سب دوانی نمودند و دسته دوم سه دوره و سیم و دو دوره و بید قها که با پول گذاشته بودند هر یکی که پیش تمام چاکب سواران اسب وجهه العالی را از سربیدق برداشته و علاوه بران جلوداران و چاکب سواران با عطای پارچه های نفیس الوان و خلایع آفتاب شعاع سرافراز گردیدند بعد از انقضای تماشای اسب دوانی بجهان ترتیب از در اول حرکت و وسط راه ورود مبارک مبارکه ششیم زنبورک شده مبارکه سلطانی و متعلق عظمی و اول

احلال فرمودند

از آنجا که توقیر و احترام جانب علای اعلام و مجتهدین ذوی القرب و الاحترام کثر الله مثلهم فظهور خاطر اقدس باینکه
 خلد الله ملک و سلطاناً پیش و پس از بعد از عید رسم باز دید و اظهار تفقدات لگوگاه را از آنها بعلی آوردند لهذا در روز
 یکشنبه اول آنجا پسر و برادر مرحوم امام جمعه و بعد از آن نجایه جناب فضایل نائب عمده العلماء العظام آقا شیخ رضا و
 نجایه جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا علی تشریف فرما گردیده اظهار یکال عطف و در حق هر یک از آنها فرموده
 سلطانی معاددت فرمودند و روز دوشنبه نیز بدین جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا میرزا محمد زبانی و خانه پسر
 آقا محمود تشریف فرما گردیده لازم توقیر و تکریم از آنها بطور شایسته بعلی آورده و مرخص فرمودند (نظر
 بفرط عنایت و وفور رسم و اشتقاق خاطر اقدس باینکه سرکار علی حضرت شایسته خلد الله ملک و سلطاناً در حق جناب
 مستطاب تشریف اقدس صدر اعظم فخرم در روز سه شنبه نجایه ایشان تشریف فرما گردیده از جانب صدر
 و جناب قجاق نصاب نظام الملک نایب صدرت عظمی لازم قربانی و پادشاه پیشکش تقدیم شده و از سایر مستحقان و
 و بستگان ایشان نیز هم اسم پیشکش و خدمتگذاری بعلی آمده و در تذکره اسباب ضیافت کمال خدمتگزاری بعلی آورده و بر خود
 فایض آنچه مبارک بسیار خوش گذشته نه را در آنجا صرف فرموده بعد از صرف نه را تا عصر در آنجا استراحت فرمود
 و بعد از صرف عصرانه و چای مبارک که سلطانی مرخص فرمودند) (چون عالیجا مقرب آنجا خان آقا اسمعیل مستطاب
 سلام از قدیمی خدمت گذاران این دولت جاوید ملت علیه و باداب و رسوم خدمات حضور مبارک بطور شایسته تقدیم
 مراتب صداقت و خدمتگذاری اوستحسن و مقبول خاطر اقدس باینکه شایسته افتاده لهذا در این اوقات با عطای
 یک قطعه نان شیر و خورشید از مرتبه اول سرینگی بیکر شسته حایل سفید قرین افتخار و مبارک شاد) (نظر بطور خدمتگذاری
 و شایستگی عالیجاه علی محمد بیک یا در فرج و ما و ندی درین اوقات بموجب فرمان مهر لعلان مبارک منصب سرینگی و
 خطاب خانی سرافراز و یک طاقه شال کربانی اعلی در حق او برسم صفت حمت گردید) (چون در بیالی ماه مبارک
 رمضان وقت مبارک از اکل و شرب و جلوس صبح بجهت بعضی اشخاص نامعلوم است و احیاناً مؤذن دیر باز و اذان
 بجهت تسهیل آن که هر کس بداند پنجشنبه از غره ماه مبارک رمضان الی بیت و نهم ماه منور وقت طلوع صبح را بقرآن مستطاب
 ذیل مشخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود که در ساعت عزوبی اعتبار نمایند

۲۱۳۶

شب یکشنبه غره رمضان المبارک	۲ ساعت و ۵۳ دقیقه بینه مانده	جمعه ۶	ساعت ۵	دقیقه ۵
دوشنبه ۲	۲ ساعت و ۵۶ دقیقه	شنبه ۷	۳	۷ دقیقه
سه شنبه ۳	۲ ساعت و ۵۸ دقیقه	یکشنبه ۸	۴	۹ دقیقه
چهارشنبه ۴	۳ ساعت	دوشنبه ۹	۳	۱۱ دقیقه
پنجشنبه ۵	۲ ساعت و ۲ دقیقه	سه شنبه ۱۰	۳	۱۲ دقیقه

چهارشنبه ۱۱	۳ ساعه	۱۴ دقیقه	شنبه ۲۱	۳ ساعه	۳۴ دقیقه
پنجشنبه ۱۲	۳	۱۶ دقیقه	یکشنبه ۲۲	۳	۳۶ دقیقه
جمعه ۱۳	۳	۱۸ دقیقه	دوشنبه ۲۳	۳	۳۷ دقیقه
شنبه ۱۴	۳	۲۱ دقیقه	سهشنبه ۲۴	۳	۳۹ دقیقه
یکشنبه ۱۵	۳	۲۳ دقیقه	چهارشنبه ۲۵	۳	۴۲ دقیقه
دوشنبه ۱۶	۳	۲۶ دقیقه	پنجشنبه ۲۶	۳	۴۴ دقیقه
سهشنبه ۱۷	۳	۲۷ دقیقه	جمعه ۲۷	۳	۴۶ دقیقه
چهارشنبه ۱۸	۳	۲۸ دقیقه	شنبه ۲۸	۳	۴۹ دقیقه
پنجشنبه ۱۹	۳	۲۹ دقیقه	یکشنبه ۲۹	۳	۵۰ دقیقه
جمعه ۲۰	۳	۳۱ دقیقه			

در این اوقات که ماه مبارک صیام نزدیک است چون بقانون سایر ایام اجتماع خدم و حشم در درب خانه و اشتغال بخدمات دیوانی باعث خمت و مشقت است لهذا برب امرا قدس طوکانه اولیای دولت علیه قاری جهت آمدن نوکرها بدربار محلات مدار و مشغولی هر یک بخدمات محوله داده اند و درین روزنامه مسطور میگردد که احدی از اینقرار نباید تکلف نماید اما لی نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره که هر روزه در میدان ارک و میدان خارج و دروازه دولت مشغول میگردند در این ایام صیام از غره الی ۲۹ از مشق نمودن معاف و مرخص میباشند مگر قوادلهای قزاقان و خانهای ارک و شهر بقرار نوبت معین در سرفردت و سایر عبادت و ستراحت مشغول شوند معطلین و متعلین دارالفنون نیز درین مدت ایام صیام آزاد و مرخص میباشند سایر نوکران بایستوفیان عظام و صاحب منصبان نظام و امنای دیوانخانه مبارکه و متعلقان کسبخانه و قسبان سلام و غیرهم شبهای جمعه و دوشنبه را از آمدن بدربخانه معاف و مرخص میباشند و در سایر ایالی همگی یکسان است اقبای باده در دربخانه سلطانی حاضر شوند و افطار را در خدمت جناب شرف ارفع افخم صدر ام خواهند بود و اشتیاق باید سلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند تا چهار ساعت از شب گذشته خواهند بود بعد از آن اذن مرخصی داشت استیاضی که در مجلس افطار جناب معری الیه حاضرند الی ساعت بطلوع صبح مانده در خدمت جناب معری الیه خواهند بود پس از آن هر یک نیز لهای خود خواهند رفت مگر کسانی که جناب معظم الیه را با آنها فامیش بخصوص شب تا طلوع صبح و هنگام ختمی باید بمانند و نیز چنانچه در ماه مبارک گذشته نوشته شد و استیاضی که شبها در دربخانه مبارکه حاضر میشوند بجهت آنکه از نوکران آنها از دعای زیاد نشود اعالی و ادانی علی اختلاف مراتب از نوکران پنج نفر بیشتر از دین که همراه خود بیاورند سایر ولایات

حرسان از قراریکه در روزنامه ارض قدس نوشته امورات اولایت قرین انتظام است و رعایا و اهل
 هر کس بجای و کسب خود و دعا کوفی ذات اقدس تا یون شایسته اشتغال دارند قبل از آمدن برف و باران
 جو و کندم در آن ولایت تسخیر زیاد بهم رسانیده بود ولی مجد الله بعد از وقوع بارندگیهای مافغ و موقوف در تسخیر
 کندم و جو ترل کتی بهر سیده چنانچه پیش از بارندگی کندم در چهار تومان و پنجاه و پنج تومان بدست می آمد حال در
 بیت و هفت هزار و بیست و شش هزار دینار و فوارد) (دیگر نوشته اند که اجدان فوج ختم یکصد و بیست و شش
 در قریه ایدیه لک عالیجا مقرب الخاقان میرزا ابراهیم خان سر تپ کزاده بودند سواره خشی تباحث آمده بهر
 قلعه و تاصبح دعا کرده اخرا لامرانی قریه ایدیه لک و سرباز سوار ترکان را شکست میدهند از ترکان چهار نفر
 سر کرده یکپایش کلوله خورده زنده دسگیر کرده اند و از قرار تقریر همان ترکان که دسگیر شده محمد شیخ همراه سوار
 مزبور بوده است و از ترکان سوا ای اینها نیز مقتول و زخمی بوده است که خودشان برده اند و معلوم است
 که از آنجا تباحث که ام طرف رفته باشند و نیز در پنجم ماه رجب تخمیناً هزار نفر پیاده و یکصد و پنجاه نفر سوار
 سرخی چند صد دله گان چوبی حمل شتران کرده بهر قلعه رانده که در جنب کلات است و پنجاه نفر سرباز در آنجا
 میباشند آمده بودند اهل قلعه و سربازان خبر داشته بهر قلعه پیش آمده تا طلوع صبح با هم بجایش و
 رز و خور و مشغول بوده اند بالاخره ترکان شش فاحش خورده و قریب سیصد نفر از آنها کشته و زخمی
 گردیده و در کمال خذلان و خواری مجروح و مقتول خود را حمل شتر کرده واری شده به سمت خرس رفته بودند و
 و هفت و بیست نفر از مقتولین آنها که در پای قلعه افتاده و صبح طلوع شده و فست بدر بردن نگذاشته بودند
 آنجا و سربازان آنها را سرفوده روس آنها را نزد مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان آورده بودند مقرب الخاقان
 مشایه ترکان مزبور را تعاقب کرده بود ولی با آنها نرسیده و حاجت بکلات نموده و سرباز را بارض اقدس
 و ستاده است) (بهرات از قراریکه در روزنامه بهرات نوشته اند قبل از غیبه نواب مستطاب بهرات
 افخم والی تبار حاکم السطه سلطان میرزا عالیجا میر معصوم خان بیگ قاسی را با یکشوب حرق و بطاعت
 خزا علی برسم حلق برای مقرب الخاقان حکومت خان دالی مینه روانه فرموده این اوقات آدمی از راه
 مراجعت نموده و عریضه خدمت نواب مغزی الیه آورده بود و حکومت خان و الی برهانی خود قدغن کرده بعد
 دو هزار خوار غله حل بهرات نموده اند که قدری با فرستاده عالیجا میر معصوم خان وارد بهرات کرده و با بقی ران
 از غصب می آورده اند و همچنین از ترکمانیه مرو نیز بقدر پانصد شتر غله حل و نقل بهرات گردیده است) (چند قبل ازین قافله
 بهرات می آمده است در بالام غاب و باش غلیجانی بعضی اموال تجار را برده بودند نواب بهرات محصلی نیز دعا علیجا
 بیکر یکی جمشیدی فرستاده بود که اموال قافله را استرداد نماید عالیجا بهرات را الیه نیز حاکم اموال را استرداد و لاجل تسلیم

بعد از فتح هرات نواب مستطاب ام السلطنة مالیات و دانات و اجارات را تا احرار برای دفعه خلق
حصول دعا کوئی فایده مس یون شاهی بخشیده بودند بعد از انقضای سال گذشته که مقررات سخا قان شجاع
ساختن اینجانی حسب احکام نواب معتمدی الیه مستوفیان هرات را نشاند و مالیات تعیین ضبط و مباشرین را
میداد و مقرراتی شدند که درین سال هم یک ثلث مالیات آنجا تحفه منظور شود مالیاتی اولایب ازین معنی زیاد در مقام
و دعا کوئی میشد (دیگر نوشته اند که میر اسمعیل خان کلاتر اسرار غرض خدمت نواب برادر نوشته بود که افغانها
که سال گذشته بطرف قندار فرار کرده بودند سال بدون اعلای از این طرف خود را بخت نموده و بخرانه و ملک نشین
آمد مستعنی عفو قصیرات خود شدند نواب معتمدی الیه نیز قسم عفو مجرایم آنها کشیده و مقررات نمودند که اسود با کمال
فارغیالی مشغول عیسی خود باشند فارس از نواریکه در روزنامه فارس نوشتند امور آن صفحات
منظم است و نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا و مقررات سخا قان حاجی قوام الملک و حاجی محمد شمس خان دیوان یکی
و میرزا نعیم شکر نویس بانی فارس مراقبت و اهتمام تمام در انجام خدمات موجوده نمودارند و هر یک از حکام ضبط
و عمل و مباشرین در محل ابواب جمعی مشغول با انجام خدمات محوله شدند رعایا و زراعت کاران در اول موسم زراعت
تشویش کلی سببه نیامدن باران بهم رسانده بودند و نرخ غله و اجناس با کوله ترقی کرده و غله داران غله را پنهان
کرده بودند ولی بعد از آمدن بارانهای متوالی زارعین با کمال اطمینان زراعت بهاره را نیز زرع کرده و پذیرای
کامل نمودند و انبارداران نیز انبارهای خود را سبب غله بفرش رسانده و میرسانند و بالفعل نرخ غله در
صفحات فارس تنزل نموده و فور دارد (نواب مستطاب والا مؤید الله و له حکم ان مملکت فارس در دست و مقیم
رجب شیراز محبت نموده اند ایام سفر شش و شست روز بوده است از جمله بیت و شش روز در کانه ان لو
و شش مشغول فرستادن سیورت باردوی برار جان بوده اند و در پاخره و هم چادری الشانی به برار جان رفته
و قشون و توپخانه و استعداد را از آنجا به نیک برده آورده بودند در سیزدهم رجب امیرالامراء العظام میرزا محمد
کشیکچی باشی با قشون و استعداد وارد آنجا گردیده و اردوی با نظمی برپا کرده اطراف اردو را سربازان نوابان
بعد از روز و کشیکچی باشی پنج روز در آنجا بوده و در نهم از آنجا عزیمت شیراز نموده اند که در **دستان**
از فراریکه در ضمن روزنامه گردستان نوشته بودند با نام چراغی مقرب سخا قان والی گردستان شیراز
خانه فتح الله نام عطار گردستانی دهان بوده است بعد از صرف شام و شب نشینی زیاد فائوس رهش کرده
تنها بیرون آمده بوده است که بخانه خود برود و از فرارند که علی الصبح که اهل خانه او از خانه بیرون می آیند
می بینند در پشت در خانه افتاده از پاتابینه او تمام سوخته و از سینه تا سر سوخته ولی خشم فاحشی در سر او دیده بود
احتمال ردول خارجه

از قرار که در روزنامه های فرانکستان و غیره نوشته اند حکمران حومی که درست غربی سودان واقع است در این
اوقات دو پسر خود را با جمعی خدمتکار بجهت تحصیل فنون بهر نوبت بنگلیس فرستاده است که اول بپاریس و بعد
لمدن بروند و بجهت اعانت تقویتی که از دولتین فروردین لازم خواهد بود بامپراطور فرانسه و ملکه انگلیس که نام
نامه نوشته فرستادگان بپاریس وارد شده و نامه امپراطور را رسانده اند و حکمدار منور بجهت عدم اختلاط و
از معلومات دول خودش را یکی از بزرگترین پادشاهان دنیای می شمارد و نامه که بامپراطور فرانسه نوشته است
بجارت و مضمونیت که کسی بنویسد و تابع خود حکم ننویسد (در این اوقات از جانب دولت روس تنظیم و مساح
سواحل قزاقیکه و سایر راههای آن اطراف منظور شده و چون بجهت درست کردن سبک و ریک قابل دران صنعت
غیت لهذا اعلام شده است بجهت دول محتاج به که بجهت خریدن آذوقه کشتی بان سواحل میرند در رفتن که کشتیها
انگلی خالی است سبک و ریک بار کرده بسواحل منور و حمل و نقل و از دولت روس بهای آنرا دریافت کنند و
باب بیرون آوردن این سبکها بسبب دولت انگلیس بجهت اجرای تدابیر امر شده است) (مجلس مشورت دولت انگلیس
چنانچه هر سال وقتی مجلس مفتوح میشود درین سال نیز بموجب خبر تلفاف که رسیده است در اول ماه جب مجلس منعقد
شده در حالتی که در بعضی مواضع گفتگو پیش از جانب وکلای ملت در باب جنگ دولت انگلیس با چین مذاکرات و
یافته است باین مضمون که جنگ با چین علی لایق است و مبالغی باید صرف این کار بی فایده کرد و قطعاً نتایج حسنه
ندارد بلکه این ماده تجارت دائمی با چین خلل میرساند و ضررهای آینده آن ملحوظ میشود و رفع این ماده را وکلای ملت
خوشامد شده اند و از جانب خوانین و وکلای دولت نیز بعضی جواب در مقابل داده اند و چونکه قانون قدیم معمول
دولت انگلیس است وقتی که در سنده وکلای ملت با وکلای دولت مخالفت نمایند رجوع بزیادتی طرفداران
میشود و درین مسئله طرفداران وکلای ملت تشریف شده اند درین صورت وکلای و مأمورین دولت نظربان قانون از
مأموریت خود بابت استعفا نمایند ولی جناب لار و پالمستون استعفاي خود و وکلای دولت را تا خیر انداخته
و بلکه انگلیس عرض کرده است که وکلای ملت عرض شود و مجلس ثانی از وکلای جدید ملت منعقد گردد و معلوم شود که عموم
طرف وکلای ملت را دارند یا نه بلکه انگلیس نیز بمنحی است و منتهی و قبول کرده از استعفاي وکلای دولت علی الحساب
صرف نظر نموده اند) (مصنف روزنامه دبا به پاریس بجهت حساب تجارت و کشتیهای تجاری دولت فرانسه باین
واده است باین مضمون که در ۱۵ شعبه عیسوی کشتیهای تجاری که داخل بنا در آمده است بیت و پنجاه هزار مفصل و
پنج قطعه و حل آنها چهار برطیان و هفتاد و پنجاه روزه و در دولت و سه تون شده است کشتیهای که از بنا در خارج
چهار روزه و چهار صد و سه کشتی و مقدار حمل آنها دو طیمان و بیت و یک هزار و هجده تون شده است و معلوم
کشتیهای که از خارج داخل بنا در آمده است از کشتیهای باخنی زیاد تر اند و جمیع آنچه داخل شده و آنچه

رفته است خواه بانان بیدق فرستد و خواه بانان بیدق خارج چهل هزار و دویست و پنجاه کشتی و حمل آنها
جنگ شملیان و سید و نود و شش هزار تون پشته و حساب جداگانه هر بندری از بندر فرانسه از بنقرار است
مارسیل که شهر بزرگ تجاری آن ولایت است متجاوز از پنج کروتون جنس با صفت سحرین النظمین که دودریا
بزرگ مشرقیه و مغربیه با معامله کرده است بندر شهر حاور بمالک نکلیس و سمت شمالی یکی دنیا قریب سه هزار و
جنس داد و ستد نموده است و این تجارتیست که همیشه بازار داد و ستد مارا بکشتیهای بخار رونق میدهد و
بندر سیتی فرانسه است که قریب شصت و پنجاه هزار خرد و اجنس با ولایات بعیده یکی دنیای جنوبی و دولت
اسپانیول ارسال و مرسول کرده است بندر آن نظریه چهار صد و سیست هزار خرد و اجنس با مالک براریل و لور
و خاک آفریقیه داد و ستد کرده است سه بندر دیگر که دو کرک و بولون و کالک با قریب سه هزار خرد و اجنس که کشتی
و عال سنگی نکلیس و چو کشتی سازی شمال و محصول مختلفه سحر باطیک پشته بوده است و منظور مصنف از بولون و
فمیدن ترقی تجارت ولایت خود پشته و میگوید نظر بقواعد جدید و دولتی امیدست که بعد از این تجارت دولت فرانسه
خیلی ترقی و وسعت یابد زیرا که همین مسکن گمان و چو کشتی سازی و پشم هندوستان و سایر اجناس خارج
خرج کرکش کم شده است و زیاد و داخل ولایت فرانسه خواهد شد و قواعد جدید که تجارت را ترقی خواهد داد
بعد از این تجارت دولت نکلیس را کرده میگوید دولت نکلیس ام و زنهاست که تجارت را در روی زمین دارد
و با اینکه قواعد سحری او خیلی سخت بود در سال ۱۸۴۲ عیسوی قبل از تصنیفات کتب نظم و خانه سیر و بر دین که یکی از اینها
دولت نکلیس و مصنف مشهور این عصر است تجارت سحری نکلیس چهل و هفتاد و شش کشتی و متجاوز از پانزده
هزار و خرد و اجل آنها بود و این حساب معلوم میشود که چه قدر مال نکلیس زیاده از نیاز است که سید که درآمد در دستهای
مال نکلیس پاشد این قدری است که آنها خیلی از پیش گذشته اند و زو کشتیهای تجارتی آنها سه و یک کشتیهای
پشته و در جمیع دریاهای عالم ولایتهای خانهای تجارتی و انبارها و منازل دارند اینها کمال دقت و تحقیق لازم است
بعد از آنکه کلوی ارض سوز را بریده و دور یار که سحر الاحمر و سحر الروم با هم متصل گردند چهار هزار فرسخ خاک مشرقیه تجا
فرنگستان نزدیک خواهد شد و عبور کشتیهای بخار و مورو راههای آبی و آنکسیم تلفات و سحر و بر مشرق بر میسر
در هر حال پوسته ترقی خواهیم داشت و مالک نیای عتیقه که هند و ایران و چین و ژاپن و یام و کوشنی و کوریه باشند
و سعادت قدیمی آن ولایات بتوسط جد و جهد علوم او و پانیه مجده آلوده خواهد یافت (تاکنون در فرنگستان جاهای
بعضی اشخاص با اجزای مخصوصه اقبیل شوره و غیره آب انچه کرده اند و صنوعی میسازند که ملاحظه شد در این اوقات در یکی دنیا چند نفر با هم
اتفاق کرده و چند کاغذ مخصوص این کار ساخته اند و بطوری سخن باز شده که هر یک من آن تجلیا بچهار عارفی و ختم میشود و روز بروز
و قیمت آن در سرت نوشته اند این کاغذها اگر در بلاد و ممالک اول شود فواید بسیار آن عاید خلق شده تجا نیز ازین کار نفع خواهد

قلعه استراليا که در تحت حکومت انگلیس است و چند سال است که از محادن آنجا طلای فراوان حاصل میشود و بزرگ
 در روزها نموده نوشته شده از آنجا انگلیس و بر خلق روی زمین از هر ولایتی بجهت بیرون آوردن طلا از معدن با سنج
 بعضی طالع و نشان می آورده و قطع کلی کرده از آنجا سرور و مقصی المرام با وطن خود میروند و بعضی هیچ عایدشان نمیشود
 و گرفتار فقر و بی چیزی می گردند بطوری که قدرت بیرون آمدن از آنجا ندارند و در آنجا پرنک کردن کفشهای مردم
 که پست ترین شغلهاست مشغول و گذران می کنند از جمله اشخاصی که بختش سعادت کرده است در این اوقات شخصی
 اهل لندن که بسیار فقیر و بی بضاعت بوده است نمیشد راجعه طلا در کار کردن بوده پارچه طلای خالص پیدا کرده بود
 که تخمیناً پنجاه و شش من پوزن ایران بوده است یکباره از فقر و پریشانی خلاص شده و پاکشی بخار بطن معاودت
 کرده است (در دولت اسپانیول سبب اختلافاتی که سابقاً در آن ولایت روی داده و در روزها نموده
 اهل زراعت با رسال بازرعت خوانسته بودند پیر دارند و با پنجه صورت قحط و غلا در آنجا ظهور کرده اگر چه از آن
 و ذخایری که از خارج با ولایت می آمد دولت اسپانیول رسوم کم و غیره برداشت باز فایده نکرده بسیار مردم
 و چارقه و کرسکی شده اند دولت اسپانیول در این اوقات پنجه رفع اضطراب این اشخاص حکم کرده است که
 روزی پنجاه و چهار هزار نان پنجه بفرستند و علاوه بر این قرارداد که از جانب دولت برای فقر شده است
 ارباب مکت و ثروت نیز بقد و مقدور در حق فقر اعانت نمایند که رفع پریشانی آنها بشود (در فرنگستان دان
 خیلی چیزها که بفکر و خیال در نمی آید بطوریکه از جمله در این اوقات نوشته اند که در ارسیل دختر بی با جمعی بجهت سواد خواندن
 که مشغول بنفایس بوده رفته و از صاحب کان بقد یا نصیب شصت تومان اسباب خرید و شاکر او را همراه برده بود که در منزل پول
 به بد بخانه رفته و شخصی را آن داده است با کرد و فرمود و گفته است این شوهر من است پول ترا میدهد و خود غایب شده است
 شاکر و بفرمان شخص رفته و سیاه قیامت اسباب را داده و مطالبه بخواه نموده در جوابش گفته است که از وقتی که تو
 با این علت گرفتار شده تا حال چند مدت می شود شاکر از این چیز نفیض میخیزد و از سایرین پرسیده است این
 شخص کیت گفته اند این طبیب دیوانه خان است و سپری از طبوبان آن صاحب کان چند وقت پیش ازین دیوان
 شده بنزد این طبیب آورد و مبلغی حق الطبا به با و داده و مبلغی نیز تمهید کرده بود که بعد از تحت آن مجنون به بد و فزاده
 بود باین جیلد گرفته است شاکر صاحب کان را اخبار و گزارش بگومت اعلان کرده هر چه تفحص کردند آن دختر پیدا
 اعلان نامت در بفته گذشته اعلان شده بود مجدداً اعلان میشود عالجیه موسیو بربره صاحب معتم سواره غلام
 نظام بعضی اسباب و یا بهراج میگردارد هر کس میل بخريد اسباب داشته باشد روز دوشنبه آینده ساعت بظهور روز کوز
 ماند و در محله کوچه عزیزبان نزدیکی خانه خواجه و ایلط تاجر باشی روس در خانه خود عالجیه بربره صاحب حاضر باشد
 که اسباب بهراج میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه ششم رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۳

شمه سید پیر شیر

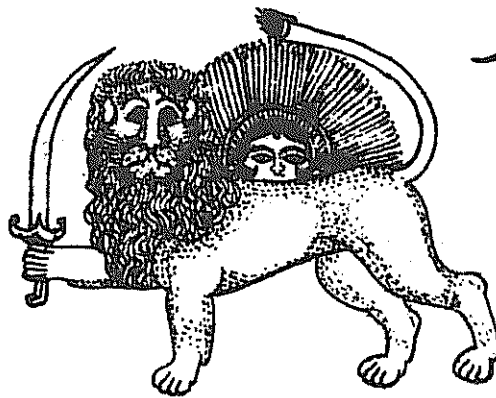
منظومه دارالخلافه طهران

قمت روزنامه

هر نسخه دوازده

قیمت اعلامات

به طرر ده شهر



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران



در این اوقات که تمام ماه مبارک صیام است عموم این دارالخلافه مبارکه از علای اعلام و مجتهدین ذوی العز و سادات عظام و سایر ناس از کوکری و عتیت و تاجرو کاسب و در مساجد و محافل طاعات و عبادات قیام دارند و در هر یک از مساجد از چهار کثیر از صفوف مسلمین با ادای نماز جماعت و تلاوت کلام الله مجید ترتیب می یابند و چنانکه در هفته گذشته نوشته شد عموم نوکران اعلی و ادانی درین ایام از خدمت در بنجانه مرخص و روزه در مساجد بعبادت و استماع موعظه مشغول اند و از اینکه دارالخلافه مبارکه طهران آبادی و محصوریت و کثرت جمعیتش روز بروز در تزايد است هرل ماه مبارک بحجت خلایق در مساجد و محافل بیشتر از سال دیگر ملاحظه میشود و فقهای عظام و ذوی القربی و الاحترام که پیران دین و پیشوایان سلیمانند با امت جماعت قیام و فضیلتی کرام در منابر پس ادای صلوته شروع بوعظه و نشر احادیث کرده قلوب مسلمین را باقی بندگی خداوند یگانه و در ترویج قواعدت منضای بنوی و قوانین شریعت غزای مصطفوی صلوات الله علیه و علی اله اجمعین دور و نزدیک مجمع طاعت و محضر عبادت را تظاظ و بهره یاب و راغب براه خیر و ثواب می نمایند و بجهت امسال حجه بارندگیهای متوالی هوا هم در کمال خوبی و طاعت بطوری که هنوز مردم از اطاقتها میل بیرون خوابیدن نمی کنند و بعضی اوقات هم بارندگیهای خوب میشود و بجهت و خوبی هوا چندان صغف و عطش بروزه داران روی نمی دهد و اوضاع در بنجانه مبارکه نیز بهتر از دیگره در هفته گذشته گردید از یک ساعت بجزوب مانده دایر و کانی که در مجلس جناب مستطاب شرف امجد ارفع صدر اعظم مخنسم باید ظاهر نمایند در آنجا حاضر و سایر طرین در بنجانه هر یک در منزل رتو و باشیان خود بجا از اوطار کس بخدمات مرعوفه خود می پردازند تا چهار ساعت از شب گذشته اعلی مرخص خانهای خود و بعضی که بجهت انجام امور لازمه در کارند تا وقت

محو و در برابر تاجون و خدمت جناب معظم الیه (چون عالیجاه مقترب الخاقان) در میان سرتیپان
 خدمت و کار ذاتی موصوف و از غمده خدمات که هر وقت با و مخول شده است بطور ثابتگی و صداقت
 برآمده است و کفایت و محاسن حدنگداری او مقبول و تحسن خاطر اعلیحضرت اقدس تاجون شاهنشاهی افتاد
 لهذا محض مراسم خدیوانه درین اوقات یک قطعه نشان دیش ن سیرسی اینقام یکرشته حایل سرخ مخصوص آن
 بموجب فرمان مهر لعلان مبارک در حق مقترب الخاقان مشار الیه حجت گردید (چون بقانون تداوله در هر
 که از جانب اعلیحضرت امپراطور روسیه جانشین جدید مأمور بفرمانفرمائی ملک قفقاز میشود باقتضای مراسم
 و مودت دولتی و ذیوقتین ایران و روس صاحب منصب پسر با دروغه مخالف و دین برای یکگاه
 دستگاه ملوکانه و مراسله مودت مواصلة سجد اولیای دولت روز افزون با نظام پاره تعارفات برای
 مأموریت خودشان در این اختلاف اباهره مأمور و روانه می کنند در این اوقات هم که جناب جلالت و اما
 بارانگی جانشین اعلیحضرت امپراطوری بفرمانفرمائی ملک قفقاز مأمور شدند بنا بر عادت مراسم مصافحت
 و مواعدت حضرتین عالیجاه محبت و نبالت سمرالکینیا زلیکوف را با سایر صاحب منصبان سجد اعلام
 مأموریت خودشان بان ملک مأمور و روانه دار الخلافه کرده بودند چنانچه تفصیل آن در روزنامه سابق مندرج
 شده است عالیجاه مشار الیه پاره هدایا و تعارفات از جانب جناب جانشین قفقاز از قبیل انقیاد و انکسار
 و ساعت مرصع و اکثر الماس برای بعضی از خانواد سلطنت عظمی و اولیا و رجال دولت علیه و وزارت
 خارجه و برخی از اعیان دولت و هم چنین از برای چند نفر از علمای اعلام آورده بودند تعارف هر یک را
 عالیجاه نبالت سمرالکینیا زلیکوف بعد از حصول ملاقات مصحوب یکی از صاحب منصبان سمرالجه خود
 در کمال معقولیت و ادب ابلاغ نمود و از جانب ایشان هم برای آورنده و حامل هدایا تعارفات لازم بعمل آمده و
 (عهدنامه صلح و صفا و مسالمت که فیما بین دولتی و ذیوقتین ایران و انگلیس مبارکی و مینیت
 انقضا یافت باقتضای مراسم سلم و صفوت حضرتین لازم بود که از جانب دولت علیه کسی برای دعوت
 محبت و فحمت لصاب چارلس موره وزیر مختار و پلی مخصوص دولت انگلیس باقامت دار الخلافه انکسار
 مأمور و روانه دار السلام بعد از وصول به آنجا و عده انجمن العظام حسن علی خان سرتیپ افواج کرد و جنرال
 خاص حضور تاجون که از خانوادای نجیب ایران و نوکر محترم دولت و حامل نشان سیرنجکی بیات از دربار
 تاجون بجهت این مقصود در روز چهارشنبه چهارم ماه رمضان روانه مقصد گردید و همچنین سایر عیال و رسوم
 و مصافحات دولتی و نجیبین ایران و انگلیس میبایست کسی از معتبرین چاکران دربار تاجون از جانب دولت
 علیه برای تقدیم لوازم مانداری جناب مستزنی الیه روانه کرمانشاهان شود تا بعد از آنکه جناب وزیر مختار از آنجا

دولت عثمانی گذشته دارد خاک دولت علیه شد بدو ظایف معانداری قیام نماید علی هذا علیجایم مقام
 نادیکان سرتیب جهان کلونه حامل نشان شیر و خورشید پیرسی از درجه اول با جامبل مخصوص ان
 دولت علیه موافق احکام و دستور العمل لازمه در چهارم ماه مبارک روانه سرحد عراقین و بحکام و مسائل
 امور دیوانی عرض راه از سر حد الی دارالخلافه احکام صادر کردید که لازم توقیرات ایشان را از خوار
 بتقدیم رسانند (علیجایمان محمدتیسر انان بقیه الامراء العظام محمد صدیق خان و محمد جبار خان و نادر
 و سایر اولاد مرحوم یار محمد خان ظهیرالدوله که برکات بایون آمده بودند این روزها مشغول عوطف سربکار
 اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه گردیده خلعت انعام فرخوز حال هر یک مرحمت شد و مر
 حاصل کرده رفتند) چون مرحوم سکرخان سرتیب فاشا را روحی در راه خدمت دولت تصدیق شده
 لهذا مقرب الخاقان یوسف خان برادرش درجای اول منصب پیرسی سرافراز فرمان بایون در با
 منصب پیرسی او شرف صد و رفت (علیجاه خانسوار خان هزاره و حاکم مرد که با کد خدا یان بر
 برکات پیر دزی انساب آمده بودند این روزها از جانب سنی الجواب ملوکانه خلعت و انعام در حق هر
 مرحمت شده رحمت انصاف حاصل کردند) (علیجاه بقیه انجمن العظام میان خان نایب جودان بانی که
 سنان سفارت کبری سابقا امور بطریق شده بود در روی عقل و دستی و صداقت رفتار کرد بعد از ان هم با منصب سفارت
 که با مویاری کشت جوهر درایت قاعده داد و صد و مقرب انطور آورده اما اینکه حامل عهد صلح دولت دین ایران و کلستان شده
 برعت تمام خود را بدار الخلافه الباهر رسانید و عهد مبارک را با و پایی دولت علیه طالع کرد در مرتب کار دانی و کفایت و اهتمام
 و موافقت او مشهور بشکاه حیرت و استکا ملوکانه گردید مورد الطاف و انانی کشت در اول و در باعطای یک طاقه
 مرز برسم خلعت آفتاب طلعت قرین مباحات آمد بعد از ان موافق فرمان حضرت نشان در درجه پیرسی نایل
 و نیت تومان بر پا ضد تومان موجب بق او افزون و مشمول مکارم حسروانی سرافرازی یافت و این روزها
 حب الاموال قدس خضی فقه باو شجاعت او لیا دولت علیه رویتل باو سفارت کبری خواهد شد

سایر ولایات (حمت از فرار که در روزنامه حمت نوشته اند از حسن حمت
 و اهتمامات مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمت امور آن ولایت قرین انتظام و ضبط است هوای ولایت
 در این اوقات کمال برودت را بهم رسانده است چنانکه نوشته اند بیت روز بعد از غید سعید سلطان
 زیادی بولایت حمت بارید و در بعضی از بلوکات حمت تادوسه روز برف در زمین بود و هوای حمت
 سرد شده و دودخانهها و زمینها کلا بخت و بعضی اشجار نیز که قریب برگ و سکوته بودند ازین سردا صبر
 مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمت بعد از سیزده هید نوروز علیجاه میرزا و لیجان نایب الحکوم را با علیجاه

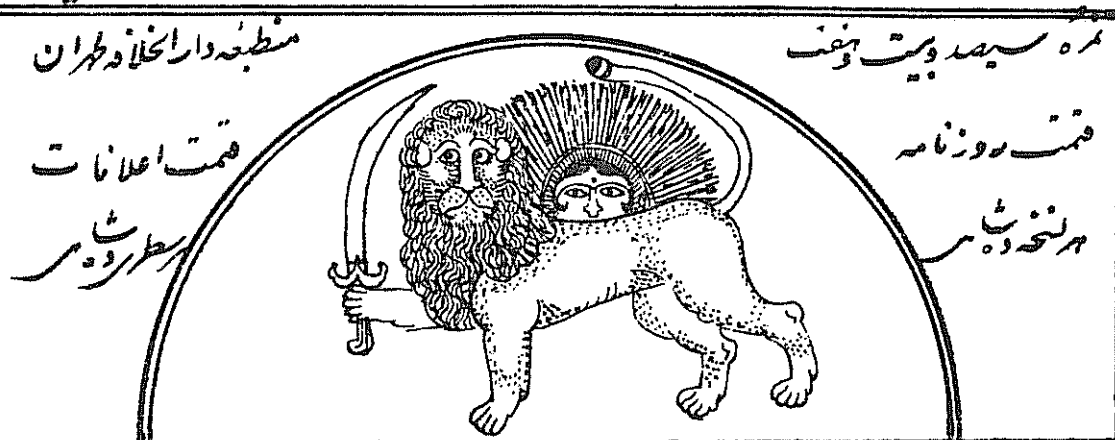
میرزا علی سرشته دار خسته و یک نفر مستوفی سخته گشتی و غوررسی و اطمینان رعایای ملوکات و دعات
خالصه با نهانیت اختصار روانه نمود که رسیدگی کرده از برای هر یک از دعات مزبور که بذریعہ سبای
لازم باشد مینماید که رعایا با اطمینان خاطر سرگرم امر زراعت و تربیتی باشند و قدغن نمود که سجنان و جواهر
از رعایای آنجا چیزی نخواهند (دیگر نوشته اند که چون بسبب کمی غله در آذربایجان از جانب اولیای
علیه حکم شده بود که از محال خسته غله به تبریز حمل و نقل بشود که اهل آنجا و عسرت نباشند مقرب آنجا قاجار
بعد از حصول آگاهی از حکم اولیای دولت علیه تمام زیاده در اقبال حکم نموده پی در پی غله بان سمت میفرستاد
بطوریکه از قرار اخبار آذربایجان که بنحی میرسد قیمت غله در تبریز تنزل کرده و فوراً بهم رسانده است و
انولایت از این معنی زیاده شاکر و دعا گو میباشند) (دیگر نوشته اند که در سر نهر نجان رود در قریه نیاد
مشهور بان رخی طی از چوب خسته بودند و هر سال در بهار سیل بی مزبور را برده مسبب عطش مائور و زوار میگردید
میشد سخته فاه حال مردم دین و حصول دعا کوئی ذات اقدس تعالیون شاهانای مقرب آنجا قاجار
در این اوقات معمار و بنا و عمارت و آجر زیاده فرستاد که در آنجا پلی بسیار محکم و خوب از آجر و سنگ و ساروج
که عابرین گرفتار صعوبت نباشند و بالفعل بنا و عمارت مشغول گشتند غریب در کمال استحکام صورت اتمام
خواهد یافت) (دیگر نوشته اند که دو نفر از اهل کرمان بعضی میگفتند که از اهل نمانا و نمانا بوده اند بقصه ابر آمده
سی چهل روز در خانه میرزا رحیم اهری همان بوده اند و شام رالیه بی سابقه معرفی کمال محبت را در حق آنها بعمل آورده
با هم قرار میدهند که با اتفاق زیارت عتبات عالیات بروند روزی بهمانان میگوید که رفیقان من مرد پیر می شستم و
سخته جرجی راه دارم تیرسم با شما سفر کنم در راه پول مرا ببرید و مرا سرگردان بگذارید آنها میگویند این چه سخته
با ما میکنی محبت تو پسر فراموشمان نخواهد شد و در عوض این محبت باید خدمتی بنماییم که در همه جا شهرت کند با محله
با اتفاق روانه عتبات شده در قریه آوج سن قرار خرقان مشایخا میرزا رحیم مزبور را با ولی نام آدم اولیای
چاق و قلیقلسان همان نخواه را با اسب و اسب مقتولین برشته و بی کا خورفته بودند اهل آوج مطلع شدند و
با آوج آورده پسران میرزا رحیم را اخبار و با تحضار مقرب آنجا قاجار چراغ غلیظان رسانده فرستاد هر دو قاضی را در
حاکم همدان گرفته آوردند و همه دعات عرض ابراهیمان و خرقان و ابرود و در نزد علما و اعیان خودان قرار گشتن میرزا رحیم
و آدم او کرده بودند یکی از آنها که قاتل ولی نام آدم مقتول مزبور بود یا از واه قصاص یا با جلیسی در قصه ابرشته
و یکی را که قاتل خود او بود بزنجان آوردند با اینکه قاتل بودن او نظر با قرار خودش در همه جهات به اطمینان
باز مقرب آنجا قاجار رالیه رجوع حکم سر غلط نموده او را با میرزا ابوتراب پسر مقتول نیز دامنای شرع فرستاده بعد از
ثبوت عاوا و اکران در مقتول نجا به نیت لفظ طلاق و شرع مقرب آنجا قاضی شرعی سید

احبار دول خارجہ

در روزنامہ های سابق در گذارش جنگ مجلس با چین نوشته شده بود که قایم مقام شهرکاتان با مالی خود اخبار
اعلان کرده بود که هر کس یک نخلکس کشد و سرش را بدار حکومت بیاورد صد روپیه از جانب حکومت باو
داده میشود از قرار روزنامه که این اوقات رسیده است نوشته اند که از تبعه مجلس سبت سی نفر با هفت شت نفر
از اهل چین از لنگرگاه طرف بالای شهرکاتان بیک کشتی بخار نشسته بغضای دریا که رسیده بودند جمعی بصورت
مسافر که کشتی بخار دیگر نشسته بودند با آنها برخورد و اول نخلکس را کشته و بعد از آن چینی را قتل کرده و کشتی آنها را
آتش زده و غرق نموده پی کار خود رفته بودند (در اکثر دولتهای فرنگستان مجازات و سیاست معضرتگر
بسیار مد شده است مثلاً یک تاپین اگر یک صاحب منصب را در کوچ دید و سلام او بر بخیر و یا زده یا بخت
روز مجوس می شود و اگر فرار نماید او را نشان داد اشته شیک تفنگ با می کنند و این شدت و سختی سیاست
با این مرتبه در عا که نهایت سخت گیری است در حق آنها علیحضرت امپراطور فرانس این مرحله را منافی مروت دانسته
مخص التفات در باره آنها در این اوقات امر کرده اند که قومیونی علاقه تریب داده و فراری درین باب بکشد
بقدر مقدور تحقیق در اجرای سیاست عسکریه بدینند که بعد ازین انظورشخت گیری در اعاد نظام نشود) (در
روستیه چون طیب بسیار کم است و آنها نیز که مستند بجهت کم مهارتی و عدم حضارشان از معلومات درست معالجه
از عهده نمی توانند بر آیند و باین سبب خیلی از مرخصیهها که معالجه پذیر نیستند بمرطه هلاکت می افتند لهذا علیحضرت
امپراطور روستیه در این اوقات حکم کرده اند که اطباء و جراحان موجوده انجارا امتحان نمایند اگر تکمیل صنعت خود را
بشهادت نامه لطیای مشهور بتبیر با اسباب دیگر ثابت کردند و آنها و الا در درون مملکت از هداخله بکار طب
و جراحی ممنوع باشند و اطباء و جراحان معتبر مسلم از سایر دول فرنگستان و آرواده اند که بدولت روس
و درین باب از جانب علیحضرت امپراطور تاکید بعمل آمده است) (در هر محل فرنگستان در تربیت کردن اطفال
فوق العاده اقدام شده است و در باب تنبیه و سبب استیضاحی که در تربیت اطفال خود قصور است مع نمایند و درین
اوقات در دولت باو پیاده را قرار شده است که هر کس طفل خود را تربیت نماید و بکار و شغل باز ندارد گذشت از آنکه
در غایت اول بطرفی از دولت مساعدت نمی شود و تذکره نمی دهند شاه نیز باید مجوس با و این حکم را بکل ایالت
دولت خود اعلام کرده است) (در ایام بیتال پیش ازین در فرانسه در مملکت صوبینج نام دختری بسیار فقیر
و عاجز از حصول محاش بد برجه سوال بوده است روزی بدرخانه آمده کردن کچ کرده و چیزی خواسته بود
صاحب خانه محقری از راه احسان باو داده بود و دختر صاحب خانه دلش بکمال او سوخته و حالت پریشانی و اضطراب
او بان دختر تاثیر کرده رفته از صندوق یک لیر که تخمیناً دویست و هزار دینار پول این ولایت است بیرون آورد

و مخفی از پدر و مادر خود با داده و بسیار عذرخواهی و اظهار دلسوزی و محبت نموده بود بعد از آن ان دختر فقیره را یکی از تجار هر طور بوده است عقد کرده و بزنی گرفته و همراه خود بیکی دنیا برده در اینجا بکار تجارت مشغول شده بود فقیره مرقومه صاحب ثروت و کثرت و اولاد متعدد کردید چند وقت پیش این نوشت در وصیت نامه او نوشته که به پسر بزرگ خود نوشته بود که پنجاه تومان وجه نقد از مال من باید ببری بملکت صوبه خراسان در فلان محفل و فلان خانه بدختری که بفلان نام نشان است بدی که دایم فقر و مضطراب من من محبت کرده و حق جان بر دست من دارد مثل رایحه حب الوصیت مادرش بخواجه مرقومه را برداشته و از بیکی دنیا بفرانس آمده و در محفل مزبور مقام تحقیق را بد معلوم شده بود که دودمان ان دختر کلا از پدر و مادر و بستگان برجیده شده و امثالان تلف کردند فقط از ان سلسله خود همان دختر باقی مانده است که با کمال بی چینی و پریشانی بسر میبرد مثل رایحه بخواجه را حبست مادرش برده و با داده که از شس سابقه مادرش را با او تقریر کرده بود و پچا ره که از همه جا بایوس و در کمال است و پریشانی بسر میبرد ازین عطیه غیبی که بی خبر با و روی داده و فرج بعد از شدت بنا و رخنموده حیاتی تازه یافت و ثم حسانی که بیست سال پیش ازین کرده بود در این اوقات عاید رور کار او گردید (در دولت ردینه نشانی تفکلی که عا کرانجا استعمال می کنند چون برو چه مطلوب بکار بخورد از جانب دولت قرار شده است که هر کس در صنعت تفک سازی مهارت کامل داشته باشد از اهل هر دولتی که باشد با ردینه رفته و در آنجا تفکلی که پر کردن و کار کردن آن آن تر از اینکه حال امتداد است باشد اختراع نماید و در مقام تجربه بی عیب در اید از جانب دولت شخص در عوض این صنعت پنجاه تومان داده میشود و این که از شس را دولت ردینه متوسط عمرای خود به طرف نشر و اعلان کرده است) (از ضابطان بجهت بهوریه بیکی دنیا شخصی بجهت حرکت دادن کشتی که در دریای سیاه می نشیند التی اختراع کرده بود که چند ذرع تا آب را می نمود محضات آن بدرجه ظهور رسیده و در بیکی دنیا امتداد گردیده حال در کل کشتیهای بیکی دنیا هر یک بیکی ازین آلتها که داشته اند و در این اوقات از ان آلت نموبندن آورده در بعضی کشتیهای انگلیس هم از روی آن آلت ختمه و گذشته اند) (در روزنامه سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور فرانسه بجهت جناب سترپلینه هرلی ده هزار تومان سنوی قرار داده بودند موجب روزنامه که اوقات رسیدن سنغ مزبور در حق او بصیغه ابدی اعطا شده است که بعد از فوت او نیز در حق اولاد و حجاب او بجا باشد) (دیگر نوشته اند که از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه برای ساختن راه آبی در جزایر مابین راههای فرانسه با چند نفر هندس مأمور شده و در این اوقات با پنجاه غنیت کرده اند که بنای راه آهن در اینجا بیکراند) (اگر حال و کمستان کنی که قصاص قتل در حق آنها لازم می آید و جمیع ماس آنها را قتل میکردند و بهر چه بچه نیز قاتلین متداول بود ولی در این اوقات قرار داده اند که اکنون شخصی را میان مردم نکشند و در میان مجلس مخفی قصاص قتل برسانند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوچشم شنبه دوازدهم رمضان المبارک مطابق سال سی و یکم



اخبار داخله مملکت و بیرون

دارالخلافه طهران

عالیجاه نیرمان خان سرتیپ و نایب سفارت کبری که از پاریس با عهده منقده دوتین ایران و پس بدارخلافه آمد بود روز نهم شهر رمضان المبارک بادستوالعلی و احکام لازم از دربار بهایون روان شد که بجایاری سفارت کبری خواه در لندن و خواه در پاریس بحتی شود احتمال میرود که جناب فحمت لضا این الملک ایلمچی کبیر دولت علیه هنوز از لندن مراجعت نموده باشد که عالیجاه شاره بایشان برین امید کلی حاصل است که چنانچه عهده ملت میان دو دولت مبارکی قرار گرفت بواسطه غمت جناب ایلمچی کبیر هم که از راه کمال میل او یای دولت نکلیس بوده است طوری اسباب مودت فرس آمد که این دوستی سمت استمرار و دوام پیدا نماید و بنیان محکم آن از طریق و انهدام مصون آید جناب ایلمچی کبیر این دولت برای تمهید این نوع بنای محکم هر گونه لیاقت و برازندگی و هر قسم تهیه و آماده کی را دارد امید کلی حاصل که او یای دولت انگلیس هم این فرصت را از دست ندهد و اس مودت را از راه کفایت بر بنای قوی گذارند (نظر کمال شمول عواطف رای منیر احمد س اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه دربار جناب فحمت لضا فرخ خان این الملک ایلمچی کبیر دولت علیه ایران و ملاحظه رخساری که در راه خدمت علیه تحمل شده و میشود یکشوب کیلجه ترمه اعلی از غلبوس تن مبارک با شمشیر مرصع که نهایت خوبی و متباین دارد برسم خلعت مهر طلعت بجهت جناب معزی الیه حمت و عنایت و مصحوب عالیجاه مجدت سر ابراهیم سرتیپ و نایب سفارت کبری ارسال کردید) (چون عالیجاه میرزا کمال سادجی از عنده خدمات دیوانی امور و کالت قم و ساوه و در گذر از این محاسبات دیوانی این دو ولایت خوب از عهده برآمد لهذا

در این اوقات از جانب سنی الجوانب یونیکو خجسته تر که مافی باو حجت کردید سایر ولایات
فارس از فراری که در روزنامه شیراز نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و اتهامات نواب
مستطاب بنزاده و الالباب مؤید الدوله حکمران مملکت فارس قریب انتظام و ضبط است و مقبول
میر الملک حاجی محمد هاشم خان دیوان بیکی و میرزا نعیم شکر نوبس با سنی فارس در انجام
مخوله خود کمال کفایت و اهتمام بطور میرسانند و سایر چاکران و کارکنان آن دیوانی هر یک در مشغول
عمل خود مراقبت و موافقت نام دارند و محال و ضبط و مباشرین هر یک در محکلات و بلوکات انجمن
خود در کمال اطمینان مشغول خدمتکاری دیوان قدیشان اعلی و وصول و ایصال وجوه مالیات و سایر
در باب حوالجات میباشند و چون اول سال است نواب بنزاده مؤید الدوله کامی محال و ضبط و مباشرین
محکلات فارس را اخبار نموده اند که یا خود بشیراز حاضر شوند یا هر یک مسمی از جانب خود با اسناد و یوا
بفرستند که در دفتر خانه فارس محاسبات خود را با مستوفیان و کارکنان آن دیوان قدیشان گذرانند
مفاح صاحب دریافت نمایند (در اول موسم باران نوشته اند که بارندگی شده و مردم قریب
بودند تا در وسط موسم بارندگی شده و زارعین و صاحبان املاک زراعت کامل چنانچه در روزهای
نوشته شد نموده بودند ولی از اواخر رستان تا چندی بعد از عید نوروز که اوقات مقتضی بارندگی بود
بارندگی شده مردم یا سس کلی حاصل کردند و بقیه نمودند که امسال حاصل بعلی نخواهد آمد و قحط و غل
روی خواهد داد و باین واسطه نرخ اجناس گول ترقی کرده بود تا اینکه از نقصانات الهی از شب نیم ماه
بنای بارندگی شده بارانهای متوالی خوب بطوری که مطلوب و مقصود بود بسیار نافع و مبرور آمد و
در کوها برف بسیار آمد و کمال امیدواری از برای مردم حاصل گردیده نرخ غله و سایر ماکولات نیز
بمنزل گذاشته روز بروز از آنر میشود و ازین بارندگیهای زیاده و ضرر یکی و خرابی بجهت الله ز سبب دیگر
در شب بارندگی از صدای رعد که بسیار مهیب بود و طغی از خواب بجهت بقول عوام زهره ترک شده و گریه
(از حسن اتهامات ولای دولت علیه در این ایام نصرت فرجام اهل صنایع و هنروران ایران دست از پی
صنایع و کارها برآورده و بروز صنعت خود ترقی می نمایند و امید است که غریب بعضی باب در دولت علیه ایران
است و بطوری خوب ختم شود که با اسباب یردول مقابله نماید از جمله نوشته اند که حاجی محمد کاظم که خدای
در شب بهراده شیراز قریب بدروازه اصفهان کارخانه بلور سازی ساخته و از سنگ رودخانه
میسوند در سن آفتاب و مردمی و کیلاس و لستر و شیشه قلیان در کمال اقبال و صفاد در کارخانه نور ساخته
میشود و بجهت صفاد خوبی خریدار زیاد بهم رسانده و با طراف بخرش میرود و از جمله شیشه قلیان که چندان فرق

با بلورند و عددی شش عباسی بفروش میرسد و سایر اسباب از لاله و مردکی و غیره نیز بهین نسبت
 میشود و بجهت اینکه این کار در آن ولایت رواج بکند بلکه رفته رفته زیادتر و خوبتر شود مقترب انخافان حاجی
 قوام الملک از جانب دیوان اعلی صاحب آن کارخانه را از ادای وجوه کارخانه مرئوس معاف نمود و شالیه
 سعی زیاد دارد که خمیره این بلورالات تصفیه آن بطوری بعمل بیاورد که بهتر و صاف تر از آنکه حال است باشد
 و بکل ممالک محروسه ببرد (از قراریکه در روزنامه بندر عباسی نوشته اند خبر فوت مرحوم امام مسقط
 بتواتر با نجا رسیده و زبده العظماء رسید ثونی پس اگر شش بجای او ممکن گردیده صید ترکی برادر کوچک
 که در زمان پدر حاکم صحار بود اظهار مخالفت نموده با غوای جمعی از اعیان بدوی و شخصی که در دولت
 موسوم بشناس لو او با صید ثونی مربوط بود مذخواست بود اخراج نماید و از خود آدم در آن دو مجلس
 سر آمده توپ و جلیت بر سر آنها فرستاده مشارالیه نیز صید ثونی را ازین مقدمه استحضار دادند
 آنها را معاودت نمود و خود داری و سیانت محل با آنها تا کیدات نوشت که قلعه و جای خود را از دست نداد
 فقط در واد باشد و خود نیز با جمیعت استعداد جناح استحال از مسقط حرکت کرده بمحل مدعوه برگشت
 که رفع افتاد و دفع اضداد نماید (و نیز از قرار خبری که از مسقط رسیده بود نوشته اند که طایفه بلوچ
 بطبع نوح افتاده اراده تصرف بندر کوادر که از محال تحت اختیار مرحوم امام مسقط بودند نمودند و جمعی
 آمدند زبده العظماء رسید ثونی نیز محض استحضار یک غراب جنگی از خود با جمعی از اعیان سراسر بلوچ
 روانه نمود) (دیگر از قرار اخباری که بندر مزبور رسیده نوشته اند که دولت تخلص از جنبی الی بفرار
 سیم تلغاف میخواهد درست بکند و از دریا و آب تا بصرو سیم تلغاف بکشد و در این اوقات یک چهار
 مخصوص که محموله اش آلات و اسباب این کار بوده است از مسقط بطرف بصره گذشته است) (دیگر نوشته اند
 که طاری در بندر عباسی اجیر یکی از تجار شده و بتدریج اموال موفور از حجره تا جر مزبور ببرد و
 در این اوقات که دزدی او بروز کرد تا جر مزبور واریسی بمال حجره خود کرد و دید بمال او را برده است
 ولی چیزی در دست ندارد معلوم نیست کجای تلف کرده یا بچه مصرف رسانده باشد چون اموال مسروقه
 او امکان وصول نداشت و از جنس او نیز بخرید محافطت و خرج فایده مقصود نبود تا جر بخرنی مایلک او که دوسه
 پارچه مس و صد و چهلش نبود اکتفا کرده او را مطلق العنان نمود) (دیگر نوشته اند که در یازدهم شعبان
 ازینا رسید که القدی و یری خان بکری را سه نفر از اهل بکرا که با او سابقه خصومتی داشتند در جانی که تنها
 بوده است بر سر او ریخته و او را بفرستید و نیزه بقتل رسانده اند چون مرحوم شیخ سیف ازبیه او و لای دارد
 علیجا به شیخ سعید حاکم بندر عباسی چند نفر از طبیبان بجهت آوردن اولاد مرحوم مزبور بکرا فرستاده است

کیلان از قرا که در روزنامه رشت نوشته اند مقرب الخاقان امیر الامراء العظام امیر الخاقان عمید الملک حکمران
 دارالمزکیلان در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی ایتمامات کافی بعمل می آورد
 و اهل تولایت از شهری و روستائی و کسبه و دهقانین از حسن سلوک و رعیت داری مقرب الخاقان مشارالیه که کما
 وقت و غوررسی و عرض و داد مردم و امور عالی و ادانی بعمل می آورد نهایت شکرانه و رضا مندی دارند و در
 رفاه و آسودگی بکار و کسب و عیسی خود و عا کوئی و ائادس هائون شاهنشاهی اشتغال یلما نیواحدی از
 مباشرین و غیره قدرت تعدی و خلاف حساب نسبت بکسب و رعیت ندارد از جمله مباشر کسبه شهریک قطعه
 سربدهی آنها حواله کرده بود درین باب صیناف عارض شده اند مقرب الخاقان مشارالیه محض ملاحظه رفاه حال
 آنها و حصول دعا کوئی و ائادس هائون شاهنشاهی قسط مزبور را بتخفیف آنها مقرره است همگی شاکر و دعا
 بیکار و کسب خود مراجعت نمودند (دیگر نوشته اند که نشان میثال هائون بایک ثوب جبه ترمه که از
 جانب سنی الحوائج ملوکانه بافتنجا امیر الامراء العظام عمید الملک مرحمت شده بود باینجا که پرتو وصول یافتند
 مقرب الخاقان مشارالیه با عموم اعظم و اعیان ولایت از طبقه نوکر و رعیت تا خلق پوستان شاقه لوازم
 توقیر و احترام و اعزاز و تکریم نشان و نشان و خلعت آفتاب طلعت و فرمان قضا جبران مبارک را بطور
 بعمل آورده و قبل از وقت انواع شیرینی و شکلات در مجلس خلعت پوستان چیده بودند بعد از ورود و گذشتن
 نشان میثال هائون و خلعت مبارک را آویز پیکر مغرور و زیب اغوش مبارات نمود اجرای شکرتوب
 شده اهل و اعیان مراسم تهیت و مبارکباد را بعمل آورده صرف شربت و شیرینی نمود از خلعت پوستان
 کردند و از ظهور اینگونه مراسم سکارا قدس هائون علیحضرت شاهنشاهی در حق مقرب الخاقان مشارالیه عموم
 کیلان از اعالی و ادانی اظهار مسرت و شکرو شادمانی نمودند (دیگر نوشته اند که پیر مشدی خانجان نام
 کیلوانی را متهم بفساد و بی باختری از اهل قریه مزبوره نموده و مبلغ صفت تومان مباشر آنها باسم جرمیه
 ارتکاب عمل مذکور از مشارالیه گرفته بود مراتب بعرض مقرب الخاقان عمید الملک سیده در مقام تحقیق و غور
 برآمد معلوم شده بود که نسبت فساد و ارتکاب عمل شنیع پیر محض کذب و افترا بوده است و بجهت بهانه جوئی
 و اخذ داخل این تهمت را با و بسته اند لهذا مقرب الخاقان مشارالیه تنخواه مزبور را حکما از آن مباشر استرداد
 بصاحب تنخواه رد نموده و قدغن نمود که اگر بعد ازین از مباشر مزبور یا سایر مباشرین هیچگونه تعدی نسبت بکلی
 شود مورد مؤخذه و جرمیه سیاست باشد (دیگر نوشته اند که در این اوقات چند نفر از دزدان معروف کیلان در دپت
 قرار و مزاج دزدی کرده اموال مردم را بدزدند مقرب الخاقان عمید الملک مورین و ده آنها را گرفته بشهر رشت آوردند و
 که زیاده بزدی و سرارت مشهور و ده بر قتر مرتکب عصمی میزد سیاست نیز اگر دیده و تابعی مجبوس اند تا حکم آنها

هرات از قراکه در روزنامه هرات نوشته اند چون یکماه قبل از عید نوروز الی چندی از عید گذشته
 در صفحات هرات باران نیامده و آب رودخانه و غیره قریب باقطاع رسیده پریشانی بحال صاحبان
 وزراعت روی داده بود بنابر رسم مهورد انولایت که در چنین اوقات بدعی باران بیرون میروند
 حرقه مبارکه را که اعتقاد جسمی بر آنست که از جناب خاتم النبیین صلوات الله علیه بخلاف رشتن رضی الله عنهم و از آنجا
 بامه معصومین علیهم السلام و از ایشان شیخ کبار رحمتهم الله و از آن شیخ الاسلام زنده پیل احمد جام قدس سره
 رسیده بآداب و قانونی که بابت علماء و دات و اعیان و شراف اهل جماعت و طبقه مائیه برشته با خاص
 عام بهیات اجتماع دور و متصل بیرون شهر برده باشند عای نزول باران رحمت الهی بخوازم زاری و عجز و
 در حضرت غایت قیام نموده و نماز باران کرده معاودت نمودند و روز سیم نیز که روز جمعه بود بهان پنج بسجده جمعه
 شرایط آداب طاعت و عبادت بجا آورده درین روز نواب سنجاب هزاره و الایرام سلطنته و الی مملکت
 خراسان نیز بمسجد نورنشریف آورده با الی و اعیان در دعای باران سراسر ای نمودند و جناب قاضی عثمان
 برادر مرحوم خان ملاخان مفتی ادا می خطبه بلیغ نموده اشرف و اعظم و الی و اعیان چون نواب هزاره را حاضر
 و عسکرم را مجتمع و مقام مقتضی دیدند از نواب هزاره مستدعی شدند که مانند یر الی ممالک محروسه که در
 جنگ سمت فارس از دریا بیا یون مستدعی دفاع و جهادند بایلین ولایت نیز اذن از دولت علیه داده
 که با فرق مسلح در راه دین بکلیف شریعت و این اقدام نمایند نواب معنی الیه در جواب آنها فرمودند که من
 بدولت و حیث در دینداری اهل این ولایت را بجا کپی اندس بیا یون شایسته خلد الله ملک و سلطانه معروفین
 بد آنچه حکم خسروانی شرف تعالی باید از انرا معمول خواهند داشت و اهل عطف و انفات ریا دبا
 نموده اند با بجهه بعد از انقضای آن ایام هم در آن روز که صبح شانزدهم شعبان قبل از طلوع آفتاب نزول رحمت
 الهی آغاز نموده تا شبانه روز اغلب اوقات بارانهای بسیار شدید آمد بطوریکه ملا فی این مدت را که باران
 نیامده بود نمود و آب رود لطیفان بهر سرازنده کمال امتیاداری از برای صاحبان ملک و رعیت بلکه
 عموم انولایت بهر سیده تشویشی که از خشکالی و کرانی غله داشتند بکلی رفع گردید (دیگر نوشته اند
 که نواب مستطاب جام سلطنته درین اوقات حکم نظامی دادند که افواج مرغه و فشا رو بکلو و سواره سون
 و توپخانه در یوم یکشنبه بیت و سیم شعبان در چین کههستان اردو بزنند و در آنجا مستعد باشند تا هر
 که حکم شود حرکت نمایند) (دیگر نوشته اند که مدتی بود مقربان شجاع الدوله سخنان اینجانی حسب حکم نواب
 جام سلطنته مستوفیان هرات را باند جمع خرج هرات اشخص و برای هر طبقه عامل و محاسب علاحه معین می نمودند
 اوقات چهارشنبه با تمام رانده و مدعی محل معین بوده است ولی بجهه پیری که در ایام محاصره بولار روی پایتخت

اجار دول خارجه

مصنف مسخر روزنامه انجمن تقصیری در خصوص محوریّت و یادش جمعیت مملکت روس داده است
و جغرافیا دانان مشهور معتبر که مالط برون و بابلی و حال باشند در سواد فخریه حساب جمعیت مملکت روسیه
در کتب جغرافیای خودشان مندرج ساخته و مقابله کرده اند نظر بنوشتهای مؤلفین مزبور که جمعیّت ملت
روس بقت تمام رسیده اند درین پنجاه سال آخر هیچ دولتی مثل دولت روس در محوریّت و کثرت
ترقی نکرده است بطوریکه از عهد بطر کبیر الی حال که یکصد و پنجاه سال و کسریست همیشه در تزايد بوده است و
و توکولین مورخ ممالک شمالی یکی دنیا در تحریرات خود چنین نوشته است که مملکت روسیه در عالم تیت
واقع است و جمعیّت ممالک شمالی جهان جدید فقط این دو ولایت است در دنیا که فوق العادت درازند
و بابلی مورخ و جغرافیائی مشهور در سنه ۱۸۲۲ عیسوی جمعیت دولت روس را پنجاه و دو میلیون که هر یکی در
که و رجب ایران با نوشته است حاصل نام جغرافیائی مشهور دیگر میگوید که جمعیت روس در کلی هر صد
زیاد میشود و در سنه ۱۸۲۷ اهل جغرافیای مزبور پنجاه و نه میان نوشته اند چنانچه موافق با بی که در وزارت خانی
در سنه ۱۸۳۹ نمودند جمعیت آن دولت را پنجاه و نه میان و یکصد و سی و سه هزار و پانصد و شش نفر تعلیم
بودند درین سال نیز چند بقعه قبل حساب احکام اعلی حضرت امیر طور روسیه جمعیت مملکت را بدقت سرشماری
نصت و سه میان حساب آمده است و در روزنامه عسکریه روس نیز نقل جمعیت دولت مزبور را باین
نوشته اند اهل کلیتیه روس پانصد و ده هزار اهل کلیتیه ملل خارجه در روس تحمینا سی و پنج هزار تنجا که نسبتاً
نجات موروئی دارند یکصد و پنجاه و پنج هزار عتیت خاص شهری که از سر باز دادن معاف شدند چهار صد
میت و پنجاه و غریبا که باختلاف زمان در خاک روسیه مسکن دارند چهل هزار طوائف قراق که در صحرا
ایالات اول و دوم و واکه و سجاد و بیکال و هم چنین املی با شکر و قالموق و دلمیان جمعیت شهرها
مراتب وسط و پست که اهل تجارت و اصناف و غیره بشمار پنج میان اهل عتیت عام چهل و پنج میان طوائف بی
پانصد هزار جمعیت مملکت قفقاز یک میان و چهار صد هزار پادشاهی پولک که ممالک له باشد چهار میان و
هزار ولایت فینلانند یک میان و چهار صد هزار اهل روس که دینکی دنیا ساکن اند هفتاد و یک هزار مساف
دولت روس بیت و چهار میان لکومتر مربع میا و ازین بها که برآورده اند جمعیت ملت روس در سنه ۱۹۰۰ که
چهل و سه میلیون دیگر باشد یکصد میان خواهد رسید دولت روس یکصد و دوازده ملت مختلف است و بدوازده طایفه
تقسیم شده است بیشتر از همه اهل سکدون که مذهار و سندینا بعد پولک و قراق و جماعت سردیان که در صحرا و
هستند طوائف مزبوره بهترین خاک مملکت روسیه را دارند و از قرائین ترقی کنونی ساج این است که اینست بر چندان ترقی نکرده

هیچ قسم سجده الله در میان مردم ظهور ندارد (چون این اوقات ایام صیام است و اطراف دار الخلافه
 مبارکه طهران نیز با قضای فصل کمال صفا و خرمی را دارد و لهذا سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله
 ملکه و سلطان بعضی روزها برسم تقفن و مشغولی خاطر مبارک سوار شده اطراف دار الخلافه مبارکه را گردن
 تفرج میفرماید از جمله در روز چهارشنبه ماه مبارک تشریف فرمای سمت امیر آباد و آن اطراف شده در راه
 میدان سب و دوانی میان فوج ششم اردبیل مشکین ابو الجحی مقرب الخاقان نتیجه الاموال نظام حسنعلیخان میر
 قش را ندانند اگر چه در ایام صیام افواج قاهره از مشق معاف و مخصان ولی چون تعلی تازه از فرنگستان آید
 و مشق مخبران بطور جدید میدهند فوج مرزبورسم تجمه شوقی که خود در مشق دارند و بهم تجمه مشولیت ساع
 عصره را تا دو ساعت میل خود در بیرون دروازه مشق می کنند در آن روز سرکار اقدس شاهنشاهی
 اید القیشت ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند با اینکه ده روز بیشتر نبود که این مشق را میکردند و در کمال
 خوبی مشق حرکت با شیو می نمودند و حرکات آنها و اتهامات مقرب الخاقان مشارالیه در نظم و مشقشان
 و مطبوع خاطر ملوکانه افتاده مقرب الخاقان مشارالیه مورد عنایت و نوازش آمده با حاد و افراد فوج مرزبورسم نظام
 ملوکانه التفات کردید) در هفتای گذشته مجملی در روزنامه نوشته شد که جناب فحمت نصاب فرخ خان
 امین الملک سفير کبیر دولت علیه ایران در پاریس پای تخت دولت فحیمه فرانسه نظر باذن و اجازت و مختاری
 که از جناب اولیای دولت علیه است با جناب چارلس بارون کادلی وزیر مختار دولت فحیمه انگلیس مقیم پاریس
 در خصوص رفع برو دت حادثه و رجوع مسالمت قدیمه باین دولتی ایران و انگلیس چند مجلس گفتگو کرده قرار
 مسالمت باین دوین دشو گشتن میهنی برپا نرزه فصل که بعضی در باب قرار کار افغانستان و هرات و بعضی در
 مستحقات تجاری و بعضی در مواد اتفاقیه و کلیه امور واقع بطوط بود داده بودند مصالحه نامه از طرفین تحریر و گشته
 مصالحه نامه مرقوم را علایجاه محبسه سیران سیرتپ مبارکه آورده بنظر اولیای دولت
 علیه و بملاحظه قبول و امضای سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی رسیده و بهر مهر آثار مرزین گشته مصحوب
 علایجاه جهانگیر خان افغان ابداد کرده دید که در اینجا با اولیای دولت انگلیس مبادله شود چون پاره و وعای شقوقا
 در مصالحه نامه دولتی منو مقید و مرقوم گشته و در آن مواد باید مامورین دولتی گفتگو کرده قراری بگذارند
 و از آنجا که وکلای اولیای دولت انگلیس ریاده طالب استحکام روابط دوستی و رفع برو دت واقع فیما بین
 دست جناب فحمت نصاب فرخ خان ایلی کبیر دولت علیه را که در پاریس بودند بندن پای تخت دولت انگلیس
 دعوت کردند که بتجدید و طایف ملت و تشدید روابط مصادقت تقدیم نموده رسم مصافحات با این
 فحیمتین را استحکام داده با جناب سعزی الیه نیز نظر باذن و ایام مطلقه که از اولیای دولت علیه داشت دعوت وکلا

و اولیای دولت انگلیس قبول نموده موجب خبر اجالی که از راه سیم تلقف باسلامبول رسیده و از اسامبول
 نوشته بودند در شهر حجب با واپور مخصوص و معاند از دولت انگلیس جناب مغزی الیه روانه شدند
 و کمال لوازم اکرام و احترام در واپور و محل های اقامت از جانب مأمورین انگلیس عمل آمده در واپور و بند
 تشریفات موافق آن مرغی و تجارت عالی بسیار خوب که قبل از وقت جهت منزل جناب سفیر کبیر از جانب
 اولیای دولت و وکلای عیت ارسته و تخصیص یافته بود ساعت از روز رفته در نهایت اکرام و احترام
 وارد گردیدند و وقت عصر همان روز از جانب اعلیحضرت ملکه انگلیس جناب سفیر کبیر را اخبار شرفیائی کرده
 و بار سوم و شکوه مقرر شده شرفیاب شده اند و بفاصله یک شب بعد از ورود از جانب اعلیحضرت ملکه ترتیب
 ضیافت برای جناب سفیر کبیر شده و جناب مغزی الیه با عزت و اجلال بضيافت رفته و در آن مجلس بسیار
 خوش گذشت است اگر چه در اول دعوت از جانب سفیر کبیر یا پرده روزه و عده خواسته بودند لکن
 تلقف این اخبار در هفتم شهر شعبان بود و این قرار کو یا بیت روز بوده است که جناب مغزی الیه وارد
 لندن شده اند و اکثر روزها در ضیافت اولیا و وکلای دولت انگلیس بوده و در هر مجلس بسیار احترام
 مینمودند و چندی نیز محض تفریح و سیاحت بنا داشته اند جناب مغزی الیه را در آنجا نگاه دارند و درین بین هر چه
 نامتائی در امر مصالحه بوده است با تمام برسانند **سایر ولایات** (کرمان)
 از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب علی و الدوله
 حکمران آن ولایت قریب کمال نظام است و نواب مغزی الیه در حصول امنیت ولایت و نظم امور فوکر و عتبت نمود
 تا تم دارند فوج خلیج ساه و راحب الامر نواب مغزی الیه عالیجاهان میرزا علی اکبر شکر نویس و میرزا محمد
 غلام میحی متسان دیده و بموشان را پر داخته با اتفاق عالیجاه جانمحمد خان سرشنگ خود مأمور
 گشته از کرمان روانه شده اند فوج کلهر ابوالجیمی عالیجاه زین العابدین خان نیز بشهر احضار
 سانشان دیده و بموشان پر داخته شده روانه در بار محلات مدارها یون شاهشاهی گردیده اند
 فوج زکمه ابوالجیمی عالیجاه محمود خان نیز بشهر کرمان احضار شده و سان داده همه روز مشغول
 مشق و قراولی میباشند و جمیع فوج کوران کردی ابوالجیمی عالیجاه ملک زخان نیز خب الام
 با آنجا آمده سان داده همه روز مشغول مشق میشوند و پیمان نیز با عالیجاه فرج الله یک یا و خود
 میدان توپخانه روز مشغول میشوند از سواره و پیاده فوج ابوالجیمی عالیجاه سید احمد که حسب الامور
 عماد الدوله مستحفظ در طرق و سوارع از گردن بید سرخ الی سراب حاجی آباد بخطط و حرب مشغولند که
 و سرزدین را حرات کرده منزل برسانند

فارس از قراریکه در روزنامه بند عباسی نوشته اند در نوزدهم ماه حجب بخاره از اهل قسم درنگ
 بند عباسی ارشدت طوفان و لطات امواج دریا شسته محموله اش هر چه بود بدست آمد به بی نقص و عیب
 کردند و بخاره غرق گردید (دیگر نوشته اند که در روز عید سعید طغانی و نوروز و فیروز و سیمینت شکوه دولت
 ابد مدت اجرای شیک توپ کرده اعلی وادانی بلوارم جشن و شادمانی پرداخته مراسم عیش و سرور را در
 نور بطور خوب تقدیم نمودند) (دیگر نوشته اند که چند نفر از امانی محال سبزه لار با میرالطف الله باش خود
 مخالفت کرده بودند دسته سر باز از لارامو را دیب آنها شده از اتفاقات در عرض راه بدزدانی که مال
 حاجی علی رضای جهرمی و یار فافله جهرم را در گردنه بهر فرزند و بغارت برده بودند بخورده و مأمورین از و
 و دست آنها دریافت مفاد یوسف البحر مومن بیجا هم کرده در مقام استرداد اموال مسروقه از آنها برآمده
 سارقین چون بهر بیعت و تقرب بوده اند بجمیعت خود مغرور گردیده تقدم مقام پیش آمده بودند با هم زد و خورد
 و نفرار سر باز زد و نفرار از دزدان مقتول و سه نفر از دزدان دستگیر گردیده باقی فرار برقرار اختیار و
 از اموال مسروقه همراه داشتند بجا گذاشته جان بک پاید برده بودند مأمورین اموال مسروقه را بطار
 فرستادند که بصاحبان آنها تسلیم شود و مخالفین میرالطف الله نیز که این سر باز را مامور تا دیب آنها بودند
 به از شنیدن خبر آمدن سر باز از محالی که سکونت داشتند با طواف فرار کرده متواری شده اند و لار
 امیرزاده حکمران آن صحنه نیز بنیابش محال سبزه نوشته اند که مراقب نظم امور محال سبزه بوده منشی
 نواب سزای الیه باشد) (از قرار تقریر تجار بند عباسی که با دارالعباده میزد داد و ستد دارند مذکور بود
 که اشرفی تومانی سابقا در یزد تزل کرده بنه هزار و پانصد دینار معامله می شد در این اوقات که بزر
 حکم اولیای دولت علیه مقرر شده است که تجار یزد ریال خراج نفرستند و با اشرفی معامله نکنند
 اشرفی باز بقرار اول آمده و بیک تومان رواج است و داد و ستد میشود و امانی ولایت یزد نیز از این معنی
 شاکر و خورسند بوده اند) (دیگر از قرار خبری که از دست کرمان به بند عباسی رسیده و در روزنامه
 آنجا نوشته اند فتون کرمان که بکلا شکر آمده بودند از آنجا بحیرت مرحبت کرده و در آنجا با
 اقامت دارند تا بدینچه حکم شود معمول دارند و چند جتازه سوار از سعید خان رودباری و میرعلامین
 جمال بارزی بست بندر کرانچی فرستاده شده است که از آنجا و خبری بآنها برسانند
 (دیگر در روزنامه شیراز نوشته اند که نواب مستطاب میوید الدوله حکمران مملکت فارس در شهر از
 میباشند و در نظم امور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات دیوان قدرش ان اعلی اهتمامات
 کافی بعمل می آورند

اخبار دول خارجه

جمهوریکسفا ارچد و قشیش ازین تاکنون مبنی بر بعضی باب و جوهه لایاتان بقدر کفایت محتاج
نمی شود و سال بال رو بتزل بوده در این اوقات ثبوت درجه رت رسیده است و از اینکه رفته رفته
عاقبت این جمله منتج خارت کلی خواهد شد بجهت رفع ضرر و صلاح این فقره درین روزها جمهور را لایم بال
توانیک که در تحت حکومت آنها و درجه شمالی قطعه نیکی دنیا واقع است بمبلغ بیت و هفت کبر و بحال
پول این ولایت بجمعیکی دنیا و اگر کرده اند (در روزنامه های سابق در باب بحث اهالی مجلس در خصوص
جنگ مجلس با چین نوشته شد که آن مجلس بجهت بحث و کلامی ممتنی تمام پذیرفته و اعضای مجلس متفرق گردیده و قرار
انتخاب و کلامی جدید از ملت شد که مجلس ثانی انعقاد داده و در آن خصوص مجدداً اگر شود بعد از متفرق شدن
مجلس اول بجهت ملاحظه بعضی محاسبات یک قومیون تکمیل نمودند و مقارن اختتام آن در مجلس مذکور
اعضای جدید ممتنی مقرر گردید در این اوقات که قومیون منبر ختام پذیرفته و بجهت اعضای مجلس ممتنی و کلام
جدید از هر شهری بیای تحت لندن آمدند و مجلس ثانی انعقاد یافت از جانب و کلامی ملت سر وی که از جانب
اهالی لندن وکیل و مقدم و کلامی ممتنی بود در باب مواد مهمه مرقومه با جناب لار دپارتمنت بکفتگو مبادرت نموده
و اسکالاتی که اهالی ملت داشتند بیان نمود جناب لار دپارتمنت اسکالات منبر را ایراد جوابهای شایسته کرد و علاوه
بر آن مصدق حسن خدمات مشهوده خود را تحسین نامه از اهالی اکثر محال بران نموده نظر باین احوال نوشته اند که در
امور مهمه در مجلس منبر و بعد مجواه جناب لار دپارتمنت صورت استقامت خواهد یافت (که در شش تیم تغراف بکرات
در روزنامه ها نوشته شده است که بجهت مجاوره و پیغام از شهر شهر و ولایت ولایت حروف تهجی و علامات دیگر از
ساخته و هر یک با در رسم صلیب کرده و آن سیمها را بقیر اندوده که از رنگ و رطوبت عیب نکند در دریا از تیر آب
حکلی از زیر خاک تا مقصد می کشند و هر یک ازین سیم ها هر حرف و علامتی که در آن سیم منسوب است در این سیم
بعینها همان است و در هر حرف کارخانه ایست و مباحثه مخصوص دارد و هر کس میخواهد پیغامی را سیم تغراف بفرستد
کارخانه مطلب و اسجروف مقطعه در آورده و بر تپ مطلب سیم را سیم تغراف می فرستد و سیمها منتهی بمقصود
الماس بر سیم از آن سیم که پنجاه فرسخ یا صد فرسخ یا بیشتر مسافت داده بغاصه دو یا سه چهار دقیقه
و بعد برق تشعشع می کند مباحثه آن کارخانه که مرقب و وصول خبر است حرف و علامتی را که برق تشعشع از
میچند و صفحه نوشته ضبط میکند بعد از اتمام پیغام و مطلب معلوم میگردد و اگر جوابی دارد باز بهان تفصیل ازین
میشود اگر چه تاکنون محنت آن روز بروز نوشته ظاهر میگردد و زیاد تر بدرجه سهولت رسیده است ولی چون کل
سیم ها حرف بعینها نیست بلکه بعضی را علامات و اشارات مخصوص قرار داده اند و در تفهیم و تفهیم آن بعضی

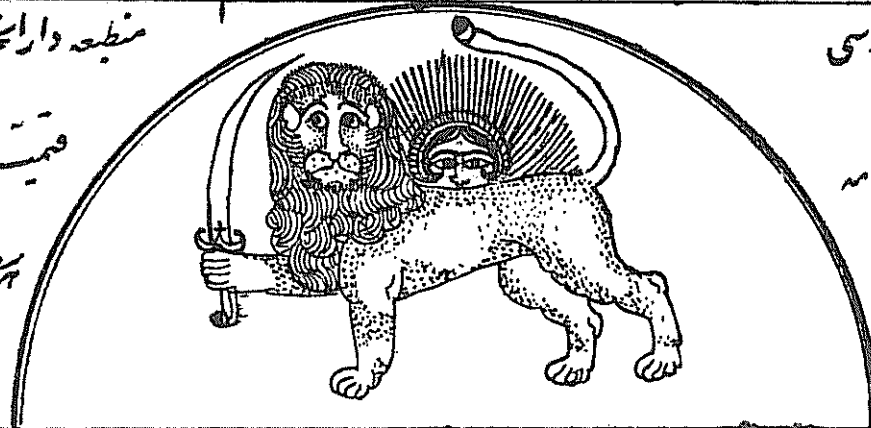
(سایر ولایات) (آذربایجان از قریه در روزنامه تبریز نوشته اند از
 توجیهات اولیای دولت قاهره امور آن ولایت در کمال انظام است و اهالی ولایت آسوده خاطر
 به عاکوئی ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال دارند و نواب مستطاب هزارده والا تبصره
 فیروز میرزا حکمران مملکت آذربایجان هر روزه در دیوانخانه بزرگ نشسته بخدمت و داد مردم
 کامل بنمایند قبل از ورود قدیمی مذوی دولت ابدارت مقرب انخاقان مؤمن سلطان میرزا فضل
 وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان با نولاتی کندی تمجید داشت و سایر ماکولات نیز کم یاب بود
 بصورت پیدایش مردم بسته آمده اغلب دکانین جازای بجه نبودن کندی بسته شده و بسیار
 میبیکندست مقرب انخاقان مشارالیه در اشای راه بولایات محله و خلخال و غیره قدغن اکید
 کرده بود که غله ربا و حمل و نقل در سلطنت تبریز نمایند بعد از ورود به تبریز متوالی و متعاقب یکدیگر
 مزبور را ویرجانه آورده اند و در تبریز و قزوین هم رسانده بجه الله رفعت و پریشانی خلق گردیده
 هموم اهل ولایت از وضع و شریف و غنی و فقیر این همه بسیار راضی و شاکر و دعا گو میباشند و
 مغزی الیه روزگار را در طاقی نظام بسته باستحضار نواب مستطاب نصرت الدوله امور ولایت و
 و نوکر و نظام و سایر مهمان دیوانی را فیصل میدهند مقرب انخاقان میرزا مصطفی قلینان بهستوفیان
 در فقره حالت مبارکه نشسته محاسبات و معاملات دیوانی و داد و ستد مالیات رسیدگی نماید
 و مقرب انخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمان خارجه آذربایجان روزگار را در طاقی که در درخت
 معین است نشسته و بدقت و اهتمام تمام با مورات خارجه که از قونسولها و مأمورین خارجه آنها میشود
 رسیدگی میکند) نواب نهم نصرت الدوله آدمی بکن رودارس مأمور بودند که از قراولخانههای قصر
 بمرکه ام احتیاج تعمیر داشته باشد تعمیر نمایند و هر جا هم که بنا و احداث قراولخانه جدید لازم باشد احداث
 نمایند و سراسر آن سرحدات را بواسطه وضع قراولخانهها مستحقین مصبوط و نظم سازند و نیز آدم
 با استحضار از ارباب علم مأموران سرحدات که رسیدگی تمام بحقایق امور سرحدات نموده روزنامه
 طومار صحیح نوشته بنظر کارگذاران مهمان مملکت برسانند که بعد از اطلاع وافی بر حقایق احوال اگر نظم
 و عزاری در امور مزبوره لازم آید بگذارند تا عیب و نقیصه هر چه باب و صوح خصوصی باقی نمانده و در
 داده اند که ماهی دو دفعه اتفاقات امور ولایات آذربایجان را احتکام روزنامه کرده تبریز
 و مقرب انخاقان محسود خان میرنجه که حبس حکم اولیای دولت قاهره مأمور دار سلطنت تبریز
 بوده و او کردید و مشغول نظم افواج قاهره میباشد

اخبار دول خارجی

سند ملک نوشتار که مابین دولت پرستیه و جمهوری ایوچره که سوس نیز بنیاد مستعار فیروز نوز
ختم پذیر شد است اگر چه جمهوری ایوچره بنا بر خواست علیحضرت امیر طوره استریه طرفداران پرستیه
که در ایالت نوشتار گرفته و مجبوس نموده بودند مخض و آزاد کردند ولی هنوز سوسد برودت منفع نشد
و با صلاح کلی بنیاد است) (از اخبار ریکی دنیا نوشته اند که جمهوری مالک شالی ولایت مزبور ولایت
ساکور در آنکه در خلیج کلی فارینا واقع است پول خریده اند) (دیگر از انگلیس نوشته اند که کل وکلای کلین
از شهرهای دولت مزبور انتخاب شده و بیای تحت لندن نخبه انعام مجلس شورت آمده اند چهارصد و
و حسب الرای وکلای مزبور که در امور داخله ملی دارند مقسم به قسم کرده اند) (دیگر نوشته اند که در
لندن کونت کلارندان و کونش کلارندان صنیاعی بزرگ برای جناب فیخ خان امیر کبیر دولت علی
و اتباع معمری الیه نموده بنارس کیسی بجهت مزید احترام ترتیب داده اند) (لار دسیر امیر کبیر دولت
انگلیس که مأمور ریکی دنیا بود بشهر واکسین تن ریکی دنیا وارد شده و در چین پذیرائی اعتماد نامه سفارت
خود را بر سر جبهه پر داده و مذاکرات دوستانه بجهت رعایت شرایط دوستی و اتحاد طرفین بیان
در باب نظم امور مالک ریکی دنیا و وسطی که ماکینکو مابین دولت انگلیس و ریکی دنیا و شالی بود
به وقت تمام رسیدگی کرده شرایط جدید خوانند گذارد) (دیگر نوشته اند که جانی از راه آسمانی
یکی دنیا و شالی در بین عبور کان که نجات گرفته و بقدر رشت هفتاد نفر آدم تلف کرده است
(اعلان نامه که از جانب حکومت چین در باب جنگ کردن با انگلیس نشر شده است در روزنامه
لندن ترجمه کرده و اینگونه نوشته اند امالی و مکتان که در مالک چین فاست نمودند چندی قتل
نسبت باستقلالیت حکومت داخله جارت در اجرای فساد کرده بشهر کانتان هجوم آورده بعضی
جایهای آن شهر را آتش زده اند و بعد از آن بجهت آثار شجاعت و بابت قشون چین که بر شاد مشهور
و معروف اند فرار کرده اند و بسیاری از آنها روان بمقدارشان در زندان بقا قرار گرفته است بعد از
هرس یک فرنگی را در این ولایت بمیندوز باید اوارا بزند و بکشد چو کعب که بجای و بری فتح کنند و
و فروان از خیر تعداد و شمار مالک چین بجز آنها و ستاده میشود بان جبهه درین جنگ هرگز
و جانیافندی بودند از جمله فرائض است ای امالی چین کسی که انهرش محیط جهان و افتاب از علا
نور چشم او ذره استخا کرده و مقتدر بجو و از انجم و یارات بنظر غضب یعنی خاقان قایلیم چین و مالک
چین از فرنگیان که جز لایحری میباشند از رغبت تربیت صرف نظر نموده است باین جهت بعد از این باید

بیمه با سبب بشتب جویند) در مالک فرانچا پنجه در سایر دول نیز معمول است بمالیات
مقرر از جانب دولت اراده شده بود که مسبقی علاوه نمایند و این باب از جانب اعلیحضرت
بوکلای مجلس چند دفعه گفتگو شده و اتفاق آراء حاصل شده بود و تا در انعقاد مجلس شورت که وکلای
دولت جتمع آمدند و نوشتند که این مطلب بیان آمده تراید و ترقی مالیات باین صورت از جانب
مجلس تصدیق شده قرار دادند که این مسبقی که منظور شده است بقوم پنهانی مالک فرانچا
و تقسیم شود) (در محاربات سابقه دول در قرض مجتبه مصارف لازم است که فرانچا مأمورین
در اسامی و محلات دیگر با تجارت و تبعه دول مختلفه بعضی چیزها بقونظورات ربط کرده بودند بعد از
وقوع مصالحه آن قونظوراتها بهم خورده و آن دفاتر برجیده شده هر کس بکمان و محل خود غریب نمود
چند وقت پیش ازین بعضی از اصحاب مطالبات موجب قونظوراتهای خودشان بجهت استحقاق حقوق
خود بپاریس رفته و بدولت فرانچا بیان کیفیت را نموده اند از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانچا
حکم شده است که بچاه و نه ملین فرانچا از خزانه مخصوص این دعاوی بیرون بیاورند که هر کدام از این
اشخاص که حق خود را ثابت نمودن و آن وجه حق او داده شود) (در روزنامه های سابق نوشته شده
بود که بجهت تحصیل فنون متوسل بقای از دولت روسیه با سفاین معلوم بجهت سیاحت در سواحل
هند و چین و سایر جاها جمعی از اهل ساردینیه فرستاده بودند در این اوقات از جانب دولت فرانچا
یک قطعه فرقیین معین شده که اکثر محال دنیا را گردش کرده تحصیل راه تجارت نماید و جمعی درستی
منسوب بجهت این کار روانه شده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده بود قایم مقامی ابائین و نه
دولت مبارک و از جانب وکالت فرانچا پیش از این محال است بجهت آتیه بصر صانیه و این دو ایالت خینی معمور و آباد گردیده
و گذشته این سال را بیهیچاه و سه ل فقط بر تبه لوانی در سلاطین عسکریه بوده و محاربات متوالیه با تخمین می نموده و سن
حال از نو د سال تجا و ازت چند وقت پیش ازین سال را که استغفار و مخفف بودن از قایم مقامی این دو ایالت
مخصوصاً از دولت استریت است عا کرده بود و اوقت قبول شد و مؤخر اعلیحضرت امپراطور استریت را در
جناب ارشد و تقسیم ابائین مقومه قایم مقام نموده و جناب شل و دسکی را بویینه خواسته بجهت
سامی جمیل او در امور عسکریه که در این مدت بدولت و ملت آما خیر و منفعت او ظاهر گردیده است
او در خج قبول یافت و او را از تقدیم خدمات دیوانی معاف نموده و سالی میت و پنجه از توان
از دولت بجهت معاش و تخصیص یافته و یکی از عمارات خاص اعلیحضرت امپراطور استریت بیهیچجهت
معین گردید که بعد ازین از خدمت معاف و به جهت مشغول باشد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم شبیه چهارم شهر شوال المکرم بن سال سیصد و سی و سه

نمده سیدوسی		منبعه دارالخلافه طهران
هفت روزنامه		قیمت اعلانات
هر نسخه دوازده		هر طریده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سابقاً در روزنامه مورخه تاریخ ۲۰ شعبان نمده ۳۲۴ تفصیل انعقاد عهدنامه دولتی و دوستی دین و لشکر ایران و انگلیس توسط سفرای کباری بجایین در پاریس و آوردن عهدنامه مبارکه را عالیجاه محبت سران زمین خان سرتیپ و نایب اول سفارت بزرگ دولت علیه بدر بارکردن مدارهایون سمت نگارش یافت چون عهدنامه مبارکه مذکوره باقتضای مراعات دوستی کامله قدیمه دولت انگلیس و تحکام مبانی مراد و تمودت آیات مقبول رای انور لکانه اعلیحضرت اقدس هانیون شاهی دامت شوکت آمله بخت و مهر مبارک امضا و تصدیق و جناب جلالت آب شرف امجدارفع صدر مقام فخر نیز خط و مهر نمود مصحوب عالیجاه محبت سران جهانگیر خان سرتیپ موافق نص صریح عهدنامه میمونه که بیابایت در بغداد مبادله شود روانه شد بعد از ورود سرتیپ خان و در جناب جلالت نصایب سرموره وزیر مختار دولت انگلیس مجلسی ترتیب داده شده از انظر جناب مغزی الیه و صاحب منصبان سفارت عموماً و از طرف قرین الشرف دولت علیه عالیجاه محبت الحضره اتفاقاً به میرزا ابراهیم خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم بغداد و عالیجاه محبت سران جهانگیر خان سرتیپ حضور رسیده عهدنامه مبارکه بانته که با امضا و تصدیق اعلیحضرت پادشاه انگلستان رسیده بود کمره بعد اولی و تدریجاً بعد از مقابله فیما بین جناب مغزی الیه و عالیجاه شاهی الیه تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک مبادله گردید روز بیستم شهر مذکور عالیجاه شاهی الیه عهدنامه مضی شده دولت انگلیس را بدر بار معده لمدار هانیون آورد و در این خدمت که از اوانا نشی شد بندگان اعلیحضرت اقدس هانیون شاهی دامت شوکت آمله بخت و مهر مبارک امضا و تصدیق فرموده و یک قطعه نشان سیرپی از درجه دیم و یک شوب جیه برسم خلعت با عنایت شد ازین بعد فیما بین دین و لشکر ایران و انگلیس کمال دوستی و موافقت موجود و تبعه و رعایای آن دولت در هر جای خاک این دولت

با احترام کامل می‌تواند توقف و عبور و مرور نمایند و مخفی بخت مغری الیه با اجرای سفارت دولت
انگلیس و قونسولهای آن دولت معاودت بجاک دولت علیه خواهند کرد و قونسولها و مأمورین دولت
در شرف حرکت و بمقام مأموریت خودشان بجاک دولت انگلیس خواهند رفت و حصول عهدنامه مبارکه
کاملاً در اندک وقتی از طرفین مجری خواهد گردید

نظر تجوی و صفای باغ جدید نظامیه و و فوراً احسن خاطر اقدس همایون شاهی در حق جناب اشرف امجد
صدر اعظم فخم و جناب فحمت نصاب نظام الملک عنایت باغ مزبور فرموده در روز پنجشنبه بیستم
رمضان المبارک تشریف فرما شد و از جانب جناب معظم الیه و جناب فحمت نصاب نظام الملک
تقدیم قربانیا و پیشکش و پای انداز بطور شایسته و خوشه سایر متعلقان و وابستگان ایشان نیز مراسم
بجای آوردند و شب را نیز توقف فرموده افطار و سحور را در آنجا میل فرمودند و بر وجود فایض الحود و همایون
اسیا رخوش گذشته تقدیم خدمات آنهاست و محسوس و مقبول خاطر ملوکانه افتاده و در جمعه بزرگ مبارک سلطانیه
مقر تسلط عظمی مرتجع فرمودند (در روز دوشنبه که یوم غره شوال و عید ماه مبارک رمضان بود بقا
اعیان و بزرگ اعلیحضرت اقدس همایون شاهی خلد الله ملک و سلطانه باسلام عام دادند اعظم و اعیان
چاکران و دربار همایون از سران و صاحب مضبان نظام و خوانین عظام و ارباب تعلیم و غیره اول مجلس جناب
اشرف ارفع صدارت کبری و دوکالت عظمی آمد و صرف شربت و شیرینی نمودند و بعد از آن بسلام اعلیحضرت
اقدس شاهی رفعت تحت مرم و دیوانخانه بزرگ بفرموده فایض الحود و همایون ریب و زینت یافته
سرفا سر دیوانخانه مبارکه از اهل اسلام و بقدر کجایش از آحاد توپچی و سایر صفوف اسلام مرتب شده
سنگ توپ و زنبورک بفرامعول اعیاد اجری گردید و عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه بلیغ بنام اقدس
و اختتام بدعای تعالی دولت و از دیار شکست روز افزون نموده عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس العرا
قصیده غراکه در تهنیت عید برشته نظم کشیده بود در پیشگاه حضور مهر ظهور مبارک معروض داشته مورد
التفات گردیده سرکار اقدس اعلیحضرت شاهی جناب صدارت عظمی را مخاطب بابت حمت و
فرموده فضلی از خوبی هوا و خوش گذشتن ماه مبارک رمضان فرمایش فرموده سلام تم منقضي گردید (اگر چه
روزنامه بنی رفتن جناب بمقرت انخاقان فرخ خان امین الملک المحلی کبیر دولت علیه بلند پای تخت دولت
بهیست و عمل آمدن لوازم تشریفات و توقیرات سفارت کبری از جانب اند دولت بطور اجمال از قرار اجا
روزنامه های و کستان نوشته شده است لکن این روزها جناب مغزی الیه بطوریکه تفصیل و رود خود را بلند
نوشته بود ازینقرار است در شب م رجب المرجب وارد دربار دولت انگلیس شده از جانب اند دولت

پذیرائی و اکرام و احترامات را بطور شایسته نسبت به سبقت کبری تقدیم رسانیده اند روز بعد با کالک مخصوص
 اعلیحضرت پادشاه دبیجه انگلستان جناب این الملک و سایر صاحب منصبان شرف حضور ملوکانه ^{شاه}
 دریافت کردند در ششم حرمت و مهربانی و اعزاز بجل آمده جناب مغزی الیه جنابان جلالت آبان صدر ^{عظا قور}
 امور خارجه آن دولت را دیدن کرده روز بعد جناب مغزی الیهها بیازدید جناب این الملک آمدند بعد از آن
 کل رؤسا و کلاهی دولت انگلیس در دیدن جناب ایلی کبیر این دولت سبقت کرده در رسوم مودت و صفوت را
 بطور آورده جناب مغزی الیه ایشان را بارزید کرده شب دقیم ورود و مجلس شمس شهر که کل وزرا و اعظم
 بودند سفارت کبری را ضیافت کرده اند و وظائف احترام را منظور نموده اند چهار شب بعد اعلیحضرت پاد
 با فردجاه انگلستان جناب این الملک و اجرای سفارت کبری را وعده شام گرفته لوازم حرمت و نفقه
 ملوکانه نسبت بایشان فرموده اند وقت شام نواب عالییه دختر بزرگ اعلیحضرت ملکه بقاعده یوروپ
 دست جناب این الملک را گرفته با او سه شام آن اعلیحضرت حاضر شده اند و جناب مغزی الیه را در بود
 خودشان پهلوی نواب معظم الیهها داده اند و جنابان جلالت آبان صدر اعظم و وزیر امور خارجه و سایر
 اکابر و رؤسای دولت مشار الیهها در محفل ملوکانه حاضر بودند جناب ایلی کبیر مغزی الیه را با غلب جاهای معتبر که
 تماشاگاه بود با کمال احترام تماش و تفنن برده اند در دو فرسخی شهر توپخانه سوار شده اند و دولت را که
 و دیشر میگویند و محفل توپخانه و کارخانهای حربی دولت انگلیس است جناب این الملک را دعوت کردند
 عالیجه محبت همراه همیس صاحب که رئیس توپخانه بود با لباس رسمی حاضر شده با کل صاحبان
 توپخانه با موزیکان سلام نظامی و احترامات عسکریه را بجل آوردند وقت شام مشتهار که مخصوص توپخانه سواره
 آنهاست نمودند و بطورهای مختلف در حین تاخت شلیک کردند و همچنین بکارخانهای آن دولت بالوایم
 اکرام تماش بر دند و مراسم دوستی و اتحاد و لازمه اعزاز و احترام را رعایت نمودند (از آنجا که رای
 جهان ارای سرکار اعلیحضرت اقدس بپایون شاهنشاهی دامت شوکه دایما بر اجرای خیرات و مبرات و
 البقای بقیات صالحات و تعمیرات و مروت کاری بقای معتبر که و آثار خیریه و تمهید موجبات رفاه
 و آسودگی برابا در عابای جمالک مجروده و بندگان خداست بنا علیه بر حسب آراء علیه ملوکانه تنخواهی از
 دیوان اعلی برای مصارف تعمیرات بقعه مشوره و روضه منظره سرکار فیض آما حضرت معصومه علیها و علی
 آلاف التجه و لشنا و ساختن سردخانه شهر قسم دست پل دلاک و تعمیر خود پل و کاروانسرای
 مرحمت شده بود که بصوابید و سهام و مراقبت مقرتب انخاقان ذوالفقار خان حاکم ولایت قم و
 سنجوی و استحکام تمام ساخته شود مقرتب انخاقان مغزی الیه هم کمال سعی و مواظبت و سرکشی را در اتمام

کارهای مزبور دارد و هر روز سرکشی هر جا کرده هفته دو مرتبه هم قرار داده است که پس دلاک آمد بخارا
سرکشی نماید و اشارت عالی کل تعمیر بنوعی و بیستام مقرب انخاقان مشارالیه سمت انجام خواهد یافت
تدریجاً خانه شهر این اوقات در نهایت استحکام با تمام رسیده از نیم فرسخ شهر مانده به جمع سدر با
واکسار و ج تا انتهای شهر متغیر و مضبوط بسته اند بطوریکه دیگر چون الله احتمال بمضرت سبیل شهر مشهور
غیرت باعث دعای االی آن بلد و متردین و زائرین بر مریع سر و دولت و شوکت شاهنشاهی گشته است
و تعمیرات پس دلاک و کاروسر برای انجام قریب با تمام است و سعی جمیده و مراقبت معزی الیه
و محکم تمام ساخته شود (چون بنیت خیر جناب شرف امجد و رفع صدر اسم فخر دام اجلاله پیوسته برآید
و رفاه بندگان خدا و رعایای سائیه خدا مضر و فاست حجه اینکه منزل حوض سلطان در رفاه حضرت
علیهما و آبها الصلوة و سلام زیاده کم آب بود و برای خوردن آب و تنگی فی منزل و مکان حجه متردین
و در قار پی میگذشت و عسرت حاصل می شد آب حوض سلطان کفاف آنها نمیکرد و در کار روانه ای انجام
نداشتن حجرات و اطفا و متابی و سایر مزیومات کفاف شمعین عابرین و زائرین را نمی نمود علاوه بر اینها
حوض سلطان و کاروسر برای مزبور هم خراب بود لکن جناب شرف ارفع مجد و دام اجلاله محض رفاه و
احوال عابرین و تحصیل سباب دعا کوئی برای وجود مبارک سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از اتمام
و مراقبت مقرب انخاقان و انصار خان حاکم ولایت قم و ساهه که داشتند که بزودی و خوبی تعمیرات و
حوض سلطان و کاروسر برای انجام پرداخته در غایت استحکام و متانت تمام نماید علاوه حوض خراب و وسیع
و دیگر هم در جنب حوض سلطان بنیاد و کار و انسرای دیگر هم در آنجا مشهور بصددیه مثل حجرات و اطفا
و سایر مزیومات با کمال دزانت و استحکام احداث نمایند تعمیر کار و انسرا و حوض سابی بی و بیستام مقرب
انصار خان حاکم قم و ساهه با تمام رسیده و کار و انسرای جدید مشهور بصددیه و حوض تازه به
شده بقدریکه ترع از زمین با کمال متانت با لایه مقرب انخاقان معزی الیه می ده دفعه با نجا آمده
کامل می نمایند که الله تعالی بیجیل در کمال خوبی و مضبوطی سمت انجام و اتمام بیاید این بنای خیر برای ذکر
جمیل آن و دعا کوئی دوام و دوام دولت ابدی تمام پائیده و جاوید بماند و همچنین مقرب انخاقان معزی الیه
امر و لای دولت علیه بها خطه رفاه حال مردم بنفعیه قناتی که در شهر طحان است اقدام کرده بخوبی راه آب
قبای مزبور را پاک کرده اند و آب مزبور را برآه انداخته روان نموده اند برای سیرابی خلق خدا و مزید
در تسایه خدا (از فرار عیضه جناب غایت نصاب فرخ خان ابن الملک ایچی گیر که با ولای دولت علیه
و در زمانه دباه غریب نیز تاریخ یازدهم آوریل مطابق شعبان نوشته اند جناب فرخ خان ایچی گیر و

علیه ایران حاکم پاریس است مکهام سحر با تابع خودش از دو بختی موسوم بانثی در زیر حکم کپتان آن
 که دولت انگلیس مخصوصه بجهت مغزی الیه حاضر کرده بود و وار شده و اینج که از پاریس بجهت معانداری الیچ مذکور
 مامور بود به سرای مغزی الیه باز پاریس را حجت کرد و جناب فرخ خان در یک ساعت از دور که سرحد
 کابل که سرحد سحری فرستاده رسیده و از آنجا بلا درنگ پاریس رفت و جناب وزیر دول خارجه
 یک مترجم وزارت را فرستاد که سفیر کبر دولت علیه را بدین برانی کرده پاریس بیاورد (چون مراتب حسن
 صداقت و خدمتگذاری عالیجاه مقرب المحضه الحاقیه میرزا حسن مشهور و ملطوف خاطر اقدس هائون پاریس
 و امنای دولت علیه آمده شایسته شمول رحمت گردیدند در این اوقات بموجب فرمان در لسان مبارک
 بدستخط هائون منصب میل الله باشکری شاهزادگان عظام عموماً و نواب مستطاب شرف ارفع و الای
 نظام باجش مخصوصاً با لیا به شایسته موقوف و در ازای منصب مزبور با عطای یک عدد کل که مرض
 از جانب سنی الجواب لوکانه قرین مغاضرت و مبادات آمد که بلو از م شغل مزبور قیام نماید (چون عالیجاه
 اللهورن خان در توپخانه مبارکه منصب پادری سرافراز و مشغول خدمات بود مراتب شایستگی او مشهور
 اقدس هائون شایسته آمده در این اوقات بموجب فرمان در لسان مبارک بمنصب سرمنی توپخانه
 سرافراز گردیده و بکلیت قسماً از جانب سنی الجواب لوکانه با و خلعت مرحمت گردید (چون عالیجاه
 میرزا رضای که خدا در انجام خدمات محوله بخدمت و استقامت محل او در خصوصه در ایام ماه مبارک مصفا
 که محتاجه ابوابی خود را تنظیم داشته و سرقتی که در خانه حاجی عبد الحسین شده بود با بهتمام عالیجاه مشارالیه
 بدست آمده و اموال سرود و از او استرداد و حبس تسلیم گردیدند مورد التفات شده بکلیت
 بر مانی اعلی از جانب سنی الجواب لوکانه با و خلعت مرحمت **سایر ولایات** (از باب
 از قرار یک در روزنامه تبریز نوشته اند امور انولایت قرین نظام است و مالی و اعیان دار بکلیت تبریز
 روزهای ماه مبارک رمضان را در مساجد و محابد بلو از م طاعت و عبادت و دعا کونی ذات اقدس
 شایسته اشتغال دارند و غرض غله که نرقی داشت در این روزها از اتمامات نواب مستطاب شاهزاده
 نصره الدوله و قدیمی فدوی دولت ابد استام موتمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل اذربایجان
 منزل کرده و این فراموش است برنج اعلی بکن هزار مثقال نه عباسی روغن بوزن هزار مثقال بکن چهار هزار
 دینار گوشت بکن دو هزار دینار بکن سه عباسی کند مکن یازده شاهی جو بکن دو عباسی نخود بکن هزار دینار
 و سایر چیزها نیز از این قرار است و امید است که پناه الله در روزی بیشتر و از ان تر کر دیده عسرت
 و پریشانی مالی انولایت بکلی رفع بشود

کرمانشاهان از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند امور سرحد و تقویر و شوارع
 و مرور و لایات احسن مراقبت و استیجاب و الدوله مستطعم و منبوبات زوار و قافله با سودگی
 طرق سرحدات مبارک و مقاصد میگذرند چون درین اوقات ایلات کوران و سنجابی از کرمانشاه
 کرده بطرف میلقات میروند راههای سمت زهاب از ایل خالی میماند و زدان اطراف درین وقت بیشتر
 از سایر اوقات قصد قافله و زوار میکنند لهذا مرتب انجاقان بهدالله خان سرت که حسب الحکم نواب
 معزی الیه با فوج و استعداد امور خلوصه زهاب است مجدداً بر سر بار و سوار مستحفظین طرق و قراول
 بهر جا دسته سر بار افزوده است و قرار گذاشته است که از زهاب قراول و مستحفظ همسرا زوار و قافله
 منازل قصر شیرین و قلعه سبزی و خانیقین بوده و همچنین از خانیقین الی زهاب جمعی که معاودت کرده
 همراهی محافظت کرده بمقصد رسانند که عابرین دنا با وایا با از استیطاق الطریق مصون باشند
 و نوشته نصابت از هر دسته از زوار و قراول در هر یک از منازل دریافت و خدمت نوابش هرگاه
 روانه نماید و بصورت قوره توخیر قرار داده است که تا آنکه راس بر و ان حفظ و حراست نمایند و کلاً
 جهت ب در حق این سر بار و سوار مستحفظ رعایت شده و قدغن اید کردیده است که اگر کسی از آنها تکلیف
 بشود مورد مواخذة و سیاست باشد و این قرار بطوری مستحکم است که اگر یکی از اینها مالی در صحرا بیاورد
 در منازل از زوار و قافله بجا مانده باشد نمیتواند مالک و صاحب نمایند علماً باید حبس را پیدا کرد
 با و تسلیم نماید از جمله زواری است باد کوه آهه روانه عیالایات بودند در منزل قصر شیرین
 لشکر مال یکی از آنها بجا مانده بود مستحفظین قصر شیرین کجا بدشته در محبت آن زوار با و تسلیم کردند
 و همچنین رسته مکاری شب از رابط قصر شیرین بار کرده بودند که بخانیقین بردند در بین راه قلعه
 با و تند بنیاد و زیدن کرده باران شدید شدیدی سرگردانی که مکاریان را از دست و چشم
 مجال پاسبانی مالهای بارکش نمانده و قاطرانها که بنا کوه در بارشند درین بین از راه کنار گرفته
 بعد از موقوف شدن باد و باران و رفع آن حالت آن دو قاطر مفقود بودند مستحفظین بطلب آنها رفتند
 و در پنج دور از راه هر دو قاطر را با بار پیدا کرده آورده بصاحبش سپردند (از امور اتفاقیه نوشته اند)
 که در این اوقات باران بسیار شدیدی در زهاب و ان اطراف بنای باریدن نموده و بنا
 و برق و شدت بارندگی گذاشت در سبب استعجاب ناکاه برق نجاته علی حسین بیک که در کوه
 زهاب بود زده بیک مرد و یک زن فوراً هلاک گردیده و پنج شش نفر مدحوش شدند و مقتضات
 کا و مواد کا و نیز که در زیر چادر و درختان

اجبار دول خارج

از قراخیزی که از سیم تغراف در ساجان با سلا حول رسیده است مابین دولتین استریه و ستریه
 بجهت حدود و دین و استقامت قلم که کند که در زیر حکومت دولت رسیده است بروت حاصل
 از جانب دولت استریه قطع مجامعه با دولت رسیده شده سفیر استریه که در شهر تورین اقامت
 ترک سفارت کرده با ستریه معاودت نموده است (دیگر نوشته اند سفیر که از جانب دولت
 بجهت تبریک مجلس امپراطور دولت روس بپترزبورغ رفته بود تاکنون در اینجا است در این اوقات
 بتوسط سفیرش راییه مابین دولتین فرستاده و ستریه معاوده تجاری که سابقاً منعقد شده بود در بعضی
 فقرات آن قرائت تغییر و تبدیل شده و سفیرش راییه تا مدت اتمام این فقرات در پترزبورغ اقامت
 (بجهت مناسبت و ارتباط پیدا کردن با دولت و نه زواله که در سمت جنوبی نیکی دنیا واقع است درین
 از جانب دولت روسیه قرار است که یک نفر مصلحت گذار در دولت مزبور اقامت نماید) (بنویسند)
 نوشتجات روزنامه های سابق در سلسله جنگ انگلیس با چین در مجلس ستریه جناب لار دپارلمنت مابین وکلای
 ملت و وکلای دولت مبنایت وقوع یافته قرار شد که وکلای ملت متحد انتخاب شوند و اعضای مجلس
 مزبور متفرق شدند تا بعد از تجدید وکلای ملت و مجلس ثانی جمع شوند از قرار روزنامه که این اوقات رسیده
 وکلای ملت از هر شهر و ولایت معین گردیده بودند و در میان آنها یکی از وکلای بنیست وکلای
 تازه اند و یکی طرفدار جناب لار دپارلمنت و ازین قرار در افتتاح مجلس ثانی انجام امور چنانچه سابقاً تیرلو
 بودند بجهت رای و خوش جنابش راییه استقامت و استقامت خود یافت (از قراخیزی که درین اوقات
 از هندوستان رسیده است نوشته اند که چون بخش و از راهالی شهر کانتان چین باالی انگلیس که در
 مزبور ساکن بودند ظاهر گردید از جانب کشتیه های دولت انگلیس خیلی کلوله توپ و کلوله آتش بهر مزبور انداخته
 در ورون شهر زیاده از هفت هزار باب خانه و عمارت و در خارج شهر بعد چهار هزار باب و کاکین
 زده شده و خراب گردید و اهالی چین نیز محله و خانه های قونولها و تجارتخانه های را هر چه بود آتش زدند
 و کشتیه های بسیار بخت و اذیت و ضرر انداختند حتی یک نفر تاجر دولت هزار یال خسارت کشیده
 تا از آن تملک بجان خلاصی یافته است) (بجهت تحصیل فنون جغرافیا و بلدیت ارضی از جانب دولت انگلیس
 دو کشتی نام شخصی بجان سودان فرستاده شده بود از قراریکه نوشته اند در وقتیکه شراییه بملکت نعیمی
 از ممالک سودان است وارد شده بود بمبئی بر سر بانی که بوده است اهالی آن مملکت او را مقتول کرده
 (در این اوقات در پارس شخصی با نام بچه خیزین آتی اختراع کرده است که در هر دقیقه درین

و یکدفعه در دوازده انگشت عقیق رین را حفری کنند و کار هزار کس که بدست مباشرت نمایند از آن است
 ساخته شود و به مجلس بالینتو او در وقت حدیده آن مشهود اعضای مجلس شد تصدیق نموده اند و آن
 امیر بطور خاص و مسکله تشریف فرمای مجلس مذکور که دیدار است آلات صنعت مذکور را معاینه نماید و رسید
 نموده و بجهت اینکه بسیار محسن افتاده از جانب امیر الطوری مذکور افحاشی که در حقش را لیه در ازای این محسن
 لازم است شده و مشارایه مورد التفات گردیده است) (تاکنون در دولت نکلیس در کتب خانهای
 شاکردان را سوای زبان خودشان زبان فرانسیسی میخوانند و بنویسند در این اوقات
 قرار شده است که خواندن و نوشتن زبان فرانسیسی را نیز با آنها مامورند) (از نتیجه دولت رومیه شخصی
 که اصلاح و تعلیم موزیکان میداشت بخیال خود آلت چانه زیرین کو سفید پرا بریده بکل ستر ترکیبی ساخته
 و در وقت مواظقت از او صوتهایی که تاکنون مستمع شده ظاهر کرد و در این اوقات کله نکلیس او را
 خواسته و ساز او را استماع نموده اثر استعداد ذاتی او که از پیش خود آلتی چنین اختراع کرده که نتایج از
 مصنوعات استادان این فن بیشتر مشهور و بلکه دیدار جلی وجه نقد با و اعطا کرده است و گذشته
 شخص مذکور را تاج شاهانهای لندن بجهت استماع آواز ساز او که تازه کی وشته است دعوت کرده اند
 و در مدت دو ماه چند هزار تومان از شاهانها عایه او گردیده صاحب ثروت و کنت کامل گردیده در حد
 سن از بدکردانی فارغ شده است) (از فراری که در بعضی توابع مطبوعات در ایام چهار هزار سال پیش ازین
 اموات را دفن میکردند بلکه فضلات و امعای او را دفع نموده و بچیزی تجیر داده و در میان سنگها مضبوط می نمود
 و بعضی چیزهای غریب تحفه میر بگردن اموات تعلیق با و در میان سنگها میگذارند و درین اوقات بعضی از اموات
 آن ایام را که از میان آن سنگها آورده اند بجزای آنها هیچ تلاشی نشده و بهمان میات قدیم باقی مانده است
 قبل ازین شخصی فرانسوی بود و نام تجیه مصر و تماشای آن اموات قدیم با بجا رفته بعضی از آن سنگها را یافته و
 در بین تفحص پنج دانه کندم درشت که از همان ایام با مرده در میان سنگ گذارشته بودند پیدا کرده کندمها
 بفرانس آورده و کاشته بود در سال اول سه دانه آن سبز شده و هر یک هزار و دولت کندم داده بود
 چون اینکه ربع از کندمهای متعارفی دیده شده بود سال دیگر نیز همه آن کندمها را کاشته و تخم شست و تخم
 آمد و از آن سال تا بحال سال سال هر چه ازین کندم بعل آمده است کاشته و پر شده و متجاوز از هزار کد
 حاصل کرده است در این اوقات چاشنی و نمونه از ابا علی حضرت امیر الطوری تقدیم کرده و بحسب درستی
 خوبی و طعم از سایر کندمهای متعارفی بر آب متباز داشته است و در حضرت امیر الطوری موجب تحسین
 نگریم و التفات زیاد گردیده است

روزنامه قایم اتفاقیه پنج پونجم شبیه زدهم شهر سوال المزم مطابق لیلان سیل

منطقه دارالخلافه طهران

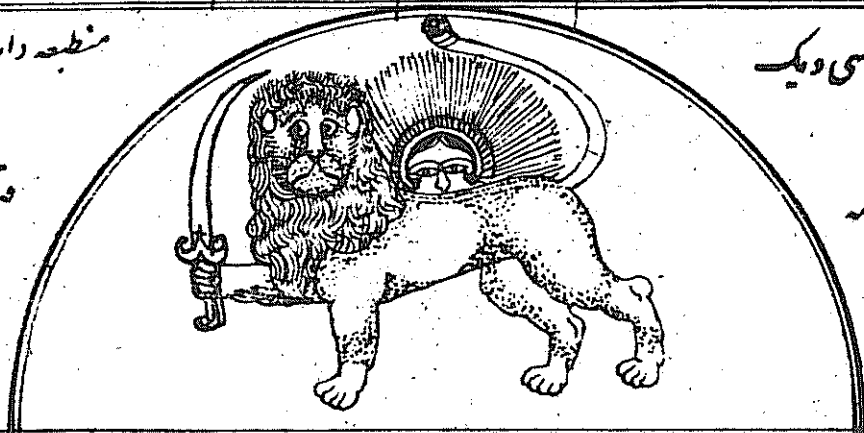
نمبر سصد و سی و یک

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر و سه

مهرنجه دوشی



اجتار واحد ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام ماه مبارک رمضان بخیرتی مقضی شده است اوضاع درجایه مبارکه کانی بنظم و چاکران
 هایون و این سلام بر کس در سه شغل و کار خود بانجام خدمت موجوده استال دارد و نظر خوبی و صفای باغ لاله را
 که درین ایام بهار شگون بگل سرخ فراوان و انواع ریاحین است اعلیحضرت اقدس هایون شاهی شریف فرمای
 باغ مریور گردیده و چند روز است در اینجا توقف دارند و بعضی روزها هم از اینجا سوار شد و بتجسس شیران است که در این
 ایام کمال حضرت و خرمی را دارد و شریف فرمای شوند هوای دارالخلافه طهران نیز تاکنون در کمال خوبی گذشته است
 چنانچه پیشانی درین فصل هوا باین خوبی بود مردم هنوز در اطاقها بمیگرند افواج قاهره نظام نیز از توپچی و سوار و
 سواره نظام همه روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشی باشند و از جانب صاحب منصبان
 معین کمال استقامت در مشق و نظم آنها میشود نوآب امیرزاده علی میرزا سیر فوج کلیانی سپه نواب برادره عمادالدوله حکمران
 کرمانشاهان که با فوج شش هفت ماه در دارالخلافه ساکن بود و در روز جمعه پنجم این ماه با فوج مرخص گردید و از جانب
 ملوکانه یکشوی جبهه ترمه نیز با و حلقه مرخص شد عالیجاه رین العابدین خان سرنسنگ فوج کلهر نیز با فوج در شانزدهم
 ماه رمضان المبارک وارد دارالخلافه مبارکه گردیده و در وقتی که اعلیحضرت اقدس هایون شاهی باغ نظامیه
 شریف فرمای شدند فوج مریور و معبر موکب هایون صف کشیده بنظر نه از ملوکانه رسیدند چون در کمال استقامت و نظم
 و شکوه بودند مورخین و اتفاقات شدند و همه روزه مشغول مشی هستند معین و شاکردان مدرسه دارالفنون
 که در ایام ماه مبارک مرخص بودند بعد از انقضای ایام صیام هم روزه مشغول تعلیم و تعلم میباشند و بعضی
 حربیه و طبیه و هندسه و غیره خوب ترقی کرده و پاره مأمور خدمات شده اند امور جبهه خانه و قورخانه مبارکه هم منظم
 اصناف و علمه روزه در کارند

چون در غیاب نواب مستطاب برآوده و الا تاج ماستطاب اشترار ترکان سخی و قریاب و صحت
 خالی دیده بنای هرگز که داشته بودند و کاهی اتفاق کرده با طراف اولایت چاول و دست اندازی میکرد
 بعد از آنکه مقترب الخاقان قوام الدوله پیشگاه رخسان از اردوی نواب سعیدی الیه مراجعت نموده وارد خراسان
 گردید حسب الامر اولیای دولت علیه سواره و سرباز با استعداد و بیعتات اولایت فرستاده متوجه شدند
 در شب دوازدهم رمضان المبارک خبر مقترب الخاقان ماث را الیه رسیده بود که اشترار خرس و قریابی با اتفاق
 عجیب که از مشایخ معتمدین و مجتهدان و اوقات ثمرات و اوقات و تاخت و تار و شول و در رسم چاول و الا
 ماهر و معروف بود بعد از چهار هزار سوار جمعیت کرده تاخت بلوک سرجام و بیوه زن آمده اند و آنجا را غارت
 کرده زبده سواران را فرط تهور از آنجا نیز کشیده شصت تنبش آورده اند مقترب الخاقان ماث را الیه
 وصول این خبر فرستاده است بآدم نیز مقترب الخاقان ابوالفتح خان سرتیپ که با سرباز و سواره در سرحد
 فرستاده اجبار نمود که از حرکت سواره ترکان خبردار بوده آنها را جلو گیرند و خود نیز صبح روز دوازدهم
 اقدس بیرون آمده بقدر هزار و پانصد نفر سواره چهار دوی خسته و خراسانی و هزاره که در شهر حاضر
 سان دیده بعضی که اسبهای خود را بچین فرستاده بودند از خود اسب داده با لیاری و استیصال روانه نمود
 و قراولهای بلد و کازان نموده سربازها فرستاده که خبر مراجعت سواره ترکان را برسانند که از روی بصیرت
 بمقابل آنها اقدام شود و قراولهای اردو نیز همه جا از دور با سواره مزبور همراه بوده جدا نکرد دیده و خبر حرکت
 و سکون آنها را متوالیا با رد و میرسانند تا روز چهاردهم رمضان المبارک خبر و اولان بار دورد رسید که
 ترکان از سمت جلوسک و کیامی که دو فرسخی اردو است خواهند گذشت مقترب الخاقان ابوالفتح خان نیز با سرباز
 سواره و خوانین خراسانی دو عتاده توپ و هزار نفر سرباز زبده از فوج خود شش و فوج عجم و دو هزار و پانصد
 بجای آنها رفته سوار ترکان هم که سرجام و بیوه زن و جلالت بود را تاخت از ایلات و امم تموری و بلوچ بگذر
 سی هزار که سفند و سه هزار شتر و دامیان و کاه و الا غنیمت آورده و متجاوز از هزار زن و مرد و خور و دو
 از رعیت و مات و بلوکات و زائیرین و عابرین که مابین اقدس می آمدند و بدست ترکانان افتاده بودند همراه
 داشتند در روز چهاردهم وارد کارنش شده شب پانزدهم از آنجا حرکت کرده رو بکیامی میرفتند تا
 صبح غاریان حضرت شان آنها را جلو گیر کرد و بعضی اینکه سه چهار تیر توپ بیان آنها انداخته شد روی از معرکه
 ستیز بر تافته دست حیرت بکوش و پای غیرت در گریز نهاد و تمامی اموال و اسرانی که همراه داشتند بجا گذاشته
 راه فرار پیش گرفتند و فریزی اثر آنها را تکامی می کرد و زیاده از سیصد نفر آنها را مقتول و مغلول و اسیر کرده و
 بران تیرتک از بغض که برای هزیت در جنبیت هر کس با خود داشتند سوار و اغلب زخمی و جان بدر برده بودند

چون اسبان عا که منصوره بجهت اطلاع از قوه قاضی مآذ بودند از تعاقب اینها عثمان باز کشیده مراجعت نمودند
و تمامی اسرا و انعام و دواب را که استرداد کرده بودند بارض اقدس آورده بصاحبان رد نمودند و از اسرا
طایفه ضاله که دستگیر عا که منصوره شده و بارض اقدس آورده بودند از قواری که در روزنامه نوشته
در وقت بردن بحبس امانی ارض اقدس بجهت ازبیتی که سالها از آنها دیده بودند هجوم آورده بقدر بخواه
آنها را پاره پاره کردند با بجهت مقر بخواه قان ابو الفتح خان سرتیپ و پرنیز خان سرتیپ چهار دوی و بهادر
بیکریکی خصوصاً و سایر سرکردگان عراقی و خانی عموها کمال شادت و جلالت را بعل آورده مرآت
انها و اهتمامات مقرب انخاقان قوام الدوله و رفرتادین سواره باز و دستخس خاطر اقدس بایون علیحضرت
قوی شوکت شایسته ای اید الهی شسته و امنای دولت علیه فاده در این اوقات بجهت هر یک از آنها بذل
التفات ملوکانه خواهد شد) (چون ذاب هراده و الایا را اعتضاد استلطفه علیقلی میرزا رجب
علیه ملوکانه در تصنیف و تالیف تاریخ افغانستان امانات و مراقبت و فضل و کیاست خود را ظاهر
ساخته با سبب خوب و طرز محبت تاریخ مزبور را تمام کرده اند عرض بشکاه عظمت مستکام بایون
اقدس اعلی کدرا سیده شرف سحران یافت و همچنین هر مدتی که بعد از کفایت و کفالت ایشان
شده است بطور ای الحکل و اجل انجام داده موقع قبول یافته مطبوع و مستحسن افتاده است لهذا امور
و اعطای شایسته آمده با عطای یکتوب قباي مخصوص تن مبارک قرین مباحث گردید) (نظر بر آب کفایت
و محاسن خدمات مقرب انخاقان آقا محمد حسن ممدوار که خاطر اقدس بایون شایسته ای را قرین
خرسندی داشته در این اوقات شایسته التفات مجدد آمده بقطع نشان و نشان بصورت مبارک متکلی
بالماس از جانب سنی ابجانب ملوکانه مقرب انخاقان مشایره محبت گردید که ریب بیکر مغاضرت و
مباحثات نموده خاطر اقدس ملوکانه ریش از پیش خرسند دارد) (چون مقرب انخاقان عین الملک
در لوازم خدمتگذاری مراقبت و موافقت تمام داشته امور دارالنظاره مبارکه را نظم و ینا و نهاده
در خدمت محوله کمال اتمام را معمول دارد لهذا در روز عید فطر یکتوب بجهت ترانه زمر دی از بطوس
بهین مبارک مقرب انخاقان مشایره محبت و عنایت گردید **سایر ولایات**)
خراسان از قواری که در روزنامه ارض اقدس نوشته اند امور انولایت قرین کمال انتظام است
و درین اوایل بهار که باران زیاده مطلوب است بجهت الله بارانهای بسیار نافع خوب باریده و کمال امید
برای امانی انولایت حاصل گردید با اینکه پوسته زواریا در اطراف بلاد مالک محروسه بارض اقدس
اجناس و کولات از هر قسم از ان است و نهایت وفور را دارد از جمله کندی و خرداری ده تومان و بجهت

نان یکم سیصد و تیار و سایر اجناس ناگولایهین نسبت به چیری و فوردارد مالی ولایت و زوار بلاد
 مرحله در رفاه و آسایش اندک زمان از قرار یک در روز نامه کرمان نوشته اند کمال انتظام و انضباط در
 ولایت حاصل است امیرالامرا العظام سپهدار حکمران کرمان و مقرب الخاقان میرزا محمد وزیر در حفظ نظم ولایت
 رعایا و برابری و انجام خدمات دیوان و معاملات داد و ستد دیوانی مراقبت و مواظبت تمام دارند مباشین و
 نگارندگان این شایسته و این در هر بلوک و محلی که داشته و نگاشته اند کسی قدرت حرکت خلاف و زیاده
 و انجاف نسبت بر رعایا ندارد و خود نیز همه روزه بدیوانخانه و دفتر شسته بجا میسر و مطالب مردم و حاجات
 معاملات ولایتی رسیدگی می نمایند و عموم مالی ولایت با نهایت آسودگی و رفعت و حصول امانت و عا کونی
 و انت اقدس هیاتون شایسته خلد الله لکم و سلطان مشغول سپهدار و سید الله فروانی و ارزانی هم در ان ولایت
 حاصل است خود امیرالامرا العظام سپهدار رتبه سمرقند کرمان به جبرون شهر نقل مکان کرده بودند
 اوقات که دیگر حرکت قشون بآن طرف لازم شد باز کرمان معاودت نمود طرق و شوارع آن اطراف
 با انضباط و نظم است و قوافل و زوار از راه فارس و سراسر ایران با سودا کی و اطمینان در عبور و مرورند و درین اوقات
 از بلده و بلوکات جمعیت زوار بار خراسان روانه گردیدند و همچنین از فارس نیز قافله وارد شده و برنج
 و نبات کوی فراوان بکرمان و بلوکات آورده اند و از نظم و انضباط راهزنان و راهزنی و خرسندی میگردانند
 (دیگر نوشته اند که چند نفر سربازان و مأمورین فارس و آذربایجان بلوک مشهور بکرمان آمده در راه بدو نفر
 الاغ و در بر خورده الاغ و اموال آنها را گرفته بودند مستحقین بلوک مزبور مستحق شده رفته سربازان را گرفته
 بآن بلوک آورده مراتب را بحکمران کرمان اخبار کردند حکم شد که چند نفر از همان مستحقین سربازان را برده در
 شهر بابلک بجا لیجیه موسی خان شهر بابکی بسیارند که او نجاس و فساد و بفساد و فساد (دیگر نوشته اند)
 و آری که یک نفر غلام خراسانی کفزار خان نام از سیستان وارد شده مذکور داشته بود و غلام حیدر خان پسر امیر
 از قندهار چهار هزار تومان مصحوب نفقتهای خود و بجهت مخارج مستحقین قلع و غارت و ابله و فساد و فساد بود
 از بلوچهایی که سیستان مشهور بلوچ ابراهیم خانی مطمع شده بیت نفقتهای طایفه و تنخواه رفته نفقتهای
 و تنخواه مزبور را برده اند) (دیگر نوشته اند که بعضی از ضابط و مباشین بلوکات رسال که نشسته بی اعتدال
 و تعدی کرده بودند حکمران کرمان بعد از معلوم شدن تعدیات آنها درین سال آنها را معزول و کسان دیگر را
 بجای آنها منصوب نمود و بعضی از ضابط و مباشین نیز رسیدگی کرده هر کدام که بارها بطور خوب بلوک کرده
 بودند باز بر سر شغل و عمل خود برقرار و مورد اوقات گردیدند و مجدداً و قنصلی مومک شد که اگر احدی از آنها حتی

رعایا در مال دیوان حیف و سیلی بکند مورد مواظده و ترسان باشد

استر اباد از قراریکه در روزنامه استر اباد نوشته اند عالیجاه محمد تهرانه محمد جهم خان برادر
مقرب الخاقان جعفر قلی خان اینجانی در انتظام امر ولایت آسودکی رعیت اتمام زیاده دارد و در غایت مقابله با
مشایخ کمال مراقبت و مواظبت را در لوازم نیابت حکومت و اوقیت ولایت و انجام خدمات دیوانی بعمل
و امانت انجام از اعلای و ادائیج کل و کار خود و دعا گوئی ذات اقدس علویون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان
استقلال دارند و کمتری خلاف حساب اتفاق می افتد و اگر مسرت و شتر رتی از کسی ظاهر شود عالیجاه مشایخ
در مقام مرفوع آن بر می آید فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت در این
و انضباط است و نوبت طلب موید آله و له حکمران مملکت فارس کمال مراقبت و مواظبت در نظم ولایت و رفاه
و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی دارند در ایام ماه مبارک رمضان سوای ایام تعطیل روزهای یکروز
هر روز سه عت وقت عصر بسلام نشسته بهر من و ذاد مردم رسیدگی مینموده اند سایر کارکنان دیوانی هر
در انجام خدمات مرجوعه بخود اتمام تمام دارند و بحمد الله و اوائی و عمرانی در آن ولایت حاصل نیست و در آن
ایام بهر بار بارند کیهانی کامل در هر جای آن ولایت شده و رعایا و برابا از این هر حله کمال شکرگزاری را دارند
طرق و شوارع فارس در کمال نظم است و بحکم نواب معری الیه مستحفظ و قواسوران و قراول در
راهها و قراول خانها بخطر و حراست مشغول و حاضرین و مترو دین با اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند و همچنین
امور شهر و محتاجات شهر از انتظام کامل دارد و خلاف حساب هیچ چیز از کسی ناشی و صادر نمی شود و اگر احیاناً
سرقی اتفاق بیفتد سارق بدست آمد و تنبیه و اموال مسروقه بصاحبش تسلیم میشود (دیگر نوشته اند که
نواب موید الله و له عالیجاه علیقلی خان سرپنجه خرقانی را با فوج از لارخو نهشته که بجای بواجب و پورسات آنها رسیدگی
روانه در بارها بون شاهنشاهی نمایند اعلامات شرح قاموس فارسی را با جمیع ایرادات وارده و در
خطهای جوهری که صاحب قاموس متعرض شده با استظهار اکتب متقدّمین مثل تکه صفائی و تهذیب ازهری و
محیط الله صاحب ابن عباد رازی و باب سمعانی و مجمع البلدان جموی و مجمع الامثال میدانی و مقتضی الامثال
اساس البلاغه مخشری و نهاییه ابن اثیر و کتاب عین خلیل و تاج المصا درومی فی الالامی و مجمل ابن فارس و
و سایر کتب معتبره این فن عالیجاه محمد تهرانه میرزا عبدالطهری نسی دیوان اعلی بدستباری چند نفر از فضلا
مدته دو سال بجای و اهتمام و وقت تمام بقدر امکان تصحیح نموده در کارخانه سیادت آقا میرزا باور
و در این ماه سوال تمام شده از دارالطبع به پیردن می آید هر کس طالب نسخه از کتاب مذکور باشد در
دارالخلافه طهران در کارخانه آقا میرزا قمر نور بهر نسخه مبلغ هشت تومان فروخته میشود و خریداران این نسخه
بکارخانه اوردقه اشیاع نمایند

اخبار دول خارج

از قریب که در روزنامه های فرنگستان نوشته اند رسم دولت چین این است که خاقان چین هرگز احکام خود نمی نویسد چهار روز بعد از آنکه بزرگ و رجال دولت مستند اموری را که چندان عهده نباشد خود میگزیند و اگر امپراطور باشد و حادثه کلی روی بدید باید باستحضار خاقان و نوکوه که صدر اعظم آن دولت است و انهم باین قسم است که ده پانزده مرتبه بلکه بیست مرتبه در هر روز عرضه داشت میشود بعد خاقان اذن بصدر اعظم میدهد که مطلب عرض کند و است را شفا تقریر کند بعد از استماع نیت خود را بلفظ موجز مختصر که کثیر باشد جواب میدهد و رئیس دربار که وزیر اول است میداند که چه باید کرد و چگونه اوامر و لوازمات کلی مملکت را در حالت ضبط و ربط بدید و بهین سبب است که خاقان چین بدستی از احوالات و وفایح اتفاقیه مملکت خود شش اطلاع ندارد و باینجه تقریر که در روزنامه های فرانس و انگلیس نوشته اند جانب کیست آن در تاریخ دهم فوریه که مطابق حب است احکامی که از خاقان چین بجهت جنگ انگلیس که بین مضمون است نوکوه که وزیر اعظم دولت چین است بجانشین کانتان حب احکم نوشته است است احی یعنی ای جانشین اجبار بسیار و حب است که تو مرقوم میشود بدقت تمام روایاتی که تو باینجه جنگ اهل وحشی انگلیس نوشته بودی استحضار کامل حاصل شد نوکوه ازین خبر بالمره احوال منقلب کردید اگر چه بدل خاقان ولی النعمی خود پریشانی حاصل خواهد شد البته لازم است که خاقان ازین اجبار مطلع شود و بعد از باز ده مجلس که عرضیه بخاری کرده علی التوالی با علیحضرت پادشاه داده پادشاه ابد شد که باین روایت کوش بدید و دستور العمل معتزیه خود که داده است این است احی تو مأموری بجنگ کردن با اهل وحشی و اهل بی با نور که با تو میجنگد باید احدى از آنها در روی زمین زیت کند و سیات عبرت نمائی از تو بجهت آنها باقی باشد احی بعد از آنکه از آنها انتقام گرفتی و عفو تبها که تخم و قوع می یابد اگر باینست پاک بطور خلوص از حرکتی که کردی پشیمان شدی ظلمت غضب خاقان ولی النعم خود از مرهم ملوکانه از تلامه سیلاب نور شده را میشود که ترک خصومتها شده مجدداً امر داده دوستی و تجارتی با این غریب مثل اول ابتدا میکنند احی تو این احکام را خواهی شنید و حکامی که در زیر فرمان تو مستند مجری خواهی داشت این احکام را مبرور به پادشاه چین صریح باشد در خبریه ماکا و از حکام چین بابل پور تو قال داده اول از لفظ چین خبر بان پور تو قال ترجمه شده بعد خبر بان انگلیس ترجمه شده و از انگلیس نفی است این احکام از جانب خاقان چین بدولت انگلیس بیک حساب اعلام جنگ است اگر چه چندان باعث تحریک جنگ نمیشود شاید در اندرون ولایات چین بعد از مرقی یافتن محاربه و سرایت نمودن قشون انگلیس که علی التوالی از فرنگستان مأموری شوند آنوقت

حکام ولایات چین بطور شدیدی ملت را تحریک بکنند (دیگر نوشته اند که کشتیهای جنگی انگلیس که در
 زیر کلمه لیون سردار بحری دریای اسود بود کلاً حرکت کرده مایل به فرستند و روز حرکت کشتیها در کشتی مرمر
 بالبر که بهترین کشتیهای جنگی انگلیس است لیون سردار صیافت بزرگی بجهت پذیرانی علیحضرت سلطان دولت
 عثمانی ترتیب داده بود جناب لاردر و کلیف با جمیع اتباع سفارت انگلیس در اینجا حضور داشتند علیحضرت
 سلطان با وزیر و رجال دولت عثمانی بکشتی مرمر تشریف بردند و در حین داخل شدن سلطان بکشتی لاردر
 انگلیسها مقامات عثمانی را در نهایت خوبی باموریکان زدند و سلطان در آن روز مترجم واسطه کلمه
 خود در کمال پاکیزگی بزبان فرانسه کلمه میگردید بطوریکه همه تعجب می نمودند و بخوشش لاردر و کلیف غیر این
 معقیم اسلامبول سلطان عمارت مهمانخانه بدولت انگلیس واکذا کرده انگلیسها بنا دارند عمارت مرمر را
 خراب کرده یک کلیتای پروتستان بنازند و عمارت مرمر بقدر چهار صد و پنجاه هزار تومان بکلیت
 ایران قیمت دارد) (دیگر نوشته اند که اسبوزنرال نام از دولت انگلیس بپردازی کل قشون انگلیس که
 متوالی بجهت چین میفرستند مأمور شده در روز شنبه هفتم ماه مارس مطابق شعبان از لندن بمت سکنده
 حرکت کرده است که از اینجا بچونکوئو رفته که دولت انگلیس بکلیت عظیم مبادرت نماید) (در ضمن این
 داخله و پولیتیکه ناپولی چنانچه بکرات در روز ماهها نوشته شد دولتین فرانسه و انگلیس تبلیغات و نصایح
 بدولت ناپولی کرده و قول شده بود و دولتین مرمر قطع نموده کرده سفرای خود را از ناپولی بر می دارند
 در این اوقات از جانب دولت ناپولی بجهت بیان بعضی مواد مهمه که شفا مایه و ولتین مرمر گفتگو شود
 نام رئیس مجلس ناپولی مأمور شده است که اول به پاریس و بعد از آن بلژن رفته ماموریت خود را ادا نماید
 (دیگر نوشته اند که چندی قبل ازین سپردیم علیحضرت پادشاه بنگلستان بجهت تحصیل علوم و فنون لایا
 بهالک اسوچر رفته بود در این اوقات جناب پرنس و تقال پسر بزرگ ملکه انگلیس که ولعهد است
 بعزم اقامت و سال بجهت تحصیل زبان المانیا و بعضی فنون دیگر بملکت بون که در زیر حکومت
 پروستیاست روانه میشود) (در روزنامه ای سابق نوشته شده بود که از طرف حکومت سیام که
 در هندوستان و در سمت جنوبی چین واقع است ایلمی بدولت فرانسه فرستاده شده بود در این
 اوقات بازار از جانب حکومت مرمر و سفیری با سفارت مخصوصه بلژن مأمور است که با ملکه انگلیس ملاقات
 نماید و از محصولات هند نادیده و تحفه بعضی اشیاء بلژن می آورد) (دیگر نوشته اند که از امانی جان
 دولت نافر نصیب تاج در این اوقات بکشتی فرانسه که در چین بود سوار شده در میان دریای قاصا
 عداوتی که با فرنگیها دارند کپتان و امانی کشتی مرمر را هلاک کرده و کشتی را نیز غرق نموده اند خبر این گذارش

بفرانسه رسیده از دولت فرانسه نیز مقدار کافی قشون در کشیهای جنگی بطرف چین فرستاده میشود
 (چنانچه کبریات در روزنامهها نوشته شده است رئیس جمهور مالک مجتمع امریکا و قایم مقام او هر چهار
 سال یکبار رسال یک دفعه تبدیل شده و با کثرت از انصبب رئیس قایم مقام جدید بجای آنها از اصول
 انولایت است و مدت ریاست رئیس جمهور که بیرون نام بود با مدت ریاست قایم مقامش در این اوقات
 ختام پذیر شده در باب انتخاب رئیس و قایم مقام اهالی و اعیان مجتمعیکی دنیا دو فرقه شده فرقه موسیو
 فرمودند و فرقه دیگر موسیو بوقانین نام رئیس خواسته مابین این دو فرقه جنلی مخالفت ظهور کرده یا آخر
 بوقانین رئیس و بریکنریج نام را قایم مقام اول نصب و تعیین نموده در اوایل ماه مارس فرنگی با مأموریت
 کردید رئیس مأمور اصلش از اهالی نخلیست و پدرش از اهالی زراعت بوده و بجهت صورت کندان چاه سال قبل
 با عیال خود به نیکی دنیا رفته رئیس شارایه در ایام شباب در انجا تحصیل علوم و فنون متعنه نموده و وکیل
 گردیده و بجهت قابلیت استحقاقش مأمور از جانب جمهوریه مجتمع داخل اعضای بعضی مجالس گردیده است و متعال
 قبل ازین بسفارت دولت روس مأمور و مابین دولتین روسیه و مجتمعیکی دنیا معااهده تجارتنی تنظیم نموده
 معاودت به نیکی دنیا کرد و بعضی مأموریت عهد نیز که اقدام کرد و جنلی ابرار لیاقت و صداقت نموده اما رکفایت از
 ظهور رسیده تا چند وقت پیش ازین بسفارت دولت انگلیس مأمور و مدتی در لندن اجرای مأموریت کرده و متعنه
 از سفارت استعفا نموده به نیکی دنیا مراجعت کرد حال سن او از شصت و پنج سال تجاوز کرده بحسب کبر سن و
 ابلت و استحقاق ریاست جمهوریه را بهم رسانده است و همچنین قایم مقام او نیز بقا در یک محلی از نیکی دنیا
 وکیل و عوا بوده و بدون اینکه نایع و مابین کسی بوده باشد بخیر در این و کتابش نصب قایم مقامی رئیس جمهور
 (دیگر نوشته اند که در عمارت ششمین رئیس مأمور موش و اوان بود بجهت دفع آنها سم القار بکار برده و شهاب
 مسموم کرده بودند بعد از منازات مرک موش بوشها از شدت حرارت خود در باب انباری که در آن عمارت
 ریخته آب انجا هم بوسط موشها زهرالود شده بود چون آب مشروب رئیس مأمور و توجه او برس که در آن
 بودند از آن آب بود بهیکی از آن آب خورده و مسموم شده بودند یکی از اهل آن تجارت فوت شده و علت مرگ
 سایرین معلوم گردیده الحبا آمده آنها را معالجه نموده و از بلاکت رهایی داده اند) (از جانب دولت فرانسه
 ایچی چند وقت پیش ازین بحکومت قوچین چین که در سمت جنوبی چین واقع است مأمور شده بود و در ایالت
 کشیه رسید و انجا از قسم شریک نوعی را که یاق مینامند و از ده شتر و سال قبل ازین باریس و
 بود چونکه ازین نوع شتر که راهی که از شتر و کاه و سیر حیوانات خسته میشود برمی آید و کوشش هم گول خوب و شتر
 بسیار نرم و کبار با فتن شیشه جی آید لند و دولت فرانسه اتهام کرده است که این شتر در انجا روان نشود

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ و پنجشنبه بیستم شهریور سال المکرم بقیع اندین

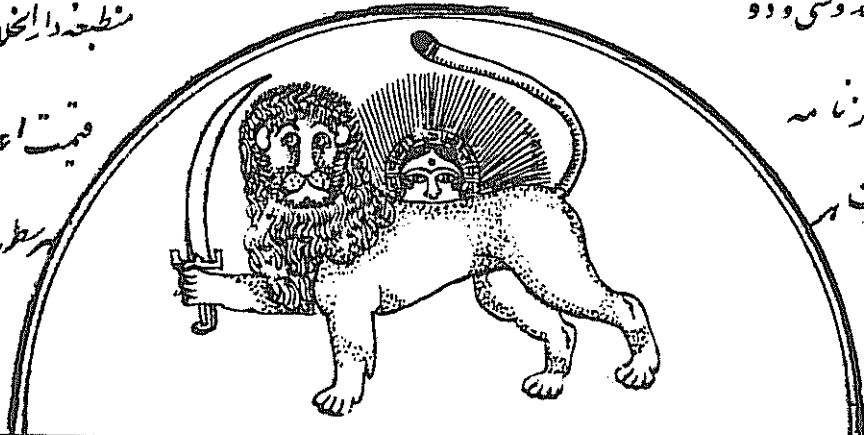
منطقه دارالخلافه طهران

لله سید و دود

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

هر طرزه شهر



اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب مستطاب بنده محترم والا تبار د شیرمیرزا در حکم انی دارالخلافه و مضافات لوازم کفایت مردم داری را
 و دولتی و خدمتکاران را به تقدیم رسانده اند و در غایت کتب بیون از دارالخلافه الباقی در حفظ و حرارت رک و عمارت و
 و صندوق و قیام مبارکه کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده اند و مراتب حسن خدمت و صدق نیت و صفای طوبی نواب مستطاب
 حکامین مشهور و نظر اقدس باین و کثوف ای اولیای دولت روز افزون شده است لهذا بقضای رای محترم پیری در
 نام صدق و جام نواب مغزی الیه بطراز لقب و الانی پس رکن الد و لکی مین و مطرز و قدر رفیع ایشان بدو واسطه زیاده بر توبی و
 گردید و فرمان باین و موشح بدستخط مبارک شعر اجمال اتفاقات خدیوانه شرف صد و یاف و قامت عز و شرف نوابان
 بشرف مین یکشوب جبهه ترمه و زره نقده پولک دوز اعلی از لباس خاص تن باین و پیریه و زینت گرفت و محض تعظیم حجت
 عطی و تجلیل نواب لاجرب اولیای دولت علیه از قاطبه اجده در باین و انشا بر او کان عظام و امنای کرام و امرای فخام
 و سایر چاکران محترم در بار شوکت اتم و غیره به عاریت بانع اگر جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صد اعظم حاشیه و جناب
 جلالت نظام الملک و ان مجلس حاضر گردید بعد از صرف شیرینی ادای رسم تنبیت بعل آوردند و نواب مغزی الیه از سلام عام بسلام خاص
 باین و شرف اند و رکشته مورد درسم اقدس اعلی شدند (چون ایجا به منتهی خافان میرزا فتحعلی خان بستونی دیوان اعلی محاسب
 بنجابت مع وف و خود فی نفس به با صاف کفایت و لیاقت توصیف و از بدو جوانی اکنون چه و عهد شایسته بر در وجه وین دولت علیه
 مصدق است ایسته شده و در هر مری که بعد از او محول گشته آثار صدقت و کفایت ظاهر شده است و سم شایسته او و چاکران
 و نواب اولیای دولت روز افزون نموده و در ضوچ یافته است لهذا از جانب باین و انشا خلد الله علیه و سلطانی و جناب الان و ان
 بلقب نیل صاحب دیوانی و اعلی خلعت مرطوبت سرفراز شد و بر پیشانی و نوکری او افزوده گردید بعد از این در فرامین و بروات دیوان
 بجای هر مرحوم میرزا شفیق صاحب دیوان را مهر خواهد کرد

چون نواب هزاره و الا مؤید الدوله حکمران فارس و عمده الامر العظام مقرب الخاقان مهر علی خان ع
 با سایر سرکر دکان عساکر مأموره فارس از بد و امر تا وقتی که غبار تقار با بین دو لیس ایران و انکلیس منع
 مسالت مبارکی منع شد ز یاد خدمت چنان شری کرده تقدیم خدایسته نمودند و خدمت هر یک
 در پیشگاه اقدس بکانون محبت ظهور و شهود یافت لهذا از جانب سنی الجوانب همایون شاهی خلد الله علیه
 در ازای خدمات آنها علاوه بر وجه نقدی که برسم انعام حرمش بدین موجب نشان و خلعت نیز المقات و عین

نواب هزاره مؤید الدوله حکمران فارس مقرب الخاقان مهر علی خان ع	مقرب الخاقان مهر علی خان ع
کلچہ تن پوش مبارک	مقرب الخاقان مهر علی خان ع
نشان از مرتبه سیم پیر چہ تریم	نشان از مرتبه سیم پیر چہ تریم
قطعه رشتہ قریب	قطعه رشتہ قریب
مقرب الخاقان علی خان سیر قوا	مقرب الخاقان علی خان سیر قوا
قرا کو ز لوی چک	مقرب الخاقان علی خان سیر قوا
نشان از مرتبه سیم پیر چہ تریم	نشان از مرتبه سیم پیر چہ تریم
قطعه رشتہ قریب	قطعه رشتہ قریب

عالیجاه عبداللہ سرنگ فوج خاتمہ محمد طاهر خان سرنگ فوج	میرزا علی محمد خان ولد مقرب الخاقان حاج میرزا علی
نشان اول چال سفید شال ترمه	نشان اول چال سفید شال ترمه
قطعه رشتہ طاقہ	قطعه رشتہ طاقہ
نشان از مرتبه دوم سر شال ترمه	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه
قطعه رشتہ طاقہ	قطعه رشتہ طاقہ

سایر صاحب منصبان جزو توپخانه و سایر بار و غیره را هم در خور جلالت و خدمت آنها نشان و انعام لایق
 مبدول افتاد که تفصیل دادن در ضمن روزنامه باعث تطویل است () بنہی کہ در ہفتہ گذشتہ تبار
 یافته بود کہ مقرب الخاقان میرزا محمد قوام الدولہ وزیر خراسان بعضی از سرکر دکان سوارہ و پیادہ را
 بتنبیہ طایفہ ضالہ ترکمانیہ کہ بغرم تاحت خراسان آمدہ بودند کردہ فتح نمایان و تنبیہ معقولی ازان طایفہ بعمل آورد
 بودند از جانب سنی الجوانب ہمایون ازین قرار خلایع و رحق چاکران و جان شاران مرحمت شد

مقرب الخاقان قوام الدولہ	مقرب الخاقان ابو الفتح خان سیر فوج	عالیجاه پرویز خان سیر سوارہ
قبای ترمہ اعلی شال ترمہ مخصوصی	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه
قطعه رشتہ طاقہ	قطعه رشتہ طاقہ	قطعه رشتہ طاقہ
عالیجاه لطف اللہ سرکر دہ سوارہ	عالیجاه سلیمان خان حاکم رشتہ با سوارہ	عالیجاه ذوالفقار خان سرکر دہ سوارہ
نشان بیون و دیرین	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه
نشان ترمہ قبای زری	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه	نشان از مرتبه اول چال سفید شال ترمه
طاقہ	طاقہ	طاقہ

عالیجاه محمد حسین خان ہزارہ
 جتہ ترمہ
 علاوہ بر اینہا در حق سایر سرکر دکان و خدمتکاران از مرتبہ زری و ہزارہ و خراسانی کہ در بن مقدمہ خدمت

۲۱۸۴

کرده بودند شال کرمانی و قبا و جنبه زرزی و جنبه بنجیره دارماهوت بعد خدمتگذاران نزد مقرب الخاقان
 قوام الدوله و وزیر مملکت خراسان فرستاده شد که بآنها داده با تقات اولیای دولت علیه امتیاز و انعام
 (عالیجاه حاج میرزا بیک آدم جناب شرف امجد رفیع صدرمقام فخر دایما رجب رجوع و ارت جناب صدرت
 عظمی خدمات دیوان اعلی مشغول است و از روی قاعده دانی و قابلیت که دارد بر خدمت راکه با و محمول شود در
 درستی و معقولیت با تمام و انجام میسر سازد و خاطر اولیای دولت علیه را باین واسطه از خود راضی و خوشنود میدارد
 از جمله خدمات عالیجاه مشارالیه یکی راه انداختن قورخانه های زیاده بر حدات ممالک محروسه بود که در عرض
 قلیل زمانی موزاری شست هزار بار قورخانه از دارالخلافه الباهره بر حدات مقرر روزه ساخت بطوری که
 بفر و ایند اخت واحدی از احاد مکاریان را بمقام کتابت نیارد و وجه گریه را بابت ارزانه نسبت و با
 سابقه برای دولت علیه تمام کرد و ازین صداقت و کار دانی مصدر خدمت جداگانه گردید لهذا خدمات او
 در پیشگاه بایون درجه قبول یافته از جانب سنی ابجانب اعلی با عطای خلت افتاب طلعتی و شاهی که بانه
 افتخار و مزید قدر و اعتبار است سر و آراء و بکلا و شال ترمه کشیری از جامه خاص در وجه
 عنایت گردید) فن طبابت هیئت در مملکت ایران شیخ و کامل بوده الهی حاذق علما و عملا در هر یک
 بلاد خاصه دارالخلافه العلیه مبداء ای مرضی اشتغال داشته و دارند چون طرز طبابت فرنگی بواسطه بعضی
 و تصرفات تازه و اسباب و ادویه جدیده نسبت بفنون طبابت ایرانیه اسهل بود لهذا درین دو
 متدبران معمول گردید بعضی از اهالی ایران در همان عادت بقه باقی مانده رجوع با طب و مداوای ایرانی نمودند
 و بعضی دیگر بطور معالجه فرنگی کم کم مانوس شدند اکنون هر دو طریق در ممالک محروسه متداول است انکه
 ایرانی است معلوم است در هر طریقی مستند و از روی خدات و بصیرت معالجه باقتضای طبایع و امراض
 و آب و هوای آن مملکت مشغول میشد و انکه طبیب فرنگی است اگر چه علی العجله بنجر عالیجاه مقرب الخاقان حکیم بود
 حکیم باشی اعلی حضرت شاهی و عالیجاه حکیم شمر زکی که مخصوص خدمت دولت باشد حاضر نیست و لکن حکیم
 درین مدت که از فرنگستان بایران آمده حکیم محکم اقدس بایون و مراقبت اولیای دولت علیه دایما در مدرسه
 دارالفنون مشغول تدریس علم طب و تحلیل کرده های این فن بوده است و باین واسطه جمعی که اولاد در فن طبابت
 ایرانی فی الجمله سرشته و و قوف داشتند علما و عملا ازین سیاق بی استحصار نبودند و بعضی از آنها از اولاد طبایع
 و آب و اجداد ایشان طبیب بوده اند در فن طبابت فرنگی هم تربیت گشته اند که تصدیق خود مقرب الخاقان حکیم
 در قواعد طب فرنگستان بکمال مهارت و خدات رسیده اند و باین احوال از فرنگیه معلوم میشود که از
 از اهالی ایران مایل و معاد بطور طبابت فرنگی مستعد چنان تصور میکنند که اگر طبیب از خود اهالی فرنگستان

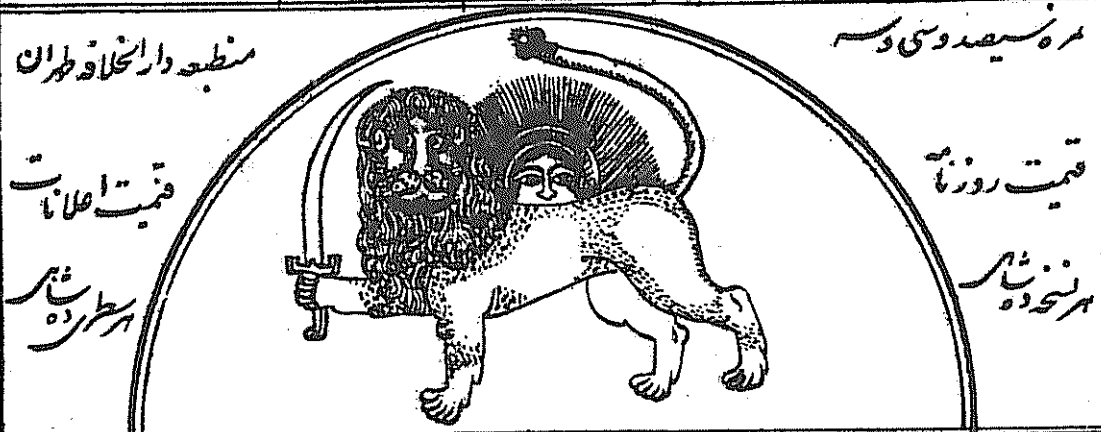
مملکت حاضر باشد آنها در محاجات خود معطل خواهند بود و باین تصور و خیال که اتفاق می افتد که از ایلای
 ایران کسی با طبای مزبور که بسی همتا هم دولت بعل آمده و تربیت شده اند رجوع نماید و این حسن باشد
 که هم این فرقه اطبا از سوق بیفتند و هم سعی و خرج چندین که دولت در حق آنها بی فایده بماند از آنجا که مقصود
 دولت از همه این مخارج و زحمات این بود که این اشخاص بکار دولت و ملت برآیند لهذا اعلام میشود که عموم مردم
 ایران که محتاج طبیب هستند اگر کسی هستند که عادت بطلب فرنگستان ندارند و مزاج ایشان عادت بقوانین
 ایران دارد با طبای حاذق کامل ایران که در علم و عمل عالم و مجرب اند رجوع نمایند و اگر کسی هستند که
 بمعالجه فرنگستان عادت نموده اند و بقوانین ایشان انس گرفته اند با طبای تربیت شده حاذق مد رسته
 رجوع نمایند که در قوانین طب فرنگستان کامل و مجرب اند علاوه بر دانش طب فرنگستان مزاج اهل ایران
 بصیرتر و مانوسترند که هم خدمت و خیرت دولت در تربیت و تکمیل ایشان بهدر خواهد رفت و هم نتیجه مطلوب
 تکمیل علم طب فرنگستان بعل خواهد آمد علاوه بر اشخاص مزبور همان دو نفر طبیب فرنگی هم که مخصوص خدمت و
 علیه ایران هستند بجهت محاجات مردم حاضرند هر کس خواسته باشد رجوع کند و بیکان اینکه طبیب فرنگی حاضر
 معطل ماند بجهت اطلاع عموم مردم مملکت نوشته شد (سرکه درین فصل که آخر جرات از شدت گرمی
 هوا و کثرت ناخوشی نوبه مردم سیلا قات رفته بودند سال بجهت الله هوای شهر در کمال اعتدال است چنانچه
 مردم هیچوجه بیوزنجیال رقت پیدا قات نشده اند سهل است از اطاقها و خانهها بهتابی و روی باها
 احتیاج نباشد است که بروند اما لی و سکنه شهر در کمال انتظام و سلامتی و از زانی و فزانی همه چیز بد عا کوئی
 وجود فایض بحداده س هایون شایسته خدا الله ملکه و سلطانه اشتغال دارند و امور شهر و محلات بهرجهت
 منظم است) (شخص طاری قاطری از عالیجاه محمد رضا خان تنجی با هم یک ملائی قانی کر قه سوار شد
 از شهر فرار کرده بود مراتب باستحضار مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دار الخلافه رسیده فوراً چند نفر آدم
 و رسانده آن شخص را گرفته با قاطر آوردند قاطر بصاحبش تسلیم شد و آن شخص حبس است تا بعد حکم آن
) (دو سال قبل ازین باغبانی خانه خود را بد و نفر که یکی حاجی احمد نام داشت یکی علی نام با کوشش بودند اجاره داده و در کمال
 آن خانه نیز شهاب خود را رختخانه کاشی خانه خود سر کشی میکرد درین بین حاجی احمد و خود را بعلی نام سپرده بکاشان فیت چندی گذشت و
 باغبان بخانه آمده دید علی نام و کوشش و حاجی احمد رفته اند و باب و درخت و تفحص بود تا در این اوقات حاجی احمد از کاشان
 مراجعت کرده جو یای مادرش و صاحب خانه در تفحص مالش بود که علی نام خون گرفته اصل بر قفایش زده از غلبات بطران
 او را گرفته در مقام مواخذه و تحقیق برآمد بمعلوم که مادر حاجی احمد رفته و در آن خانه دفن کرده و باغبان بوقت برده
 بهر دو نفر خود را از نو در نفس مقول را بیرون آورده و غائب است و تا از او یافت و خودش بیکم شمع طاع بهست و رسته مقول داده

اخبار وول خارجه

سابقه کشتی کردن در سواحل هند از جانب دولت فرانسه یک کشتی بخار با چند نفر آدم فرستاده بودند چون نقشه که بجهت هدایت دریا کشیده بودند و در کشتی مژبور همراه داشتند که کشتی را از روی آن نقشه حرکت غلط بود و ماه قبل ازین کشتی مژبور در جزیره میلین نام که در سمت جنوبی هند واقع است بنک خورده و شکسته شد و اهل آن کشتی همگی با بعضی اشیاء و اوقات به قریب با حل درآمده اند ولی در جزیره مژبور اثر آبادی ازین حیوان مطلقاً نبوده است اهل کشتی از حیات خود نومید گردیده در حالت مایوسی از چوبهای کشتی مژبور دو قطعه قایق کوه ساخته و بیت وشت نفر باد و وکیل در آنها نشسته بفت باز کرده روزه از جزیره مژبور بملکت بطاویه بجهت حال نمودن روانه شده اند و هوام مدت کرده سالها با آنجا رسیده و گذارش را بیان کرده اند و حال دو قطعه کشتی بخار انگلیس و یک قطعه کشتی فلکس بان جزیره رفته و آنها را از آنجا بیرون آورده سلامت بهایس فرستاده اند) (در سمت شمالی مملکت فرانسه در سواحل نورماندیا در زیر دریا بترکیب جنگل جانی پیدا شده بجهت تحقیق آن که چه بوده است از دولت فرانسه کشتی بخار مخصوصی فرستاده شده بود و از فرار خبری که این اوقات رسیده است کشتی مژبور با آنجا رفته و نقشش نموده جنگل مژبور شایسته است طول و وسعت عرض دارد و در درون او خیلی چوبهای جنگلی و بعضی آثار قدیم مشابده شده و شهر بودن آنجا در ایام قدیم معلوم گردیده) (ارسی که در هر ولایت بعل می آید از برگ توت است که که مپله انرا خورده و ابریشم از او حاصل میشود در لندن از اصحاب منور داریت شخصی استنباط کرده است که اصل یا ابریشم از همان برگ توت است و میتوان بدون کرم پیله ابریشم بعل آورد و این مرحله را اعلان کرده در ثانی بهر طور بوده است برگ توت را نوعی تربیت کرده ابریشم از او حاصل نموده و اثبات مدعای خود را کرده است ولی ابریشم خوب و قابل نشاء است نوشته اند که اگر ازین کجس تدبیری چاره از این بکنند که ابریشم بآن خوبی که از کرم پیله بعل می آید حاصل میشود را ایلی الی در عالم بقای بکنای می کرده خواهد بود) (دیگر نوشته اند که در انشای محاربه بق طونه شت قطعه کشتی از تجار دو مختلفه از قلاص حرکت کرده بودند کشتیهای جنگلی انگلیس همه را گرفته ضبط نموده و فروخته وجوه حاصله اورا بقشون سحری تقسیم کرده بودند در این اوقات صاحبان کشتی بلندن رفته و ادعای کشتیها و اموال خود را کرده اند از جانب دولت انگلیس جواب داده شده بود که در بین جنگ عساکر دشمن در هر ولایتی که باشد آن ولایت بمطرب ولایت دشمن دیده می شود و در آن اوقات قشون روسیه در آنجا اقامت داشتند و کشتیهای مژبور از قلاص حرکت کرده بودند بآن جهت تکلیف دولت انگلیس بود که هر کشتی در آنجا پابند که محل آذوقه و اشیاء کرده اند ضبط و تصاحب نمایند صاحبان دعاوی مذکور داشته اند که اقامت قشون روس در آنجا بطریق من بود و اهل آن دو مملکت همچو

از حمایت دولت عثمانیه بیرون نبودند بعد از ثبوت این مرحله از دولت انگلیس حکم شده است که وجه کشتیهای منور
 که فروخته اند بصاحبان کشتیه ها رد نمایند (از قرار روزنامه انگلیس میشد و قومیانیه کشتیهای بخارا را
 جدید بجهت دولت روس که در رودخانه واکه استحال کنند در انگلستان ساخته اند و یکی از آن کشتیه ها تمام
 و باؤ شده رسیده است و کشتیه های منور از دولت خردار تا هزار و صد خردار حمل می شود) (عمارت بلور
 لندن که سال در بهار کسوده می شود و اجناس نفایس و اشیاء از هر جای روی زمین بجهت تماشا و داد و ستد در
 اینجا گذاشته میشود در این سال نیز کسوده شده و در روز اول تقریباً هفده هزار نفر ذکور و زناناً جمع شده بودند
 (از قرار روزنامه های انگلیس ثبت اموات شهر لندن در عرض سیزده هفته بیست و هشت هزار و شصت و پنجاه نفر
 شده است موافق جمعیت شهر لندن که تقریباً ششصد و شصت و شش نفر در روزی از هر هزار نفر و نفر مرده اند و تولد همیشگی از ثبوت
 دنیا و تراست) (تقریباً یک در روزنامه جدید و انجودا ثبت نوشته اند در این اوقات در مارسیلیا شخصی صادم
 شبیه پول کاغذی دولت عثمانیه بعضی اوراق ساخته رفته کیفیت سبکبوت محلیه معلوم شده فی الحال سایر
 دستگیر گردیده با اوراقی که رفته بود جلب و تعلیس گردیده این فقره تنها اختراع مشا را لیه بوده و نفر
 در اسلامبول حلیت درین کار داشته اند مشا را لیه را بجهت اجرای سیاست لایقه بحبس فرستاده اند و شبیه
 دولت عثمانیه نیز خبر و اوراق منور داده شده و از جانب شه بندر مدبر سعادت خا رسیده است) (خبا
 در ولتین انگلیس با پولی قرار است چند وقت پیش ازین دولت فرانسه نیز قاتل و نیکنه اصحاب خیانت
 عظیمه را از درون محکمت اخراج کرده بعنوان جس مؤبد بکلی قاین نام که در سمت جنوبی یکی دنیا واقع است
 و اجلا میگردد چون محل منور هویش بسیار وخیم و بدست اشخاص مرقومه را که با بخا فرستاده اند بسیار کی
 چندین علل و امراض میشوند و دچار اضطراب میگردد اینها را منظور کرده اند که بجای دیگر که مناسب با بعد ازین روز
 نمایند و باین خصوص مخصوصاً یک قومسون تشکیل داده اند بعد ازین باینگونه ارباب جرم و قباحت را در یکی
 از جزایر هند که در سمت شمال استرالیا و موسوم بقایید و نیانت قرار گذاشته اند که ارسال نمایند) (در
 روزنامه های سابق نوشته بود که جناب غانده و ق قطنین برادر علیحضرت امیراطور روسیه بجهت دیدن
 والدش شهنش که در محکمت رومیه است غمیت کرده و از آنجا باز و جبه خود از راه پاریس اراده داشت که
 بفلنک برو و بموجب اجاری که این اوقات رسیده است بجهت غمیت مشا را لیه از سمت پاریس از جانب
 دولت فرانسه امرال عالیین نام که در محضره اول سیو پاول منور بود بمهانداری معین شده است) (بعد ازین کشتیه
 بخارا رسیده که بجهت تعمیر کالک فرانس میرود بجهت ساختن رنجته کرخانه در آن محال از جانب دولت روسیه چند نفر خدمت فرستاده
 شده و از جانب دولت فرانسه نیز درین باب اظهار موافقت گردیده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۳



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب نضرت الدوله حکمران بقیه اذربایجان بر حسب امر قدس بایون احضار مبرر با رعایت ادب
 گردید بجهت حکمرانی آن مملکت که از معظمت ممالک محروسه ایران است وجود یکی از اجله شاهزادگان لازم
 بود کار بود لهذا نواب مستطاب همراهِ والای تبریز رکن الدوله العالیه که اوصاف کرامت وجود
 و شرافت ذات کفایت نمودن استغنی از تعریف و بیان است بموجب فرمان مریحان مبارک موجب
 بدستخط بایون بمقام مہتمم و جایگاه رفیع حکمرانی مملکت اذربایجان ارجاء یافته عظمی و عظمی و مہتمم کبری
 مخصوص و سرفراز شده و یکثوب کلچہ شہ در مرصع بالباس از لباس خاص بدین مبارک برسم
 در حق ایشان رحمت و عنایت گردید و این روزها از دربار بایون بمقام حکومت روانه خواهند
 (چون نواب سید الله میرزا تانگون بهر خدمت و حکومتی که از جانب سنی الجواب ملوکانه مأمور گردید
 آثار کفایت و حسن لوک و رعیت داری خود را ظاہر و خاطر اقدس بایون شاهی و اولیای دولت
 علیہ را از صدق عقیدت و حسن خدمتداری خود سرور و خرسند داشته است لهذا در این اوقات
 بموجب فرمان مریحان مبارک بحکومت تربت حیدریہ سرفراز و یکثوب جبہ ترمه علی از جامہ خانہ
 برسم خلعت حکومت در حق نواب معزی الیہ رحمت شده این روزها بجل مأموریت روانه میشوند) (چون
 بعد از وقوع مصاحبه دولتی ایران و انگلیس جو شخص کافی بحکومت بندر ابوشهر لازم بود لهذا عالیجناب
 سرتب الخاقان احمد خان توانائی نایب شہک آقاسی شاهی دربار بایون که بکفایت و کار دانی و معقولیت و
 و از قدیمی خدمتگذاران دولت قوی گنت علیہ است و در هر نوع مأموریت آثار کفایت و شایستگی او مشہود
 خاطر اقدس ملوکانه و ملحوظ اولیای دولت علیہ گردید است لهذا در این اوقات بموجب فرمان قدر

هایون ب حکومت بندر ابوشهر سرافراز و میثوب جنبه ترمه اعلی برسم مملکت حکومت در حق مقترب انخاقان شاه
 رحمت گردیده این روزها بجل حکومت روانه خواهد بود (چون قدیمی فدوی دولت ابدارتا مومن سلطان ^{فضل الله} را
 وزیر نظام که از جانب استی بجواب هایون شاهی به پیکاری کل آذربایجان مأمور گردید پس از ورود بانجا در آن
 امر ولایت و رفاه رایش عریض و تنبیه شرار مفسدین آذربایجان آثار کفایت و کار دانی او مشهود خاطر اقدس
 و ملحوظ اولیای دولت علییه گردید و بجهت تسخیر غله در آذربایجان که مردم گرفتار عسرت و پیری بودند درین باب اهتمام
 نمود و از خمت و سیر محال غله بانولایت حل و نقل کرد و عسرت و غلای آنولایت را بمبدل برخص و ارزانی نمود و بجهت
 حصول دعا کونی ذات اقدس ملوکانه گردید لهذا درین اوقات از جانب استی بجواب اقدس هایون میثوب کلجه از
 ملبسات خاص تن مبارک باو رحمت و انفاذ گردید (عزیز خان سردار بقی که از تفصیلات و مهم ^{تفاوت} اعلیحضرت
 خلد الله ملکه در خدمات عسکریه باعلی درجه ترقی کرده بود چون قدیمت اذلت و اینهم عزت را که باو ارزانی شده بود
 سهل و آسان شمرده و از راه عدم تکرر چنان تصور نمود که بفرستد بقی این نعمت از قاصد استجد او و قاصد است و بر اثر
 برتر از اینها را دارد و فلذا در انجام خدمات محوله بجهت لوازم اتهام را بعلی باور و در کلیات امور حال و غفالی کرده و جزو
 باقی مبالغه کنیزانید و بلکه دواعی نفستانی و تسوایط شیطانی گاهی او را از راه عدم قناعت بمقام و حد خود بران واداشت
 که شاید بخوی از اینجا اگر چه خود چنانست دولتی هم باشد مقصد خود را حاصل نماید اولیای دولت علییه آنچه لازمند پسند و
 بود و با کفشد و آنچه پرده پوشی بود در امر عمل او کردند و محض اینکه پرده بخت دولت بکلی از پا در نیاید مدتی با او طریق
 مدارا ورزیده اند و با جمال و انظار گذرانیدند که شاید پندی گیرد و خیالش اصلاح پذیرد و بسوجه در وی مؤثر و مفید نتایج
 متنبه گردید و سرکار اعلیحضرت هایون شهریاری هم که چندین مرتب قباچ اعمال و فضایح افعال و معروض و مصلحت
 گردیده بود از اینجا که علی الظاهر در خدمت بسیر بر داز راه رحمت باز در حق او بذل التفات میکردید و اغراض از منجانب
 میشد بالاخره سیئات اعمال او بانهت رسید و خطینا تش از انداز و تجاوز نمود و رفقه رفقه عمل قشون که از جمله
 مهم خطیره دولت و بلکه موقوف علیه سایر امور ملک و ملت است نزد یک شیطانی برسد که انتظام امن و طمانی
 بی نظمیهای گذشته از حوصله طاقت خارج باشد و در قانون دولت داری فرض و واجب افتاد که بیش ازین تجاوز
 تاقل تدارک در این امر خطیر نرود بتاسیح یوم شنبه بیستم شهر شوال المکرم دستخط هایون شرف صدور یافته
 یوم یکشنبه بیست و یکم حب الامر اولیای دولت علییه جمعی از شایهزادگان عظام و رؤسا و بزرگان دربار پادشاهی
 و صاحب منصبان نظام در عمارت باغ جناب شرف ارفع فخم صدر عظم جمع گشته و جناب معظم الیه نیز بهان مجلس
 تشریف آوردند مقترب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله و آفرایش شاهی که از سرکار اقدس هایون ظل الله صادر گشته
 بود تبلیغ کرد و بعد دستخط مبارک که در عزل عزیز خان باقی جناب شرف ارفع فخم باین مضمون ف صدور یافته بود قرا

سواد و دستخط های یون جناب صدراعظم چون ما انتظام امورات ایران را بکلیت بشما محول و موکول فرموده ایم و نظم و عدل نظم را از شما می بینیم خاصه امور قشون و قورخانه و جبهه خانه و مدرسه نظام و غیره که از اعظم امورات است باید روز بروز مساعدت بر رونق و نظم و شکوه آن بیفزاید خاطر ما ازین جهت کمال فراغت و آسودگی را داشته باشد لهذا از تاریخ امروز که روز شنبه بیستم شهر شوال المکرم سال ۱۲۷۳ است نظم جمیع امورات عسکریه و غیر عسکریه را عموماً از خود شما میخواهیم و شما هم آنی نباید غفلت داشته باشید چون عزیز خان سردار سابق که موافق کنایه معضرت شد و درست از عهد عشق و نظم و امور قشون بر نیاید لهذا بموجب دستخط او را از سرداری سپاه و سایر مناصب مثل وزارت میر نظام و غیره اخراج فرمودیم البته هر کس را بجای او صلاح بداند مقرر خواهد نمود و عزیز خان چندی رفته سرکشی بخانه و بازار ما مدکان خود نماید

۱۲۷۳

و تمامی حضرات از احکام و اوامر علیت شاهانه که در ضمن دستخط های یون مقرر آمده بود مطلع گردیدند پس از آن جناب اشرف ارفع نجم صدراعظم اهل مجلس و خود عزیز خان را مخاطب فرموده شرحی و تفصیلی از التفات های سرکار اقدس هایون شهبازی که در باره عزیز خان شده بود و از منتهای شخصی که خود جناب معظم الیه در حق او کرده بودند و از بی مبالیه و عدم اهتمام در خدمات محوله که از او بطور رسیده بود و باطله مسئله قطعی بیان و تقریر گردید و تمامی حضرات تصدیق کرده و خود عزیز خان اعتراف بر همه یکی نمود باز جناب معظم الیه از راه رافت و حرمت طوکانه از ازیست جانی و ضرر مالی اطمینان داده بلکه ضمانت نمودند که از همه جهت خاطر جمع باشد بموجب دستخط هایون که از منصب مغزول است محاسبه دیوانی که دارد بپردازد تا حکم مجده در باب سکن و معاش و بقای اهمیت و آسایش و احترام لازم و اشرف صدور یا بد عزیز خان پس از آنکه از حکم محکم سرکار اقدس هایون مطلع گشتند نشان و حامل شمشیر که علامت منصب او بود خود باز کرده و در آورده تسلیم مقرّب انخافان حاج احمد و له نمود بعد از آنکه جناب معظم الیه عزیز خان را مرخص فرموده که بخانه خود شش روزه و آسوده باشد کتاچه قبایح و خطیبات عزیز خان که نوشته شده بود و خود بتمام آنها اعتراف داشت اگر چه جناب جلالت بآب اشرف ارفع نجم صدراعظم میخواستند که گوشه عامه ناس شود بلکه میخواستند پرده پوشی نمایند اما از حضرات مجلس الحاح کردند که در مجلس خوانده شود و اجازه فرمودند که کتاچه مزبور که مشتمل بر چهل و چهار فقره نقضیه بود خوانده شود بعد از آنکه خوانده شد همه اهل مجلس را بصیرت و عبرت و حیرت حاصل گردید و امانت و اوری از هر جسم سرکار اقدس هایون حاصل نمودند که نا آن همه جرم و تعصبات کفایتی مغایر بقض و کرم با عزیز خان کردند و باینکه بموجب دستخط هایون که عزیز خان را از منصب شغل و عزل مغزول بود جناب اشرف ارفع نجم را چنانچه سرکار اقدس هایون بموجب دستخط های متعدده و بقیه بالقره در امورات ملکی و دولتی فحاکم کرده و کلیات امور را بعهده جناب معظم الیه محول فرموده بودند بموجب این دستخط جدید امورات قبیونی را منقرض

مغفوض بکفالت و کفایت ایشان فرمودند که من جمیع ایجات در امر لشکر و کشور مقدر و مختار بوده و هر گونه صلاح و
 مصلحت در انتظام و انضباط امورات و اندک تعرض حضور بامر انوار قدس علی ساینده بموجب اشاره علیه خبر و
 محجری دارند (چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله در لوازم جان شاری و دقایق ادب
 خدمتگذاری سواره خاطر اقدس بایون شانشای و اولیای دولت عیله را بصدق طویت و حسن
 خدمت داشته و در تقدیم حدت مرجوعه آثار کفایت ظاهر شده است نظر بطور جسم ملوکانه در حق مقرب الخاقان
 شارالیه در روز عید فطر کیشوب کلچر ترمه بلبوس تن مبارک را برسم خلعت باه حجت فرمودند (نظر
 شجرتی و صفای باغ فردوس خاطر اقدس بایون خندوانی مایل تفرج اینجا کرده و در روز سه شنبه شازده
 تشریف فرمای باغ مزبور گردیدند و فوج اردبیل و مشکین جمعی مقرب الخاقان حسنعلیخان سرتیپ نظر اقدس ملوکانه
 رسیده از استکی و انتظام آنهاست و مقبول افتاده و انتظامات عالیجاها شارالیه را در نظم آنهاست و او را
 مورد التفات فرمودند و حسب الامر فواج مفصله و سواره که قلم رکاب بودند در خارج و دروازه کلا حاضر
 شدند

افواج

فوج اردبیل و مشکین جمعی	فوج کلچر جمعی عالیجاها	فوج خندوانی جمعی عالیجاها	فوج دماوند جمعی مقرب الخاقان
سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ	ابوالقاسم خان سرتیپ
فوج سوادکوه جمعی عالیجاها	فوج خلخال جمعی عالیجاها	فوج قندریک جمعی عالیجاها	میرعلینقی خان سرتیپ
کریم خان	سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ

سواره

سواره پسرهایین قلعه جمعی عالیجاها رضاقلینان سواره شامون اردبیل جمعی عالیجاها محمدقلینان
 و اینان حضور مبارک گذشته هر یک از صاحب منصبان مورد التفات گردیده و موبک بایون تشریف فرمای
 فردوس شدند (در روز ۱۷ شهر شوال خاطر اقدس بایون شانشای مایل شانشای آبشار در بند شد
 تشریف فرمای اینجا گردید چنانچه شرف امجد رفیع صدر عظم فخم هم در موبک بایون بودند چون راه اینجا
 قدری صعب داشت قبل از وقت مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله حب الامر علیه فرستاده را
 تلخیص نموده و تدارک بنهار و عصرانه برای حضور بایون و خاندان حرم و مجلس جناب شرف امجد رفیع
 عظم و سایر طرین کباب از اندام و خوانین و آحاد و ناس حاضر ساخته و چادر مابری طرین کباب
 فراهم آورده با وجود تنگی مکان خیلی خوب از عهده ضیافت طرین کباب برآمده حدائق مطبوع
 خاطر اقدس بایون مقرب الخاقان شارالیه را مورد التفات فرموده بعد از صرف بنهار و عصرانه حاجت فرمودند

سایر ولایات

گیلان از قراریکه در روزنامه گیلان نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت و کفایت
 داری مقترب انخاقان میرالامرا العظام محمد الملک حکمران آن ولایت قرین نظام است بعد از انقضای ایام
 ماه مبارک صیام که خدایمان و دار و ده و غیره را خواسته در نظم شهر و محلات قدغن اکید نموده است که شایسته
 مواظبت باشد سارق و رباخیز و قمار باز و اینگونه اشخاص را بگیرند و محصور بیاورند که و اخراج و مجازات تنبیه و
 شوند و خود ایام هفته را سوای دو روز جمعه و دوشنبه که تعطیل است بقیه روزها از صبح الی دو وقت از ظهر که
 در دیوانخانه نشسته بعضی داد مردم و نظم امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی رسیدگی کامل نمایند و از
 اهالی و ادانی هر کس عرض مطلبی داشته باشد بدون مزاحمت حاجب و دربان آمدن مطلب خود را با مشافه
 عرض نموده و بر وفق عدالت حساب را و فیصل می یابد و عسوم ایالی آن ولایت ازین رهگذر کمال رضامندی و شکر
 گذاری دارند و باب تحیرات اجناس ماکولات چون این اوقات قدری ترقی نموده است نهایت تمام
 و مراقبت را در ارزانی و فراوانی آنها دارد و چند نفر از کسبه از قبیل قصاب و غیره که معلوم شد سبب گران
 ماکولات بوده اند تنبیه و تأدیب کرده قدغن نمود برج که قوت غالب اهل آن ولایت است بخارج و خسته
 و امتیادت که بسبب اهتمام وانی مقترب انخاقان شالیه نرخ اجناس تنزل نماید و فوراً بهر سبب
 و تحیر اجناس آنجا در این اوقات از این قرار است که بوزن یک دمن تبریز باشد داد و ستد بیست و نه نان یک هزار و
 پنج یک من هفت عباتی روغن یک من شش هزار کوشت یک من سه هزار ذغال یک هزار پانزده هزار دنیا
 ملک یک من هزار دینار جو یک من هزار دینار و سایر اجناس نیز ازین قرار است میر و از قراریکه در روزنامه
 یزد نوشته اند مقترب انخاقان بنی الامرا العظام محمد یوسف خان حاکم یزد و عالیجاه مقترب انخاقان میرزا
 مستوفی و وزیر آن ولایت که از در باب محلات مدار و نه شدند در هجدهم ماه مبارک وارد یزد شده اند آنجا
 آنجا لوازم استقبال را بعل آورد و بعضی تکلفات قربانی و غیره خواسته بودند اما نمایندگان آنها
 بعواطف اولیای دولت علیه امتیادار کرده و بعد از ورود با بنجای نظم کامل در امر شهر و محلات داده بعضی از
 اجناس و ماکولات که بی جهت گران شده بود رسیدگی کرده و ارزان نموده و بهرستی قیمتی معین گشته
 و قدغن نموده اند که اگر پزیا ده از آن قیمت لغو و شش مورد مواخذ و ترجان باشند و ایالی آن ولایت
 در کمال اسودگی بدعا کوئی ذات اقدس علویون شایسته اشتغال دارند و نیز در امور زراعت قرار و
 بلوکات رسیدگی کرده در بعضی جاها که از ترک محصول و غیره ضرر رسیده بود تدارک ضرر آنها را از خود
 نموده رعایا در کمال امیداری با عمریستی خود مشغول اند از قراریکه نوشته اند مگر کی در آن ولایت آمد هر دانه بعد
 بیضه مرغ و بستر درختی ازین مگر که ضرر رسیده است

اخبار دول خارج

چند و پنجاه سال در پاریس بجهت تهیه مصارف محاربات باقی مانده و قتل و فصل بعضی دعاوی که
رسیده یک قوسون عقد و تکیه یافته بود در این اوقات تجل شد و مقارن قطع و فصل دعاوی و
رشوت گرفتن بعضی مأمورین معلوم گردید و سوای اخذ رشوت حبس و جرم دیوان بکردن آنها وارد آمد
در ضمن اجرای سیاست لاقه فی الحال اشخاص مرقومه را بمجلس فرستادند (سابقاً در روزنامهها
نوشته شده بود که امانی چن نظر اجداوت و غرضی که با فرنگها دارند هر کس از انگلیسها که بدیشان
قتل میگرداند و دیت نفر از اهل چن هم بصورت فرسایج کشتی فرست که در سمت چن بود نشسته و
میان دریاکتبان و امانی کشتی راقل کشتی را غرق کرده بودند بموجب اخباری که بعد رسید باز از اهل چن
یک کشتی یکنی دینا نشسته در میان دریای آنچه اهل یکنی دینا در آن کشتی بودند همه را کشته اند آخرین مقدمه که
یکنی دینا رسید سفیر دولت انگلیس مقیم یکنی دینا بجهت مزبور عرض و بیان حال نموده بود که چند قطعه کشتی یکنی
قشون بجنگ چن روانه نمایند (بجهت منازعه مابین دولت انگلیس و چن از برای ربط دادن بحسن صورت
از جانب دولت انگلیس سابقاً قشون دولت انگلیس مقیم اجداوت سفارت مخصوصه چن معین شده بود ولی کیفیت
چون روز بروز اشتداد یافت لهذا لازم آمد که از اصحاب رتبت باین سفارت مأمور شود در این اوقات سفارت
بعده جناب لورد الکین محول شده مثلاً لیدر کرا انگلیس که در چن مستقر بودند ان تعین شده و از صاحب
جنرال اشیر بنام نام که رتبه امیر توانی دارد با اتفاق مثلاً لیدر از راه مصر غایت بهمت چن کرده اند (کشتیها
انگلیس در پیشگاه کانتان چن مستند از جانب دولت انگلیس قرار داده شده است که شصت و شصت عدد کشتی
در آنجا باشد باین جهت کشتیهای چن انگلیس که در شرط بصره هستند با چند قطعه کشتی دیگر که از لندن حرکت کرده اند
بهمت چن روانه اند و امر قماندانی این کشتیها بعهده امیرالسمور محول شده است (از جانب دولت
روس سفرانی که در دول معلومه هستند به برای سفرای مزبور بجهت کسب اطلاع از اصول دولیه و اطمینان و تحسین
قشونه بنزد هر یک از این سفرای مأموریت دوازده نفر از دولت روس مأمور شده اند (سابقاً در قشون و حال
یونان به باوویه را بدین قرال آنجا که برادرش را لیه است نوشته شده بود و هم چنین قرال باوویه را نیز از راه
ناپولی به آتن پای تخت یونان ببارز مدیم شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسیده است حکم
باوویه را در نهم شعبان بشهر ناپولی وارد شده و چندی در آن حوالی کشت و سیاحت کرده بعد از آن غایت
خود را بهمت یونان اعلام کرده است (و دیگر نوشته اند که قرال باوویه را بعد از چندی قامت در آتنه مؤخر آتنه
پاریس و در بجهت اقامت او در پاریس از جانب دولت فرانسه محلی مناسب معین شده است

در این اوقات تسبیح و خرج مالیات دولت استریه را حساب کرده اند صد هزار فورین که چهل کرد و پنج پل ایران باشد مصارف زیاد تر از مالیات است (درین وجهه طور فقط و خلا در سپانول و کم بودن آذوقه در اکثر محال فرنگستان با بجز ارباب تجارت و احتکار ذخایر خود را بامید کران فروختن جمع کرده بودند و ذخایری که انبار کرده بودند کفایت کمال کل فرنگستان را میکرد چون وقت رسیدن محصول نازده و اسال هم محصول خیلی خوب آمده است باین جهت ذخایر انبارداران بخلاف آنچه خودشان خیلی ترنگ کرده است یعنی در هر صد سی اتزل بوده و باین حساب بقدر صد و پنجاه طیان فرانقه که تخمینا سی کرد و پول این ولایت باشد ضرر کرده اند و بموجب اخباری که این اوقات رسیده است ازار بابت ثروت و افتد ار چند نفر تاجر افلاس کرده اند) (دو سال قبل ازین راه آهنی که از مصر با سکنه ریه ساخته شده بود در اول سیصد تومان حاصل اجرت آن شده و در سال دوم بچهار صد هزار تومان رسیده است و راهی دیگر از مصر بسوی خلیجی از راه ترבור ساخته شده و باقی نیز تا مشان آینده با تمام خواهد رسید) (کشتی بخار پسته نب که از طابریان با سلا ببول می آمد در آشنای راه بقدر شصت میل فافت یکی از کشتیهای عثمانیه که کچ بار داشته است لمخوطا کپتان کشتی پسته شده بود که بعضی علامات غرق شدن از او معلوم میشد کشتی خود را با بنجارانده وقتی رسید بود که آب زیاد بیک طرف کشتی را گرفته و امانی کشتی از زندگی با پوس و مشرف بغرق شدن بود کپتان فربور کل امانی آن کشتی را بکشتی خود در آورده سالما به میوک دره سلا ببول رسانده بود) (بعد از مصاحبه عمومی هایش و امنیتی که در فرنگستان حاصل شد در هر محل فرنگستان عا کر موجوده را کم کرد و حتی در فرانسه در سال گذشته صد هزار کس از سلاک کتیه اخراج کردند در این اوقات نیز در فرانسه از هر فرجی صد نفر تا مدتی معین مرخص کرده و فرار شده است که ازین اشخاص هر کس بخواهد در امر زراعت اقدام نماید با اجرت کافی در امر زراعت انبارا و دارند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که جمهوری مکسیفا که شده از بعضی محاسبات باقی قرض را بجمهوریه یونانی دینا داشتند لهذا یک امانتی از مکسیفا را که در جوار سیکی دینا بود بیت و شش طیان لیرا که متجاوز از صد و چهار کرد و پول ایران است بجمهوریه یونانی دینا فروخته بودند چون باز هم دای قروض آنها تمام نشده بود در این اوقات یک ایالت دیگر را باز به طیان لیرا که دوازده کروچیری بیشتر باشد فروخته اند چون یک دولتی ایالات متصرفه خود را باین طور متوالی بفروشد دیده نشد است لهذا دولت نخلیس هم طلبی که از جمهوری مکسیفا دارد در این اوقات مطالبه مینماید) (تجار دولت پورتو قال که بچین آمد و شد میکردند از جانب دولت چین اظهار روی تجارت بآنجا شدند تاکنون دولت پورتو قال مقدار ثقیام نبود در این اوقات که دولت نخلیس بچین جنگ در آنجا دولت پورتو قال نیز بچهار قطعه کشتی جنگی با مقداری قشون بآنجا فرستاده است که باتفاق قشون نخلیس دولت چین جنگ نمید

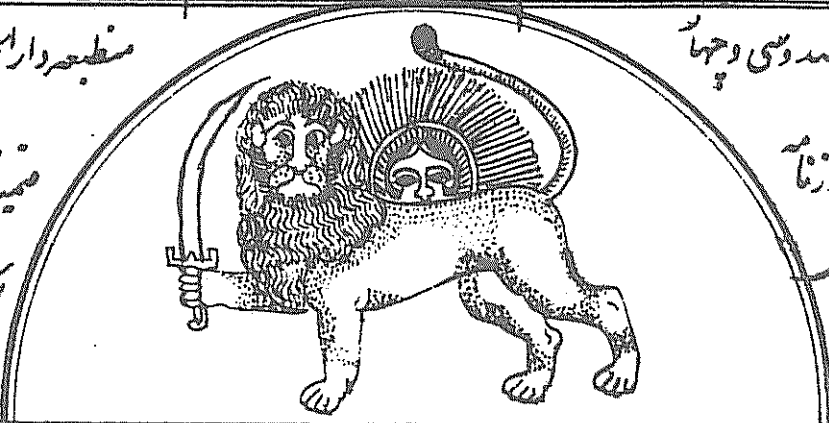
بنا برنج دهم شباط گذشته وزیر اعظم خاقان چین شرحی که بقایم مقام کانتان نوشته و در روزهای
 لندن ترجمه شده نوشته اند از این قرار است ای قایم مقام کانتان وحشیهای انگلیس که بمالک زیر حکومت
 تو هجوم آورده و از طرف تو نیز بجهت تأذیب و تربیت آنها حرکات شجاعانه بطور رسیده بود و تقصیر آن
 موجب یک قطعه تحریرات در مجلس عمومی کانتان مطالعه و در هر حرف آن سوا سوا ملاحظه
 شده حزن و المی که از مال آن مستفاد شد سبب تأسفات مجلس گردیده و ازین کیفیت متاثره خاقان
 متأسف شده باز در حضرت خاقان بعضی بیان حال مبادرت شد ای قایم مقام کانتان بعد از این متعین
 دفع وجود جنایت آلود این وحشیها اسباب لازم مقابله و مقابله شدت اجرا میشود اگر اینها از حال
 که در حثان اجری میشود متنبه شده مؤخرأ بجانب حکومت دخالت و استیذان نمایند این قباحت آنها
 عفو شده و بر تبه امکان بجهت دفع ضرورتشان در بعضی مالک مابا اجرای تجارت آنها باید حدت
 (در روزنامههای سابق نوشته شده بود که در لندن اصحاب فقر و ضرورت زیاده و اغلب آنها از راه
 الحاح و اضطرار طریق سرقت اختیار کرده این عمل با سترحت دائمی مالی لندن خلل بسیار بجهت رفع و دفع این
 مسئله چند وقت پیش ازین مجلس مرکب از اهل ثروت و اقدار منعقد شده این اشخاص را دعوت کردند و اعلام
 نمودند که این اشخاص اگر مجلس را بر بیایند در حق آنها هیچگونه اذیت و آزاری بعمل نخواهد آمد و روزی که دعوت
 بودند جمعی کثیر از دزدان در آن مجلس حاضر شدند و از جانب اعضای مجلس نصایح مشفقانه و کلمات مؤثره بنا
 القاشد باین مضمون که راهی که شما پیش گرفته اید عاقبت خیم دارد و اگر حالا بختیار خود را ضعیف بفرستید
 که دزد و مقصر را با بنجامین مستند بشوید ترفیه احوال شما مرتبه امکان ازین مجلس عاقبت خواهد شد دزدان مدتی
 تا بکیفیت خوسته و متفرق شدند در این اوقات زیاده از نصف دزدان مبرور آمده خوش رفتن
 بسترالیا شده اند و از جانب مجلس موعظه و کدزدان کافی بآنها داده شده و بکشتی بخارشان نشانیست
 روانه کرده اند) (در اکثر محال عربستان خصوصاً در قطعه آفریقا بجهت نبودن آب در صحاری و طرق مسافرت پیاده دچار
 واضطراری شوند راه سودان نیز که سمت جنوبی جزایر واقع است بطور بود و از توشش بی آبی کسی از آن راه عبور
 علیحضرت امپراطور فرس حکم کرد که مانند چاهی که در پارس متداول است با آلات برغوماند که ازترین می نامند حفری
 در معابر و منازل راه سودان حفر نمایند چون همان صحرا یک است گمان می کردند که اقلأ صد ذرع باید حفر
 نمایند تا بآن سبب جهت ذرع که حفر نمودند بطوریکه در هیچ محل مشاهده نشده بود آب در فوران آمد چنانکه هر جای
 شد علیحضرت امپراطور حکم کردند که در چندین محل لازم آن راه ازین جاها حفر نمایند که راه آمد و شد با سودکی مفتوح باشد
 چون در راه مبرور که از بلاد حاره و ریکی است آبین است در آمده اند و از راه حفریم که انطور باید بانی این باب است

روزنامه قایم انقاییه تاریخ یوم ششم سیه و نهمه امطابق سال سلیمان بیگ

منظومه دار اخلاق طهران

نزهت سیه و نهمه و چهارم

میت روزنامه
هر طرز



میت روزنامه
هر طرز

اخبار داخل ملک محروسه پادشاهی

دار اخلاق طهران

نواب مغفرت آید همین مادر حضرت شاهنشاهی معفوره با ضیحه شاه اتا الله بر گانه که کرات نب و جلالت
عفت و طهارت و بزرگواری او از شرح و بیان مستغنی است و از بدو دولت قوی شوکت قاجاریه ابد با الله تعالی
تا اکنون با نوری محترمه بآن جلالت شان که به پادشاه شوکت دستگاه اعظم ظاهر رس و مادر و جدّه مظهر بوده
نیامده و بلکه در سلطنتهای گذشته نیز عدیل و نظیرش کمتر وجود آمده بود عصر روز پنجشنبه هم ماه شوال المکرم
ناکمان با جل موعود داعی حق را لیک جانب گفته ازین جهان عاریتی بسرای جاوید نقل نمود و در جوار رحمت
مقدسین رمی جل کرده قرار گرفت بعد از آگاهی خاطر خطیر اقدس علیحضرت شاهشاهی خداوند ملکه و سلطنت
باین قضیه لایله و تسلیم و تفویض رای غیره یون سجات و اراده خداوندی امره ابرت علیه خیر دانی تقدیم
تجیز آن جنابه محترمه شرف صدور یافت جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم افخم با جمیع شاهزادگان عظام
و امرای گرام و ده جوه داعیان در بار پادشاهی بدر بجرم سهرای سلطانی حاضر شدند و در وقت پنج
چنانکه سر او را بوه فرمسم آوردند و همه درین یار و امام و ظف عاری برای راه افتادند و قسکه محاذی در غایت
خاصه پادشاهی شدند سرکار علیحضرت اقدس تابون شاهشاهی نیز که برای تقدیم سنت سینه دینین و
ادای حقوق و الدین و تحصیل ثبوت حضرت رب العالمین آماده تشیع جنابه بودند و بحض عرض بیکاه تابون
نفیس شریف و نامده تا کریاس بزرگ در ب اعلی شایسته و از آنجا مراجعت فرمودند جناب امجد شرف رفیع
بعد از بدر و وجود تابون دوباره در میدان بزرگ پادشاهی بکرده شایعین رسیده عماری را بمسجد سلطانی
در کمال اغزاز و اکرام رساندند و در مجلس ختم که قبل از وقت در مقصوده مسجد مهیا شده بود با کمال علاقه شاهزادگان
و امر و اعیان و سایر صنف خلایق حاضر شدند و رسم قرانت و طلب مغفرت با حضور همه تا سه روز در آنجا

مستمر بود و نقاره خانه که از بزرگترین رسوم و آداب سلطنت است در ایام مزبور و محض احترام این سوک بر
 موقوف شد کاروانسرا و بازار را بستند و مردم را در آداب عزاداری و محاملات و داد و ستد خود
 نپرداختند بعد از انقضای مجلس ختم جنازه محترمه را با طربشایان و طورالاقی در نهایت عز و شکوه نقل بلد
 طیبیه قم نمودند در جوار نضبه ظاهره حضرت امام معین موسی ابن جعفر صلوات الله و سلامه علیها و علی آبائین
 در جنب منبج پاک و مرقد تائبانک همین شهر بارانیدار فرزند بزرگوار خودشان نجاک سپرد (آن)
 قرار یک بعرض اولیای دولت علیه رسید در این اوقات سواره از طایفه ضاله ترکمانه در چاه کردن در
 بهلوی منزل میاندشت سه چهار ساعت از شب گذشته بر سر قافله شتره ارکه از دارالخلافه میرفتند
 چهار نفر ساربان باشند نفر شتر یا متجاوز که چهل شتر آنها مال فرنگ و قد و توئون و ما بقی این
 که بجهت مصارف روضه مطهره جناب امام ثامن علی ابن موسی الرضا علیه و علی آبائه و آبائنه لاف التجهه و
 پردنیش کرده چند بار این و این را در راه ریخته و باقی بار را برده بودند ولی از میان اقبال نبرد
 اقدس هائون اغلی اسواره مزبوره دستگیر و مقتول و مال و اسیر تمام از آنها مسترد گردیده مفصل این مجلس
 اینکه مجنون یک علام زردینی از نزدین وارد شهر گردیده و چند سوار از رؤس منجوس طایفه ضاله مصوب
 خود آورده مذکور داشته بود که عالیجاه فرج الدخان نایب الحکومه نزدین بحضور اجتماع مآخت سواره مزبور قافله
 با سواره ابوابی خود بتعاقب آنها ایستاد کرده دریاقی توکلن با آنها رسیده سواره ترکان بجهت اینکه سبک باشند
 بارشتران را در راه ریخته و شترها را با سیر یا بتجیل میزدند عالیجاه مشا را لیه با کمال تهور و جلالت بر سر آنها
 چند نفر را مقتول و چند نفر را زنده و سبک کرده و شتر و اسیر را بر گردانده بود و از قرار مذکور سواره مزبور از
 بیخیا نفر متجاوز و از طایفه آقا محمد نام سردار کشته بوده اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان المغانی قبل از غارت آنها
 بتنبیه کرده بود با بجمعه عالیجاه فرج الدخان و سواره او درین مقدمه نهایت شدت را بعل آورده اند (در ضمن
 خلایع هر شعاع ملوکانه که در ازاء خدمات مقرب الخاقان توأم الدوله و صاحب منصبان قشون عراقی و عراقی
 مرحمت شده و در روزنامه و هفته قبل نوشته شد عالیجاه عباس خان قاجار حاکم ترشیز نیز در آن مقدمه
 مصد رجان شاری شده بود یکموب جبهه ترمه کرمانی هم از جانب محضی الجواب ملوکانه در حق او خلف مرحمت نکرد
 (در این اوقات که نواب مستطاب بنزاده فخرم و الایثار رکن الدوله العلیه العالیه ارو شیر میرزا حکمران
 سابق دارالخلافه بکمرانی از بایجان سراز کردید چون خاطر خیر ملوکانه متعلق تربیت نواب مستطاب محمد تقی میرزا
 که برادر سبک اختر سرکار اقدس هائون شایسته است پس لهذا نواب مغری البه را بحکومت دارالخلافه طهران فرستاد
 و در غزوه ماه ذیقعد با عت سعد خلعت آفتاب طلعت و زمان مبارک رحمت و شرفیاب حضور مبارک شد

مورد غایت و اوقات شایسته کردید و مقرب انجاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه مقرر شد که کجا بکاف
 بوزارت دارالخلافه و توابع و پیشکاری نواب مغنی‌الیه برقرار باشد و خلعت هر طلعت با یون در حق مقرب انجاقان
 مثالیه نیز محبت کردید (چند سیت در ولایت یزد ناخوشی و با ظاهری شده است اگر چه اولیای
 دولت علیه قرآنین بجهت آمیزش اهل انولایت بدار الخلافه و سایر مالک محروسه نکذاشتند ولی مراقب شد
 و ضعف و رفخ ناخوشی مزبور از انولایت بودند از قراریکه این روزها از یزد نوشته اند تخفیف کلی در ناخوشی
 بهم رسیده و امید دارند که غمغریب با تیره رفع بشود از جمله اخباری که جزو مقدمه این ناخوشی در انولایت است
 نوشته اند که آقای صدر کوچک سال گذشته در یزد حای ساخت که اصل بن آن قبرستان و در جوار انوار
 فاضل بود و از قرار تقریر معمار و بنایان در وقت حفز زمین آنجا اموات بسیار بیرون آمد خصوصاً آنجا که کلخن حمام واقع
 بود در زیر آن مقبره ظاهر گردید بود که ناچار روی آن مقبره را طاق زده تون حمام ساختند در این اوقات
 که ناخوشی در آن ولایت ظهور کرد شخصی در خواب دیده بود که جمعی از سوختن شکایت می کنند و چند نفر
 مطابق رویای هدیگر در خواب دیده بودند که دو نفر سید در پیش ما زاده فاضل شکایت میکردند که چرا
 شما ما را می سوزانند و از قرار مگور آقا سید جواد مجتهد هم خواب دیده و بالای منبر ذکر کرده بود که در خواب
 دیدیم سیدی را که میگفت ما در یزد می سوزند و کسی بغیر ما من نمیرسد و از غریب اتفاق اینکه از وقتی که تون
 حمام را آتش کردند ناخوشی و یاد یزد ظهور کرد با بجهت اعلی و اعیان ولایت نیز مقرب انجاقان میرزا شعیب
 وزیر یزد آمده که گزارش خوابها و تفصیل بنین حمام و تقریرات معمار و بنایان ویرین را بیان کرده متفقاً و
 معتقداً مذکور شد که بالفعل ظهور این ناخوشی بسبب این جام است که اموات از تاب کلخن آن در عهد انبیا عیالجا
 فرستاد حجاجی آنجا را آوردند و وجه اجاره یکا جام را از خود نقد تسلیم کرده قرار گذاشت تا یکا در حمام را
 بنجد و اگر ناخوشی درین مدت رفع نشد بیکار خود برود و از آن روز که حمام را بستند روز بروز ناخوشی کم شد
 چنانچه در مدت پانزده روز تفاوت زیاد کرده و سبب مزید اتفاقاً کل اهل انولایت گردیده امید دارند که تا
 مدت مزبور اثری از این ناخوشی در انولایت نماند و مؤید این مقال بعضی اصحاب و متقدمین بعد ازین مقدمات در خواب دیده اند که
 قائمی میگفته است چون شامی کردید خدا بشمارم کرده ناخوشی را از شمار برداشتم در آن اوقات در محل موسم بزرگان زارعی
 خاک زراعت بر میداشت سید ابابکر ظاهر شده و درون او بر دواوری شنیده بود که چیکنی و شت کرده بشمارم اخبار نموده بود جمعی از
 عدول معتبر با آنجا رفتمیستی دیده بودند که اجزش متلاشی شده و موی صورتش سترده گردیده ولی لوجی که تیغ آن لوم شود ندیده
 تیغ منقیدی غیره کرده و تیغ یزد نوشته یافتند که چند نفر از عظیم الشان سوارات قل هو اللهی راض زندان مدفون اند که کس نمیشناسد
 از طرف والد در قبر آنها بخواند جانش بیکار و شادی و جمعی امتحان آنجا ختم کرده و مظلوم خود رسیده و آنجا بیکارگاه است و لایات

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از اتهامات نواب مستطاب
 مؤید الدوله فریق نظام است و امالی آن ولایت بدعا کونی ذات اقدس علایون شاهنشاهی اشتغال دارند
 (دیکر در روزنامه بندرعباسی نوشته اند که چند روز است که عالیجاه شیخ سعید حاکم بندرعباسی چاه
 شیخ خاله ولد اکبر و عیال خود را از عثمان بن بندرعباسی آورده است و بواسطه اختلاف فیما بین اولاد امام
 که بعد از فوت او ظاهر شده مشارالیه خواسته است که از صحرای عمان برگردد) (دیکر نوشته اند که در
 اوقات اعراب سمت ریس انجمنه که جزو سلطان صمدنبا اعراب شحج مدعو به بکارتی که در حوالی خرابی قسم
 لارک و حد زوس بجبال که قریب پنجایر می باشد کن اند و از جمله هواخواهان امام مسقط و از قریب مذکور و در
 حیات امام مسقط با ستمها را و اعراب ریس انجمنه را متاصل و چند نفر از آنها را مقتول ساخته ارباب قصاص
 و تلافی بنای نرعی دارند و از قرار مذکور جهت طیفین در دست وی و تخمیناً ده دوازده هزار نفره ولی مدکا
 در قبیل که اربیشتر است و در صورت کارزار عدت اعراب سمت ریس انجمنه فرو نرود و ابراهیم نام و له سلطان
 صمدنبا فتنه و واضح است که چنانچه نزاع فیما بین دو فریق واقع شود صید ثوینی امام مسقط حامی و مدد
 گزاری خواهد بود و الی حال خبر وقوع نزاع نرسیده و بقولی حال سبقت فتنه از گزاری است و این خبری اصل
 نیست **قزوین** از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات او بای
 علییه و اتهامات مرتب انجاقان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین منظم و مضبوط است و رعایا و امالی
 آنجا در عین فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات اقدس علایون شاهنشاهی اشتغال دارند و امر شهر و محلات
 در کمال انضباط است و عالیجاه و دب خان سرکرده شهر را با یکصد نفر کشیک مشغول حراست و محافطت
 محلات میباشند و دزدی و شرارت هیچ وجه اتفاق نی افتد) (دیکر نوشته اند که هر ساله در این اوقات بوی
 قزوین بشت کرم میشود باعث بعضی ناخوشی ها میگردد اما سال سجد الله هواد رکال خوبی و اعتدال گذشت
 و ناخوشی بسیار کم است و زراعت کاران و ده قین زراعت بهاره کاری را امسال بسیار خوب کرده
 خصوصاً در دهات خالصه که کمال اتمام شده و مضافت کامل کرده اند و آب هم نسبت بامای دیکر و فور
 دارد و بغلات قزوین به آب شرب شده اند رعایا به الهی این رگد بسیار مشغوف و شکر گذارانند و نبات
 امید و لری بارزانی و فراوانی امسال دارند) (دیکر نوشته اند در روز عید فطر مرتب انجاقان حاجی حسنعلی خان
 پیکار با جمیع اعیان و اشراف ولایت خدمت نواب مستطاب شاهزاده والا تبار عبد القدر میرزا حکمران قزوین
 شرفیاب شدند و از جانب نواب معزی الیه کمال اغراض و احترام در حق علمای اعلام و اعیان و اشراف بعمل آمده است
 بدعای تنهای وجود و از دبا و شوکت و دولت اقدس علایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان منقضی گردید

دیگر نوشته اند که در روز پنجم چهارم شهر شوال رعد و برقی در قزوین ظاهر شد که بسیار محوش بود و اکثر مردم از این رعد و برق در تشویش افتادند و امروز در یکی از خانه های محله میدان کوسفند برق بدرختی زده و او را سوزانده و در بهانه تاخت و تاز آنجا که برق بر خورده و او را سخته و خراب نمود و لی بکسی ضرر جانی نرساند و در روز قبل نیز مذکور شد که در خارج شهر باز رعد و برق غریبی ظاهر گردیده و در دوسه فرسخی یک نفر را قتل نمود و این از قرائن که در روزنامه قسم نوشته اند کمال امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و مقرب
ذوالفقار خان حاکم قم و سواده در نظم و لایست و آسودگی رعیت و معاملات ولایتی و انجام خدمات دیوانی مراقبت کامل دارد و محض رفاه حال رعایا و حصول دعا کوئی جهت دات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه تا اکنون که سه ماه از عید نوروز میگذرد مالیات از رعایا دریافت نموده و بسیار قدغن کرده است که دیناری از رعایا مطالبه نکند تا بعد از رفع محصول که حاصل آنها بدست بیاید و وقت ادای حقوق دیوانی نمایند و رعایا این رکود کمال سرگذاری را دارند و همچنین ریح کار خباز و قصاب را گرفته نان را یکس نیم شاهی و گوشت را یکس یکجاسی از زبان نمود که فقرای سانی که زبان نماند و بسبب اینها مقرب انخاقان شاه را به سیر اجناس و ماکولات نیرنه نیت و فور را دارد و عجز و ساکنین درین رفاه و آسودگی بدعا کوئی دات اقدس همایون شاهنشاهی اشتغال دارند (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد که بجهت ساختن سد قدیم شهر قم که مدو و خراب شده و سکام طغیان آب خرابی شهر میشد و تعمیرات بقعه و صحن قبر که حضرت معصومه علیها الاف لشهار و نجبه و بنین سدل دلاک و تعمیرات کاروانسرا و بنی انجاء اولیای ددلت علیه و جوی الله و مقبره فرموده بودند که مقرب انخاقان ذوالفقار خان این کار را با تمام و انعام برسانند در این اوقات سد رودخانه کنار شهر را که کارشماه بود در مدت دو ماه سعی تمام نموده جمیع تانیم فرسخ مسافت را پاسک و کس و روج در کمال استحکام ساخته و با تمام رسانده است و بهتر و محکمتر از اول که دیگر هیچوجه احتمال ضرر سیل شهر نمیرود و همچنین سد رودخانه پل دلاک و تعمیرات پل و کاروانسرای آنجا نیز با تمام رسید و الان مشغول تعمیرات روضه مطهره و بقعه و مدرسه و در شاه و در و عمارت شاهي جنب صحن مطهر هستند و مدرسه فیضیه نیز قریب با تمام است) (دیگر نوشته اند که ضعیفه زوار نزد مقرب انخاقان ذوالفقار خان آمده مذکور داشت که بزیارت می آمدم و شانزده تومان خرجی را در راه ضعیفه با من مسافر و شناسا شده تنخواه مرا سرف نمود و در قم خود را مخفی کرده هر چه نفیض کردم پیدا شد مقرب انخاقان شاه را به داروغه راجع نموده و قدغن آید نمود که حکما ضعیفه سارقه را پیدا نماید و داروغه نیز تمام نفیض بر او ضعیفه سارقه را پیدا کرده تنخواه مسروقه را و مسروقه و حبسش تسلیم کرده و آن رفته را اخراج مبلد نمود

کردستان از قرائکه در روزنامه کردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت
 قاهره و مراقبت دایمات مقرب انجاقان والی کردستان نهایت امانت و انتظام در آن ولایت
 حاصل و از ابتدای بهار تا اواخر ماه رمضان المبارک بارندگیهای نافع و موقوف در آن ولایت شده
 مراعیه همه سبزه خرم و کشت و زراعت بسیار خوب و مرغوب شده بجان دارند که حاصل آن بسیار
 بیشتر و بهتر از سالهای گذشته بشود و در میان جنس در انجا قدری ترقی داشته است ولی نتیجه باید
 زیاده که در بهار شد تنزل گلی کرده با الفل هر چیزی فراوان و ارزان است و امانی آن ولایت با نهایت
 فراغت و آسودگی بدعا کونی دات اقدس هائون شاهنشاهی اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که
 مهر طاعت هائون که از جانب سنی انجوانب اقدس هائون شاهنشاهی با فتحا مقرب انجاقان والی کردستان
 مرحمت شده بود در نهم ماه رمضان المبارک با انجا بر تو وصول افکنده مقرب انجاقان شاهنشاهی
 امانی ولایت از اعلی وادانی تا خلعت پون با استقبال شافقه لوازم توقیر و احترام خلعت هائون را بعل آورد
 و در انجا خلعت مهر طاعت را ریب برود و شرفاخرت و مهابت نموده اجرای شلیک توپ صرف شربت
 و شیرینی و افطار کرده بقصه سنج مراجعت نمود) (دیگر در روزنامه خواند و نوشته اند که در شب
 پنجم ماه مبارک رمضان بارندگی زیاد در انجا شده زن و مردی در خانه خوابیده بودند و چند برس برس در
 انجا داشتند در نصف شب کو سفندان یکبار بیدار آمده و مرد و زن انخانه بیدار شده بجان یکدیگر
 کو سفندان زده با سیر کو سفندان آمده کرکی ندیده بودند کو سفندان را همه لم دیده تعجب کرده بودند که صد
 آنها از چه حبه بوده است بعد از خاطر جمعی از کو سفندان خواسته بودند که بجای خود مراجعت کرده بخوابند و
 داخل الحاق نشد ماکاه سقف خانه فرو آمده هر چه در خانه بود بریز خرابی ماند و آن زن و مرد بجهت آواز
 کو سفندان از آن تملکه خلاصی یافته بسلامت ماندند و اینر حله را حسن اتفاق و محض فضل و حفظ خداوندی
 دانسته سجده شکر الهی را بعل آوردند) (دیگر نوشته اند که پاشا بیک نایب توپخانه که در کردستان بود و
 هرزگیها و تعدیات او نسبت توپچیان اوباجمعی خود و سایر مردم مقرب انجاقان میرنج توپخانه مبارک او را
 حبس و شکنجه بیک نایب اول را عوض اوب خلوی کردستان روانه کرده و با و نوشته داده بود که پاشا
 منوچهر را با مدعیانش بیکم شرع برده و دعای آنها را با او طی کرده بعد او را بدار انخلا فر روانه نماید پاشا
 چند روز بدفع الوقت و امروز فردا گذرانده مدعیان را بوعده سرگرم کرده بی استحضار شکنجه بیک توپچیان
 فرار دارند و انخلا فر شده است **مژگان** از قرائکه در روزنامه آنولایت نوشته اند نواب
 مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب انجاقان محمد حسن خان پیکار آنولایت در انتظام امر

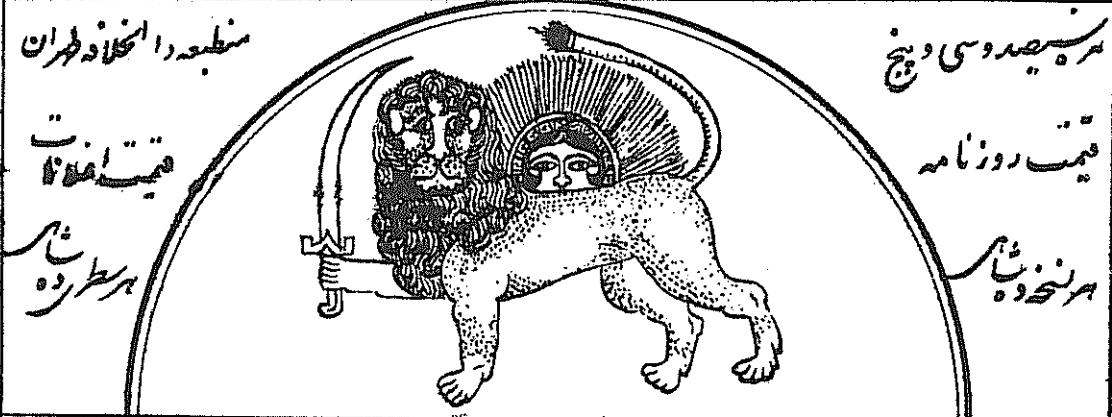
ولایت در فاه و آسودگی رعایا و برپا و انجام خدمات دیوانی مراقبت و اتهامات و انجمنی می آورند و نهایت انضباط در امور سرحد و ثغور حاصل است و در شراول ماه رمضان المبارک سی نفر سوار و یکصد نفر پیاده اشرف توابعی را سیر کرد که عالیجاه محمد حفرخان هزارجریبی مأمور تحقیق کنایه فریضه جات نمودند و از وقت مأموریت آنها دزدی و هرزگی طایفه ضاله ترکانه بلامه موقوف شده و رعایای آن از این معنی زیاده آسوده و شاکر و دعا گو میباشند (دیگر نوشته اند که بمقرب الخاقان محمد حسن خان حاجی یعقوب بارفروشی مباشر کارخانه شکر ریزی دولتی را با استادن نور محمد قناد از بلده بارفروش به بلده ساری خواسته حب الاموالیای دولت قاهره لعل کارخانه منور دقت و رسیدگی نمود و صورت عمل آنها را مطالبه نمود بعضی اسباب آن که نامی شت تا کید اکید نمود که تمام کنند و لکن کارخانه منور در کمال انتظام و عنقریب منافع کلی از او حاصل شده رواج تمام خواهد یافت و همچنین در امور خالصات دیوانی رسیدگی کامل نموده اشخاص معتبر را مقصدی امور خالصات کرده و قدغن اکید در حسن سلوک رعایا و ملاحظه رفاه احوال و آسودگی آنها نموده رعایا و زارعین خالصات کمال امیدواری را بهم رسانند و یک باب کاروانسرای مشهور بکاروانسرای شاه واقع در بلده ساری خراب و قریب سیل بل متجاوز بود که اجاره و مال دیوان از آنجا حاصل نمی شد در این اوقات مقرب الخاقان مشارالیه بر آورد تعمیر و بنائی آنجا را نموده مصاح و اسباب کار فراهم آورده بنا و عمه مشغول کار شدند که آنجا را بحلیه آبادی در آورند و هم چنین هر متعلقه بقریه مرمت که سابقا بتول نواب مستطاب هزاره محشم و الا تبار کن الدوله لعلیه اردو شیر میرزا بود و حال بخالصه دیوان معمول است بواسطه سیل خراب و در عین زراعت آب منور قطع گردیده بود مقرب الخاقان مشارالیه در بنده لهنه صد تومان بر رعایای آنجا تخفیف داد که هر منور را تنقیه کرده آب آنجا را جاری نموده و زراعت کنند و مبلغ منور را در سال آینده کار سازی دیوانیان عظام نمایند

احبار دول خارج

از قرائیکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند نواب عزاندوق قطنین برادر اعلیحضرت امپراطور روسیه وکیل سحری دولت منور است نوشته شده بود که سابقا بشهر نیست پای تخت سار دینه بیدن و الدّه خود رفته و از آنجا از راه پاریس بفرانک عزمیت کرده بود بموجب اجباری که بعد رسید نواب مغزی لیه بعد از وصول پاریس عزمیت لندن نموده اند که کشتی سازخانه های آنجا را تماشا نمایند و گذارش منت ایشان را بلندن سفیر دولت روسیه مقیم لندن بادیای دولت بکلیس رسماً اعلان کرده بود بموجب اخبار که بعد رسید نواب مغزی الیه در واسطه ما چپ با کشتی بخار کشتی سازخانه طلون وارد گردیده اند و بجهت ملاقات نواب

مغزی الیه سفیر دولت روسته که در پارس بود غمیت آنجا نموده است (در این اوقات در وقت
 پای تحت دولت استریه شهرت یافته بود که در جوار شهر فروردین محل بل ترس نام اجنه آمد حتی بعضی نوکان
 او روه میزند و استماع اصوات غریبه از آنجا میشود از صاحبان عقل و کاست امانی وینه متجا و راز صد
 بجهت دیدن اجنه و استماع آواز نوکیان شان با نجا غمیت کرده و موزیکانچیان هم دف آنو لایت نیز نمکی تحویل
 فنون موزیکان با نجا رفته در نصف شب خلق کثیری در آنجا مجتمع گشتند حتی بجهت کثرت و از دحام خلق از جانب
 حکومت نیز قراول بسیار با نجا و ستاده شد که خلاف نظمی اتفاق نیفتد با بجهت مردم در آنجا جمع آمد منظر استماع
 موزیکان چنین بود و چون این آوازها کو یا بجهت تشو و هلاک نسیم تلفظ میگردید و آنشب هوا ملایم بود و مطلقا
 آوازی بسج آنجا نرسید بعد از آن یوسی راحت بنارل خود نمودند بعضی کانی که زیاده صاحب عقل و درایت بودند
 چند شب دیگر با نجا رفته تا صبح بمر برده اند و نو چیری معلوم شده است (از بقیه اختلالات قب و دولت
 در این اوقات باز در شهر سر غوسی اسپانیول با این بعضی ارباب دپاره قبل و قال در باب دولت گویان
 نمود دولت اسپانیول مستحضر شده فی الحال اشخاص بر قومه را دستگیر و متاصل نموده اند) (در این
 اوقات از جانب جمهوری مجتهدی دنیا بجهت تبلیغ بعضی مواد مهمه بدولت چین سفیری مأمور گردیده
 در روزنامه ها نوشته اند) (از کشتیه های بخار و ولتی فرسه یک کشتی از طولون با سلا بول می آید در
 ماه رمضان المبارک هوا طوفان شدید کرده و کشتی بکل نشسته اگر چه اکی کشتی منور همه با حل سلامت در
 ولی کشتی شکسته و غرق گردید) (در محاربات با بعضی از ممالک روس که محل جنگ بودند امانی با نجا
 زیاده متضرر و پریشان شده بودند بجهت تدارک خسارت و ترفیه احوال آنها بعضی مالیاتان از جانب
 اعلیحضرت امپراطور دولت روس تحقیق مقرر گردید چون اکثری هم در وقوع محاربات رخداد شده بودند
 و اینقدر اعانت نسبت با آنها جزی بود و تدارک پریشانی احوال آنها را میگرداند لهذا در این اوقات باز جزی
 معین از جانب اعلیحضرت امپراطور حکم شده است که از سایر ممالک روس تحصیل شده با آنها عاید سازند
 (از جانب دولت روس خبرال استرغوف نام ساتبا بجهت تحقیق احوال رعایا بدرون ممالک روسیه
 مأمور شده بود در این اوقات مشارالیه مأموریت خود را با تمام رسانده و از جانب دولت روس مأمور
 بیاک کردن لکرگاه خواجه بیک گردیده است) (در این اوقات از جانب دولت فرانسه بجهت
 رفت و آمد بته ایالت جزایر راه آهنی منظور شده است که ساخته شود و از جانب اعلیحضرت امپراطور
 فرانسه اعلان شده است که هر قوم پانیه که بجهت ساختن راه فروردین را نماید از نظرات عسکریه با و عمل کا و داده
 شده و بعضی اسباب سهولت نیز از دولت فرانسه خواهد شد

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دهم سیرتده الحرامی سال نیران



اجبار دهنده مالک مخروسته پادشاهی

دارالخلافه طهران

مواسی دارالخلافه طهران اگرچه در کمال خوبی است و نسبت به الهای دیگر که در این موسم انواع امراض و عیال در میان مردم بود اسال بجهت الهی چگونگی ناخوشی نیست ولی چون باقتضای فضل کریم در شهر قدری شدت گرفته است
 هوای سیلابات مطلوب است لهذا اعلیحضرت آقدس هیاتون شاهی بهار بهر اعزیت سیلاب شمران
 فرموده در روز پنجشنبه گذشته از دارالخلافه مبارکه حرکت و نظرتنجوی و خرمی عمارت و باغ داودیه با
 نزول اجلال فرمودند از جانب جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم فخرم و جناب فحمت نصاب نظام الملک
 سایر متعلقان ایشان لوازم خدمتگذاری و جان نثاری از پای انداز و پیشکش قربانیه و سایر انجام خدمات
 بعمل آمده بر وجود فایض ایجو د هیاتون بسیار خوش گذشت و خدمات ایشان زیاده مستحسن مقبول خاطر
 حظه طوکانه افتاده چند روز در اینجا توقف فرموده در روز شنبه ششم از اینجا تشریف فرمای عمارت قصر
 نیوران شدند (دارالخلافه طهران در کمال ایت و انتظام است و نواب استطاب نیز در خدمت و الاثبات
 محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و مقرب سخاتان میرزا موسی وزیر بهر روزه در عمارات دیوانی نشسته بامور
 رسیدگی بینامید و همچنین عمده الامراء العظام محمد خان بیکریکی و امیر تومان در باغ ارک جناب شرف امجد
 حسب احکام منزل کرده و بامورات نظام و قراول ارک و امور حجه خانه و قورخانه مبارکه و غیره رسیدگی کا
 بینامید عالمچایان کلانتر و که خدایان همگی در مراقبت خدمات محوله تجدد و نظم شهر و محلات نهایت اتمام را دارند
 و خلاف قاعده از قبیل سرقت و شرارت از احدی ناشی و صادر نمی شود و همچنین قراول خانهای شهر در
 کمال نظم است و از جانب صاحب منصبان نهایت مراقبت در نظم قراولخانه و حفظ و حرارت محلات

می آید سایر کارگذاران دیوانی بر یک در سر کار و خدمت خود ساعی میباشند (از قرار که عالیجاه معتمد خان
 دای خان سر تپ مهنا از جناب مجده نصیب تر موره وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت بهمه تکلیف با و لیا
 دولت ابد مدت علیه معروض داشته بود جناب معزی الیه بعد از آنکه عالیجاه مقرب انخافان حسنیان
 و خیرالاجودان خاص علیحضرت آقدس شاهنشاهی وارد بغداد شد و ایشان را دعوت بفریت دربار
 هایون نمود در کمال خرسندی خوشحالی دعوت دولت را اجابت نموده عازم و روانه شدند و وارد
 عراقین عرب و عجم گشته با مقرب انخافان مهنا از معزی الیه ملاقات نمودند و از جانب کارگذاران امور
 دیوانی در سرحد و سایر اکنه و منازل عرض راه لوازم تذکره و اسباب پذیرائی فراهم نمود و در کمال اغراض
 اکرام وارد کرمانشاهان شدند و از جانب نواب مستطاب هزاره و الالباق و الدوله حکمران کرمانشاهان
 تفهات مشفقانه لازم در حق جناب معزی الیه بفرستاد و از آنجا رو بمقصد غنیمت کردند و از قرار که معتمد خان
 معزی الیه تعیین کرده بود روز بیست و یکم این ماه ذیقعد و یا بیست و دوم ماه مذکور وارد دربار عظمت
 خسروانی خوانده شد (نظر بشایستگی و معقولیت حسن حکمگذاری و رعیت داری عالیجاه مقرب انخافان
 نتیجه الامر العظام علیعلی خان در این اوقات بموجب فرمان مهملعان مبارک منصب جلیل بیکریکی و شعیب
 دیوانی بیکری داری در سلطنت تبریز با و حرمت و مرجع گردیده بجلت مهر طاعت هایون مخلف و نامور شد که تبریز
 رفقه بلوازم خدمات مرجعه بخدمت مشغول باشد) (عالیجاه محسود بیک خونی صوبه دار توپخانه مبارکه اصفهان
 چاکران در بارهایون و مدتی در توپخانه مبارکه مشغول خدمت است لهذا درین اوقات موافق حکم نظامی منصب
 توپخانه مبارکه سرفراز گردید) (دو نفر از سلطانهای قریح خرقان جمعی لچا علیعلی خان سرینک که نامور بندر است
 فارس بود ندجندی قبل با سرینک خود بنیای نظامی گذارده بزرگی کرده بودند امیر الامر العظام کشیکچی باشی
 آنها را در آنجا تنبیه و سیاست کاملی نموده و بدر بارهایون فرستاده بود بعد از ورود آنها از جانب سنیان
 آقدس هایون شاهنشاهی امر و مقرر شد که هر دو نفر را همراه و نموده و در میدان مشق که محل افواج و سواره تفرین رگان
 حاضر بودند در میان آنها گردانیده هر یک از افواج و سواره تفویض ایشان انداختند که عبرت یرین گردیدند
 تا بهین که نسبت بصاحب منصب خود بزرگی نماید سزای عمل او این است) (فوج اردبیل و شکیں جمعی مقرب انخافان
 حسنی خان سر تپ که بکمال متجاوز بود در رکاب سیروزی انتاب مشغول مشق و تعلم و خدمت قراوی بودند
 خدمتشان ختام پذیر شده در این اوقات حسب الامر محض خانه شدند) (فوج ماصریه جمعی عالیجاه کمال
 سرینک که از تبریز احضار بر کاسته شده بودند و در بارهایون گردیدند) (چون قراوی و خلوت
 دیوانه مبارکه سلطانی و حرم خانه علیحضرت شاهنشاهی درباران بعد از مقرب انخافان حسنی خان سر تپ

فوج اردبیل و مشکین بود این اوقات که فوج او مرخصی حاصل نمودند این خدمت بعهده مقرب الخاقان
عباسقلی خان سردار لایحیانی مفوض مرجع گردید که با فوج جمعی خود مشغول انجام این خدمت باشد

سایر ولایات

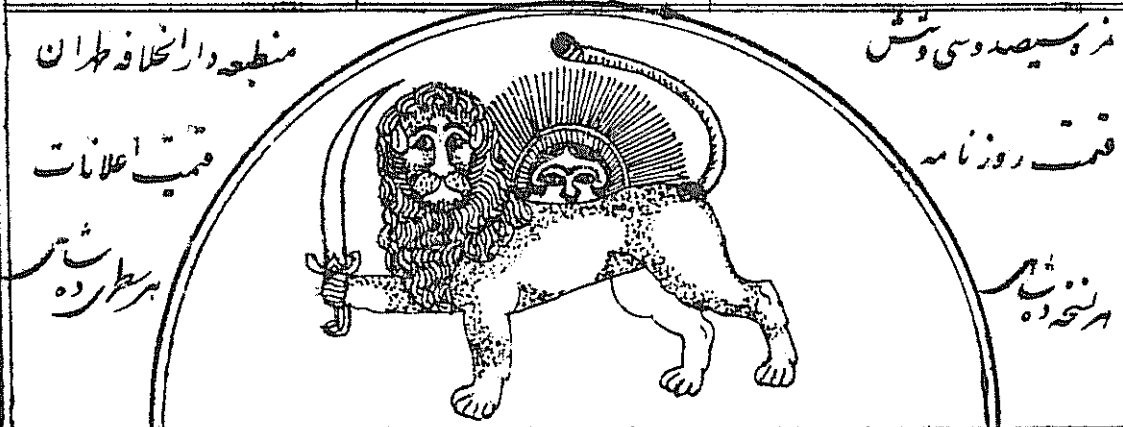
از بابایجان اگرچه این روزها روزنامه از آذربایجان نرسیده است ولی از قرار مکتوب که از
تبریز گذشته بودند سجدالدکالانیت دلهای دولالت حاصل است و غله که پیش ازین تسخیر داشت
کم یاب بود این اوقات و خور بهیم ساند و دکانین جنازی پرمان است و عموختن خصوصاً عجمه و قهرار
مرحله کمال شکرگذاری را دارند و بقاریکه نوشته بودند در روز پنجشنبه سیم این ماه دو ساعت و نیم
مانده حرکت ارضی شد در تبریز وقوع یافته و در جمعه چهارم هم ساعت از روز بالا آمده باز زلزله
شعید تر از روز پنجشنبه وقوع یافت در روز اول مطلقاً خرابی بجان و اذیت بکسی نرسیده ولی در
زلزله دویم خرابی و شکستگی بسیار کنه روی داده است و در شب شنبه پنجم و یکشنبه ششم باز
حرکت ارض اتفاق افتاد مردم زیاد وحشت نموده بعضی بیرونهارفته چادر زدند و بعضی لوگت کرده بشیر
ولی سجدالدکالانیت بکسی نرسیده و امید داشته اند که خداوند عالم رفع این بلیه کرده بندگان خود را حفظ نماید
استرآباد و از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند کمال فراوانی و از زانی در آن ولایت
و هر چیزی فراوان است از جمله گندم خرواری شت هزار و جو خرواری پنجاه و دینار و سایر اجناس
حبوبات بهین نسبت کمال و فورا دارد در روز ششم شوال باران شدیدی در استرآباد آمده سجدی که
در کوچه سایل جاری گردید و بقدر نیم ذرع از دیوارها را گرفته بعضی جاها را خراب کرد و یکشنبه روز بارندگی
امتداد داشت ولی دو ساعت داشت بطوریکه پیران معتربین شدت بارندگی در هیچ ایامی ندیده
بودند اگرچه بعضی از ابنیه و قنات ازین بارندگی فی الجمله خرابی رسید ولی نفع عمومی آن سجده زراعت بیش
از ضرر خرابی بود و زراعت سال بواسطه این بارندگی بسیار خوب شده است
در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجاه مقرب الخاقان مصطفی خان سرتب افواج سمنان و دین خان واردا
گردید صاحب مضبان لوازم استقبال را بجا آورده و مقرب الخاقان مشارالیه مشغول نظم امور سرباز و
سنان و تشخیص غایب و متوفاه و اتهام کسر آنها شد و تنخواه ایات را سجده موجب سرباز و مصارف خلیف
حواله کرده و در کار وصول و ایصال پیش (دیگر نوشته اند که دو محله اسفجان سمنان مردی با زن
و اطفال خود در غایب شده بودند ناگاه دیدند اسقف خانه خاک میریزد اطفال را برداشته فرار نمودند
و اسقف فرود آمده یک طفل را که فرصت بیرون بردن نکرده بود بزرگرفته هلاک کرد و باقی سبب است

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات اولیای دولت
 قاهره در کمال انتظام و نهایت امانت در آن ولایت حاصل است عا که منصوره که در سرحدات خراسان
 فوج فوج در سر راه حرس هر کدام یکفوج و دو فرسخ با یکدیگر فاصله چادر زده نوشته اند منظر اینکه
 که مأمور شوند حرکت نمایند و افواج ثابور و ترشیر هم چند و پیش ازین وارد ارض اقدس شده در
 دروازه ارک چادر زده و مشغول انجام مدارک هستند که نامهای بعضی اسباب خود را تمام نموده با فوج
 دیگر ملحق شده به راه مأمور شوند حرکت کنند (دیگر نوشته اند که این اوقات محصول تازه خراسان
 بدست آمده در عایاد و زارعین مشغول درو کردن و برداشتن غله پشته و امسال بجهت امداد حاصل آن ولایت بهتر از
 سالهای دیگر آمده است خصوصاً زراعت دیم که بواسطه بارانهای نافع موفع خیلی خوب آمده کرده و
 امانی ولایت از وفور نعمت و حصول امانت کمال شکر گذاری را دارند با اینکه رذارد زیاد از مالک محروم
 بارض اقدس آمد و رفت بنمایند چه چیز فواید و ارزانی است) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا
 قوام الدوله در نظم ولایت و انجام امور سپاهی و رعیت اهتمام زیاد دارد و هر روز دو ساعت از روز ببالا
 در بیرونی نشسته بعضی دوا و مردم و محاملات و محاسبات رسیدگی بنمایند و شبها را نیز بامهت است از
 شب گذشته مشغول رسیدگی محاسبات و دوا و دست ولایتی پشته میرزا محسن کلانتر سابق ارض اقدس
 در امر کلانتری و کمک باقی دار شده بود بحساب او رسیدگی کرده چند روز او را نگذاشته درین روزها او را
 نمود که رفته باقی دیوان را انجام نموده کار سازی نماید و عالیجا آقا ابراهیم صندوقه امر حرم فرما فرما را
 که آدم معقول و کار دان و بامانت و حسن سلوک معروف داهل ولایت رغب کلانتری اول و دین کلانتری
 اقدس برقرار و خلعت شغل فرموده را با داد که با کمال دگرگونی با انجام خدمات محوله مشغول شد) (دیگر
 نوشته اند که اشرفی تومانی در خراسان کنیز دهم رنده قریب بدو هزار دینار و محاملات کسر شده بود مقرب الخاقان
 قوام الدوله و تنباده اصناف و کسبه را جمع کرده و بقدر دینار تومانی پول نقره از خود بصرفان داد که در
 میان مردم معامله کنند و اتمام گرفت که صاحبان و اشرفی مبادی بدون تفاوت معامله شود و نرخ اجناس
 قیمت معین هر یک قرار داده قدغن نموده که از آن قرار کسی تخلف نماید و زیاده کم نبرد و در باب رفع تفاوت
 اشرفی و ریال چون ارجانب اولیای دولت علیه نیز حکم شده بود بحسب احکام همه ولایات خراسان حکام
 نوشته شد که قار تفاوت فیما بین اشرفی و ریال را موقوف دارند و با بابت دیوانی را رعایا خواهد ریال
 اشرفی تمام وزن هر چه بدین حصیل داران و حواله داران دریافت کنند و با الفعل رفع این غائله
 اشرفی و صاحبان بدون تفاوت و توفیر در جمیع ولایات خراسان داد و ستد میشود و رعایا ازین جمله شکر گذاران

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور انولایت احسن مراغب تو استیلا می
 قریب نظام در عیال ویران شده خاطر بدعا کوئی ذات قدس تا یون شامشاهی شغال دارند (از قراریکه
 در روزنامه بندرعباسی نوشته اند بعد از فوت امام معتمد بین سید ثوینی پسر بزرگش که جانشین است
 و پسر کوچکترش ترکی مخالفت ظاهر شده صید ثوینی استعداد و جعبت فراوان آورده و برکه رفته بود از قرار
 این روزنامه خبر رسیده است در برکه قشون او از جنگ سرباز زده و عذرا آورده اند که ما با اولاد امام
 جنگ نمی کنیم ترکی برادر تو و اولاد امام است تیغ بر روی او نمی کشیم و بجهت نفاق اعراب جنگ اتفاق نیفتاد
 اگر چه صید بلال و صید محمد بن لیلین که از جمله محترمین انولایت اند واسطه بودند که شاید ما بین برادران صلح شود
 ولی چون ترکی بملاقات صید ثوینی یا صلح نیرد واقع شود و محل موسوم شناس لوارا که صید ترکی بخواب
 بطلبه بکیر شناس را گرفته و تصرف نموده است ولی لوارا تا هنوز متو است است بکیر و در تصرف کلان
 صید ثوینی است) (دیگر نوشته اند که یک نفر تا جزا داده با شخصی طارمی اتفاق کرده که بعد از این اتفاق
 تا م تا جرقه زنی در بندرعباسی در دیده و پنهان کرده بودند شیخ بندر در صدد تفحص برآمده و سابقین معلوم
 شده و سیکر گردیدند عدل نیل از آنها مسترد و به حبس نسیم شده و هر دو تمسیه مضبوط شد و همچنین در
 سیاه که عدل قماش مال شخصی شیرازی را در محلی از خوالی بندر که قافله انداخته بود سرقت کرده بود
 صبح صاحب مال آمده مات را بجا کم بند را اظهار کرد و حاکم از قرائن شناخت که درزدان کیتند و در کجا
 پیا شد و فرستاد هر دو را گرفته آوردند و عدل قماش را از آنها گرفته به حبس رد کرد و آنها تمسیه کامل
 نمود) (دیگر نوشته اند که از نهم ماه صیام الی دوازدهم ماه منور متصل در قبه دریا فیما بین ممبئی و
 باد و طوفان شدت داشت چهار پنج بعله از اهل سورجبلان که از علاقه مسقط است و پنج محل داشت در سور
 منور غرق گردید یک بعله نیز که بارش قفل و قهوه و از مسکرو بودیم در سور غرق گردید و چند بعله دیگر
 حضرات اوزی و لنجه دشتی و کوی و عتوبی و کراچی و حیدرآبادی و بنود صدمات زیاده خورده
 اهل این کشتیها از شدت اضطراب بیشتر اجناس محموله را بدریا ریخته و کشتی را اسبک گردید و اصل
 رسانده اند و چند بعله و بدن سم در لنگرگاه مسقط بواسطه همین باد و طوفان خورده و ضایع گردید
 اما بیشتر آن بعله سالم به بندرعباسی رسیده قماش و مسقط حمل شدند) (دیگر نوشته اند که در
 این اوقات ملاخیرالدین در آگاهی قاید رستم چاه کوئی را بواسطه سابقه عداوتی که با او داشته است
 در باغ علی آباد فورک مقتول ساخته است و میرزا علی اکبر فارغانی نیز که شوش فتنه و فاحش سبجو بود
 و سیکر سرباز گردیده و در فورک مجبوس است

پس در آن قرار که در روزنامه نیرد نوشته اند امور آن ولایت قرین نظام است و در ناخوشی آنجا نیز تخفیف کلی
 حاصل شده نزدیک این است که ایشان را الله یالمره رفع شود و اکثر اهل شهر که با عیال و اطفال ببلوکات و
 سیلاقات رفته بودند حال بشهر مراجعت می کنند در اوقات شدت ناخوشی که در نیت و چهارم ماه مبارک
 رمضان بوده است مقرب النخا قان نتیجه الاموال نظام محمد یوسف خان سرتیپ حاکم میرد به سیلاقات رفته
 ولی عالیجا مقرب النخا قان میرزا شفیع پیشکام میرد بجهت نظم ولایت و انجام مهمات دیوانی در شهر مانده و در بار
 رفع و دفع ناخوشی اهتمام زیاد نموده است از جمله کورهای آجر و آهک و کچ پزی که در شهر بود موقوف گرد
 و صرف میوز انعماء موقوف داشته و همچنین کاکین عصاره و صابون پزی و طبخ و کچ پزی را در بازار
 قدغن کرده به بند و کفات شهر را بقدرمقد و در مجاری جری به بند و آنچه نتواند ردی آنها را پویند و مقبره
 جدید و اندنی را کلاکچ ریخته منصوب نموده و بجهت شدت ناخوشی از خارج غله بشهر می آید و مان بسیار کن
 شده بود عالیجا مشا را لیه بقدر با نصد شصده حرد و غله که قبل از حرکت بدار انجلاخه مبرور خریده و انبار کرده
 بود بیرون ریخته بخاران تقسیم نمود و قدغن کرد هر کس انبار غله داشت شش سکه بخاران فروختند و غله
 و فور بهم رساند بطوریکه نصف آن قیمت که بالا رفته بود بتیزل نمود بجهت کم یابی برف و بچ که در آن ایام
 زیاد به مطلوب بود مردم شکایت داشتند عالیجا مشا را لیه آدمی مخصوصا میان رعایای دما س میان کوه
 که بچ و برف از آنجا می آورند فرستاده و نوشت که رعایای آنجا بوقت روتی پنجاه بار برف و بچ آورده
 بشهر بفرستند و برف و بچ و فور بهم رساند و اتفاق کلی از برای خلق حاصل گردید و نیز در اوقات شدت ناخوشی
 که مردم اغلب از شهر فرار کرده و خانه ها خالی مانده بودند و جوان فرصت یافته دست به بریدن خانه ها و سرقت
 مردم بر آورده بودند عالیجا مشا را لیه ازین محسوسه شده و امر فرموده و چند نفر از که خدایان را مغرول نموده و
 اینها کسان هوشیار با کفایت که استه چهل نفر بزرگهای شهر بجهت حفظ و حرکات افروخته ادما گذاشته
 اغلب سارقین را گرفته مجوس نمود و از قرار اهرار حقین اموال مردم را که در دیده بودند در ابروی خاک
 اصغهان چه فروخته و چه بایستاده بودند فرستاده حقیقی از اموال مردم را بعیسها آورده بصاحبان رد
 (دیگر نوشته اند که شخصی از اهل فسیجان بلوک کرمان نیز عالیجا میرزا شفیع آمده مذکور داشت که چند زن از طایفه
 فیوج بخانه من آمده و صد بیت و شش تومان پول مرا بیست بردند حاکم آنجا اتمامی در گرفتن پول من نکرد حال
 طایفه بقریه لغت نیرد آمده اند عالیجا مشا را لیه فرستاده پیش خندان آنها را آورده مجوس نمود و از آنها چیزی معلوم نکرد
 بعد در نظر اهل آنها را آورده اند بر کدام بی استخار دیگری بگویند و جوابهای مختلف گفتند از حرف یکی از آنها استخار
 کرده اند نگاه داشته قدری تهی و تشنه کرده و قرار نموده که رتبا دو کس خند دیگری بکشند و آن آرد صاحب گفت همان
 بخانه را آورده بعیسها بفرستند

روزنامه وقایع آفتاب‌یخ یوم‌شنبه هجری ۱۲۷۳ ذی‌قعدة الحرام مطابق سیل میلادی



اخبار دهنده ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون آئینه لوسان بحسب سیلاقت و غنویت ما و برودت هوا و شکارگاه از سایر بلاد دارالخلافه
 قیاز دارد و بعضی لهاسرکار علیحضرت اقدس پادشاهی شریف فرمای آنجا می‌شوند لهذا در روز
 جمعیه یازدهم موکب پادشاهی از اردوی نیاوران بخدمت چند روزه تفریح و تفنن و شکارگاه حرکت فرمودند
 جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم در موکب پادشاهی بوده و از سایر خدم و حشم بقدر
 لزوم مقرر رکاب آهسته پادشاهی شدند سایر اهل اردو و کماکان در نیاوران و دولت دیکر شمیمات هر
 در سرکار و خدمت خود دستند تا موکب پادشاهی را محبت فرمایند (فوج مقرب الخاقان حسنعلی خان
 سرتیپ شاکر که مخفی خانه شده بودند در روز حرکت موکب پادشاهی بطرف آئینه در زیر قصر نیاوران صف
 نظامی کشیده بنظر اقدس ملوکانه رسیده مورد التفات بختین شدند و در ازار خدمات مقرب الخاقان
 مشارالیه از جانب سنی بجواب پادشاهی یکتوب حبه ترمه باو خلعت حمیت شده و با فوج روانه آذربایجان
 گردید و مقرر شد که کسر فوج را در آنجا بزدی با تمام برسانند (در این اوقات که موکب پادشاهی
 فرمای آئینه شدند حکومت و نظم اردوی نیاوران و شمیمات بعهده کفایت مقرب الخاقان عباسقلی خان
 سردار لایحانی مفوض و مرجع گردید که در غیاب موکب پادشاهی امور اردو و قراول و غیره را تنظیم دارند
 مقرر شد که عالیجا جلیل خان یوزباشی با پنجاه نفر غلام و یک نفر مایب و آستانه با پنجاه نفر و شش بصورت
 مشارالیه مشغول حفظ و حرارت و نظم اردو باشند (چون عالیجا بهر از محمد سرشته دارد و قرقانه مبارک در نزد
 محاسبات و دستور العمل آذربایجان بطور خوب از عهده برآمده و حسن خدمت ارجی و صداقت شعاری خود را

در نظر اولیای دولت قاهره بوجه حسن و طور اکمل بدرجه شهود و بروز رسا نید لهذا مورد عتاب و لغات
 شده یک طاقه شال ترمه از جانب سنی ایوان بایون برسم خلعت با و حرمت گردید (چون عالیجاه
 مقرب الخاقان احمد خان دیوان یکی اردوی هایلون حب الامراء قدس علی حضرت شاهای مأمورین
 ابو شهر و سرحدات شده و در روزنامه سابق تحت تحریر یافته بود در این اوقات نیز مخفی عوالم طوکان
 در باره مقرب الخاقان شارالیه از جانب سنی ایوان طوکانه او را منصب لقب دریا یکی کربی
 فارس منصوب لقب فرموده و با عطای یک قطعه نشان دیشان از درجه اول تیرسی و عامل سیخ
 مخصوص آن سرفراز و قرین مبارک فرمودند) (نظر بطور خدات عمده الامراء العظام محمد خان
 که همیشه در دربار هایلون از او صادر شده و میشود و درین چند سال ایام حرکت موکب هایلون شیراز
 و سیلا قات در ارک مبارک متوقف و مشغول خدمت بشا و مسواره حسن کفایت و خدمت او در
 حضرت اقدس هایلون و نظر اولیای دولت قاهره جلوه کرامت و یک قبضه شیر مرصع و اسباب
 و هزار تومان انعام نقد در وجه او و حرمت) (هواوی دارا خلافت هران اگر چه در این سال حرارت دار
 اما سجد الله چنانچه در مکتب گذشته نیز نوشته سلامت است بطوریکه ناخوشی های متعارف هم
 همیشه درین فصل بود بسیار کم است امور شهر کمال نظام را دارد و نواب شاهزاده و الابرار محمد تقی میرزا
 حکمران دارا خلافت و مقرب الخاقان میرزا موسی و وزیر عالیجاهان کلانتر و که حدایان شهر هر روز
 اول صبح تا شام در عمارت ارک سلطانی حاضر و بخدمت مشغولند عمده الامراء العظام محمد خان
 و صاحب مضبان نظام کلانتر و روز در ارک حاضر و بخدمت مشغولند چنانچه فیما بین سپاهی
 و رعیت حرفی نبود فوراً و وزیر و امیر تومان با سبقت و اب یکدیکر قطع و فصل مینمایند و بچیان و زبیر
 و افواج قاهره متوقف دارا خلافت هر روز علی الاستمرار در میدان مشق حاضر و در کمال نظم و شکوه مشغول
 مشق میشوند و عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان همه روز در میدان حاضر و مواظب مشق میباشد
 صاحب مضبان نظام ظفر و جام نیز علی الاستمرار حاضر میشوند نظم و آراخانهای شهر که بخدمه عالیجاه جبریل
 نایب اجودان باشی محول است عالیجاه شارالیه کمال مراقبت را در نظم و احوال خانها دارد و هر روز
 و هر شب سرکشی نموده هرگاه ارکسی حلقه سر بزند گرفته بخدمه عمده الامراء العظام امیر تومان آورده و بخدمه
 تقصیر تنبیه مینماید) (ادم نواب امیرالپرم مرحوم ملک آرا بعضی اسباب بدستگیری خدمتکاری
 از خانه ایشان برده بود بمجرّد اطلاع عالیجاه حاجی میرزا تقی که خدای آن محله مال آنها را تمام و کمال کرده
 و در دمال بکرم نواب شاهزاده بیست رسید) (سابقاً موجب روزنامه سابق حکم شده بود که ضرایف)

شهر زیاده از سی نفر نباشند زیرا که زیادی این کسب بایه اختلال معاملات پول شد در این اوقات معلوم شد
 که زیاده از اشخاص منقصد سابق بازده نفر دیگر باین شغل اقدام نموده اند مقتضای محققان میرزا موسی آنها را
 گرفته تنبیه نمود و التزام ایشان گرفت که دیگر دخیل این شغل نشوند **سایر ولایات**
آذربایجان درین مهته نیز روزنامه از آذربایجان نرسیده است ولی از قرار مکاتیب تجارت
 که نوشته بودند بعد از چند روز که تا مهتم ماه در تبریز وقوع یافته تا دوازدهم ماه که تاریخ کاغذ
 بود دیگر زلزله اتفاق نیفتاد ولی در شب دهم روشنائی ستاره مانند دیده شد و در شب پانزدهم
 از طرف مشرق ظاهر شده بطرف مغرب و شمال مایل گردید و روشنائی او بر روشنائی تابان
 غلبه داشت **فارس** از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند کمال اهیت و انتظام و وفور
 نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا و رعین اسودکی بدعا کونی ذات اقدس جلوان
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه مشغولند و امور شهر و محلات و طرق و شوارع مضبوط است
 و ردی و سرعت کمره اتفاق می افتد و عابرین و مسافرین با سهولتی و اطمینان عبور و مرور می نمایند
 (از قراریکه در روزنامه بندر عباس نوشته اند صید ثوئی امام مسقط در این اوقات در محل
 موسوم به و طیه که در دفرسخی مسقط واقع و بحسب آب و هوا از مسقط بهتر است اقامت دارد
 و چند یوم قبل صدمه بواسطه افتادن از جازه بدست مشا رالیه رسید است و اعراب و تبه سلطان
 صفر و شوح که سابقا نوشته شده بود بنهای منازعه باهم دارند در این اوقات از قراریکه نوشته
 دست بهار ت و تاراج اموال یکدیگر کشوده اند) (دیگر نوشته اند که چهار منوار دولت فرشته
 چند وقت قبل ازین برای آبگیری مسقط آمده صاحبان جبان صید ثوئی را ملاقات کرده
 خواشش نموده بودند که چنانچه خرقیل نام بیود از جانب انجلس و مسقط وکیل و مشغول کار ساری
 جهازات آنها در و رود با بنجا از قبیل دغال و سایر با نیاج و لوازم است از جانب فرانسه
 وکیل در آنجا باشد که هنگام عبور کشتیهای فرانسه از آنجا تدارک و لوازم آنها را انجام بدهد
 خبر برقرار شدن وکیل منور و نور معلوم نیست) (دیگر از قراریکه نوشته اند عالیجه حلال خان
 مرحوم اللهویری خان بش کردی از بیم جمعی از معاندان آنها که بدور قلعه انکهران رفته بودند
 تا به مقاومت نیامورده فرار به بندر عباسی آمده یکد و روزی در آنجا توقف نموده روایتی را
 کرده اند که در خدمت نواب مستجاب مراده و الایثار مؤید الدوله حکمران فارس نظم و عرض حال
 طلب خون برادر خود را از قاتلین او نمایند

حمزه از فرار یک در روزنامه نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت قاهره و مراقبت مقربان
 چراغعلی خان حاکم حمزه امور آنولایت قریباً نظام کامل و رعایا و مالی آنولایت آسوده خاطر بدعا کونی ذات
 اقدس هیولان شایسته شتغال دارند و فضل بهار که بازندگی زیاد مطلوب بود خصوصاً در آن ولایت
 که بیشتر زراعت آنجا دیم است باریکیهای خوشه ۹ نرخ غله با اینکه حب الامرا بذریعایان زیاد برده و
 تنزل کفی کرده مالی آنولایت کمال شکر گذارید دارند و نتیجه حسن سلوک و مهربانی مقربانخا قان مثالی از
 مالی حمزه و نجان آنچه در سواة سابقه متفرق شده و بولایات دیگر رفته بودند در این اوقات متوالی
 با ما کن و او طایف خود را محبت می نمایند (سابقاً در باب حمل و نقل غله از حمزه بدایسته تیر حکم از اولیای
 دولت علیه شده بود که دو اب از اذربایجان بیارند و جنس از حمزه حمل کرده ببرد چون دو اب از اذربایجان
 رسید چند دفعه مقربانخا قان چراغعلی خان جنس بشتر و قاطر خود حمل کرده آنجا فرستاد و بعد از آن با مالی شهر
 زنجان و محلات قدغن نمود که هر کس جنس دارد حکماً حمل و نقل تیر کرده در آنجا بفرستد مالی حمزه خیر حکم
 هر چه جنس داشته و از دبی و لایق قطع ببرد و ببرد و بهین جهت نرخ غله در تبریز و سایر محال از زیاده
 کشته و و فوراً بهم رسانده باعث دعای خیر نتیجه دولت ابدایت گردید (دیگر نوشته اند که رودخانه
 بامان از خی که محل عبور کمر منسوره و رود قو اقل و ما مورین بود نتیجه نبودن پل عبور از آنجا بصورت
 مقربانخا قان مثالی مخصوص حصول دعای خیر نتیجه دولت قوی شوکت قاهره ملی در کمال استحکام در سر رودخانه
 مزبور راه است میارند و این روزها قریب با تمام است و چنین عمارت دیوانخانه بزرگ قدیم دیوانی
 و کریاس و دالانها و سردری بزرگ مشرف میدان کلا سهندم و خراب شده بود حسب حکم اولیای دولت
 علیه بنا و غله زیاد در آنجا انداخته مشغول تباری و تعمیر میباشند و اهتمام زیاد دارد که رود با تمام برسد که برآ
 ده محرم در آنجا بکلیه دولتی بسته شده از جانب دولت علیه دهه عاشور در آنجا تعمیر داری شود و هر روز
 متجا و زارسی نفرینا در آنجا کار میکنند **احبار دول خارج** چه بلا شبهه معلوم است که از دولت
 قون در رومی تحت پادشاهت دارد و قریباً اندان قشون مزبور را در دست اهل مدینه نوشته بوده اهل رومیه نفرینا
 شبانه بخانه اوفته و حاکمی که قراول و جوارح است بطوری رفته اند که قراول ندیده داخل الحاق بیرونی او شده اند
 با بعضی اوراق مهمه برشته و بشارت تحتانی رفته یک مرغ بندگی از مال قومانان مزبور کباب کرده خورده و رفته اند و سوا
 این دیگر کاری نکرده اند و در آن خانه خیلی آدم بوده است که این اشخاص باین طور رفته و مانده و یکسج
 کشت کرده و کباب خسته و خورده اند و کسی نفهمیده است که اینها چه وقت آمده و کی رفته اند چون بسیار محفل
 بوده است در همه روزهای دو ماه این که ایش را چاپ زده اند

در روزنامه‌های سابق که اشرافتیاج مجلس شورای پاریس و انجلیس نوشته شده بود بموجب روزنامه
 که این اوقات رسیده است تقریرات پادشاه انجلیس که توسط وکیل دولت فریور در مجلس مذکور خوانده
 شده از این تقریر است اولاً استراحت حاضر فرنگستان مقتضی این مأموریت است احکام معاهد و صلیحه که در
 تنظیم شده که نافذ گردیده و بعضی نیز که تاکنون مجری نشده است خواهد شد و الفاذا احکام مندرجه تا ما عتقد
 مأمول است در باب منازعه مابین دولت پروس و جمهوری سوئیس مجلس و نفر پس در پاریس گشوده شد
 و با قضای رأی و قرارداد مجلس مذکور که مستلزم خوشنودی طرفین است صورت حسن خاشا مأمول می‌شود
 در باب استقلال حکومت خود و از مابین دولتین انجلیس و مجتهد کی دنیا خالق ظاهر شده هنوز رفع
 آن نگردیده است در باب اندفاع منازعه مابین دولتین انجلیس و ایران معاهد صلیحه که در پاریس تنظیم شده
 بعد از مبادله مجلس ابراز واره خواهد شد در باب منازعه مأمورین کشته‌های انجلیس در سواحل چین باقیمانده
 شهر گانتان دیگمال تا مسافرت بجهت اندفاع آن در ضمن تنظیم معاهد نامه مأموری مقدم با چین فرستاده شده و
 اجرای آن معاهد نامه مقدار کافی قشون بحری و بری بهرامی را به مأمور کرد دید که گوا که صوند که قریب
 اسبج در راه دریای بالتیک است من القیم در تحت حکومت دولت دینازک بود و دول معلومه بالاشتراک
 دولت فریور خریدارند درین خصوص جی که سهم دولت انجلیس است بدولت دینازک باید داده شود این بود
 خلاصه تقریرات ملکه انجلیس و مجلس فریور (در سال گذشته حاصل ابریشم در فرنگستان چنانچه بکرات در
 روزنامه‌ها نوشته شده بسیار کم آمده بود و گمان کردند که این علتی است که تخم ابریشم عارض شده است
 بجهت دفع این فقره صاحبان کارخانه‌های ابریشم ادعای متعدد فرستاده از بروکس و ادره و سلاویک
 بیروت و شام و سیرمال معلومه تخم ابریشم آورده بود و دند درین سال از آن تخمها فقط تخمی که از شام آورده بودند
 گرفته و مابقی کلاً خراب شده و باین کیفیت اصحاب این کار دچار ضرر و زیان شده و گذشته از آن بحاصلات
 میریه و مال دیوان نیز کم واقع می‌شود در خصوص اندفاع این علت هر کس بطریق سهولت چاره پیدا نماید
 اعلان کرده اند که ایقارات عیدیه با و داده خواهد شد و حاصل ابریشم با توجه در فرانس و آفریه و ایتالیا
 و اغلب محال فرنگستان بدرجه بودن رسیده نظر باین حال دیال آئیده در ضمن وقایع حاصلات از نظر
 خلل از حال بعضی محال مالک عمایه در ضمن مبالغه تخم ابریشم از جانب دولت فرانسه اعلان کرده اند
 درین اوقات از جانب دولت فریور شخصی بمأموریت مخصوصه قرار شده است با بخاسته شود هر کس هر قدر تخم ابریشم
 بخوابد و بخاک حکومتین نماید و حاکم از آن با قیمت خرید بمأمورین دولت فرانسه بفرود شد

شخصی از نفرات ضبطیه ضعیف متلا شده در بیوک در سهلا بمول مدکان ده اساز رفته بیان مدعا کرده بود
 شاکر دو اساز چند حب با و او دوش را لیه حب را استعمال کرده مرض او شدت کرده بجا تلباس
 رسید ضبطه او را بمکتب طبعیه برده در آنجا معلوم شد که اشتداد مرض او ازین حب با بوده است فی الحال
 شاکر دو اساز را آورده و تحقیق نموده آن دکان را موقوف کردند و سوای این نیز از غاکر عثمانيه
 سرتیب بجهت دفع علت از تجار صابون از شخصی حب گرفته بخص خوردن فوت شده بود عسکر
 فرستاده تاجر مزبور را آورده بودند و بواسطه اطباء حب با را معاینه نموده در میان آن جمیوه و سرب
 و ازین قبیل چیزها که سمیت دارد ظاهر شده تاجر مزبور را محبوس و در سلطینه این فقره را نشر و
 کردند که مردم محترم باشند از دو اساز بی وقوف یا تجار که مناسب بعل طبات بذارند و انکس
 و طبیبی که حد قش مشهور مسلم باشد رجوع نکنند تا منبع ایگونه مخاطرات نشود (سابقا رفتن
 نواب غراندوق قسطنطین برادر علیحضرت امپراطور روسیه که وکیل بحری دولت مزبور است با کشتی تجار
 تماشای کشتی سازخانه طولون نوشته شده بود بموجب اخباری که در این اوقات رسیده است
 معزی الیه بفرست پاریس نسبت مسیخرکت کرده و از جانب علیحضرت امپراطور فرست وکیل بحری
 دولت مزبور باستقبال امور گردیده در بعضی روزهاها اقامت نواب معزی الیه را در پاریس تا پانزده
 روز نوشته اند و از آنجا بمبدن رفتن با رفتن ایشان بنور خبری معلوم نیست (در مکتب حریه پاریس
 مابین صنف دوم شاکر دکان و معینان بعضی کوزه برودت حاصل شده و باین جهت در مکتب مزبور
 لمحوظ گردیده از جانب علیحضرت امپراطور فرست با گردان صنف دوم حضرت خروج از مکتب مزبور
 داده شده موخر از بجهت وقوع رجاء از بعضی اطراف رجوع شاکر دکان مزبور را با بمکتب حریه اذن ور
 دادند) (چند وقت پیش ازین مبنی بر بعضی اسباب پولیک مابین حکومت پاپا و دولت اسپانیول
 برودتی حاصل شده بود در این اوقات مخالفت آنها بواجت مبدل گردیده از طرفین سفرانزدیکه یک
 ارسال کرده اند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که از سببه اختلافات سابق اسپانیول
 اصحاب قشاد باز آغاز مفسدت کرده بودند از دولت مزبور حکم شد که آنچه اسلحه و اسباب حرب
 در درون مملکت در دست سایر خلق است بگردان و این دفعه دوم است که در دولت اسپانیول
 اسباب حرب را از میان مردم جمع کرده اند) (چنانچه در روزنامه های قبلی نوشته شد در دانی که در لندن بودند از
 رؤس مجلی منعقد شده و آنها را دعوت و تکلیف بقتل استرالمار کرده بودند جمعی که راضی شدند و معاش با آنها داده رو کردند
 در این اوقات ای چنانچه در دکان مت در دفتر پولیس که عبارت از گزیده با ثبت شده شانزده هزار کس بقلم آمده اند
 فقط درونی که در سال گذشته کرده اند قیمت آنها پچهل و دوهزار لیره که تخمینا نود هزار تومان پول ایران باشد رسیده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۲۴ شهریور ۱۲۶۳

مردی که در سی و هفت

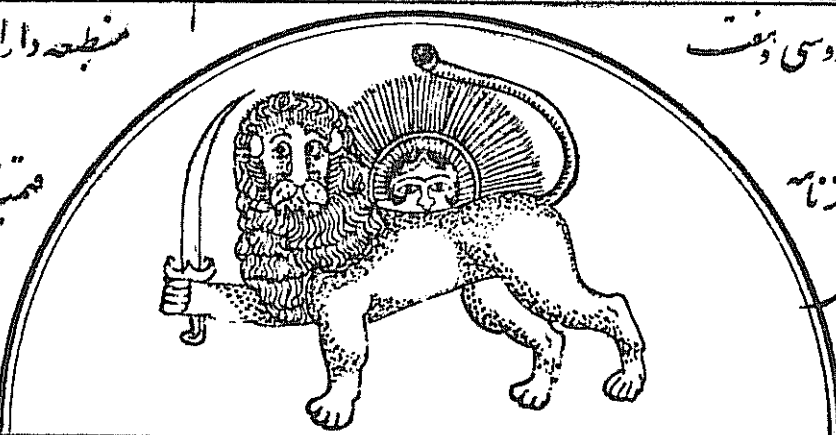
منطقة دار الخلافه طهران

قیمت روزنامه

فہمیت علیہ السلام

پرنیو شہ

ہر طرف



احبار و اخذ ملک محروسه پادشاهی

دار الخلافه

واراخلاصه طهران
 اگرچه بقا در روزنامه مطبوعه واراخلاصه مراسم تشریفات و احتراماتی که از جانب ولایت انگلیس قضای دوستی قدیمی و
 دولتیست بنحایت تمام تصاحب این الملک فرخ خان پهلوی کبر دولت علیه ایران مسکام ورو و لندن پای تخت اندولت
 آمده بود از روی روزنامهجات فرنگستان و نوشتجات سیره نوشته شده بود لکن از قرار اخبار جدیدی که
 از طرف جناب معزی الیه رسید است تفصیل تو قرات و کرمیات و لوازم مودت و مصافات که از جانب
 اولیای آن دولت نسبت به سفارت کبری تقدیم رسیده از این قرار است که نکاشته میشود بعد از انعقاد عهدنامه سلامت
 فیما بین شوکین جناب این الملک بملاحظه استحکام مبنای دوستی و مصافات حضرتین و نتیجه اینکه اولیای دولت انگلیس
 مودت و اتحاد هم کمر را ظاهر میل رفیق معزی الیه را بلند نموده بودند عنرم آنجا که در جانب اردو کولی هم رسانا نموده که علیحضرت پادشاه
 دیگاه انگلستان و اولیای آن دولت شمارا با کمال میل و احترام پذیرانی شایسته خواهند نمود و عالیجاه محبت سر راه کابیتان فرخ که جناب
 معروف و حامل عهدنامه صلح از پاریس نلندن بود در ۲۴ رجب از لندن آمده از جانب اولیای دولت انگلیس بنحایت پهلوی کبر اظهار
 اعلیحضرت پادشاه انگلستان محض تجدید مودت و ولتین سفارت کبری را با کمال میل و لیسکی پذیرانی خواهند نمود و هر چه در
 بلندن وارد شود بهر است و عالیجاه شراییه از جانب الی شهر لندن که بحسب منصب بعد از اعلیحضرت ملکه در میان ملت شخص اول است
 جناب پهلوی کبر و اتباع سفارت کبری را برای شب شنبه بمجلس شام دعوت نموده اند و در ۲۴ رجب سفارت کبری با اتفاق عالیجاه
 همراهمیو بیستین مترجم دولت بهیته فرانس و همراه سفارت کبری که از جانب اولیای دولت فرانسه نامبرو لیت سفارت کبری
 تا آخر خاک فرانسه بود و بر راه آهن آمدند تا عالیجاه کابیتان پنجیم که قبل از وقت بجهت جاسان نمودن باب سفارت بر راه آمده بود و نزد
 این الملک آمده سوار کاسه شده و روانه گشتند در مدت چهار ساعت بعد چهل و پنج فرسخ راه طی کرده و بنهر
 این رسیده و هنا صرف کرده در دو ساعت و نیم بشهر و بندر بولون که آخر خاک فرانسه است

۱ صفحہ ۱۰

وارد شده و الی آنجا و قونول دولت انجلس استقبال آمده و لازم آنست و مودت را بعل آورد بعد بکنا ربح محیط
 محلی که کشتی حاضر بود و در آمدند این کشتی یکی از کشتیهای مغرب و ملت انگلیست که اکثر اوقات حامل سفرا و وزرا می
 کاپیتان کشتی بیرون آمده جناب این ملک را استقبال نموده طرفین با کمال میل و مهربانی از تجدد و محبت و مودت با این
 اظهار مسرت نموده بعد از نیم ساعت کشتی حرکت کرده عالیجاه میسوپرتن متبحر دولت بینه و آن اذن مرحبت از جناب این
 خواسته روانه شد سفارت در دعوت طی سافت نموده بکنا ربح فکس تن که اول خاک انگلیست لنگر انداخت بعد از
 ورود سفارت کبری به بندر بورالی آنجا اظهار بیاضت و شادمانی کرده تجدد احترام کلاه افسر بر سر نهادند و کفنر مانور وزارت
 از جانب جناب جلالت اب لرد کلاردن وزیر امور رجبه و انگلیس با اتفاق چند نفر از اعیان بندر نزد جناب این ملک آمده و در
 سفارت کبری را تهیت گفتند و لازم مودت را بعل آوردند و بکنا ربح فکس تن در مدت دعوت و نیم شهر لندن رسیدند
 بمحض رسیدن بانجا و نفر برادر عالیجاه کاپیتان پنج و جناب لرد بیکر یکی شهر و کفنر مانور وزارت خارج سفارت کبری را
 پذیرائی نموده و از طرفین اظهار خوشحالی و اقبال از رفیع برودت حاصله مابین دو دولت قدیم الاتحاد کرده بعد از انجام
 لوازم مودت بهمانجا موسوم بکلا ربح که از برای توقف سفارت کبری معین نموده بودند آمدند و این مهمانجا اولین مهمانجا
 و همیشه محل توقف وزرا و شاهزادگان خارج است روز جمعه سکاظم ظر عالیجاه مجد تسرا افسر صاحب اول وزارت
 از جانب جناب جلالت اب لرد کلاردن وزیر دول خارج نزد جناب لمچی کبری آمده تهیت گفتند و اظهار بیاضت و خوشحالی
 نمودند معزی البه نیز لازم مودت را بعل آوردند بعد از رفتن او عالیجاه کاپیتان پنج نزد جناب لمچی کبری آمده از قول جناب
 دول خارج ابلاغ نموده که اعلیحضرت ملکه در پذیرائی سفارت کبری بچندین سبب تعجیل فرموده و سفارت کبری را دعوت دیگر
 بخصمبار که خود پذیرائی خواهند فرمود سبب اول محض التفات مخصوص که تا بحال در حق هیچ سفیری نشده است میخواستند
 تا بزند خوشوقتی را که از انعقاد این مصاحبه دارند و بی میلی که از ظهور این برودت داشته اند دیگری محض التفات بخود
 این الملک که شخصی روان و در اصلاح ذات البین متحلل جماعت شده است دیگری بواسطه اینکه جناب این الملک بتوانند
 بهمانی بیکر یکی شهر بروند زیرا که قبل از شرفیائی بخصم سلطان بجاس مهمانی فتن مناسب نخواهد بود و دو ساعت از ظهر
 گذشته و عدد کاکه شش سبب با کاکه لکچی های قرمز پوش و کفنر شاطر سواره که در انگلیس مخصوص بخود سلطان است
 در ب مهمانجا حاضر شدند جناب سفیر کبری و اتباع سفارت همه بلباس سی و حایل نشان آراسته با اتفاق
 عالیجاه مجد تسرا کاپیتان پنج بکالکهای سلطانی نشسته بمتعالی رسیدند چند نفر و اولان خاصه که
 در آن موضع پیاده بودند بقاعده نظامی سلام داده جناب لمچی کبری از کاکه فرو داده داخل اطاقی بزرگ و عالی
 شدند جناب بیکر کافاسی باشی و چند نفر صاحب منصب دیگر جناب معزی البه را استقبال کردند و از طرفین لوازم
 دوستی و مودت بجا آمده با لاتی بزرگتر و منتهی تر رفقه در آن اطاق جناب جلالت اب لرد پارلمان صدر اعظم

و جناب فحمت لصاب لاد کلا رندن و زیر امور خارجه جناب ایلمچی کبیر را پذیرائی کرده طرفین ظهور صحیح مبارک تهنیت
گفتند و لازم سرت و سائیت را بعل آوردند از جانب اعلیحضرت پادشاه امپراتور انگلستان جناب امین الملک استیلا
احضار فرمودند جناب معزی الیه با اتفاق جناب وزیر دوله خارجه و اتباع سفارت کبری با طائفی که اعلیحضرت ملکه و نواب بر
البرت سوهر ملکه در آنجا استیلا ده بودند شرفیابند اعلیحضرت ملکه محض اتفاقات چند قدیم شرف آورده جناب
ایلمچی کبیر نیز چند قدم پیش رفته به بیانات حسنه مراسم دوستی مصافحات دولتین را ادا نمود و اعلیحضرت ملکه از حسن
ادب و تقسیم فرموده فرمودند استحقاق جناب امین الملک همه صحیح و درست بوده و البته بطور حقیقی دولت و ملت انگلیس که
همیشه در ترقی و آبادی و پیشرفت دولت علیه بوده است و بی میلی و افسوس دولت و ملت انگلیس بر وقوع این غایله
معلوم اعلیحضرت پادشاه ایران شده و من مسم کمال خوشوقتی را دارم که مجدداً این امر که باعث ضرر طرفین و خرابی
از منظر انسانی و ولتین بود رفع شد البته مراتب بی میلی دولت و ملت انگلیس را در تقاضا دولت ایران و میل ایشان
با استحکام بنیاد دوستی و محبت اند و دولت با ولتای دولت ایران عرض خواهد نمود جناب امین الملک هم از اینگونه فرما
اعلیحضرت ملکه شکرگذاری کرده بعد از آن نامه های نون را پیش برده بدت اعلیحضرت ملکه دادند آن اعلیحضرت نامه را
گرفته و وزیر دول خارجه دادند احوال پرسی از مزاج مبارک سرکار اقدس شهر یاری نمودند و شوهر خود را بخانه
امین الملک معونی فرمودند جناب امین الملک بعد از اظهار شکرگذاری ازین التفات مخصوص صاحب منصبان سفارت را
معزی نمودند اعلیحضرت ملکه هر یک از صاحب منصبان سفارت تفقدات ملوکانه فرمودند بعد از آن جناب معزی الیه
اتباع مرخص شده پروان آمدند جناب وزیر دول خارجه تا اطاق آخر جناب ایلمچی کبیر را مباحثت کرده و جناب
باشی هم با هیلوی کاسکه همراه جناب امین الملک آمدند بعد از آمدن جناب امین الملک بمنزل یک ساعت از شب گذشته
با اتفاق عالیجه کاتبان لایح نجاده پیکر یکی شهر لندن بهمانی که وعده داشتند رفقه جناب والی شهر و رئیس اطاق
اولی جناب ایلمچی کبیر را استقبال کردند و با اتفاق ایشان با طاق دیکر رفتند که در آنجا جمعی کثیر از زن و مرد از
مثل وزرای هند و سایر رجال دولت انگلیس بودند دسته بسته آمده بصحابت عالیجه کاتبان لایح نجاده
جناب ایلمچی کبیر معزی میشدند و با هر یک از ایشان مراسم مودت و دوستی بعمل می آمد بالاخره یک ساعت بعد
با طاق شام رفتند و آن طاقت در خوبی و بزرگی و وضع بسیار ممتاز و در آنجا هر یک بجای خود نشستند
امین الملک محض احترام در جای سوم می نشستند و دهانی این مجلس کی از مجلس بزرگ است که چهار صد نفر از
زنان و مردان معروف در آنجا حاضر میشوند و قریب سه هزار تومان مصرف این شام میشود و از جمله خیراتی
مخصوص باین مجلس آن است که در وسط شام برسم قدیم انگلیس قدحی از طلا مملو از شراب احمر آورده بدست
صاحب مجلس میدهند و او از جای خود برخاسته بعد از دعا و ثنای اعلیحضرت ملکه جرعه از آن نوشیده بدست

کسی که در بهلولی او واقع میدهند تا اینکه جناب وزیر امور خارجه رسید برخواستند گفت کمال شکر و امان را
 داریم که بمقتضای میل دولت وقت انگلیس برودتی را که فیما بین دولت ایران که دوست قدیم دولت انگلیس است
 و این دولت واقع شده بود رفع نمودم و اینکه سفیر کبر دولت ایران را درین مجلس که مجمع احباب و نیکوکاران
 دولت انگلیس است حاضری بنیم و ثناء الهامیده و استسم که بعد ازین روز بروز دوستی دولیتین در تزیینات
 بعد از صرف شام جناب جلالت آبا لار و پارلمان صدراعظم جناب فحمت نصاب ایچی کبیر ایران سستی از اطاق
 رفته مدتی در باب استحکام اساس سلم و صفای حضرتین مذاکرات نمودند روز شنبه از رجال دولت انگلیس بدین
 جناب باین الملک آمد رسم مودت بعل آوردند و دو ساعت بظرفانده جناب باین الملک بیدین مجلس پارلمنت رفتند
 مجلس پارلیمنت که در وقت غروب باین جناب وزیر امور خارجه رسم احترام و دوستی ظهور آمد و هم درین مجلس
 وزیر دول خارجه جناب ایچی کبیر و اتباع سفارت را باین مجلس نشینی دعوت نمودند بعد از آنکه جناب ایچی کبیر
 باقی رسید که اعلیحضرت ملکه شهبه جناب ایچی کبیر و اتباع را بجهت صرف شام بحضور خود دعوت فرمود جناب ایچی کبیر ازین
 انعامات ملوکانه اظهار شکر گذاری کردند و دو ساعت از شب رفته بانه جناب وزیر امور خارجه رفتند جمعی از اعیان ازین
 و مرد در آنجا بودند از طرفین صحبت های دوستی آمیز داشتند رسم دوستی و مولات بعل آمد بفرمان معاودت نمودند روز یکشنبه بکام
 جناب وزیر دول خارجه باز دید جناب باین الملک آمد صحبت های خصوصی در میان گذشت بعد از رفتن ایشان از چال دولت
 و سفیر کبر دولت روس مقیم لندن بیدین جناب ایچی کبیر آمد معاودت نمودند و روز شنبه بازار اعیان و اکابر بیدین جناب
 مغزی الیه آمدند یک ساعت از شب رفته بنا بوعده که از جناب اعلیحضرت ملکه شهبه بودند و وعده دکا لک انلی ارکا که ایچی کبیر
 اعلیحضرت ملکه شهبه بردن سفیر کبر و اتباع باجهت نفر کاکه چی که لباس های سیاه و کلاه های پرواز داشتند و در وقت
 حاضر شد جناب ایچی کبیر و اتباع سفارت همه با لباس سیاه و کلاه های سیاه و کلاه های سیاه و کلاه های سیاه
 نشسته سمت راست سلطان روانه شدند چون بدربار سلطان رسیدند ارکا که پیاده وارد اطاقی بزرگ شدند که در آنجا
 و معاودت بقی را گذاشته بودند جناب صدراعظم و وزیر امور خارجه که در آن اطاق بودند جناب ایچی کبیر را استقبال کرده با کمال
 مهری و خوشوقتی از طرفین رسم تعارف مرثعات و در اینوقت اعلیحضرت ملکه بارت های معتبره و ملکه ادکان تشریف آوردند جناب
 ایچی کبیر و اتباع سفارت در یکمناطای صف کشیده و ازین تعظیم بعل آوردند اعلیحضرت ملکه از جناب ایچی کبیر احوال پرسیدند
 شام شام را فرمودند خودشان دست نواب پسر البت شوی خود را گرفته جناب ایچی کبیر را نیز شام بکرفتند دست نواب
 فرمودند جناب ایچی کبیر را نیز نواب ملکه را با طاق شام فرستادند و این اطاقی بود بسیار بزرگ و مزین تصویر سلاطین سلف
 استادان قدیم و منیری بسیار وسیع در وسط گذاشته و بسیار میز و کانا در روی او چیده پیش خدمتان زیاده بایستاد
 قرمز بنجیره دارد و اطاق حاضر شده اعلیحضرت ملکه در یکمناطای میز نشسته و چند نفر زن دیگر مثل زن جناب صدراعظم

نشستند در سمت دیگر جناب ایلیچی کبیر در سمت راست نواب ملک زاده مقابل شوهر ملک نشستند سایرین هر یک جای خود نشستند
و ششول شام خوردن شدند در شام مویشا پنجههای مخصوص سلطانی در اطاق دیگر باز و نواز ششول بود اعلیحضرت ملک در شام
زیاده اوقات ملاطفت جناب امین الملک فرمود و همچنین نواب گلزاده طرف صحبتشان با امر جناب معزی الیه بود و بعد از شام
اعلیحضرت ملک از روی صندلی برخاسته نزد جناب ایلیچی کبیر آمد اول سلامتی و جود مبارک کرد اعلیحضرت آقدس شیرازی و اوقات
علامات و سن مبارک اعلیحضرت شاهی و آداب و رسوم پیران استغفار فرمود و بعد اظهار ضایعی از رفقا جناب امین الملک
الهام را فکوس از ناخوشی ایشان نموده با انواع صحبتها میل و بی غرضی خود را در دوستی دولت ایران بیان نموده فرمود که نواب
باید مراتب اتحاد ما بین دوین شوکتین تجددی که زیاده از سابق بنظر آید جناب ایلیچی کبیر نیز در مقابل هر یک از فرمایشات
ملک جوابهای دافی که دلیل بر وفاداری قلبی اعلیحضرت آقدس شیرازی و نواب شرف ارفع امجد صدر ام و سایر اولیای دولت علیه بود
و اتحاد دولت انجمن بود عرض کردند اعلیحضرت ملک با هر یک از اتباع سفارت نربان فرانسه مکلم شدند و اظهار التفات
اندازده کرده بعد از آن بطرف جناب لار پارلمان رفته و نواب پرس شوهر خود را فرمودند که آمده با اتباع سفارت
فرمانید نواب معظم الیه نیز با هر یک از اهل محبت کردند خلاصه درین مجلس اعلیحضرت ملک ام التفاتها نسبت به جناب ایلیچی کبیر
بعد بیان اطاق رفته نشستند اعلیحضرت ملک نواب پرس الیه شوهر خود و جناب صدر ام و در برابر مؤخره و جناب ایلیچی
کبیر و شاهزاده پسر عموی خود را بخدمت خود احضار فرمودند هر یک را اذن نشستن دادند جناب ایلیچی کبیر را نیز در پهلوی پرس
جاء دادند بعد از صرف چای و شیشینی برخاسته تشریف بردند اهل مجلس هم هر یک بنزد خود معاودت نمودند
روز چهارشنبه جناب ایلیچی کبیر بدین جناب جلالت آداب لار پارلمان رفته بعد از مراجعت از آنجا سفیر
دول متحاطه بیازید جناب ایلیچی کبیر آمده روز پنجشنبه وقت ظهر جناب لار پارلمان بیازید جناب امین الملک
آمد از طرفین رسم اناسیت و مهربانی بعمل آمد بعد از آن تماشای عمارات پارلمان و بلور و سایر عمارات
عزیه و کلیسا و مشق توپخانه و قورخانه و جای عریب رفتند و رسم مودت و حرمت بعمل می آمد روز شنبه
شیراب حضور نواب ولیعهد دولت انگلستان شدند و کمال احترامات بظهور آمد (موکب فرزدی کوکب
هائون که از اردوی سیاهان به سیلاب اقامه تشریف فرما گردیدند معرفت انخاقان عباسقلی خان سردار لاریجان
با فوج ابوالجهمی خود و مقترب انخاقان محمد اسمعیل خان خزانه دار نظام حب الامرا و لیای دولت علیه بنظم اردوی
سیاهان و امر کشیک و قراول مأمور شدند کمال اهتمام را در نظم اردو و قراول حرم خانه و عبیره و انتظام
بعل آوردند همه شب جمعی سواره غلام و قراولان بخطر و حرات شمشیرانات در گردش بوده صرفت
و خلاف حساب بیسیچو جاتفاق نیفتاده مأمورین و رغیاب موکب هائون کمال خدمتگذاری را
بعمل آورده اند

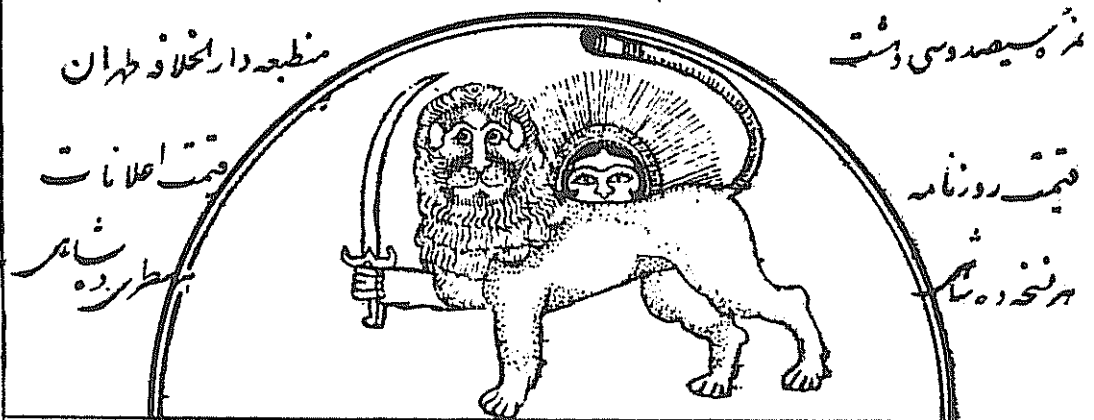
اخبار دول خارج

برودتی که باین دولت انگلیس و دولت چین است روز بروز کثرت میکند در این اوقات کشتیهای
 بنجار تجارتی انگلیس یک کشتی کوچک در جوار کانتان از محلی میگذشته است اچینی با پاره بقایها سوار شده
 هجوم کشتی بزور آورده و داخل کشتی شده کپتان و سایر اهل کشتی را کشته و کشتی مزبور را نیز آتش زده و غرق
 کرده اند گذشته از اینها جمعی اچینی با لباس سیاح یک کشتی فرنگی آمده اسلحه خود را بدست کپتان کشتی سپرده
 و بکشتی نشسته اند در آشنای راه منازعه ظهور کرد چینی که کپتان کشتی را با چند نفر کشته درین بین مباشرین جنگ
 بنجار کشتی از دیک بنجار آب داغ بر جسم چینی ها ریخته بعضی از آنها را تلف کرده اند و همچنین یک کشتی فرانسوی
 خیلی از اهل چین سوار شده و بجهت اجرای غرض و اظهار عداوت دو نفر از اهل کشتی را زخم زده بودند فی الحال از
 کشتیهای جنگی فرانسوی که در آنجا گذشت میگردند یک کشتی رسیده و نهمه آنها را دستگیر کرده سی و شش هزار تن
 بای آنها را از حکومت چین گرفته تا آنها را رها کرده است (در جزیره صراوات که از جزایر هند و سمیت جنوب
 چین واقع است انگلیسها که در آنجا اقامت دارند چند هزار کس اچینی را با یکجهه سوار کشتیهای خود و باغ و
 با آنجا آورده بودند در این اوقات که خبر جنگ انگلیس با چین در آنجا منتشر یافته بود چینی ها که در آن جزیره بودند
 شبانه مسلح شده ببردن شهر هجوم آورده چینی از انگلیسها را که در آنجا بودند قتل و اعدام نمودند فقط قایم آنها
 جزیره مذکور که این حالت را مشاهده کرده بود خود را بشنا جزیره دیگر رسانده روز دیگر با قایمهای متحد و
 کافی قسود با بنجار معاودت کرده بسیاری از آنها را زخمی و هلاک کرده است) (در روزنامه های سابق
 شده بود که نواب غلامدوق قسطنطنیه برادر علیحضرت امیر طور روس که پارس غنیمت کرده بود بمبارسیلیا و
 شده است بموجب اخباری که این اوقات رسیده است نواب معزی الیه در اوایل ماه رمضان پارس وارد
 شده و با علیحضرت امیر طور فراسه ملاقات کرده و بجهت تبریک قدوم نواب معزی الیه خیلی اجرایی
 نموده اند و لوازم احترامات ایشان از جانب دولت فرانسه بجا آمده و از آنجا غنیمت لندن را تقسیم داده در
 روزنامه تامیس لندن نوشته اند که در حالت غنیمت نواب معزی الیه از پارس بلند از جانب دولت انگلیس
 میسر و انطور که در پارس بجهت ایشان اجرای شدک شده بود در لندن ممکن نخواهد شد و مجموع کارخانه کشتی ساز
 خانه های انگلیس را تمام خواهد نمود) (موجب تفصیلاتی که چند دفعه بیان شده است از چند سال قبل ازین دو
 فرنگستان بکثیر قوه بحیره خود اهتمام دارند از جمله سفاین حربیه دولت پرستیه عبارت از چند قطعه کشتی بود و از
 دالما بختن کشتیها مبادرت نموده و یکی از لنگرگاههای آنجا را کشتی سازخانه کرده و همچنین دولت ساراند نیز بجهت
 تربید سفاین حربیه سوا کشتی سازخانه چنده سطحی را کشتی سازخانه قرار داده و آنجا بعضی مرتبهات و کجام میگذرد

اهل آن مدرسند وستان که در زیر حکومت دولت انگلیس است همچو قوت کوشت میخورند و در مذنب خود نشان
 اکل کوشت و آنچه از حیوانات اهل میاید از قبیل روغن و لبنیات حرام میدانند دولت انگلیس چند فوج قشون
 از آنجا گرفته فشک سر باری که میان آنها تقسیم کردند و با روغنی که از استخوان و غیره میگیرند بجهت روانی در وقت
 انداختن به لشکر بک کرده بودند فوج های مزبور در همین استعمال فشکها چون سر فشکها را با دند ان میکنند
 که به لشک بکار ببرند بوی روغن استنباط کرده و دمان خود را بر روغن آلوده میکنند چون این مرحله منافی بدست
 آنها بود یکبار یا غنی و عاصی شده بروی صاحب مضبان انگلیس که در میان آنها بودند هجوم آورده سر گردیده انگلیس
 بملاطفت آنها را خاموش کرده گفته بود که میفرستم بان محل که این فشکها را میارزند و مواخذه نموده قدغن میکنم
 که روغن در آنها بکار نبرند و بان تقریب رفع شورش آنها را کرده بود (در روزهای سابق نوشته
 بودند که از لندن تا یکی دنیا از راه بحر محیط طلشتیک میخو استند سیم تلفراف بکشند و قومیانیه مخصوصی بجهت
 کار تلگراف یافته بود و سیم و اسباب او را نیز موجود کردند چون ما این انگلیس یکی دنیا متجا و زان بهر ساعت راه
 اگر در میان دریایی از آن سیم ها مارده بشود تعمیر آن عدم امکان خواهد بود درین باب اصحاب قومیانیه
 حجت کردند و گذارش مکوث عنه ماند و چون کشیدن این سیم را دولت انگلیس خیلی لازم میدانند
 با صاحب قومیانیه بجهت انیت بخشائی در هر لی در صد چهار و نیم کفالت و تعهد کرده بودند در این اوقات
 دولت انگلیس قرار شده است که از حاصلات این تلفراف تا مدت پنج سال چیزی مطالبه نشود حال با اجرا
 تدابیر لازم بجهت کشیدن سیمها مباشرت نموده اند (سابقا نوشته شده بود که بجهت قلت مایات و کثرت
 مخارج دولت یونان بتوسط و تعهد دول انگلیس فرانسه و روس بستان قبل ازین دولت یونان از بخار
 دول مزبور تنخواهی قرض کرده و تاکنون ادای منافع آن معذورش نشده و در باب طلب هم در احقاق حق
 متصل می و اهتمام دارند بجهت اینکه درین خصوص صورت اضلاحي داده شود چند وقت پیش ازین یک قومیون که
 اعضای آن مرکب از نامورین دول مزبور بودند تلگراف یافته در این اوقات مجلس مزبور ختام پذیر شد و در مقابل
 این موضوع قرار گذاشته اند به انگور و سایر مریجات که از خارج داخل آفولایت میشود معذاری برسم که
 علاوه نمایند که بمنافع قرض دولت یونان داده شود (در باب حال ابریشم آنچه معلوم میگردد است برکت
 بخورد که اولیوم داده و ابریشم از او حاصل می کنند در سال گذشته علنی تخم ابریشم در فرنگستان عارض شده و
 از بعضی مجال مالک عثمانیه که تخم ابریشم اهل می آید خریده و فرنگستان بردند در این اوقات از بعضی
 چین تخم پیدا ابریشم که به برک چنار تربیت میشود بقدر صد و بیست من خریده و بشهر لیون آورده در آنجا
 بعل آوردن ابریشم آن مشغول اند

بقول تمام مشهور که در حقه باری ماهر و مشهور و مسلم است در این اوقات نیز در غارت و غنایم و بار آمده در بین باری
و انما صفت طایفه که در دست داشت بر سبک درگاه کش گرفته دست او را سوزانده و زخمی کرد چون
شاه را ایستاد که بشبه باری معروف و مهارت کاملش درین صفت متغی از توصیف است و در حقیقت
عده و صور مختلفه ظاهر نموده تاکنون اینطور عارضه باور نموده بود در این اوقات بسبب این گذارش
شهرت یافته و نزل نموده است (از تجارت انگلیس که در چین تجارت میکردند سه نفر در این اوقات تبحر و توقع جنگ
انگلیس با چین ترک توقف در آن ولایت کرده بیدار خود آمده اند و از تقریرات آنها آنچه معلوم شد است این است
که منظور دولت انگلیس از دست دادن کشتی جنگی و قتل و بچین طلب رضایت بلکه مقصود اصلی افتتاح یک باب بزرگ
تجارت است بچین ابر چین اطوارشان خیلی غریب است و باقصای طبع و حشمت ایشان قاطبه آن را در کره ارض از
مقی که باشد بنظر این نگاه نمی کنند و اگر اچنانکی از اهل چین با یک فرنگی امیرش و الفت نماید بان شخص جنگی
بر دست نیامد و بهر سبب که باشد او را گرفتار ضرر و خسارت می کنند با اینکه بسیار قبیح المنظر و غریب الیهات و کلام
می باشند و در میان کسی که بحسب صورتش اینه تحسین با نیت عالی و ادانی الوده کبر و غرور و مغروریشان از
تقریب بیرون است حال مدت سی سال است که دولت انگلیس سفرای متعدد بچین فرستاده و داخل بودن در این
تجارت را خواست کرده و بجهت حصول مقصود چهار دفعه به دولت چین اعلان حرب نموده و بخرافتاح لنگرگاه کانتون
و اموی و نیمپو و شانگهای و قوشو و تسچو جزیره خونخوار بچینی دیگر موفق نشده است و ازین سفرای متعدد که
از انگلیس بچین رفته اند فقط یک نفر بحضرت خاقان چین باریافت و در ضمن تجارت با این دوین انگلیس و چین تنظیم یک
نامه را عرض نموده است خاقان چین از اینکه رعایای زیر حکومت او از چهار صد میلیون که هشتصد که و غلبه باشد متجاوز
خود را تمام روی زمین فایز میداند جواب داده است که انگلیس اگر میخواهد با دولت چین معاهده نامه تنظیم نماید
یک شرط معاهده نامه این است که انگلیس باید باج و خراج گذارد دولت چین باشد لهذا سفیر مذکور بی نیل مقصود و مراد
نموده تا این اوقات کار بخر جنگ شده است از وقتی که گذارش جنگ چین نشر و اعلان شده است در باب تنظیم
احراق شهرکات آن احوال مختلف در روزنامه های فرنگستان و جرین اسلامبول نوشته شده است ولی از قرار تقریر
این سه نفر باجر انگلیس که از چین آمده اند ضبط و استیلاي شهرکات آن باین سانی همیت اگر چه بنا ای که ترا بخر
شده است بخیلی اشیاء بالغ گردیده ولی بخر تمام شده و جمیع شهر مذکور از یک طایفه که دو کرد و بجا متجاوز است
(بجهت ایضا معلوم از جانب جمهوری که دنیا به قطعه کشتی که هر یک سی و شش توپ می کشد بهمت چین فرستاده
که با کشتیهای جنگی دولت انگلیس متفق شده در پیشگاه کانتون چین مشغول جنگ و زد و خورد با اهل چین
باشند

روزنامه قاجار اتفاقیه تاریخ یوم شنبه ۱۲۷۳ هجری قمری
شهر نجف اشرف



احبار و ائمه ممالک محروسه و پادشاهی

دار الخلافه طهران

اعلیحضرت امیرالمؤمنین شاهنشاهی که بیایلاق امامه لسان شریف فرمادند چنانچه روز در آن
توقف و تفرج فرموده در روز و شب بیت دیکم ماه و نهمه معاودت و تقصیر نیادران نزول اجلال
(چون مرحوم و الطاف کاظم طوکانه در تمهید موجبات تسکین و آرامش و تقدیم اسباب استراحت
نسبت به عموم رعایا و پیرایای ممالک محروسه که از هر مل و مذاهب مختلفه باشند درجه مساوات دارد و
تفاوتی در عمل آمدن و باعث سودگی و رفاهیت جمیع رعایای پادشاهی خواه اهل اسلام و ایمان خواه
و نصارا و مجوس و سایر مل و ادیان باشند منظوراید و میباید قاطبه آنها بلا تفاوت در عهد امن و امان
اذیت و آزار مرفه الحال گذران نمایند و باید مکر موافق قوانینی که در شرع و عرف متمدنست رفتار کرد
بطوری خوب مامیست نمایند و نسبت بیکدیگر خلاف قاعده و حرمت روانه دارند علی بن ابی طالب
درین روزنامه اعلام میشود چنانچه سابقا در روزنامه مستند راج یافته نباید از اجامه او باشد و اطفا
سین دار الخلافه الیه و سایر بلاد محروسه بعد از دره خلاف قاعده و اذیت و منافعی حرمت
جمیع اهل مل و مذاهب خواه یهودی و نصارا و مجوس و خواص سایر مل و ادیان باشد و آید و
عاقله و پدرو مادر آنها ازین حرکات و اطوار خلاف آنها را مانع آیند چنانچه بی حرمتی و بی نظمی و منافعی قاعده
از اطفال اجامه او باشد و هر یک از اهل اسلام نسبت به یهودی و نصارا و کبر و سایر اهل مل و
و مل اتفاق میقد باید حاکم و پیکار و کلاتر و کدخدایان دار الخلافه و سایر ولایات محروسه اجامه او باشد
و عاقله اطفال را چنان تنبیه و تادیب نمایند که دیگر مرتکب اذیت و آزار عتبت پادشاهی نشوند و باید مکر

کمال قاعده و بنایست حسن رفتارها شایسته بکنند و یکی پانهای بود کی مشغول کاسبی و لوازم عیشتی باشند
 (اگرچه شاهزاده محمد یوسف مستکام استبدادی هر ت طوری با اعمال خلاف شرع مستطاب و افعال
 منافی عدل و انصاف مرتکب شده بود که حمایت و اصلاح اولیای دولت علیه با و کافی نیامد با وجود تدابیری
 که در اصلاح عمل او و اسکا متظلمین و شکایت کنندگان از جانب اولیای دولت بعمل آمد باز با چار موافق
 شرع انور بجز او مکافات عمل خود رسید لیکن اینطور اتفاق دین ان می شود که الطاف ملوکانه و توجهات اولیای
 دولت علیه در حق بازماندگان و متبمان و دوستان و سلب شود لهذا شخص شمول الطاف مانده در باره
 منصوبان او یکثوب جیه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محمد ضیاء برادر شاهزاده محمد یوسف و یکثوب
 جیه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محسن پسر عموی او برسم خلعت از خند و قحانه مبارکه حمیت
 کردید تا در اظهار مردم علایم عواطف خیر و انی نسبت بانها واضح و آشکار آید) (جناب مجدت و بنای
 استسرا جبرافدی شارژ در دولت عثمانی که از دولت متبوعه خود پس اجازت مرخصی موقت حاصل
 کرده میخواهد درین چند روزه روانه مملکت خود باشد و روز سه شنبه بیت و ششم شهر ذیقعد شریفیاب
 حضور انور سرکار علیحضرت اقدس هایون شاهی دامت شوکته کشته مرخصی حاصل نمود و جناب شریف
 ارفع امجد صدر عظمی را ملاقات نموده و واع کرد باقتضای اتحاد و مصافحت دولتین اسلام که کار گذارا
 جانبین حکم و احدها دارند از جانب سنی بجواب ملوکانه یکقطعه نشان و نشان مثال هایون مکتل با
 از درجه دوم بر حسب فرمان هایون و حق او و غایت شد عایجه مجد استسرا سیرجان داود خان
 مترجم اول دولت علیه شان و فرمان مزبور را بان شان سرسکی اول و حامیل سفید مخصوص ان با
 یکطافه شال کشیری برای عایجه مجد استسرا ممتاز افندی صاحب منصب سفارت دولت عثمانی
 که سرسرا جناب معزی الیه روانه است سفارت اند دولت مقیم طهران برده ابلاغ نمود) (جناب
 مجدت و بنای سرسرا سیولاخوفسکی شارژ در دولت روس که از وقت ناموریت خود باقیات
 در باره دولت علیه آثار خیرخواهی دولتین را با نظر هر کرده ملاحظه اتحاد و موالات نکستین از جانب
 سنی بجواب خنده انی یک قطعه نشان و شیر و خورشید از درجه اول و حامیل سبز سیر مخصوص آن
 بر حسب فرمان هایون مرحمت و عنایت شد عایجه مجد استسرا میرزا محمد علی خاصه وزارت امور خارج
 نشان و حامیل فرمان مزبور را بمنزل سفارت اند دولت ابلاغ کرد) (چون مقرب انخاقان ذوالفقار
 حاکم قم و سواده باقتضای کمال مراقبت که در نظم امور دلم و خارجه ولایت ابوالجحی خود دارد و از آنید
 در رنده و قواعیل و قطاع الطرق یکایک استحصا حاصل مینماید در این اوقات پنج نفر قطاع الطرق که در راه

تم دکاشان و اصفهان مال قافله و متر دین را سرت کرده میروند دستگیر نمود و مصحوب ده نفر
 غلام در بار معدلت مدار فرستاده ابعضی در پیشگاه حضور عطا وقت دستور اعلی حضرت اقدس هائون
 شاهی مستحسن مقبول افتاده محض ظهور رحمت و عنایت ملوکانه در حق مقرب انخاقان مشا رالیه
 یکشوب کجی ترمه از ملبوسات تن مبارک برسم خلعت در حق او رحمت فرموده و موقوفه فرمان هائون
 نیز نمیشی بر اهلها را لغات و عنایت با قضا و او شرف صدور یافت (چون عالیجا مقرب انخاقان
 میرزا رحیم پیشخدمت محصل محاسبات دیکه زاذن نفاصا و کن بجهای محاسبات و انعام دستور العمل
 ولایات و انجام خدمات محوله کمال اهتمام و حسن مراقبت خود را مشهور و ملحوظ خاطر اقدس هائون
 شاهی و انای دولت علیه داشته خدماتش مستحسن مقبول و مورد توصیف و تحسین جناب شرف
 امجد ارفع صدر اعظم فخرم و سزاوار مرتبتی مجده آید لهذا در این اوقات از جناب سنی اسحاق انیس
 هائون یکشوب جیه ترمه اعلی از ضد و فحانه مبارکه برسم خلعت در حق مقرب انخاقان مشا رالیه مر
 (عالیجا حسین خان قاجار ناب نشی بانی که چند وقت قبل ازین از دربار هائون مأموران سوا
 و پیاده نظام و شاهرو و حامل بقیه موجب آنها از خزان مبارکه بود و در آنجا گردیده سواره
 مزبور را احضار کرده و در حضور مقرب انخاقان جان محمد خان حاکم آوله سب و عالیجاه محمد باقر خان
 سر کرده نوکر مزبور سان آنها را از سواره پیاده بدقت دیده سواره همه با اسب و سبب خوب پیاده
 با تکت و سبک خوب جوانان رنبد و شایسته در کمال راستی سان داده اند و ماتی موجب سینه
 لوی نیل آنها را عالیجا مشا رالیه در حضور حاکم و سر کرده نفر نیز از سواره و پیاده بخودشان نشیمن
 محوله بخود را انجونی انجام داده و امور نوکر انجا را نظم نموده عازم دربار معدلت مدار هائون گردیده
 (امور دار انخله طهران احسن مراقبت و مواظبت کار گذاران دیوانی در کمال انتظام است و
 قدرت حرکت خلاف حساب و تقدی نسبت بدیکری ندارد و سرقت و شرب و شرارت بسیار
 اتفاق می افتد و اگر احیاناً بندرت کسی مرتکب سرقت یا هرزگی شده باشد بتنبیه و سزای عمل خود
 میرسد امسال بجهت آلودگی فراوانی و آزارانی در این ولایت حاصل است و غله و میوه از آفات سال
 و خوب آمد کرده و هر چیزی و مورد دارد و نند انچه میگویند از امراض و علل که سالهای دیگر بسیار بود
 امسال ظهور و بروز ندارد و اگر چه چند روز است که کما شدت کرده است ولی سلامت مقدون است
 قاهره نیز سه روزه در میدان ارک و بیرون دروازه متعول مشق میباشند ولی چون هوا گرم و صبحها
 زودتر حاضر مشق میشود که تا بوقت گرم شود از مشق فارغ شده باشند

سار ولایات

از ربا بایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند اینست و انتظام کامل در انولایت حاصل است و
 انولایت در عین فراغت و آسودگی خاطر بدعا کوئی ذات اقدس بایون شاهی شتعال دارند و وی دولت
 ابد ارتام مؤتمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل ملک آذربایجان در انتظام ولایت و
 امور نوکرو عتبت و انجام خدمات دیوانی اهتمام تمام دارد و رعایا و برابرا از حسن سلوک و مراقبت مقرب انجمن
 مشایخه بعض و داد مردم نهایت رضامندی و شکر گذاری را دارند (دیگر نوشته اند که خلعت مهر
 بایون که از جانب سنی الجوانب علی حضرت شاهی با فتح رتبه می فدوی دولت ابد ارتام مؤتمن سلطان
 وزیر نظام محبت شده بود در غره ماه ذی قعدة الحرام با تاجا بر تو وصول فکند و لو ارم استقبال و توقیر و احترام
 خلعت بایون را بعل آورده در قورخانه مبارکه زیب برود و شش مغررت و مبات نموده و از آنجا جاسیج
 و مشرکان و صاحب مضبان نظام داعیان و اشرف ولایت بهای خود مرحت کرده صرف شربت و شربتی
 نمودند) (دیگر نوشته اند غله که در آذربایجان سیر داشت امروز و روز مؤتمن سلطان در نظام اکنون
 روز بروز تنزل کرده و میکند کندم بسیار از اطراف می آورند و در همه دکا کین جباری نان بسیار است و
 مردم در دکان جباری مثل سابق مطلق نمی شوند و محض و رود و بکان جباری نان گرفته میروند و عموم انولایت
 خصوصاً فقر و ضعیف ازین ریکد رکال آسودگی و شکر دارند و بیدهای ذات اقدس بایون شاهی خلعت
 ملکه و سلطان شتولند و مؤتمن سلطان مشایخه قدغن نموده مقرب انجمن محمد رضا خان بیکلری دارالسلطنه
 تبریز و عالچان میرزا نصیر که خدا بایشی و سایر که خدایان شهباده در شهر و محلات گردش نمایند که شهر از
 آسب در دودغل محفوظ و محروس باشد) (از دزدان کرمانه که در روزنامه انولایت نوشته شده که کرمی کرمانه
 ستول و اسباب او را سرقت کرده سه نفرشان با در بایجان رفته بودند و تقر آنها در تبریز دستگیر شده
 حبس انکرم باه های نواب شاهزاده عماد الدوله حکمران کرمانه مان سپرده شده روانه کرمانه مان
 گردیدند) (منجه نام اسکوئی مشهور و غیر او غلی که از جمله اشرا مشهور و همیشه اوقات در کتب هرزگی و سرارت
 و مردم از آزار و اذیت او بیستوه آمده بودند در این اوقات دستگیر و حبس انکرم قبیله و سیات کرد
 و همچنین حاجی نام قراکلی نیز که از جمله الواط و اشرا بود و برای عمل خود گرفتار شده قبیله و سیات شده
 و مهدی حاجی نیز در کار و انشای مرحوم حاجی سید حسین قدری مال سرقت نموده بود و اموال مسروقه
 از او بهیستما سر د و صاحب مال تسلیم شده و او را مجبورس کردند تا بعد حکم آن بشود و چند نفر دزد نیز که در
 حبس بودند هر یک را چوب سرقت و سرارت قبیله و سیات شدند

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند خلعت مهر طلعت هالیون که با قی ز نواب مستطاب
 مؤید الدوله حکمران مملکت فارس مرخص شد بود در بیستم شهر شوال بانجا رفت و وصول آنکند نواب معیری الیه با مالی و عیان
 لوازم استقبال و توقیر و احترام خلعت هالیون را بعل آورد و در باغ نوریب برودش مفاخرت و مباحث نمود و
 فرمان هالیون را که لبرافزاری نواب معیری الیه شرف صد و ریافته بود وراثت و ادای خطبه بنام آقدس هالیون
 خلد الله علیه و سلطانه نموده و صرف شربت شیرینی کرده بشهر معاودت نمودند و همه روزه بتنظیم و تنسیق امور دولتی
 مشغول شدند و مقررات خان حاجی قوام الملک و میرزا ابوالحسن خان شیرالملک و حاجی محمد هاشم خان دیوان یکی
 و میرزا انیم لشکرلو بس باشی فارس و میرزا محمد علیخان مستوفی و سایر چاکران و کارگذاران دیوانی در انجام
 معات و خدمت محوله بجز داتهام کامل دارند (دیگر نوشته اند که درین لجه اندکال خاوانی و ارزانی در فارس
 حاصل است و رعایا و برابرا سوده خاطر بجا کوئی ذات آقدس هالیون شایستهی استقبال دارند) (دیگر نوشته اند
 که در منف فرسخی قصبه جرم تنگه ایت مشهور به تنگ کجوه درین روزهای نقرقطاع الطریق آنجا رسته بودند
 قافله از لار نزدیک تنگ مزبور رسیده بقانون احتیاط سگری بدور اموال خود بسته توقف کرده بودند
 درین پن پیله مردی از میان قافله بیرون آمده بود که بجهم برود و چاره دزدان شده دزدان تحقیق قافله را
 کرده بودند گفته بود که قافله با مال زیاد در طان محل توقف دادند شکاری بنه از آنها بدست شما بخوابد
 دزدان نیز بطرف قافله روان شده بودند اهل قافله نیز همه با تنگ و تیر انداز خوب بودند همینکه دزدان نزدیک
 و بیرس رسیده بودند قافله یک دفعه بروی دزدان شلیک کرده ببت و نه نفر آنها هدف تیر شده و بجا کشته
 افتاد و یک نفر جان بدر برده بود و هنوز معلوم شده است که دزدان آنچه طایفه بوده اند) (دیگر نوشته اند که
 مرزعه کردن جزو قریه مائین اربابی عالیجا میرزا محمد علیخان مستوفی را صاحب زده جمیع خانه را با آنچه
 در خانه بود و کلاً سوزانده و تلف کرده بود و لی ضرر جانی کسی نرسید) (دیگر نوشته اند که عالیجا هم در آنجا
 سلیمانخان فاش میرنجه با فوج اخلاص و سواره نظام و فشار اوبو ابجمعی خود در بهمان توقف دارد چون
 شیراز به انتظام صفیات کوه کیلویه و بهمان از هم کینجه بوده مالی آنجا پریشان احوال گردیده اغلب متفرق شده
 بودند در این اوقات مقرب آنخان مشایر الیه باقتضای حسن سلوک و معقولیت مالی آنجا را امیدواری بخواه
 اولیای دولت قاهره داده تفرقه آنجا جمع گردیده با کمال دگر می مشغول امور عیشتی خود شده نواب مستطاب
 مؤید الدوله و امیرالامراء العظام کشیکچی باشی از حسن سلوک او بارهای آنجا اظهار رضایت کرده اند) (عده الله
 فضلعلی خان امیر تومان احوالش قدری ناخوش بوده است بجه سرقد بودن دشت ارزنه بانجا رفته و
 مشغول معالجه میباشد

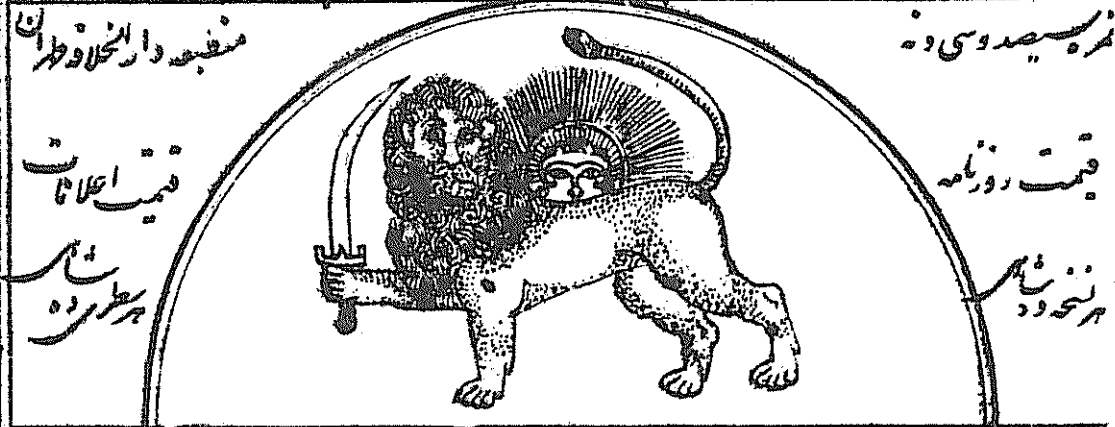
کرامت بان از قرار یک در روز نامه کرامت بان نوشته اند امور آنولایب احسن مراقبت توان
 مستطاب عماد الدوله حکمران کرامت بان منظم و در نظم امور نوکرو عت و انجام خدمت دیوانی کمال تمام
 بعمل می آورند (از وقایع اتفاقیه نوشته اند که سید ابوالحسن که کچی را در شب عید در خانه خود شکسته و اموا
 او را برقت برده بودند مراتب بعضی نواب عماد الدوله سید بکانترو و که خدایان قدغن اید نمودند که حکم
 قاتل را پیدا نمایند و در تفحص و جستجو بودند تا آخر که خدا ابوالقاسم رده دزد را برشته نفع آنها را
 کرده بود که در دهکده میرزا علی اکبر لشکر نویس که در نیم فرسخی شهر است باشد مراتب را خدمت نواب برده
 نموده فرستادند آن سه نفر اگر قه آورده اند خان شب که در دوان و سیکر و مجوس گردید این یابن با بود
 رزگر با پیش از گرفتاری در دوان مطلق گردید خدمت نواب معزی الیه آمد عرض نمودند که این دزدان
 و سباب زیاده و اقبیل طلا و ترمه و حریر و غیره آورده با فرخواستند و سباب الان دزدان ما موجود است حکم
 که آن خنجره بیکر را هم بکشد یکی از آنها را که شفیع خان نام چشمه سفیدی بود گرفتند سه نفر دیگر قدری از اسباب
 سر و قه و ختمه و مایه دست کرده بهمت آذربایجان رفته و باقی اسبابها را در خانه های خود گذاشته بودند
 بعضیها بیرون آورده و چند نفر غلام مورثه که رفته آنها را از آذربایجان گرفته بیاورد و یک نفر دیگر نیز سر را حین
 توپچی کرامت بان بود که فرار کرده بود عالیجا فرج الله بیک را و توپخانه حبس حکم سه نفر توپچی فرستاده قتلند و در
 حوالی همدان در دهکده بهار گرفته آورده و کشت را الیه سباب سری خود را که ترمه و حریر بود در خانه خود میان دیوار گذاشته
 روی او را گامک اندود نموده بودند و کشتی داد رفته از میان دیوار بیرون آورد و کتبی که کچی مقول گفته بود در میان
 کتبیانی کرده گذاشته ام بعضی از اسباب سر و قه را هم دزدانی که اول دستگیر شدند در همان دهکده میرزا علی
 لشکر نویس پرده بودند فرستادند از آنجا آورده و با بچه اسباب و اسباب سر و قه و بوره مقول تسلیم
 قاتلین آنچه دستگیر شده بودند سوای توپچی که مجوس است باقی بیک نواب برده بیست سینه (دیگر نوشته اند
 که عالیجا میرزا محمد خان غلام شیخ مت حبس حکم نواب مستطاب عماد الدوله نامور زاب کردید که رفته
 سان سرباز کوران و سواره سنجابی ابوالجنتی عالیجا اسد الله خان سرتیپ را پیوسته عالیجا مت را
 با آنجا رفته سان سرباز و سواره منور را بدقت دیده و رسیدگی کرده و ششمر حجت نمود و بعد از فرا
 از سان آنها حسب حکم نواب معزی الیه مقرر شد که رفته سان سواره ناخکی و کلیانی را نیز بپند
 (دیگر نوشته اند که کمال فراوانی دارائی در آنولایت بجهت الله حاصل است از جمله کندی مخر واری مفتاح
 دسار و جو خوار و چهار هزار دینار و روغن کین و دهنار و پنج هی و پنج کین و دسای و نان یکصد
 و سابر اجناس و جویات نیز باین نسبت فراوان دارند

اخبار دول خارج

کذاش رفق نواب غراندوق قسطنطین برادر علیحضرت امپراطور روس بفرانسه و اکرام و احترام علیحضرت
 امپراطور فرانسه نسبت بنواب مغربی الیه در روزنامه سابق نوشته شد در این اوقات از جانب علیحضرت
 امپراطور روس نامه مخصوصی بمنبری برانکارشکری با علیحضرت امپراطور فرانسه ارسال شد از جمله اکرامات
 دولت فرانسه بنواب غراندوق قسطنطین اینکه از خبری که نواب مغربی الیه اقامت دارند تا بطریق مجتهد
 مخصوصاً یک خط تلفاف کشیدند نواب مغربی الیه بعد از ملاقات با علیحضرت امپراطور فرانسه شهر
 رفته اند و مؤخر اتمام کشتی سازخانه های مالک شتی فرانسه غربت کرده بعد از ملاقات علیحضرت امپراطور
 فرانسه از جانب علیحضرت ملکه انگلیس نواب مغربی الیه بلندن دعوت شده بود ولی بجهت بیماریات نالایق که
 روزنامه های لندن در حق نواب مغربی الیه نوشته بودند صرف نظر از رفتن بلندن نمود فقط قرار شد که
 علیحضرت ملکه بجزیره ویلکه در تحت حکومت انگلیس است می آیند نواب مغربی الیه نیز با نجات یافت بلکه ملاقات
 نمایند (در حوالی جزایر که در تصرف دولت فرانسه است بر قایقه تاکنون متعلق دولت فرانسه
 گرفته اند و بجهت دولت فرانسه که در جزایر مستند از آنها ادیت و بخش بطور میرسد بجهت دفع فسادات
 تا حال چند دفعه قشون از فرانسه فرستاده شده بود باین جهت در پیامده اند علیحضرت امپراطور
 فرانسه در غرض شهرشوال بجهت محاربه با آنها یک اردوئی مرکب از بیست و پنج هزار قشون ترتیب داده و
 قومانده انی اردوئی منور را بجانب مشل راندون محول فرموده اند) (علیحضرت امپراطور استریش
 سیاحت بعضی محال بحارستان غرمت نموده بودند موجب روزنامه که این اوقات رسیده است
 بتهرینج تشریف فرما شده و بچهار محلیه آنها را که مشاهده نموده اند صد و بیست هزار تومان از دولت اعطا کرده
 که در شهر ملبوریک مکتب زراعت و یک باغخانه بزند و سوای آنها نیز قرار داده اند که باز از دولت وجه
 مصارف داده یک دارالفنون و دو عمارت بجهت اطعام فقرا و مسکین و چند باب مکتب اطفال و یک
 نمونه خانه بزند) (از اشیای یونان غلبه لکن نام که مدتی در یونان با انواع سیرت حیات اقدام نموده است
 در روزی که مردم در کلیسا بودند با چیل و پنج هزار نفای خود بقصه قریب نام هجوم آورده اغلب خانه های انجاریا
 و عمارت کرده بعد از آن از اقربای و ریزامو خارج یونان شخصی را با یکی دیگر گرفته بکوه برده اند و بجهت خلاص
 چهار هزار تومان نقد و عفو از جنایات گذشته را از دولت یونان طلب کرد، اندک ایش بدو یونان انظار شده و
 استخفاف آنها هر چه سعی کرده اند فایده پذیرفته بالآخره و بستان آنها چهار هزار تومان را نقد سرانجام کرده
 سابق منور فرستاده آنها را خلاص کرده اند و عفو جنایات آنها از دولت یونان معلوم نیست

هر دولتی در خصوص مجلس شورای نظامات موضوعه شش طوری دیگر است از جمله و مجلس بالنتوان مجلس در لندن
قرار این است که رئیس مجلس را می اعضای مجلس شش نفر است و این مجلس می تواند یک قدم پای بیرون بگذارد و این قاعده
اقتصادی اصول قدیمه است در این اوقات که مجلس بود منعقد شد است اعضای مجلس نام مشغول کار بودند
رخصت رئیس را خاطر فراموش شده متفرق گردیدند رئیس مجلس قتی طفت که تنها در روی صندلی خود
و اعضای مجلس همه دفعه انداخته بود که چکند آخری از خدمتکاران او بیرون رفته در کوچکی از اعضای مجلس را پیدا کرد
بجلس آورد تا رئیس مزبور بامت از مجلس خلاص گردید (در مالک فرست صاحبان کارخانه های که از
پرورش میدهند تاکنون بجهت پرورش دادن آنها اسب و حیوانات ارکارانده را بخواص زالوا می بستند
ان حیوانات را یکده زاد و ولدشان زیاد بشود در این سال فقط در ایالت ژیرون فرست حساب کرده اند که
حیواناتی که زالو ها خون آنها را مکیده و تلف کرده اند به بیت هزار رسیده است چون این مرحله مغایر شیموت
و نایب است لهذا در این اوقات علیحضرت امیر اطراف فرست حکم کرده اند که این قاعده موقوف بشود و یک نمون
ترتیب داده زالو ها را تدبیری نمود و بچیز دیگر پرورش بدهند که حیوانات اینطور تلف نشود) (تاکنون چنانچه
بکرات در روزنامه ها نوشته شده است بجهت در آوردن طلا از معدن کلی فارینا و استرلیا و غیره که تازه پیدا
شده اند هر سال از مالی فرنگستان چند هزار کس ترک وطن خود کرده بجال بر قوم میروند درین سال از فرنگ
استوخ و لور و جیا یک قصبه که هزار و صد و چهارده خانوار بودند تمام خانها و دکانها خود را بر چیده هوای
طلا باسترلیا و بنگی و بنا غنیمت کرده اند و ازین قبیل در سال گذشته از حکومت کلنبورق پنجاه و یک نفر از
بانجا نقل خانه کرده اند و درین سال نیز خیل آدم عازم آنجا شده اند و خصوص غنیمت آنها بعضی جبات از
حکومت محلیه داخل تحت صحبت شده است) (در جوار پاریس از یک خانه زنی فقیر بجهت شکاری غنیمت شهر نموده بجهت
خرچی راه مایملک خود را بمنج ده توان فروخته و شتری در مقابل قیمت و بجای پول کاغذی دولتی که بکس میگویند کاغذی
با و داده فرار کرده بود ضعیف بر راه آمد پول کاغذی در آورد و بود که اجرت نکند بدست معلوم بود که این کاغذ پول نیست و بط
بیچاره که همه میگویند این را داشت یا شش و پیری بگریه افتاده یکی از سیاحان بجال او حرم آمد بخدمتکاری خود قبول و گریه گاه
و خرچی او را داده پس او را آورده بود مدتی در پاریس بخدمتکاری مشغول بود درین اوقات اقبال تصادف خیار هزار تومان
که لاثاری کشیده بودند با اسم بلطی که در دست ضعیف فروخته بود در آمده و تنخواه تسلیم او نموده بودند آن شخص که
بضعیفه بجای پول کاغذی داده بود خبر شده بهر ضعیفه آمد که این بلطی سهوا بجای پول کاغذی بتو داده شده است
و وجه لاثاری بمن میرسد ضعیفه حرف را شناخته بضعیفه پان ما جرات نمود و ضعیفه و را فی الحال که ضعیفه بکس حکومت
دزدی او معلوم شده آن ده تومان را هم از او گرفته بضعیفه او تسلیم کردند و خود آن شخص را بجهت سرقت محبس نمود

روزنامه فایده ایستادگی یوم شنبه سهریج الحرم بنی اسلانی



اخبار و احکام محروم پادشاهی

اردوی هالیون
 علیحضرت اقدس پادشاهی در بیاق نیادرین تشریف دارند و بر وجود فایض ایجو و هالیون
 بسیار خوش گذشته و ای شمیمات سم در کمال خوبت امضای دولت علیه و مقربان حضرت کرده
 بسط سینه صاحب مضبان نظام و خوانین عظام واریات سلم و سایر خدمت روزانه هر یک بجدات حرم
 خود مشغول و وقت سلام شریف با حضور باهر النور اقدس پادشاهی برون گردیده و بجاز الفضای سلام بر خدای
 خود میروند و بعضی از روزانه هم خاطر مبارک بایل تفرج و تکار شده و سوار می شوند و اطراف شهرات را نظر
 میفرمایند (عبارت که ورنی که باین دولتین ایران و انگلیس بر جو بسته بود و بجد الله تعالی از حسن نیت اولی
 دولتین مرتفع شد و عهد دوستی کلکان بلکه بهتر از اول پایه استحکام گرفت و در صورتی که اصل داده که محل کلان
 ملاحظه بوده باشد مرتفع گردد و بملاحظه دوستی دولتین از خواشی و متعلقات آنهم اگر چه عمده باشد باید
 نظر شود و علی الخصوص وقتی که عهد اندا کرده و مقرر گردیده باشد بهیست وقتی که میان دو دولت علامت عداوت
 و خصومت ظاهر گردد و امر منجر نزاع و جنگ شد از متبلمان طرفین می شود که یکجکس بروی باغراض نفسیه
 خود نماید و مراده باعبار دشمن بکند و مصدر حیاتی نسبت به دولت خودش نشود لهذا از برای اطمینان
 خاطر چنین اشخاصی که مین جنگ مصد چنین حرکاتی شده باشند اعلام میشود که از عتوب این یک حرکت
 معاف و هر چه که داشت بجهت این یک حرکت خود مورد تمیبه و اذیت و تعدی نخواهد بود) (نویسنده)
 مستطاب هزاره و الا روضه الله و فیروز میرزا که از آذربایجان برکاب مبارک احضار و شرفیاب حضور
 هر طور خسر وانی گردید نظر بطور حرم ملوکانه در حق جواب معنی ای از جانب سنی ایجاب اقدس پادشاهی
 باعطای یکجکس و یکجکس ملوکانه مبارک مخلص و سرفراز شد

۲۲۳۳

چنانکه سابقاً در روزنامه مطبوعه در اختلاف الباهره کاشان یافت مقرب الخاقان هاجان سرتیپ بعد از مبادله عهد
مصاحبه فاین دو لیتین ایران و کلیس باقصای دوستی و ملت انجانب سنی انجانب ملوکانه مأمور بر سر حد عراقین عرب
عجم شده لازم پذیرائی و احترامات جناب عالی سر می وزیر مختار و ولی محض دولت انجلیس را مأمور در اختلاف و بعد از
و در کل منازل عرض راه و در دستور العمل و لای دولت علیه و مراقبت مقرب الخاقان سرتیپ را به احترامات
شایسته انجانب معنی الیه تقدیم رسیده نواب نهاده و بالا عداد الدوله حکمران کرمان در خاک ابوالجهمی خود و
مقر الخاقان هاجان محمد الملک حاکم همدان و ذوالفقار خان حاکم قم و میرزا موسی وزیر دار الخلافه الباهره
و مباحثین عرض راه هر کدام در خاک سپرده خود رفقای در پذیرائی سفارت نمودند که سزاوار دوستی و دوست
کافه باین دو لیتین محتاجین بود و جناب سرتیپ الیه و صاحب منصبان سفارت کمال دلخوشی و خوشوقتی از احترامات
و اینکه ملاحظات دوستانه اولیای دولت علیه حسن فراموشی الخاقان هاجان سرتیپ حاصل نمودند و در
و روزی که در اختلاف حسب المیزان مقرب الخاقان حاج الدوله چادر احترام درختی آباد با اسباب
و توقیر سفارت برپا مستقبلین است علی الاموال نظام عباسقلیان سیف الملک از قرار تفصیل باخشی آباد
و سلطان

نتیجه انجانبین اعظام جهابگیران سرتیپ عالیجناب مقرب الخاقان محمود خان سپهر موقر مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان
که مبادله عهدنامه در بغداد با جناب وزیر نظام از جانب جناب امیر اشرف ارفع نایب الوزاره امور خارجه از جانب جناب
مختار نموده بقعه الفت با ایشان و صدر اعظم فحاشا من لضا بوزیر امور دول خارجه

۲۲۳۴

عالیجناب مقرب الخضره العلیه محمود خان کلاسر عالیجناب محمد شمس راه جان دادو خان عالیجناب مصطفی قلیخان یوزباشی با پنجاه نفر
دار الخلافه الباهره سرتیپ مترجم اول دولت علیه سواره نظام و علام بادشاهی

نایب اصطلح تایلون با سه ریس نایب طرابلسی با ده نفر شاطرا نایب فراسخاه بادشاهی با بیست نفر فراسخا
ایراقی طلاله الیه دروازه شهر شاطرا نایب دروازه شهر شاطرا نایب دروازه شهر شاطرا
سواری جناب سرتیپ یک مختار مقرر سفارتخانه شهر مختار مقرر سفارتخانه شهر مختار مقرر سفارتخانه شهر

نمودند و در چادر دولتی بعد از تقدیم مراسم احترام با اتفاق هم سوار شدند تا سفارتخانه شهر آمدند مقرب الخاقان سیف الملک
انجانب سنی انجانب تایلون علیحضرت اقدس شایسته اظهار تقصیرات ملوکانه و همچنین از قول جناب شرف امجد ارفع
صدر اعظم ابلاغ رسوم محبت و مودت بطریق بیان فصیح جناب مغزی الیه نمودند هنگام عبور جناب مغزی الیه یاد
نظام بادولت نفر سوار در دم دروازه محمدیه احترامات عسکریه بعمل آوردند هنگام ورود جناب وزیر مختار بمنزل سفارت
شهر یادولت نفر سوار در دم سفارتخانه احترامات عسکریه بعمل آوردند قبل از ورود جناب وزیر مختار
بمنزل سفارتخانه ده خواججه شیرینی نقل و قند از جانب سنی انجانب تایلون در اطاق حاضر بود بعد از ورود جناب
وزیر مختار سفارتخانه پنج مجسمه شیرینی از جانب جناب شرف امجد ارفع برای تهنیت آوردند مستوفیان اعظام باباس

عراق از قریه در روزنامه عراق نوشته اند امور آن ولایت از حسن مرقت مقترب انخافان میرزا حسن
 حاکم عراق قرین نظام است و امالی آن ولایت آسوده خاطر به عاکونی وجود فایض ایجاد آید سن تا یون شایسته
 خلد الله ملکه و سلطان اشتغال دارند بجهت سرمای شیدی که در اوایل این سال در بعضی بلوکات عراق
 اتفاق افتاده بباغات و میوهات ضرر رسیده بود رعایای انجا متفرق و پرتان شده بودند مقترب انخافان
 مشایخ آنها را جمع آوری کرده و بواسطه اولیای دولت جاوید مدت علیه امیدی واری داده مسخول
 (دیگر نوشته اند که خلعت مهر طلعت تا یون که با فتح مقترب انخافان میرزا حسن خان حجت
 بود با آن ولایت پر تو و وصول کننده مقترب انخافان مشایخ با امالی و اعیان و اشرف ولایت تا دفرج
 با استقبال شافیه لوازم توقیر و احترام خلعت مبارک راجع آورده زیب پرود و دشمنی مفاخرت و مبالغه
 خود نموده سلطان آباد مراجعت کرده در دیوانخانه دولتی فرمان مهر لجان های یون را که مبنی بر التفات خاطر
 ملوکانه در حق مقترب انخافان مشایخ و امالی آن ولایت بود در آن مجلس قرأت و ادای خطبه بنام سرکار اقدس
 و اختتام بدعای بقای دولت و از دیار شکست روزافزون شده اهل مجلس اظهار شکر گذاری کرده صرف
 و شیرینی نمودند) (دیگر نوشته اند فوج بهادران که از سفر بعین مراجعت کرده بودند و از سلطان آباد
 مقترب انخافان میرزا حسن در کنار نهر خارج دروازه آنها را متزل داده و احاد و افراد آنها را احوال پر
 نموده برنج و روغن و نان و گوشت داده و در روز ضیافت خوب نمود بعد از دو روز که از پنج راه آسوده
 روانه دربار معدلت تا یون گردیدند کرمان از قریه که در روزنامه کرمان نوشته اند امیر الامرا و نظام
 سپهدار حاکم کرمان در نظم امور ولایت حصول موجبات آسودگی عیث و انجام خدمات دیوانی مرقت نام
 و رسیدگی کامل دارد و رعایا و برایا آسوده خاطر مشغول عیثی و کار و کسب خود و دعا کونی ذات اقدس تا یون
 شایسته میباشند مقترب انخافان میرزا محمد مستوفی و پیشکار کرمان همه روزه در دفتر خانه آن ولایت با مستوفیان مشغول
 رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی میباشد و کمال اهتمام را در انجام خدمات و فرمایشات دیوانی اهل
 سایر کارگذاران و مباحثین هر یک با انجام خدمات محوله بحد مشغول و از احدى خلاف حسابی ناشی
 نمی شود امور طرق و شوارع منظم و مستحفظ و قراول همه جا مشغول حفظ و حرارت بوده قوافل و تردد دین
 نهایت اطمینان و آسودگی از هر طرف عبور و مرور می نمایند در این اوقات دسته زوار از زیارت ارض
 مراجعت و دسته دیگر زیارت ارض اقدس روانه گردیدند) (مقترب انخافان جناب قلیان میرزا و عالیجا
 محمد حسن سرمنگ توپخانه در شهر شوال با قشون از سفر کمرسیرت وارد کرمان شده و بیرون دروازه ارک توقفت کرده
 امیر الامرا و نظام سپهدار با اتفاق پیشکار قریه سان آنها را دید و انجام با جاد آنها داده ششم ذیقعد حاکم کرمان روانه دار انخانه طرین

قسم از قرائیکه در روزنامه قم نوشته اند امور اولایت از حسن مراقبت مقرب الخاقان ذوالفقارخان
 حاکم قم و سواد و کمال انتظام است در عیاد و برپایا آسوده خاطر بکار و کسب و عیشی خود و دعا کوئی ذات
 اقدس یون شایسته خلد الملک و سلطان استعال دارند و مقرب الخاقان مشارالیه همه وقت در سر
 نشسته مشغول انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و رسیدگی بعضی و داد و عیبت میشد و بکارهای تنی
 دیوان اعلی و تعمیرات سرکار فیض آثار و اتمام و انجام آن امور تبحر و اتمام تمام دارد (دیگر نوشته است)
 در این اوقات حبس کشیری از امانت نجف آباد و سایر بلوکات اصفهان بزیارت حضرت معصومه علیها و علی بابا
 الاف الشفاء و التجه آمده بودند در روز پنجشنبه بیت و پنجم شوال بعد از ظهر در بالای کسبده مطهره دومرتبه
 نوز باران شد بطوریکه جمیع زائرین علی رؤس الاشهاد مشاهده نمودند یک مرتبه یک لحظه نوز زد و بزرگی
 مشابه و بیضه مرغ از قبه منوره بقدر دوزخ بلند و روشن شده پس از آن غبطه کردید بروی کسبده مطهره
 شام شد که آثارش بقدر پانزده دقیقه منجی بود و همچنین بعد از ساعتی دیگر پنج لحظه نوز مجدداً که هر یک شبانه بود
 بدستور ایضا از کسبده مطهره بلند شده شام کردید و در همان شب ضعیفه نجف آبادی که چشمش نابینا شده و ابتدا
 جانی را نمیدید شب در حرمت مطهره مانده دست توسل بذیل نقض سرکار فیض آثار زده با عجز و اسحاح تمام استدعا
 میانی کرده بود مقدار صبح خواب او را در رفته حضرت معصومه با حضور امام تقیین حضرت علی ابن موسی الرضا
 علیهما الاف التجه و السلام دستی بچشم ضعیفه کشیده او را شفا جنت فرمودند پس از طلوع صبح زوار و همراه
 ریخته لباس او را جبه تبرک بردند و در آن روز نقاره خانه شادمانه در ستایه مطهره زدند و همچنین دو
 بعد از او نیز یک نفر و نجف آبادی که جمیع اعضای او فاج شده و قادر بر حرکت نبود شفا عطا فرمودند بطوریکه
 آثاری از ناخوشی در او نمانده بود آنروز هم نقاره خانه شادمانه زدند (دیگر نوشته اند که در واسطه ماه شوال
 در بلوکات قسم تکرک بسیار شدیدی در یکشنبه روز پنی در پی بارید و محصول صیفی و شتوی و سرد ختی
 اکثر از بلوکات راضی و ریاض و ساند و اغلب را بامه تلف کرد و بعضی اندک میا که قوه و بصاعتی داشتند مجدداً این را
 شخم زد و صیفی کاری کردند و بعضی که قوه نه است بامه شخم و تخم از دستان بدر رفت و مالیات دیوان
 هم بکردن آنها مانده خواسته بودند بیانات اجتماع بقیه و در اینجا قوه اند بعضی حال نمیدید با شرین نبودید
 آنها را نگاهداری کرده و بقدر مقدور مساعدت در امور زراعت و عیشی آنها دارند (دیگر نوشته اند که خلعت طلب
 در از خدمت مقرب الخاقان ذوالفقارخان در کردن زندان بدین یونان جانبی جواب بلوکات محبت شده و در روزنامه
 نوشته بانجا که بر تو وصول کند مقرب الخاقان رالیه با اعیان و اشرف تاد و فرخ استقبال نموده لوازم تو قهر و احترام
 خلعت یونان را علی آورده در باغ مرحوم میرزا ابوالفضل رین برودش مبارک است ختمه صرف شربت و شیرینی بود

اجبار دول خارج

در اوقات بیت و پجالت قبل ازین در جوار شهر برد و فرستاده مرا فی لاقرفات نام از اهل ثروت و سالان
 دختری نورسیده و دلقورین نام در غایت حسن و جمال داشت خیلی اشخاص مفتون و گرفتار حسن و صباحت او
 شده بودند و هر کسی در باب تزویج او اظهار خواهش و تمنا می کرد درین اثنای پاریس بوس او نام
 جوانی عری از شوخی انوسی با بنجا آمده و او بیشتر از سایر عشاق مفتون و شیفته جمال آن دلارام گردید و تزویج
 از پدر دختر استعلام نموده و دختر نیز زیاده بان جوان مایل گردید و طرفین هر چه بکنید و تسبیح اظهار
 نمودند پدر آن دختر تمکین نکرد و دختر را بکسی دیگر عقد بست دختر ازین که از او شریک شده و سیر بر نماند و آنی که
 با هم سر خود اصلا موافقت کردند و آن جوان شاعر نیز از غصه مرض گردید و مرض طرفین روز بروز شدت کرد
 دختر بجاالت نزع افتاد بطوری که اظفار اند نهض و نفس او را احتیاط کرده گفتند نفس منقطع شده و متحرک ندارد
 و او را داخل اموات شمرده حکم بدفن او کردند و بقانون قدیمه او را در صندوقی گذاشته و برده و در زیر خاک دفن کردند
 این خبر بان جوان شاعر رسیده جرع و قلع و علق واضطراب زیاده نموده آخر با خود قرار داد که بان حالت نقاش
 شبانه به قبر دختر رفته صندوق او را کشود و بگوید او بکند و شاید تسکین قلبی از برای او حاصل شود
 باین راه او افتاد و خیزان شبانه خود را با بنجا رساند و قبر دختر نموده روی صندوق را کشود و رو بروی دختر
 گذاشته قطرات اشک از دیده فرو ریخت دختر زنده بود از ملاصق محشوق و جاذبه عشق حرکتی بعد از دختر آمده
 کرده و محشوق خود را دید که او را بغل گرفته است کم کم بحال آمده حیاتی مجدد یافت و آن جوان نیز رفع اشس شده و دختر
 از صندوق بیرون آورده و صندوق را با بنجا دفن نموده و هر دو با اتفاق از بنجا بدون اینکه کسی مطلع شود بطرف
 یکنی دینا رفتند از آنوقت تا این ایام در یکنی دینا با هم همیش و کلامانی سیر می کردند این روز نامر احبت و وطن خود
 نموده اقرای آن دختر و شوهر او شش مطلع شده حال با ذغای او بر جو هستند (موجب تعصباتی که در روزنامه
 سابق نوشته شده غلبه لگ نام و زده مشهور و دیوان که با چهل و پنج نفر رفقای خود بقریه تاخت برده و غارت کرده
 و یک نفر از غنایان و وزیر امور خارجه یونان را با یکی دیگر گرفته بکوه برده و چهار هزار تومان گرفته آنها را مار کرده بودند
 و بجهت گرفتن مژ را لیه نامورین اقدام کرده بودند و استوار بیکرند و مؤخر امتداد کافی قشون با یک سربش پاپا و
 بکرفتن او و رفقایش از دولت یونان نامور شده شد و لیه باز در جوار بادره و محل صالیونه نام برادر زاده ای سیر
 مزبور را گرفته بکوه برده و مطلوبش درین دفعه چه باشد هنوز معلوم نشده است ولی بموجب روزنامه دیگر که بعد رسید
 سربش مزبور نیز هر قدر تلاش کرد نتوانست غلبه لگ و رفقایش را بیکر و آخر الامر غلبه لگ چهار هزار تومان
 بجهت برادر زاده ای سربش مزبور گرفته آنها را نامور

سجدت دوانی سابقا ما بین ضابطان نخلیس و فرانس چینی گفتگو شده در این اوقات از ضابطان نخلیس
 بیت و پنج نفر آدم با اسبهای خود به پاریس رفته در آنجا اسب دوانی کرده و از پیش برده اند از آنجا بولایت
 بلجیقا رفته و در آنجا هم اسب دوانی کرده اند و اسبها را پیش آمده است (نواب پرنس ناپلیان عموزاده
 اعلیحضرت امپراطور فرانس در این اوقات با مأموریت مخصوصه بدولت ساردینیه عزیمت نموده اند و عزیمت
 ایشان سجدت لیتام ما بین دولت ساردینیه و دولت استریه معلوم شده است) (دولت ساردینیه در
 اوقات قشونی میکیر و از میچ به له تا پنجاه ساله از کل مالی حاکم خود که قدری موظف و باقی قشون ردیف
 و سجدت این کیفیت از جانب وکیل حربیه دولت مزبور مذکره بقیه آمد و مجلس شورت آنجا وضع شده است و مقصد
 اصلی دولت مزبور از این قشون گرفتن این است که همیشه اوقات شصدهزار کس در دولت ساردینیه در
 زیر سلاح حرب باشد) (جزیره قوبرا که در تحت حکومت دولت اسپانیول و ما بین حته جنوبی و شمالی
 یکی دنیا در کن رتط و اقیانوس واقع است سجدت ضرورت آنجا برای جمهوریه یکی دنیا و یکی مالیات اسپانیول
 و احتیاج دولت مزبور به تنخواه دولت اسپانیول در مقام مباحثه جمهوریه یکی دنیا برآمده و از جانب جمهوریه
 یکی دنیا صد طیان ریال بهای جزیره مزبوره را متعین کرده اند) (در حوالی جزیره سنو رین که در بحر سفید
 در تحت حکومت دولت یونان است در اواسط ماه رمضان باد سیاهی وزیده و طوفانی شدت وقوع یافت
 از کوه سوزنده آنجا که سابقا مشعل شده و سنگ و غیره را سوزانده و بعد خاموش گردیده بود درین
 طوفان سنگ کداخته و سوخته بسیار مانند کرمک بشهر مزبور ریخته چینی از شیئهای عمارات و سایر بناها
 شکسته خراب گردید و بسیاری از کشتیها را که در میان دریا بودند شکسته و غرق نموده تاکنون اینگونه طوفان
 شدید را در آنجا مردمان پیر و معتمد بخاطر ندیده اند) (اشخاصی که در فرانسه سجدت یکبارگی گرفتار عسرت
 فقر و فاقه هستند و سجدت حصول معاش بجهت استرالیای و محال سائره رقتشان از عدم بصاعت مقدور نیست
 در این اوقات از جانب دولت فرانسه یک قوم یون مخصوص حب الامر اعلیحضرت امپراطور ترتیب یافته است
 که تدبیری در باب مصارف سفر آنها نمایند) (قطر و غلانی که در دولت اسپانیول ظهور کرده بود در این اوقات
 شدت کرده حتی در شهر غرانده و مالی ملک گرفتار الم حو کرده سبب این فحش را بقایم مقام مالیات مزبور
 داده خیلی آدم سجدت تلف کردن او به باب حکومت مجتمع شده فی الحال از جانب حکومت قشون جنگ آنها
 بیرون آمده بنای زد و خور در آنجا داشته و از طرفین جنگی آدم کشته و زخمی کرده و این جنگ میکرو
 امسداد داشت بالاخره عا کرد دولت غالب آمده رفع شورش آن اشخاص را نموده و ولایت را
 آرام دادند

روزنامه فایع اتفاقیه پنج یوم خورشیدیه در ششمین روز جمعه مطایبان سلیمان

منطبه دار الخلاء طهران

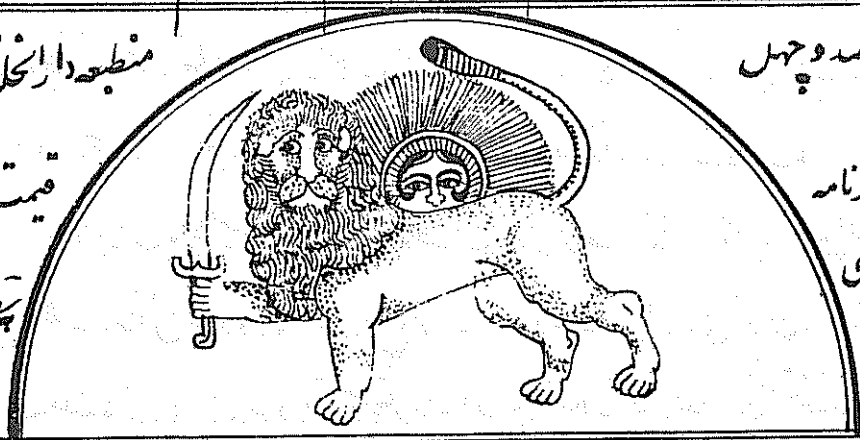
نمره سیصد و چهل

قیمت اعلانات

هر خط روزانه

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده



اخبار داخله مملکت محروسه و بیرون

اردوی همایون

در روز شنبه گذشته که روز عید سعید اضحی و از ایام معظم طبع میضای اسلام بود اعلیحضرت اقدس
شاهنشاهی در عمارت سلطانی نیاوران باسلام عام دادند امنای دولت علیه و نیز دکان عظام
و خواتین و سران و جمعی از اعیان و مقربان حضرت گردیدند بطن سینه از ارباب مسلم و غیر مسلم و چشم
شریاف حضور بامر السلطانی شده هر یک در مرتبه مقام خود ایستادند و اجرای شکر و ثناء
ایجاد بزرگ این دولت علیه بعمل آمد و ادای خطبه بنام حضرت اقدس همایون و اختتام عبادی و از
دولت و شوکت ابتهقون شده سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی جناب شرف مجد ارفع صدر
افخم را بفرشتات عطاقت امیر طوکانه مخاطب ساخته بعد از ظهور مرهم خاطر اقدس همایون و ادای شکر
جناب معظم الیه سلام عید سعید اضحی منقضی گردید (بقانونی که شتر قربانی در دولت علیه
در روز عید سعید امانی و اعیان و کسبه و صنف بالوارد هم باب شتر قربانی را بقرابانگاه حاضر کرد
بعد از ادای خطبه و دعای سلامتی وجود فایض اسجد اقدس همایون شاهنشاهی مقرب الخاقان جهاننور
قاجار شتر قربانی را شکر کرده هر سنی از اصناف دارالخلافه مبارکه که عضوی از اعضای شتر قربانی را
که مخصوص آن صنف بود برگرفته از قرابانگاه معادوت کردند) (نواب هزاره خیر و میرادین اوقات شریف
حضرت طوکانه گردید کمال تفقد از جانب سنی ایوان همایون در حق نوبتی ایمنه دل گردیده بای طمع طلب
دستجات و غرض قبول و احج یافته در باب اعزاز و احترام و لوازم اسود و حکمران همان حکم همایون فرستاد و وقت که در آنجا بود

سابقاً اعلام دولتی صریح شده بود که امانی فاغنه از متوقفین دارالخلافه طهران و مشهد مقدس و سایر
 خاک دولت علیه عموماً با اختیار خودشان هستند و دولت علیه احدی از آنها را مجبور بوقف درین
 نموده اند و مجبوراً و محجوراً و سوا احدی را نگاه نخواهند داشت و احکامی هم که در این باب لازم بود بعهده
 کارگذاران دارالخلافه و چه بعهده کارگذاران حشران و غیره مقرر و صادر شد و البته تا امروز هیچکس از فاغنه
 در هیچیک از بلاد ایران بطور جبر و اجبار و نه بعنوان کردی توقف ندارند و جمیعاً مطلق العنان و مختص
 هستند مع ذلک در ضمن این روزنامه اعلام صریح عمومی میشود که هر کس از امانی افغان بالفرض تا حال ملک
 این دولت علیه مانده باشد خود را مختار و مستم بدانند احدی از حکام و کارگذاران و مستحقین طرق و شوارع
 سواره و محالفت از آنها نخواهد کرد هر کدام که بوطن خود یا هر جا که خواسته باشند بروند و کمال
 و آسودگی روانه شوند از جانب یوانیان بدانکه تا نفعی نخواهند دید و هر کدام از آنها که باین اختیار خود
 خواسته باشند درین ملک بمانند و یا نوکری دیوان نمایند باز با اختیار خودشان خواهند بود و با کمال
 و اصلا حالت اجبار و اگر اهی نسبت با فاغنه نمی باشد در رفتن و ماندن اختیار تام و تمام دارند
 (عالیجاه مقرب اخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ فوج ثلثه اصفهانی که بحسن صدقت و کفایت
 در خدمتگذاری معروف و کمال مراقبت و انجام امور و محو آنچه در خدمت بقعه و ایتمات او در نظم فوج
 ابوالجهمی خود در امور بیت کربیرت مشهور و بکثرت خاطر اقدس بایون شاهی دامنای دولت علیه گردید
 مستوجب ظهور عطفی تازه و حمیتی مجدد آمد بقلب حبیل سهام الملک طغیو بیکوب جبه ترمه کشمیری در حین
 مشارالیه خلعت مرحمت گردید) (مقرب اخاقان نصر الله خان سرتیپ فوج کلپایکانی نیز این اوقات که
 فیروزی نسبت به حاضر و شمول التفات و عنایت خاطر اقدس بایون و اولیای دولت قوی شکر
 آمد و خلعت مهر طلق بایون شاهی مخلص و سرفراز گردید) (فوج ناصریه که احضار رکاب بایون شده
 بودند در رویکنش به یازدهم شهر ذیحجه احرام عالیجا مان لشکریان عظام سان حاضری آنها را بدقت
 دیده در کمال شکوه و آراستگی مأمور عتبان گردیدند و یکطرفه شال ترمه از جانب سنی انجوا ب
 اقدس بایون برسم خلعت عالیجاه کاظم خان سرنک فوج تربور التفات گردید) (در شب
 که شب عید اضحی بود و اسباب جشن و سرور در حضور موفور السور و بایون خیده بودند عالیجاه میر حسین
 سر رشته دار قورخانه مبارکه حسب الامر اسباب شش بازی از قورخانه بحضور اقدس طوکانه آورده
 خدمت و مقبول و محسن افتاده بیکوب جبه ترمه عالیجاه مشارالیه خلعت مرحمت گردید و دارالخلافه
 طهران کمال امانت و انتظام و در دارالخلافه الباهره حاصل است و هیچ وجه خلاف قاعده از احدی ناست

و صادر نمی شود بواسطه رفتن کوچ و عیال سپاهی و عیبت طبیقات شمران خانهای که داشتند کتبی
 بسته و مقفل کرده بدون سرایدار و اگداشته بودند حسب احکام نواب شاهزاده و الایب محمد تقی میرزا
 دارالخلافه طهران بجایگاهان کلمات و کدخدایان دارالخلافه قدغن اکید شد که در محافظت محاربت محلات
 خانهها زیاد تر از سابق اتهام داشته باشند و همه روزه درین باب تاکیدات اکیده میشود (در باب
 چهل و نهم فوت مرحومه مغفوره والده شاه غلامگاه نورالدین مصطفی در یکشنبه چال حصار محله سنگجای جمع اغزه و چله
 و اشرف دعوت شده قهوه و عینان و شام بقاعده صرف نموده بعد از آن شام فاتحه خوانده و بر کفن بخانه
 مراجعت کردند) (در پنجمین ماه مرحوم خسرو خان والی که از اکابر و نوکر بزرگ این دولت جاوید است
 قاهره بود بر حمت ایزدی پیوسته بر حسب امر اولی دولت ابد مدت در مسیحی سلطانی مجلس ختم که داشته
 و بقانون سفره داده شده شاهزادگان عظام و علما و سادات ذوی الاحترام و اجداد جاگران دریا
 هایون مجلس فاتحه حاضر شد جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم با اعظم نوکرهای دولتی بسم
 خوانی بشهر شرف آورده مجلس منور آمدند و بعد از دو روز مجلس فاتحه را برچیدند) (سه چهار نفر در دکه دین
 اوقات مصدر سرقت شده بودند و سبکیه گردیده حسب الامر نواب شاهزاده و الایب محمد تقی میرزا
 حکمران دارالخلافه تنبیه و توبیه (خراسان) (خراسان از قرار یک در
 روزنامه خراسان نوشته کمال انتظام و وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا بدو گردن و بردن
 محصول غله و غیره مشغول اند مقترب الخاقان قوام الدوله پیشکاه خراسان حکام و مباحثین خراسان را با
 اقداس کجبه پرداختن بستان خواسته و باستوفیان آن ولایت مشغول محاسبه داد و ستد
 هستند محاسبه هر کدام که تمام شد مفصلا و کن بچه دستور العمل با و داده و الزام از او گرفته میشود که اگر نیاز
 از مالیات معمولی چیزی از عیب بگیرد هر چه گرفته باشد از او مسترد و بر عیب عاید شود و علاوه بر آن خوب
 مواخذه و ترجان نیز باشد رعایا و اهالی ولایت ازین رکهد کمال شکر گذاری و دعا گوئی را دارند و
 خاطر با عیبتی خود مشغولند) (دیگر نوشته اند از قرار یک مذکور بوده است ترکمانان حسن نشین که چندان
 مرتکب هرزگی و تاخت و تاز صفیات خراسان گردیده بودند این اوقات چون میدانند که عا که منصوبه
 پادشاهی تنبیه و تادیب آنها خوانند و انتقام خود را آنچه بارسکین داشته اند به
 یک کشیده و خود نیز مترصد اند که اگر قشون دولت علیه با نظر بروند خود را بهشت یک میکنند
 سخن و قیعه اسرار نواب مهدیقلی میرزا از بهرات و اردار ارض اقدس گردیده اند و از قرار تقریر ایشان
 نواب استیلا بسلطه والی خراسان توپخانه و قورخانه را از بهرات حرکت داده منتهی حکم مجدد از اولیای دولت علیه

قرین از قراریکه در روزنامه قدین نوشته اند امور اولایت اخسن توجهات اولیای دولت قاهره
 و مراقبت نواب مستطاب هزاره و آلا رعد الصمد میرزا حکمران قدین و کفایت معرب الخاقان حاجی حسنعلین
 پیشکار اولایت قرین استقامت است امور شهر و محلات منضبط و کسی قدرت حرکت خلاف و تقدیر نیست
 بدیگری ندارد و همچنین امور طرق و شوارع منظم و مستحفظ و قرا سوران در راههای آنجا مشغول حفظ
 و حراست اند و ستر دین با اطمینان خاطر از منازل عبور و مرور مینمایند نواب هزاره هر روزه از
 فراغت از درس در عمارت کلاه فرنگی نشسته بعضی واد مردم رسیدگی می نمایند و لصلح و صلوات
 معرب الخاقان پیشکار امورات را فیصل میدهند در این اوقات که موسم رفع محصول است چون در
 بعضی دهات خالصه در امورات رعیتی و قرار باز دید و برداشتن خرمن لازم بود که آدمی این اراعیان
 ولایت رفته باز دید و سرکشی بامور دهات نموده امور عاریای آنجا منظم بدارد لکن معرب الخاقان
 پیشکار عالیجاه میرزا اسمعیل خان را با اتفاق عالیجاه حاجی احمد آقا برادر خود فرستاده رفتند و ده
 خالصه را باز دید کردند و امور آنجا منظم کرده مراجعت نمودند (دیگر نوشته اند که درین چند روز
 باید گرمی در قدین وزیده بجاصل انکوره و فانیخ حرات رساندند شته از ان حاصل انکوره از اول غرض
 شدن در اکثر دهات سیاه میشود کویا خاکستری یا غباری روی انکوره گرفته متعفن میگردد این قسم
 حال دو سال است که در انکوره اولایت بهم رسیده است پیش این نبود و صاحبان باغات میدانستند
 که سبب این علت در انکوره از چه چیز است و بچه چیز رفع میتوان کرد بجاصل کندم و چونیر اگر چه
 سبب رنگ و باد گرم فی الجمله ضرر رسیده است ولی نرخ غله و دوز بروز در تنزل است و کمال دوز
 دارد و چنانچه کندم حوزاری پانزده هزاره جو حوزاری هفت هزار است ولی صیغی کاری در هر جا خوب
 بعجل آمده است **نهاب** و ند از قراریکه در روزنامه بنامند نوشته اند امور اولایت از اتمام معرب الخاقان
 محمد رحیم خان نپچی باشی قرین انتظام است سواره خزل که مأمور کرمان بودند و حسب الامر اولیای دولت
 از آنجا حضت معاودت حاصل کرده درین روزها وارد نهادند و اندم معرب الخاقان مشا رالیه
 سان سواره منور را در کمال خوبی و انتظام دیده هر یک را از صاحب منصب و باین فراخ احوال
 خلعت و انعام داده بامکن وادطان خودشان روانه نمود و سواره منور که سابقا با بودند حال
 از اتمام معرب الخاقان مشا رالیه در کمال آسستگی و انتظام میباشند و کمال سعی در کار سواره
 منور دارد که این هم آراسته تر و بهتر باشند و هم چنین در نظم امور ولایت و رسیدگی بعضی
 رعیت و انجام هدت دیوانی نهایت محنت و اهل می آورد

اجبار دول خارج

در دولت مجتهد معابد و کلیساها و سایر عمارات تخصیصات خبری دارد و این اوقات از جانب دولت اراده
 شده است که وجوهی بجهت مصارف آنها برانداخته نمایند کیفیت مجلس مشورت بیان شده و جنسی اشخاص را
 مجلس اظهار موافقت کرده و اکثریت از آن در خصوص خرید این وجوه ظاهر شده بعضی اشخاص که قبول این معنی نکردند
 بگفتگو درآمدند از میان آنها موسیوقه نام شخصی خطاباً بآمر وکیل مجلس بفرستاده حاصل این مصارف فقراتی
 بر سبیل استمداد و تحریه بیان نموده چون در مجلس فرنگستان عاوداً عموم اهل جمع میشوند و در تصدیق و
 هر فقراتی اصوات بلند می کنند در اجتماع این فقره موسیوقه را نام آفرین و تحسین گفته صد بلند کردند سر و کل
 مجلس فرورازین گذارش بدست متعمر و غضبناک شده گفته بود این کو کفتگوی بی ادبانه بناموس حکومت
 خلل میرساند و در مقام طلب ترخیص و اخراج آن اشخاص که تصدیق موسیوقه را نام صد بلند کردند برآمده
 اکثریت در طرف این اشخاص ظاهر گردید بر دسرهای حکومت اجماع کرده با اجرای مجلس که بیرون آمدند بنای استیضاح
 و سختی که داشته رسوائی و افشاح تمام نمودند و سفیری که از جانب پاپای رومه در اینجا بود و قسماً از مجلس
 بیرون آمد اشخاص مرقوم را ورا که بسیار پیر و مجرب بود و سر با پاس تصور کرده خیلی تحقیر نموده خفت دادند و این
 که از شش بواسطه سیم لغو افعال سیره نشر و اعلان شده روز دیگر بجهت امداد و اتفاق با آن اشخاص از
 هر یک از محاکم دولت فرور دست و دست آدم از راه آهن با آنها آمده از جانب دولت مقدار کافی قشون
 بیرون آمد و قرائت دولت فرور بجهت امنیت دادن با عیال خود بتجاشا خانه رفته بود موافق روزنامه دیگر که
 بعد سید از سایر محال زیر حکومت دولت فرور از محاکم مون و غان و لیث و انور کل اهل آنجا در ظرف چند
 روز چند هزار کس به بر و کس که مقر حکومت اند و است جمع شدند قرائت دولت فرور چون دید که متطویر
 پیش میرود و فتح اراده خود نموده اجرای مجلس را متفرق کرد و ولی نتیجه این ماده بکجا انجامیده باشد بنوع معلوم
 (بوجب نوشتجاتی که چند دفعه در روزنامهها ملاحظه کردیده است در میت و چهار سال قبل ازین که قرائت
 اسپانیول فوت کرد بدست یک دختر و یک برادر کسی از او مانده بود و قبل از فوت خود دخترش را و بیهوش
 کرده بعضی از اعیان دولت فرور نیز این جرعه را قبول نموده بودند چون سلطنت زن در آن ولایت موافق
 قدیمه آنها ممنوع است برادر قرائت را به بجهت دست آوردن زمام حکومت آن ولایت بعضی شباهت اقدام
 ولی بجهت اثر بدی صائبه زوج قرائت متوفانطور پیش رفت و جنسی قی و قال کون نموده بالاخره دختر فرور
 بسند قرائت ممکن گردید و دختر برادر قرائت متوفان تقریبی بلندن پای تحت دولت انگلیس عزیمت کرده و بجهت
 فرور شد دولت مجلس بجهت احقاق حق و قشونی با سپانیول دستاوند بلکه اسپانیول خود بلندن آمد

و گفتگو نموده و الت خود را ثابت کرد و دولت انگلیس تصدیق نموده و عا که خود را از اسپانیول محاصره
دادند و مؤخرًا الت را الیها را بعضی دول فرنگستان و دولت فرانسه قبول و تصدیق نمودند ولی
دولت روس بمقتضای نظامات قدیمه خود تصدیق این حمله را ننموده و پرسو نمود و سفیر خود را از دولت اسپانیول
برداشت بعد از وقوع مصاحبه دول دولت روس نیز الت را الیها را در دولت اسپانیول تصدیق کرده
و پرسو نمود و موقوف نمود در ضمن تبریک جلوس خود سفیری بجانب اسپانیول فرستاد و بالمقابل از جانب دولت
اسپانیول نیز در ضمن تبریک جلوس سفیری بدولت روس ارسال شده و موقتاً در صورت اقامت در آن
اوقات باز از جانب دولت روس قوت فاجین نام سفیری مبدی و پای تحت اسپانیول مأمور و روانه
گردیده است (در روزنامه سابق نوشته شده بود که در حوالی جزایر که در تصرف دولت فرانسه است
از اوقات که جزایر مذکور را تصرف کرده اند عشار قایله تاکنون به ایره الطاعت فرانسه نیامده اند علیحضرت
امپراطور فرانسه بیت و پنجاه قشون بجهت حرب آنها متخلف کرده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده
عا که مرقومه در مقدم ماه مارس فنی بجل تیری افری نام رسیده و هفت روز در آنجا اقامت کرده اند
و از آنجا بحرب بر فرور به بجل بنور اتان نام غنیمت کرده در آنجا تلافی فریقین اتفاق افتاده تا یک نفعه جنگ
قائم بوده اگر چه از اردوی فرانسه خیلی آدم کشته و زخمی شده اند ولی آخر عشار بر فرور مغلوب گردیده و بدولت
فرانسه و حالت نموده اند و از جانب دولت فرانسه مقصد هزار فراتی با آنها توزیع شده و جنایات گذشته
آنها عفو گردیده و از هر طایفه عشار بر مرقومه چند نفر از معتبرین بدولت فرانسه آمده اند و از جانب دولت
فرانسه قلعجاتی در آنجا قرار گذاشته اند ساخته شود و متخاه مصارف آنها در میان قبایل فرور نیز توزیع و
شده و یک راه آهن نیز از دولت فرانسه قرار شده است در آنجا با زند بعضی از قبایل فرور نیز بفرور بدو عشار
در نیامده اند) (سابقاً رهن نواب غلام وقی قسطنطین برادر علیحضرت امپراطور روس بخزیره ویط و طایقات
او با علیحضرت ملکه انگلیس و معاودتشان از آنجا نوشته شده بود بموجب اخباری که در این اوقات رسیده
نواب مغزی الیه بعد از معاودت از خزیره ویط بشهر قله نام فرانسه رفته و مؤخرًا از آنجا بشهر انور که در
حکومت دولت بلجیماست غنیمت نموده اند) (مستشار وکیل حربیه دولت دینارک باد و تقریباً
و بعضی از ضابطان عسکریه از مسومات قشون خیلی وجومات حیف و میل کرده بودند مراتب معلوم
دولت گردیده همه آنها را گرفته حبس نموده اند) (المانی چین تجارت و اختلاط با ایل فرنگستان مخالف
رای دولت چین است در این اوقات چهار نفر از ایل چین بعضی سباب بغیر یکدیگر فوجیه بودند ایل چین
آن چهار نفر را گرفته و کشته اند

روزنامه و قلیچ اتفاقیه پنجشنبه ششم شهریور ۱۲۷۳ مطابق سال سیلان میل

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

هر نسخه شش



قیمت روزنامه

هر نسخه شش

اخبار دهنه مملکت محروسه پادشاهی

اردوی هالیون

در روز یکشنبه هجری ششم که روز عید غدیر و از ایام عظیمه قلی بود کسری حضرت اقدس هالیون شاهی صیبت شوکت
 علی شاهی در عمارت شطانی نیادران باسلام عام داده از انسانی دولت علیه و هراکان عظام و خزان و سران و صاحبان
 نظام و مقرران حضرت کردون بطنینه که در اردوی هالیون و در بریقات شمیرانات و در دارالخلافه بودند
 اولاد عمارت نیادران جناب جلالت کتب اشرف امجد ارفع عظم جمع گشته هر یک از خدمت باجانب
 شدند هم عید مبارکی را بعل آورده صرف شیرینی و شربت در آن مجلس دید و از جانب سنی ابواب سرکار
 قوی شوکت اقدس هالیون اعلی تباریکه در هر یک از تمامی ایام سال معمول است یکتوب خیه نزد خاص و ممتاز
 از طبوس تن مبارک بجناب معظم الیه الثقات شده و بهان مجلس آوردند جناب اشرف ارفع عظم صدر
 و اکرام خلعت هالیون را از پیشواز و غیره بعل آورده و برب و دوش خود نمودند تمام حضار مبارکبا و گفتند بعد از
 نهار باسلام حضور اقدس هالیون اخبار شد و هر یک از صفوف چاکران حضرت در مرتبه و مقام خود و صفی
 منقذ ساختند و جناب اشرف امجد ارفع در مقام قرب خود قرار گرفته و سرکار اعلی حضرت اقدس هالیون
 صیبت شوکت علی التتائی تشریف فرمای تالار قصر پادشاهی شده و براریکه سلطنت فروزیت افروزند بعد از آن
 جناب پرتابی را بجناب خسروانی محض و امانی سلام را بتریک عید فرمودند و جناب معظم الیه مرهم شکر گذار
 و شاجوی را با تقدیم رسانیدند و سایر فرماییشهای مملکت که دلیل کمال رحمت نسبت بخدمتگذاران دولت
 و باعث مزید امید داری چاکران حضرت بود و بلفظ دربار جاری فرمودند و جناب صدارت پناهی و ابواب
 شایسته بعضی پیشگاه هالیون رسانیدند و خطبه غزالیام نامی هالیون خوانده شده و عالیج امیر امجد علی التتائی
 نصیده که در تنبیت عید برشته نظم کشیده بود و معروض پیشگاه هالیون داشته مورخین گویند سلام عام منقذی شد

رای جهان را ای اقدس هائون سرکار علیحضرت قوی شوکت شایسته خلد الله لک و سلطان جهان
اقضا فرموده که نور حقه عظمت شهر باری و نور حقه خلافت و تاجداری نواب شرف والا امیر کبیر
امیر نظام دام اقباله العالی را که در زمره شاهزادگان عظام بر حسب شد و من مقدم من جمیع الجهات
اراسته تر و شایسته تر از همه استند بولایت عهد سلطنت و در اشت تاج و تخت خلافت نصب و تعیین فرمایند
و برای تقدیم این مبارک مهم غنیمت و عمل آوردن چنین خجسته منظور را واجب الزم چنان اراده ملوکانه فرمود
که چون ولادت با سعادت هائون علیحضرت شایسته در ماه صفر اتفاق افتاده و آن ماه را باین واسطه
بغالب میمون و مبارک گرفته اند ساعت سعدی در قرب عید مولد مبارک خوا قبل از عید نور و یابند
باشد تعیین شود و اجرای این مهم جلیل در آن ایام شده باشد لهذا برای چشم روشنی عموم اهالی ملت و مملکت
با اعلام این خبر خجسته اثر و ضمن این روزنامه پیر درخته میشود و همچنین بهای حکام سعادت فرجام ممالک محروسه
پادشاهی اعلان میشود که اطلاع ازین مقصود عاقبت محسود بهم رسانده میبایست عیش و شادمانی باشند
و نیز از اکابر و اعظم حکام ممالک خاصه فتنسین خانواده سلطنت عظمی بر کدام را که فرصت و امکان حضور
در دار الخلافه الباهره بوده باشد بجزیه از حضور با هر التور هائون اقدس علی استعدا و درخواست اجازت نمایند
که برای جشن مسعود پای تحت خلافت احضار شوند و هر کدام را که این فرصت و مقدرت نبوده باشد خود اگاه
و مستحضر شده منتظر خبر ثانی برای تعیین روز نصب و لیعهدی باشند که در آن روز مخصوص متحول اجرای رسوم
شادمانی در محل حکومت خود باشند (علامان طرین کاب مبارک بفراریکه معمول است سالی یکده
داده از حضور هر طور اقدس هائون میکند رند در این اوقات نیز حاضران گردیده با کمال ارادت و
انتظام مکتل و متج با اسبان ذبه و اسباب تیمران داده از نظر مهر اثر سرکار اقدس علیحضرت شایسته
ایده البیث که شسته گوه و نظم دار استکی آنها مطبوع و سخن خاطر ملوکانه مور و تحسین گردیدند و بفرمایند
نتیجه الوزر العظام میرزا داود خان وزیر لشکر که از عهد سلان علان منور عرض امی آنها در حضور هر طور
برآمد و کتوب جبه لاک کشیری حاشیه دار از جانب بنی الجوانب هائون خلعت مرحمت گردید و همچنین عالیجاه
نتیجه الامراء العظام محمد مهدی خان پسر و نایب مقرب انخاقان امیر الامراء العظام کشیکچی باشی و عالیجاه
مرضی خان قوللراقاسی در انتظام و ار استکی علان اتمام نموده بودند مورد التفات و توارش ملوکانه گردید
کتوب کلچ ترمه عالیجاه محمد مهدی خان و کتوب جبه ترمه مقرب انخاقان قوللراقاسی خلعت مرحمت فرمودند
(چون عالیجاه میرزا حسن برادر عالیجاه میرزا حسین سرشته دار و ورزخانه مبارکه از حسن خدمات خود
در انتظام امور جبه خانه مبارکه و خوب خلق تفنک جدید و پاکیزه مرمت نمودن لشکر فوج قاهره خاطر

اولیای دولت علیه را از خود خرسند و راضی داشته در انجام خدمات خود را مراتب اهتمام خود را اظهار
لبنامای دولت علیه حب الامرهایون اورا منصب جلیل جبه دارباشیکری و مبارشری جبه خانه مبارک
فرموده بکطایشان ترمه و یکتوب قبی رزی بجایگاه شاره لیه از صند و قحانه مبارک خلعت مرحمت
(چنانکه در روزنامه های بنی مطبوعه از خلافت البایر هم نگاشته شده در باب فقره ملک دشتن رعایای دول
در ایران فیما بین دولت ایران و دولتی که امروز کامله او را محسوب میشود عهدنامه واضح مفصل زبان داری است
عهدنامه صریح نوشته شده است که ملک دشتن رعایای دولت خارج در ایران موقوف است بآذن سرکار اعلی حضرت
قدس هایون شاهانه دامت شوکته و رضای عیت و مالک که اگر یکی ازین شرط منقود شود مشروط است
و از رعایای دول خارج احدى در خاک ایران مالک ملک نیست که قبل از حصول شرایط ثلاثه تحصیل ملک کرده باشد
اعلام میشود که رعایای دول خارج بر حسب عهدنامه ملک ملک نمی شود در ایران بدون حصول این شرط و اگر فرضاً
بر ملک دشتن رعایای دول خارج راضی شود و ملک با و بفروشد عیتی که در آن ملک است راضی نشود مشروط است
چنانچه بر فرض عیت هم رضای منعی بدادن و اجازه سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی در ملک دشتن رعایای دول
که موافق عهدنامه شرط عظم است در آن ضمن نباشد هرگز اولیای دولت نمیتوانند تصدیق و امضا بر ملک دشتن
رعایای دول خارج در ایران داشته باشند اگر حکام ولایات که عالم بموضوع شده بودند در باب ملک دشتن رعایای
دول خارج قبی و حکمی سفارش نامه طور یا هر قسم باشد بدیکی از آنها داده بایند استه از راه عدم جواز و باید
به ایند چون قبول و تصدیق این عمل مختص وجود اقدس هایون اعلی حضرت شاهنشاهی و اولیای دولت علیه است
آن حکام و نوشتجات ابد محل اعتبار نخواهد بود پس مختصر است اینکار با مضای نفس هایون و قبول اولیای دولت
بعد از عرض بجایهایون حب الامر مضاموده بآن نوشتجات حکام ولایات و پیکاران آن هیچوجه فی نبوده
سخا خواهد بود) (بعد از انعقاد عهدنامه دوستی فیما بین دولین ذلشکین ایران و انگلیس مبنی اتحاد و دوستی از طرف
کافیه اولیای دولت علیه یومافیه چنان درجه حکام می پذیرد که میتواند گفت از مراتب مودت و مصافقه
این دو دولت بالاتر و کاملتر میباشد و منظور اولیای این دولت دائماً در انجام اظهارات حق و مطالب بی حجاب
جلالت مآب چارلسی وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت انگلیس است چنانکه بعد از ورود سفارت انگلیس بدربارهایون
و عمل آمدن تشریفات لازمه اول مجلسی که مابین جناب شرف امجد ارفع و جناب جلالت مآب وزیر مختار انگلیس در باب امور
دولتی اتفاق افتاد بقدری خوشحالت و بقاعده آن مجلس نشست و مایه حصول ضای طوفین شد که اسید کلی حاصل
که بهین پیکره اگر حرکت شود باندک مانای پایه مودت از اول که عبارت از عهد خاقان مغفور شاهنوره بالاتر رود و علاو
مکنونات اولیای دولت علیه هم که در رعایت موالات آن دولت بجناب این الملک فرخ خان پیکریت علیه السلام و احتمال

که از پاریس دوباره بنیدن برود اگر بواسطه بیانات کافی خود با ولایای دولت انجلیس واضح نماید ایشان نیز
بر مراتب نیکو اهی حسن طوبت خودشان در تشیید اس دوستی و یکجتهی جانین خواهند افزود که پایه مگرگی و مودت
طرفین بد رجاء علی که اشته شود (جناب حیدرافندی شارژد فرود دولت عثمانی مقیم در بارها یون که
از جانب دولت متبوعه خود موقتاً احضار و روانه شد روزی که برای حصول مرضی شرفیاب حضور باریون ملوکانه
کردید احضار خود و مأموریت جناب توفیق افندی را بمیت شارژد فری در غیاب خود بطوریکه معمول است در
غیاب دستگاه ملوکانه معروض داشت و پس از مرضی از حضور همس طوهایون رسماً با جناب شرف انجی
ارفع صدر اعظم ملاقات نمود و عزمیت خود و مأموریت جناب را الیه را بطور مسطور اظهار کرد و بعد بنزل جناب
فحامت نصاب و وزیر دول خارج آمده جناب معزی الیه را از مراتب مسطوره سناً اطلاع دادند چند روز بعد که
بهتم ذیحجه الحرام بود جناب حیدرافندی روانه مقصد شد نه بمانست اتحاد و آسایش سلام حسن رفتار و خیر خواهی
او از جانب ولایای دولت علیه احکام در سفارش عمل آوردن موجبات احترام جناب را اینک بکلام حق
راه صادر و عالیجا مرتضی خان غلام باشی وزارت امور خارجیه بماننداری ایشان مأمور و با اتفاق معزی الیه روانه
کردید که در منازل عرض راه از قرار دستور العمل ولایای دولت علیه حکام عرض راه عالی سرحد آذربایجان مراسم
اکرام و استراحت و در ابله آوردند و جناب توفیق افندی در غیاب او موقتاً منصب شارژد فری در دربار مودت ملوکانه
هایون اقامت کرد (چون قرار داد ولایای دولت قوی شوکت علیه بر این است که در بهره لایق از
ولایت مالک محروسه و کیلی از جانب رعیت برقرار نمایند که حکام لی اطلاع و صوابید و حواله و اطلاق
بر رعیت کنند و از اجافات اخبار امصون و محفوظ دارد از چند درکاشان این منصب از قدیم الایام
و نسل بعد نسل از قرار فرامین سلاطین سلف و خلف منتهی بجایجا محبت مسرا و خلاصه الاعیان میرزا
وکیل الرعایا شده بود در این اوقات که ولایای دولت جاوید مدت علیه تأکید و اتمام زیاده درین باب
داشتند از جانب سنی الحجاب ملوکانه یکجوب جبهه ترمه برسم طاعت در حق مشار الیه رحمت و عنایت
فرمودند که منصب قدیم او تجدید یافته بمهم مأموریت خود پردازد و از انحلاف طهران امور
شهر دار انحلاف مبارکه که بعد از هجرت قرین نظام است نوابک میباش برادره و الالبه محمد تقی میرزا حکمران
در متفر حکمرانی خود و سایر کارگذاران دیوانی متوقف در انحلاف و سران و صاحب منصبان نظام هر یک را
دیوانی ارک و منازل خودشان بنظم امور محوله و انجام فرمایشات دیوانی مپردازند و امور حفظ و ستر محلات شهر
در کمال نظم است و کسی قدرت سرقت و شترت و خلاف حساب ندارد و نهایت فرور کفر نعمتی بکمال الله

سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه ایولایت نوشته اند خلعت مهر طاعت یون که از جانب شیخ ابوالحسن
 اقدس ملوکانه بافتی رنواست طباطبائی هزاره الالباق حاتم الدوله خال میرزا حکم ان عربستان و لرستان
 و پروجر و بختیاری مرتضی بود در چهارم ماه ذی قعد که نواب معزی الیه در خارج شوشتر از دودا
 با بنجا پرتو وصول افکند نواب معزی با خوانین و سمران سپاه و صاحب مضبان نظام و اعیان و اشرا
 شهر و شیخ اعراب تاحلعت یون با استقبال شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت یون را بعلی آورد
 رتب برود و شش افشار خود نمودند و اجرای شلیک توپ بعلی آمد بعد از ادای مراسم سر گذاری و شربت
 شربت و شیرینی نموده روانه شهر گردیدند و هم در آن روز عایجه خانم شیخ فارس خان و میرزا
 یحیی خان و عربستان متحکمه گردیده حسب الامر نواب معزی الیه با بنجام امور محوله بخود ما مقرر دیدند و همچنین
 شیخ سلطان حاکم راهبر نیز برای تفریح محاسبات خود آمده بود بعد از رسیدن به محاسبات او
 از سلوک ادب رعایا که معلوم شد رعایا نیز از حسن سلوک و معقولیت او کمال رضامند گردیدند و
 معزی الیه یک طاق کاشیری و یک توبه کاشیری و یک قبضه شمشیر و غلاف طلا که خلعت مقرر شده
 بود با خلعت داده روانه راهبر گردید دستور العمل بدین گونه نمودند و قرار امور عایجه شیخ فارس خان را
 در حکومت چپ داده یک قبضه شمشیر و غلاف و کل طلا و دو طاق و یک قبضه کاشیری که خلعت
 هر سه عایجه ها را الیه بود با خلعت داده و نظم امور آن صفحات روانه نمودند و فوج بیات ابوالحسن
 محمد مراد خان رزندی را نیز رسان دیده موجب نفی آنها را از قراریکه اولیای دولت علیه حکم کرده
 با آنها تعدد تسلیم کرده و فوج مرزور را روانه لرستان نمودند که تا ورود نواب معزی الیه با بنجام
 خدمات لازمه اولایات باشند با بنجام امور آن صفحات را نظم کامل داده اند و حکام و مباحثین هر یک از
 محال و حدود و اولایات را معین و نامو نموده از اینجا غایت صفحات لرستان و انتظام امور بر وجود
 بختیاری را داشته اند عراق از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند امور اولایات از بهر
 نظم و رعایا و برایا جرقه حال و رفعت بال کبار و شغل و عیشتی خود و دعا کوئی ذات بهمال اقدس
 بایون شایستهی مشول اند مقرب انخا قان میرزا حسن خان حاکم عراق در نظم ولایت و رفاه حال
 رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بعضی داد و دعا بکمال مراقبت و مواظبت را بعلی آورد
 و بجهت و کدخدایان و مباحثین ملوکات قدغن اکیده نموده است که بار عایا بطور خوب سلوک نمایند و اگر
 کسی از مباحثین نسبت عیشتی تعدی و بی حسابی نماید مستوجب مواخذة و ترحمان خواهد بود ازین
 رعایا آسوده خاطر سرگرم عیشتی خود هستند

فارس از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن ثواب مستطاب مؤید
 حکم آن مملکت فارس در کمال انتظام است و ثواب مغری الیه بعض و داد مردم و نظم ولایت و رفاه
 رعیت و انجام خدمات یوانی اهتمام داشته هر روزه در مقر حکومت نشسته امور جمهور را فیصل می‌دهد
 و بر ایا اسوده خاطر کار و کسب و عیشتی خود و دعا کوئی ذات اقدس بی یون شایسته خدای تعالی و سلطان
 مشغول غله و حبوبات از هر گونه بجهت اللہ در کمال وفور و ارزانی است مگر چون بجهت و اب قشون زیاد
 میشود قدری تعبیر و ارد آن هم گمان دارند که کنترل بکنه و ارزان بشود بجهت اینکه هنوز جو و کدو تازه از بلوکات
 بشهر نیامده اند و خرمینها را خور و نگرفته اند آنچه بفروش میرود غله گنه است که از انبار در می آورند
 (دیگر نوشته اند که آقا سید زین العابدین پیشانی طفل دوساله دارد ماری آمده بود از پیش روی او بگذرد
 طفل دست یازیده سر را گرفته و بدنش گذاشته فوراً جویده بود بطوریکه مار را لاک کرد پدر و مادرش
 مشاهده این حالت مضطرب و قطع در تفشیدن طفل داشتند وقتی بسر وقت او آمدند که کودک را لم و کرا
 گشته و ید سجات شکر الهی بجا آوردند این معنی از غریب اتفاقات و سبب مزید اعتقاد الهی فارس در حق
 پدر آن طفل گردیده احترام او را مدعی می‌دارند) (عالیجاه مقرب انخافان علیقلی خان سرتیپ فوج خرقانی
 در بیت و سیم ماه گذشته ذیقعد الحرام با فوج خود روانه دربار معدلت در ارمایون گردید چون در آیم
 توقف در فارس فوج را با کمال نظم راه برده و با نهایت معقولیت و کفایت حسن سلوک با اهالی ولایت
 راه رفته بود و رعایا کمال رضامندی را از او داشته ثواب نهاده انظار التفات زیاد با و نموده و تحفه
 با و خلعت دادند و تدارکات و سیورات منازل عرض راه نیز حسب احکام ارکار گذاران دیوانی در آنجا
 گرفته بفرج داده و فوج را از آنجا حرکت داد که بر رعایای منازل عرض راه بسبب سیورات از فوج مزاحمت نرسد
 (عمده الامراء العظام مهر علیخان شجاع الملک از اردوی برازجان در دوازدهم ماه مزبور حرکت و در راه
 وارد چار را به دارمه فرسخی شیراز گردید چند روز در آنجا و باغ ارم توقف کرده در سلح ماه ذیقعد وارد
 شد ایمن داشته اف ولایت و خوانین و ارباب مناصب و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال انجمن آوردند
 بعد از ورود بشهر بحضور ثواب مستطاب نهاده و الا بتا مؤید الدوله شریف شده از آنجا بخانه خود رفت
 و عالیجاهان محمد قلیخان سرتیپ فوج خاصه و لطفعلی خان سرتیپ فوج بیستم تومان اول که همراه او بودند با
 فوجهای خود در سپرون شهر شیراز چادر زده توقف دارند) (تو سپیان متوقف شیراز و فوج نهادی
 همه روزه در میدان توپخانه و میدان شش حاضر شد مشغول مشق نظامی می‌باشند و از جانب صاحب
 نهایت اهتمام در مشق آنها بعمل می‌آید

اخبار دول خارجه

حکمرانان فرنگستان سیاحتان در دول سیره رسما و غیر رسم معمول و در صورت من غیر رسم و حق آنها قطعا پذیرانی و محامه حکماری سرعی نبودن از اصول قدیمه فرنگستان است اعلیحضرت امپراطور سابق که در زمان اختلال چند سال پیش ازین استریه و مجارستان از حکومت استفا کرده و اعلیحضرت امپراطور استریه را بجای خود نشاند و از نو اختیار فرموده و موسوم بفر دینان میشد و بیست سال قبل ازین پام امپراطوری خود غنیمت سیاحتی من غیر رسم بشهر استود غره که مقر فرالیت دولت و ارتبوع است بمورد و بعد ولت مریور اعلام و خواهش کردند که در و دیوان بهاخانه اولایت ادب احترامات نسبت به حکومتی بعد از آن بصورت تبدیل روانه اولایت گردیدند و فرال و ارتبوع نیز قبل از ورود ایشان فرستادند و خطوطی که بر سر درب بهاخانه علامت بهاخانه رسم میکنند کلا قطع و محو کردند و بر در سربای حکومتی خود واد نوشتند بهاخانه امپراطوری اعلیحضرت امپراطور قتی که وارد شهر مریور گردیدند بغیر از جهان بهاخانه دیگر بنظرشان نیامد در اینجا کارگاه که فرو دادند و داخل عمارت فرال دولت مریور نیز خود بصورت صاحب بهاخانه و عیال و خدم و ابل و بصورت طبخ و خدمتکار پیش آمدند و اصلا بر و عمل خود را نداده بدین پنج امپراطور را استقبال کرده از قیمت ماکولات و اجرت منزل و غیره تقطیس و بیان بعلی آمده و اطاقی شدند اعلیحضرت امپراطور از حرکات و اطوار آنها دریافت معنی کرده ولی بدست آنها نگاشتند و در اینجا بسر برده و صبح و ج ماکولات و اجرت بهاخانه را بدست فرال مریور تسلیم نموده بکاکه سوار شدند سر و کین دولت مریور نیز با وزیر امور خارجه اندولت بهیات ملوک و خدمتکار همراه امپراطور تا سر حد دولت خود آمدند و در این اوقات فرال سقانیه نیز من غیر رسم غنیمت خود را بعضی مقر حکومت دولتها و دیگر و اینکه در حق او ادب بسته بعلی نیاورند اعلام کرده است و کمان دارند که در حق او نیز همانطور محاطه (بموجب اخباری که این اوقات رسید نواب غراندوق قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس از شهر قلعه فرانسه حرکت کرده و از راه بروکل بلجیفا و بعد از آن بفلنک غنیمت داشتند درین حین اینجا اعلیحضرت امپراطور روس با جناب رسم تملراف احضار شده به پترزبورغ روانه گردیدند) (نواب روس نمایان عمو زاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه در این اوقات در ضمن سیاحت با مجلس و ایراند و از اینجا به پترزبورغ بیازدید نواب غراندوق قسطنطین در روزنامه های فرانسه نوشته اند) (بجهت تسویه امور شخصی خود در این اوقات رفتن فرال دینارک بپاریس مجموع گردیده است) (در روزنامه های استر غنیمت نواب پرنس مقسطنین برادر اعلیحضرت امپراطور استریه که قائم مقام لومباردیا بجبهه حاکمیتی بلدن نوشته اند

قرائل دولت در دین ماکنون تزویج اختیار نکرده است درین اوقات تزویج دختر قرائل سقتینه را
 کرده و کیفیت را مجلس مئورت دولت خود بیان نموده است و همچنین قرائل پورنگیر نیز دختر دوم قرائل
 باویر را اراده تزویج دارد (بقانون مملوئه فرمانستان دریای تخت و مقرر حکومت هر دولتی مجلسی است
 دولت از خواتین و مجلسی از جانب ملت از وکلای رعایا یا انعقاد می‌پارود دولت تعیین انتخاب اجرای مجلس ملت
 مطلقا داخل نمی‌کند بلکه بقرار و رای عموم ملت از هر شهر و مملکتی وکیل انتخاب کرده بپای تخت می‌نشیند در این وقت
 در پاریس پای تخت دولت فرانسه ملت مئورت اعضای مجلس قلمی نزدیک با تمام است در باب تعیین وکلای
 از جانب دولت بعضی وکلای ملت به اسم مجلس قلمی تصریح شده و از جانب ملت نیز بالمقابل بعضی اشخاص که در ایام
 جمهوری فرانسه مخالف دولت بودند و دولت بعد از آنکه استقلال یافت آنها را تبعید و اخراج کرد و انتخاب که در
 بموجب روزنامه دیگر که بعد رسید نوشته اند که حکومتی مخالف با این دولت وقت فرانسه در باب اجرای مجلس
 ملی کلا رفع گردیده بموافقت طرفین از جانب اهل دولتی و نصرت و نظر جری مجلس قلمی انتخاب گردیده از این
 چهارده نفر از اشخاصی هستند که در زمان جمهوری فرانسه مخالف دولت بودند باقی کلا طرد از آن دولت
 (در شهر وین تنی دینا نیز در باب انتخاب اجرای مجلس جمهوری آنولایت با این املی مخالفتی ظاهر شده بود
 در این اوقات اکثریت آرا در یکطرف ظاهر شده و نزدیک بوده است که ماده مخالفت رفع شود و بعضی از
 املی که مخالف طرف اکثریت بودند بجهت املی مخالفت و ابرامی مدعای خود بطرف آنها توب انداخته بودند
 فی الحال عا که جمهوری بیرون آمده توب را از دست مخالفین گرفته معاودت نمودند درین مقدمه از آن
 موقوفه شش نفر تلف و سی نفر مجروح شده اند بعد از آن که از شش کجا بجا می‌دهد با خود معلوم نیست) دیگر
 نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه که بشهر پنچ تشریف برده بودند از جمله اکراماتی که با املی مجارستان
 مبذول داشته اند اینکه با بجهت مأمورین هر سه نفر و نفرش از اهل آن مملکت باشند و اکثری از ارباب چنانست
 که در قلعه استیبرق محبوس بودند با محبوسین بر جایها و انعاما کر مجارستان کانی که بجهت جنایات بقعه
 مستوجب عقوبت بودند همه را عفو فرموده اند) (پاپای رومه بحال مملوئه مملکت خود که سیاحت کرده بود
 املی محلیه با متید اینکه بعضی اشخاص که با قضای پولنیک در حبس خانها محبوس بودند با آنها را عفو و
 خواهد نمود بجهت تبریک قدم او در محل حبس اجرای شلیک و احترامات بعمل آوردند ولی مرضی محبوس صورت
 گرفت باین جهت فی الجمله بروتی با این املی و پاپای رومه ظاهر شده است) (اگر شیخا جانی بکلیس گشتی که پنجاه و یک
 داشته پیشگاه کاننان چین بکشتی بود فی الحال دو کشتی از انگلیس و در سه پنجاه و یک توب ویرالات و ادوات محموله او را
 بردن آوردگان و شش که خودی از اینها را از آنکه بکشتی بتوانند حرکت بدهند

روزنامه فایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه تهران

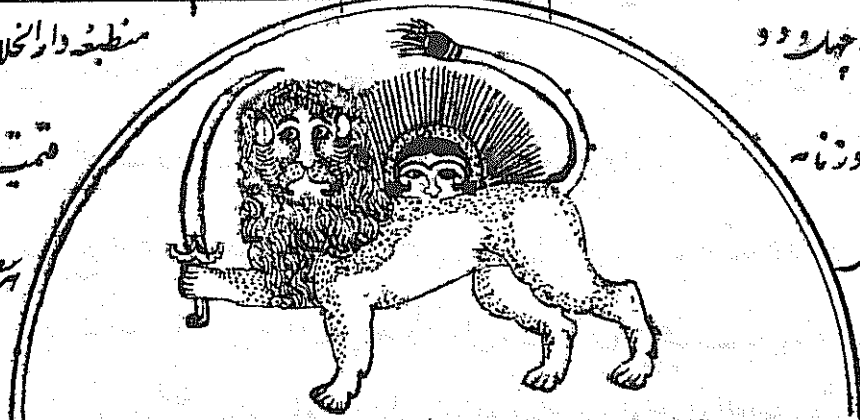
هر یکصد و چهار روز

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط

هر نسخه



اخبار داخل ملک محروسه پادشاهی

اردوی هاپون

اعلیحضرت امیرش هاپون شاهنشاهی خلدالله ملکه سلطانه کماکان در سیاق و سیوران تشریف دارند و از دید
دیده عاشر و دهم تقریر داری جناب سیدالشهدا در آنجا که ارخواست فرمود چون اوقاتی که آیام
عاشر و دهم در شهر دارالخلافه تشریف داشتند یکبار که در جناب شرف اجداد فرخ صدر عظمیست و
تقریر داری جناب اباعبدالله محسن علیه السلام و دعا کونی ذات امیرش هاپون را بعلی آوردند و اسالی
موجب هاپون با قضای فضل در سیاق و سیوران تشریف دارند و قبل از آیام دهم عاشر جناب مستطاب صدر
که از پارسان بنیامی تکیه و تقریر و در برابر درخت سیوران خودشان گذارده بودند امر و مقرر داشته اند که در
تکیه را طاقی نماند و هر جا که تعمیر و مرمت لازم داشت نموده بهمه و تدارک تقریر داری مشغول هستند و
تعالی در دهم عاشر در آنجا که تکیه به لوازم تقریر داری و دعا کونی ذات بهال اعلیحضرت ظل اللهی مشغول خواهند بود
(عمده الامراء العظام مقرب الخاقان سردار علیخان که از جانب سیانسی هاپون حاکم سیستان و از خدمتگزاران
دولت جاد و پیاپی است این اوقات که بتعین درگاه فلک شهباه شیرفانی حاصل کرده مورد مرحمت علیشان گذارده
بود محض رحمت اراده خاطر آقا مستطاب هر شاه به اقتضای نموده او را بمصاهره و تاسیستطاب هر شاه و ازاده
برهم میرود است سلطنت کبری سرافراز فرموده بر حسب امر و لای دولت علیه مقرب الخاقان میرزا زمان
دیوان مجلس عقد ترتیب داده روز جمعه ۲۴ در حضور علماء ذوی الاقترام و شاهزادگان عظام و چاکران
در بازار کردن حشام عقد مناکح میمنت و مبارکی منعقد گردید

بعد از آنکه عهدنامه دوستی مابین وکلای دولتهای ایران و انگلیس در بغداد مبادله شد و بیای دولت علییه
ایران در کمال صداقت بلافاصله اقدام با اجرای فصول و شرایط آن نمودند و هر یک را در موقع خود بدین
تأخیر کاملاً بعل آوردند از دعوت جناب جلالت مآب سرتور و وزیر مختار انگلیس بطهران و تعیین صاحب
باشان برای دعوت و هماننداری جناب معزی الیه و تقدیم لوازم احترامات و تشریفات
و تخلیه سبیل جمیع افغانه و اعلام صریح که هر کس در ملک ایران بوده باشد خود را در رفتن با قضا
و ماندن در ایران مختار و مطلق العنان بداند و امثال و نظایران در هیچک از این مواد قصوری نگذاشتند
حتی تخلیه هرات را که خبر عظم عهدنامه بود بطوری اقدام نمودند که قبل از انقضای مدت معینه در عهد
بین مقصود از فوه بفل آمد و خبر صریح مکتوبی در این باب از قوابل ماستطنه و الی مملکت خراسان رسید
خلاصه از جانب این دولت علیه هیچ وجه قصوری و تقوری بظهور نیامده است و اکنون منتظر
هستند که دولت انگلیس چگونه با اجرای تکالیف خود که در عهدنامه مقرر بود اقدام خواهد کرد و سببه تمام از عهد
ما فی الذمه خود در دوستی خواهد برآمد (چون مقترب انخافان میرزا زمان امیر دیوان در انتظام امر دیوان
مبارک که مراقبات کافی بعمل آورده صورت احکام یکساله شرعی و عرفیه و مراعات و قوای حکام شرع
شریف را بر حسب امر قدر قدر اعلیحضرت شاهی خلد الله ملکه و سلطانه در قلیل زمانی طوایف
نوشته بنظر هیاتون رسانید لهذا مستوجب شمول مرحمت علییه شایان ذکر دیده موازی یک قطعه
شیر و خورشید از مرتبه اول تیرپی با بنظام یک شیشه حامی سرج که مخصوص همان منصب است با
یکثوب جبهه ترمه کشیری بافتار او محبت گردید و فرمان مهر لعلان شرف صدور یافت) (بظرف
خدمتگذاری حسن کفایت مقترب انخافان میرزا زین العابدین مستوفی در انجام تعهدات مرجعه خود
که خاطر اقدس هیاتون شاهی و بی دولت علیه را قرین رضامندی و خرسندی داشته مستوجب
مرحمت آمد لهذا در این اوقات از جانب سنی الجوانب آهوس هیاتون یکثوب جبهه ترمه لاک بافتار
مقترب انخافان شارالیه محبت و عنایت گردید و در این **خلافه طهران** هوای دار الخلافه
مبارک که در این اوقات بسیار خوب شده و شدت حرارت کما بکلی رفع گردیده و نهایت لطافت
بهیم رسانده است حتی شبهارابی لحاف و بالاپوش نمی توان خوابید خصوصاً و آخر شب که کمال برود
از هوا معلوم میشود و در این اوقات که ایام دهر عاشورا و زمان تعزیه داری جناب سید الشهدا است
عموم مالی دار الخلافه بزور چادر در تنگ یا بستن طاق نما و تدارک سبب تعزیه داری مشغول باشند
و عموم کپران دیوانی متوقف دار الخلافه مبارک که در این ایام عاشورا از نظام و غیر نظام از مشق و غیره محاف

مرخص میباشند که روزها را بتکایارفته استماع ذکر مصیبت نموده مشغول تعزیه داری باشند امور شهر
و محلات منظم و عالچاهان کلاته و که خدایان حب الامروا تبکامیاب هزاده والا بتار محمد تقی میرزا
حکمران دارالخلافه کمال مراقبت دارند که از کسی خلاف قاعده سرزنند و هم چنین امر و اولی ارک مبارک
و قراول خانهای شهر مضبوط است و از جانب صاحب منصبان کمال اهتمام در امر قراولی و حفظ و حرا
ارک و شهر بعل می آید و ماکولات و میوهات از چیزهای نهایت و فزوار زانی را دارد و ناخوشی نیز
مثل سالهای گذشته که درین موسم فراوان بود اما سال بجهت الله نیست مگر بندرت بعضی تب و زردی
می شود که آنهم بامساک و مراقبت جزئی رفع میگردد و امانی و اعیان دارالخلافه الباره در عین فراغت
اسودگی خاطر بدعا کونی ذات قدس جلیون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه و شکرانه حصول این
رطب اللسان میباشند (ابرار اسم نام آتشی در سال سابق در نیاوران دزدی کرده بود و از
دستگیر شده بحکم نواب مستطاب هزاده فخرالدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا حکمران
سابق دارالخلافه محبوس شده مؤخر از محبس فرار کرده بعد از چندی باز بدارالخلافه آمده دزدی نموده بحکم
نواب معزی الیه یک دست او را قطع کرده اخراج نموده اند اما سال باز در دارالخلافه سیدیه با یک دست
بریده و رنگ سرفقت شد او را گرفته آوردند بحکم نواب کامیاب هزاده والا تب محمد تقی
حکمران دارالخلافه دست دیگر او را نیز قطع کرده و چهار نموده در بازار گردانیده از شهر دارالخلافه
اخراج کردند و همچنین حسن نامی در کار و نهی دالان دراز بجهت شب رفته چراغ روشن نموده بعضی
جمع کرده بود که ببرد دالان دار و سکنه کار و اسراف نموده او را گرفته خدمت نواب معزی الیه آوردند در
مقام تحقیق برآمد معلوم شد که سابقا نیز دزدی کرده بود لهذا بحکم نواب معزی الیه یک دست او را
نیز قطع کرده و چهار نموده در بازار گردانیده از شهر اخراج نمودند و بجهت سرفقت و شرب
شرارت از جانب حکمران و سایر کارکنان دیوانی مقیم دارالخلافه مسبب رک کمال مراقبت و موانع
بعل می آید و کسی مطلقا قدرت حرکت خلاف بقدری نسبت بدیکری ندارد (اما سال بیانی در دارالخلافه
طهران چه از جانب دیوان اعلی و چه از جانب امنی دولت علیه و معتمدین چاکران در بارهای یون و چه از جانب
سایر خلق زیاد شده میشود و روز بروز سجد الله آبادی و جمیعت دارالخلافه مبارک در ترانید است چنانچه
زمین بابر در شهر بسیار بندرت یافت میشود اغلب باغها را که در شهر بود درین سناه کلاً قطع
کرده و عمارت نموده اند و هم چنین پروان دروازه دولت و شمیران و دروازه نوین خوب آباد شده است

سایر ولایات

از رپایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور ولایت قرین نظام است
 و رعایا و برابرا اسوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس بایون شایسته خلد الله ملکه و سلطان است
 دارند فدوی دولت ابدت مومن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکا ملک آذربایجان
 غوررسی با مورچه و نظم ولایت و انضباط کار سپاهی و رعیت و انجام مرجوعات و مهمات دیوان
 مراقبت و اتهامات وافی بعضی می آورد و بحسن کفایت کرانی ولایت را بمبدل بارزانی نموده چنانچه از
 روز و در ولایت تا اوایل دیحجه که این روزنامه رسید روز بروز غلّه در تراید و خرش در تنزل و از
 اطراف فرستاده غلّه آوردند و با فضل خواه غلّه و حواجر حیوانات و محومات در تبریز گال و فوردا
 حاصل تازه نیز پست آمده و تعبیر اجناس را از قراریکه نوشته اند کندم بوزن هزار مثقال مقصد دینار
 نان سه عباسی کوشت شش عباسی روغن چهار هزار و پانصد دینار جو سیصد دینار و سایر اجناس
 نیز بهین نسبت معروضه و افزوده است دیگر به بیکری یکی و که خدایان و داروغه در باب حفظ و مرست شهر و
 محلات قدغن آید شده است که سارق و شارب انحر و ازین قبیل اشخاص را گرفته فراخ و جنایت نماید
 و انضباط تمام در نظم امور شهر و محلات داده شده علاوه بر کزیمه و تحفظ استمراری که خدای بر محله
 در سر کوهها و کدرا از اهل همان کوه و محله شنیده است که اشته الواط و اشرا را بهیچوجه جال شرارت
 و هرزگی نیست و خود مومن سلطان وزیر نظام روز ما را از صبح الی حوالی عصر در دیوانخانه نشسته رسید
 بعضی و داد مردم و فیصل امور پر و از دو هر کس عرض طلبی داشته باشد بمانی و نیمه جهت دیوان و قراولی رفته
 عرض نموده بامان فیه بروی قصاب جواب میشود مقتضای آنجا قان میرزا مصطفی قلیخان پیکار معاملات دیوان
 همه روزه با مستوفیان ولایت نشسته مشغول رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی و وصول و اصال
 مالیات میباشد (دیگر نوشته اند که عبدالباق غلام سفارتخانه را در مرند کشته بودند مراتب را بمقام
 دبیر مهمام خارج بمومن سلطان وزیر نظام عرض کرد که حسب الامر محصل امور کردید که رفته قاتل را گرفته ساور
 دیگر یک نفر سید قیام عرض نموده که دوسه نفر الواط مرا بمیدان مفت کچلان دعوت کرده و شب روغن
 بخوردم داده چهل و سه عدد امیرالمرابطه اندر حسب حکم الواط را گرفته آورده بقیه کاملی نمودند ولی از پول
 سید چغیزی مستور معلوم شده است (دیگر نوشته اند که یک نفر زن در جعفر آباد خود را که بی عصمتی
 و منازل ارامنه و غیره رفته بار کتاب خویش پر دخت بغیرت و حیثیتش گران آمد و شب خفه کرده
 فردا کیفیت بعضی وزیر نظام رسیده آن زن را تحسین و توصیف نمود که بدنامی و بی ناموسی زایست
 خود را نداده است

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور آن ولایت قریب نظام است و آب گامیاب
 و الا تبار عبد الصمد میرزا حکمران قزوین بجهت تغییر آب و هوا در غرضه و بجهت آب گرم قزوین رفته بوده اند
 مقرب انخافان حاجی حسن خلیجان پیشکار در نظم امور ولایت و رفاه حال رعیت اهتمام کافی بعمل می آورده است
 آب خیابان خوابیده بوده است و از بی آبی مردم بدبیکه شده است مقرب انخافان بشا رالیه وجی از خود
 بجهت تنقیه قنات فرج پور داده است علاوه بر آن تخوانی نیز داده و سی سنگام آب خرید و در محلات
 نموده است و مردم از عسرت بی آبی فارغ شده اند (دیگر نوشته اند که مسجد جامع قزوین این روزها
 خوب صورت تعمیر یافته و می باید بجهت سبک هم موقوفات آنجا بجلالت بق که حیف و میل شده حال مبرق
 خودش میرسد و هم سایر مردم میل کرده بکس یکجای او را تعمیر می نمایند ایشان بسیار خوبی بار
 ساخته شده و طاق بزرگ او را نیز که خراب شده بود و اسافل در کارند و بدین وجه صاحب کنت
 هر کس بقدر مقدور در تعمیر و آبادی آنجا اقدام و اهتمام دارند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه زین العابدین
 نایب فرشتخانه مبارکه و ارد قزوین شده حکم اولیای دولت علیه را در باب حمل و نقل اسباب کارخان
 در لیان باقی آورد و مقرب انخافان پیشکار را و لا چند نفر بخار و تجارت را اجرت و سبب داده روانه نمود که بعضی
 معا بر و پی وغیره را که خراب بود درست نمایند بعد از آن مکاریان و ریش سفیدان آنها را خواستگی
 بجهت ریس قاطر گرایه نمود که در میان خود تقسیم کرده حاضر نمودند که رفته اسباب فرج پور را حمل و نقل نمایند
 کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولته
 و مراقبت و کفایت مقرب انخافان امان الله خان والی کردستان امور آن ولایت قریب نظام است و رعایا
 و برابرا اسوده خاطر مدعا کوئی ذات احدس جایون شافشهی اشتغال دارند بهوای آن ولایت نیز
 نوشته اند اسال بسیار خوش گذشت و ناخوشی بجلالت لهای گذشته بسیار کم بوده و اجناس
 و کالاهای گوناگون فراوان و ارزان بوده است) (در روزنامه جوانمرد نوشته اند که صیاد بجهت
 شکار کردن بکوهستان سرحد فیه در کوه کوه کوئی را بطور آورده بود که مار بسیار بزرگی بگردن او
 پیچیده است لشک را بر دست در آورده بود که کوزن را بزند ناگاه دیده بود که پلکی بقوت تمام بر
 کوزن خستین کرده مار فوراً سر از گردن کوزن راست کرده بر پلکی زد بطوریکه از شدت اثر زهر بر زمین
 افتاده برخاست و با مار در آویخت و هر یک یکدیگر خندان کاوش کردند که هلاک شده بجاک غلطیدند کوزن
 از نکایت و اذیت آن دو خصم مستولی سالم مانده راه خویش پیش گرفت صیاد نیز بعد از مشاهده این حالت
 رذن کوزن را بر خود سگون نهانست و بخیال صید او فرستاده بود

اجبار دول خارجی

از پاریس پای تخت فرانسه تا توین پای تخت ساردینیه راه آهنی در ایام قبل ساخته شده است ولی
اطراف بعضی کوها را دور میزنند و پیچیدگی دارد بانظر که باید زود مقصد برسند غیر مستقیم تر و تسهیل
راه نیز از جانب دولت ساردینیه سابقاً مهین معین شده در باب خمر که بزرگی که ما بین حدود باستان
و سمت ساردینیه است حرکت کرده و مشخص نموده بودند که اگر آن کو خمر شود در سمت چهار ساعت از پاریس
توین میسر میسران رفت متجاوز از پنجاه هزار ذرع آنجا که دوازده هزار ذرع ایران باشد از آن کو بر آورده
که باست خمر شود تا راه مذکور مستقیم گردد و چهل مایان فراتر که هر طبعانی دو کور و هر فراتقی پست و دول
این ولایت است مخارج کندن آنجا را دیده بودند در این اوقات که یکی از سرداران انگلیس آلات و اسبابی که
خمر زمین اختراع کرده است که بسیار خوب است با او کو و سکه کند می شود از جانب دولت ساردینیه
شخص مذکور قرار داده شده است که شروع در خمر آن کو کرده راه آهن را درست نمایند (بقراینکه چند
در روز نامه ها نوشته شده است ولایت سیان که تابع چین و در سمت شرقی چین واقع است بغایت فست
حاصل آورده و حاوی سی چهل مایان که قریب مشا در و خلق باشد هشت سالی یک دفعه دکتی و آل فلک است
تجارت با ولایت سیرو و سوای آن بایچیک از مالی سا بر دول فرنگستان اختلاط و آمیزش نموده
چنان میباشند که در فرنگستان بغیر از دولت فلک دولتی دیگر نیست در این اوقات که گذارش
حک با چین اتفاق افتاده بعضی ارگشتیهای حبس و قوشون انگلیس و فرانس از مملکت سیان سر در آورده
حکمران سیان از احوالات فرنگستان بر تبه امکان کسب اطلاع نموده حال بنا دارد که بتوسط دولت
فلک با سا بر دول فرنگستان نیز فرامجا به تجارتی تنظیم نماید) (در شهر لیون یک پاپاس
ار و کردن کندم را بدون آسای بعضی اجزای مخصوصه خیال کرده بود چون خودش پرسن بود با جرای
عملیات خود موفق نشد شخصی از مملکتان خود موسس بملا نغوره نام وصیت و تعلیم کرده است را این نیز در پاپا
تحت بعضی دولتها اجرای او را التماس نموده و باعث استهزا گردیده معاودت نمود در این اوقات
هر طور که بوده است در مارسیلیا اثبات مدعی خود را نموده است و اعلیحضرت امپراطور فرانس را
دعوت کرده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است از بطرز بوسن پای تخت دول
روس تا شهر وارشه راه آهنی قرار شده بود که ب زنده از قرار روزنامه های که این اوقات
رسیده است نوشته اند که از جانب دولت روس مجدداً حکم شده است که کمره آهن دیگر
از بطرز بوسن تا مملکت سیرب بزند

کارخانه رسبانی که سه هزار عمده در او کار داشتند در این اوقات در پیشگاه بطر بوریغ در یک خبره
از جانب اعلیحضرت امیرطور روس حکم شده است باینکه دو قومانده درین خصوص تشکیل یافته است
صورت تکلیفیه قومانده فرور نور معلوم نشد است) (قبیلده رف که در سواحل فارس هستند بنیان
تجارت که از آنجا عبور و مرور می نمایند خنی ضرورت میرساند و تا حال بدایره اطاعت هیچ دولتی
در نیامده اند و پیوسته آنچه از دستان برآید به کس از دست و آزار میرسانند در این اوقات بجهت
تأکید و رفع خستارت آنها از جانب دولت فرانسه قشونی با آنجا فرستاده میشود) (در بطر
ناکنون شهبه را چراغ متعارفی فانوس فرزد که چها و محلات و عیزه روشن میگردند حال اعلیحضرت
امیرطور روس حکم کردند آن چراغها را موقوف کرده و بجای آنها مانند لندن و پاریس ششانی در غل سکنی
کجا ببرند و بجهت ترتیب مسیح و ممد و از قوه بقبل آوردن این کار بعضی اشخاص اقرار کرده اند که از
پاریس به بطر بوریغ بیاورند) (در باب حادثه ستاره دنباله دار باجمه المالی فرنگستان خصوصاً
پرسید و المانیان حبلی اشخاص اطلاق اموال موجوده خود را صرف و تلف نموده و محتاج بیک پول شده
و بعضی از کمال خوف و خشت کار عقل و ادراک خود را بدلال داده و برخی کلاه از سر گرفته در کوچه
انزو کرده اند از جمله از المالی المانی شخصی صاحب ثروت و سامان بعد از نشر این حادثه اطلاق
خود را فی الحال فروخته و وجوه حاصله او را تا روز طلوع این ستاره به بوی تقسیم کرده تا غره خیزان
که اول طلوع ستاره و ظهور قیامت می گفته اند بوسعت و رفاه و بذل و انفاق گذرانده تا خیزان
گذشت و از ستاره فرور نور و وز قیامت اثری ظاهر نشد، روز بعد از خیزان یک پول نداشت
بی چیزی و اضطراب و حالت یاسی از روز قیامت خود را پاک ساخت) (در روزهای سابقه نوشته
شده بود که عشا یرقا بل که در جوار جزایر باد دولت فرانسه مخالفت داشتند دولت فرانسه قشون به
انها فرستاده و با آنها جنگ کرده بعد از آنکه عشا بر مرقوم مغلوب شد نداجل المجازات بعضی تکالیف
باب تنظیم و ساح راهها و چیزهای دیگر با آنها تحمیل شده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده است
مؤخر اجمیع آن غوایل رفع گردیده و با ختن راه آهن از پاریس با تولایت شروع شده است) (در
دولت روس تا این اوقات عا که موجوده خود را در تنظیم راههای آتشی و این قبیل چیزها کجا
بازمیداشت مگر عا که خاصه را که آنها ازین قبیل کارها معاف بودند در این اوقات در باب ساختن
راه آهنی که از بطر بوریغ تا شهر وارش ساخته میشود از جانب اعلیحضرت امیرطور روس حکم شده است
که عا که خاصه نیز در آن راه کار نمایند

کثرت مخلوق در چین معلوم و مشهود همه است و بکرات در روزنامهها نوشته شده است این
 مابین جنگ انگلیس با کائیان چین که قتل انگلیس حکومت کائیان حمله برده و آنجا را تصرف کرده بودند
 بعضی اوراق دفاتر بدست آنها افتاده از جمله دفتر نفوس چین بود که داده اند ترجمه نموده اند موجب آن
 چهل سال قبل ازین جمعیت مملکت چین سیصد و هشتاد و پنج میلیون که مقصد و چهل کروار باشد بوده است و چنان
 قبل ازین باز سرشماری کرده اند سیصد و نود و شش میلیون که مقصد و نود و دو کروار باشد تقدیم آمده
 باین حساب باید حالا خلق چین از شصت و دو کروار تجاوز باشند در هر قریه چین که کوچکتر از همه تصور می کنند
 اقلاً پنجاه هشت هزار کس و در قصبات یک میان و دو میان خلق بهم میرسد مثلاً در ایالت کان سوی
 و غانیوی سی و چهار میان که هشت و شصت کروار باشد و در ایالت کائیان که مایه انزع انگلیس چین
 سب و نه میان که پنجاه و شصت کروار باشد خلق موجودند و ازین قبیل ایالاتی که شش برصد کروار خلق
 باشد در چین معتد است و باین حساب خلق چین زیاده از یکسایه ی خلق کل روی زمین است و نیز
 نظام نامه در میان آن دفاتر بدست انگلیسها افتاده و ترجمه کرده اند و میگویند این است که چون بجهت کثرت نفوس
 در چین مالی انجا حبس و چهار عسرت و اضطراب میزند بعد ازین اطعانی که تولد میشوند اگر تاج و چهار ساعت
 رسیده پدر و مادرش بخوانند و اهل ف نمایند از جانب حکومت مانع نخواهد شد (چنانچه سابقاً
 بیان شده بود از دولت روس که بی تجارت و سیاحت بحال سایر میرفتند که پاپورت با کمال
 داده می شد و وجب پورت از آن اشخاص زیاد گرفته میشد و غنیشان در تحت ضوابط بود و علیحدت میسر
 روس این اصول را موقوف کرده و اجرت پورت را نیز کم کرده غنیت هر کس را در چه نیل داده اند
 مابین جهت در ظرف مدت هفت شش ماه از مالک روس بایر مالک هشت هزار کس سیاحت و تجارت بیرون
 رفتن (در شهر فلورنس که محل حکومت غران و قوط سحانه است مردم در تماشاخانه آنجا جمع شده بودند ناگاه
 تماشاخانه تپش گرفت خلق زور آوردند که از درهای تماشاخانه بیرون بروند از کثرت ازدحام که روی هم میخورد
 و بعد بکرا با پاها کردند چهل و سه نفر تلف و بعضی نیز مجروح شدند و متوثر آید و راهم در کمال سهولت خاموش گردید
 اعلانات کتابی در علم و مبتل بر نسخه سامی فی الاسامی و سر الادب و فروع اللغة و شرح قصیده
 کعب ابن زبیر و قصیده معرو و بمقصوده ابن درید و بعضی دیگر از اشعار و قصاید متفرقه یعنی و اما خاتمه فضایل
 مآب ادیب ارباب اخوند ملا علی اصغر اصفهانی تالیف و تصحیح شده لطباع یافته هر کس طالب و خریدار باشد
 در مدرسه صدر در طاق زاویه فروخته میشود هر نسخه به پنجاه دینار

روزنامه قایم اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۰۳

منطقه دارالخلافه طهران

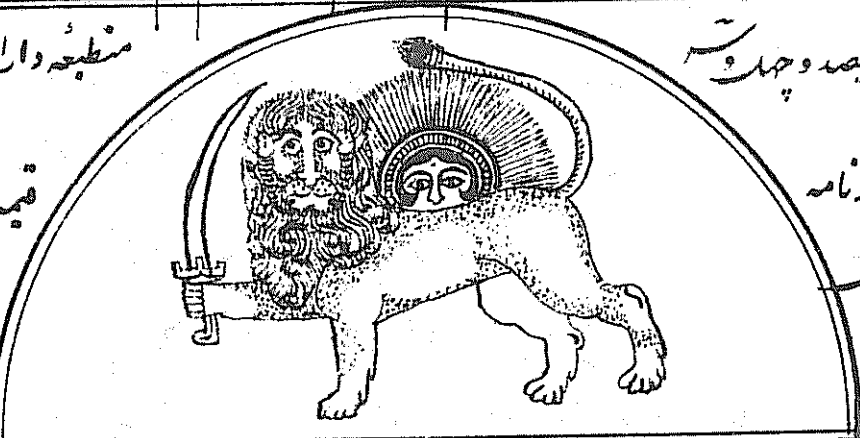
نمره سیصد و چهل و سه

قیمت اعلامات

قیمت روزنامه

هر طرزد

هر نسخه



احبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

چنانچه در روزنامه مفت گذشته نوشته شد علیحضرت اقدس بهایون شاهنشاهی خداوند
 باقتضای موسم و مناسبت فصل این ایام را در سیاق نیاداران تشریف دارند و مراسم
 تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام را در اینجا برپا میدارند بگونه که پارسال بجهت
 تعزیه داری حسب الاشارة العلیه در نیاداران نباشد و با تمام رسید بعضی جزئیات آن
 که نامحاجی داشت درین سال با تمام رسیده و اسباب بکلیه و طاق نما از سال و نفاس و
 قنای و بلورالات و سایر اسباب تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و
 جناب اشرف امجاد ارفع خمس صدر اعظم قبل از ایام عاشورا معتزدا شدند از شهر نیاداران
 برده صفت و طاق نما را بقانونی که رسم است از تجار و غیره در کمال آرایش و ضعیف
 و روضه خوان و شبیه خوان هر روزه بذكر مصیبت خاسر ال عبا و ثالث ائمه هدی امام شهید مظلوم
 انسانی دولت علیه و شاهزادگان عظام و چاکران مکرّم رکاب بهایون و اعیان و اشرف و
 و اهالی ذکورا انما باستماع ذکر مصیبت حاضر میشوند و جمیعت کامل از تعزیه داران منعقد میگردد
 و بجهت احراز ثوابت و حصول دعای خیر حجت دات اقدس بهایون شاهنشاهی شام و نهارا
 فقرا و مساکین و صباقت سایر تعزیه داران بطور اکمل بعلم می آید در سایر دات شمیران نیز بجهت
 حصول امنیت درین سواه بر یک قصه مشهور و مشون بجمیعت فراوان است لوازم تعزیه داری را بعلم می آورند و
 بر یک از آنها یا بعد از ختم مجلس تعزیه بدعا کونی وجود فایض ابجد اقدس بهایون شاهنشاهی اقدام نمایند

از قرآرش شرح روزنامه ۲۲ ذیحجه اسحرام مطابق نمره ۳۴۱ نظر بدلیل که در آنجا ذکر شده بود رعایای
 خارجیه در خاک دولت علیّه بدون حصول شرایط سه گانه مذکور سابق مالک ملک نمی تواند شد اما این قرار را
 مخصوص است با ملاکی که اسم قرا و مستغلات و امثال آن بر آنها صادق بود و استثنای خود خایه نشین
 انبار کجه و خنج امته تجاری که برای ضرورت تجارت موافق عهدنامه منعقد ما بین این دولت و دولت
 کامل الوداد اجازت ابلع آن در حین لزوم داده شده است (چون عالیجاه مجد مسرا میرزا
 اسمعیل خان فنی مهم خارجیه استرآباد حسب الامر الاقدس لای علی احضار مدبر بار معذرت در حال حاضر
 عالیجاه مجد مسرا میرزا میرزا که سابقا در استرآباد بسمت مشکری مهم خارجیه اقامت داشت در حین
 نیز از قرار صد و فرمان مهر لعلان مبارک در عوض عالیجاه شایر الیه بمأموریت بقه مضروب و باقی
 مقررت الخاقان جعفر قلجیان الیخانی حاکم استرآباد روانه محل مأموریت خود گردید و از جانب او ایلی
 دولت علیّه دستور العمل با و داده شد که بصلاح دید مقررت الخاقان شایر الیه بمورات و ایر
 فیما بین تبعه دولتین ایران و روس بر حسب مدلول عهدنامه مبارک رسیدگی نماید و با عالیجاه
 مسرا قونول دولت شایر الیه متوقف استرآباد در قطع و فصل امور تبعه طرفین تقویت تجارت
 رعایای جانبین و سایر لوازم مودت و یکجندی کامل اهتمام و همدستی را عمل آورد و از راه شمول حمت
 ملوکانه باعطای یک قطعه ثمن شیر و خورشید از درجه دوم سمرسکی و یک ثوب جبه ترمه کرمانی از
 جانب سنی الجوانب ملوکانه قرین افتخار و اعیان آمد (چون عالیجاه حاجی موسی خان سرنک قورغان
 مبارک در خدمات مرجوعه بخود اهتمام داشته خاطر اقدسش تالیون شاهنشاهی وای دولت علیّه را وین
 خرسندی نموده مورد التفات و انعام ملوکانه گردیده در این اوقات یکصد و پنجاه تومان برسم انعام
 در حق او مرحمت فرمودند) (چون مقررت الخاقان مادی خان سرتپ که از جانب دولت علیّه و سفر
 مأموریت سمرقند عراقین عرب و عجم که نزد یک عتبات عالیات است بهم رسانید و بجه تمام لوازم
 مأموریت خودش نتوانست زیارت اماکن شریفه مشرف شود لهذا ایندفعه که خدمت محوله بخود را
 بطور خوبی و بر حسب منظور و دستور العمل اولیای دولت علیّه بانجام رسانید بوسیله اولیای دولت
 علیّه مستدعی رخصت زیارت روضات مقدسه از خاک پای مبارک سرکار اعلیحضرت اقدس تالیون
 شاهنشاهی دامت شوکه گردید بملاحظه محسن خدمتگذاری و صدق شعاری مقررت الخاقان شایر
 محض شمول مرحمت ملوکانه باعطای یک ثوب جبه ترمه برسم خلعت مهر طلعت و موهبت انعام از جانب
 سنی الجوانب تالیون قرین استیاءت آمد و اجازت رخصت عتبات عالیات با و مرحمت

و احکام سفارش از جانب دولت علیه بکام عرض راه صادر گردید که بعد از عاشورا ان شاء الله تعالی
 پنجاه روزه آداب و قواعد زیارت مشاهد مقدسه را بعل آورد و معاودت نماید و از کلمات
 طهران در این اوقات که ایام دهم عاشورا است جمیع تکایای محلات دارالخلافه است
 و علمای اعلام و سادات ذوی العز و الاحترام و عموم اهل دارالخلافه از اعلی و ادانی صغیر
 کبیر از کور و اناماد در تکایا و مجالس ذکر مصیبت جناب ابا عبد الله حسین علیه السلام حاضر شده بپایان
 تعزیه داری و دعا کونی دات اقدس هائون شاهنشاهی میسر دارند نواب کامیاب نیز از اول
 محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه و سران نظام و عده
 غنیان و چاکران مقیم دارالخلافه مبارکه در عمارت دیوانی ارک مبارکه بر اسم تعزیه داری قیام
 و سایر خلق در تکایای محلات و مدارس و خانها و کدزها مشغول تعزیه داری میباشند چون شبها
 نیز مجالس تعزیه در تکایا برپاست عالیجنابان محسودخان کلانتر و کدخدایان محلات نهایت وقت
 دارند که خلاف قاعده و سرفقت و شرارتی اتفاق نیفتد (تفصیلی در روزنامه گردستان که در هفته
 گذشته رسید نوشته اند بجهت حسن عقیدت و مزید اراادت تعزیه داران مناسب بیناید که درین
 صفحه مطبوعه گردد — محمد حسن قانام که درستانی که از معارف و مشایر قصه شنید و لغزش مرحوم
 میرزا فضل الله را تعبیرات علیات برده بود در این اوقات بگردستان معاودت کرده در نزد مقرب الخاقان
 والی و سایرین مذکور داشته بود که در اوایل شهر شوال زو قمریادی از املی بند وارد کربلای معلی
 گردیده و بیات اجتماع در هزاره روز داخل حرم مطهر شدند و نفر از نوایان آنها که قریب سیاه سال بود که
 چشم هر دو از حلیه بینائی عاقل و چند نفر خادم دست آنها را گرفته زیارت سینه حضرت سید الشهدا
 آورده بودند و باد بیزن در دست داشتند آنها را با دمیزدند یکدفعه بدون رطوبت خارج قطرات
 از باد زنها بروی هر دو نابینا پاشیده بمحض ترشح قطرات هر دو نواب عی بلیا گردیده دیده اند
 ضریح مطهره و بقعه منوره روشن کرده فوز آنجا افتادند و سجده شکر الهی را بقدیم رسانیدند
 آنها و سایر زوار که از نابینائی آنها مطلع بودند از مشاهد این حالت صدها بولول و هلهله بلند کردند و از دم جام
 زباد از غریب و بومی در بقعه و رواق منوره و صحن سرای مقدسه شده آن دو نواب که با قاعده عصا
 سحرآمیز آمده بودند در مراجعت بدون چوب و عصا بدست خود مردم را پس و پیش میکردند با جمیع اهل کربلا
 از علمای اعلام و اعیان نظام و اتم ذوی الاحترام و بر خلق هر روزه بیدن آنها میفرستاد و اقرار میکردند که
 چشمان بر تبر از زبان سبزه است بطوریکه در تنهایی نایک در کوچه ها چراغ و عصا بر سر و لایات

اذربایجان از قرائکه در روزنامه تبریز نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده محسن و الا تبار
 رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا که از جانب سنی البجانب اقدس هاپون شاهنشاهی حکمرانی
 مملکت اذربایجان سرفراز گردیده از دربار هاپون روانه انولایستند در ورود با نجای مؤمن سلطان
 وزیر نظام و پیشکار کل مملکت اذربایجان بعلما اعلام و فضیله ذوی الغر والا احترام و ادات و شرافت
 اخبار و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین و کدخدایان و عموم اهل تبریز قدغن نمود که باین احترام
 تمام استقبال نواب مغزی الیه را بعل بیاورند اهل شهر کلا و کاکین و بازارها را سببه عالی دادانی ایستاد
 و رعیت با نظام و توپخانه و تفکیکی محلات لوازم استقبال و توقیر و احترام نواب مغزی الیه را بعل آورد
 الی خلعت پوشان رفته شرفیاب حضور نواب مغزی الیه شدند و نواب مغزی الیه هر یک از مستقبیلین فراموش
 شان و مرتبه التفات نموده احوال پرسی کرده و آنها را بعواطف اولیای دولت علیه امیدواری
 دادند و چون بجهت ورود شهر ساعت بعد بود بباغ شمال منزل نمودند و در روز عید اضحی نواب مستطاب
 رکن الدوله حکمران مملکت اذربایجان بقرار حکمرانان سابق در باغ شمال مجلس سلام منعقد نموده مؤمنان
 وزیر نظام خود بنظم و ترتیب سلام رسیدگی کرده سران سپاه نصرت نواب از میرنجهگان و
 سیرتپهان و سرنگان و سایر صاحب منصبان عا کر منصوره با نظام استیاده علما و فضلا و
 واعیان و اشرف از وضع و شرف و سلام حاضر گشته اجرای شکیب شده ادای خطبه بنام شاه
 سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی و ختم تمام بدعای بقا و از یاد دولت و شوکت مصون از
 تنهایی کرده سلام عید اضحی منقضی شد (دیگر نوشته اند چون میزان دار السلطنه تبریز کوچک و بسیار
 بود انبارهای بزرگ نداشت بارهای تجار داخله و خارجه در فضل خریف و زیستان در زیر برف و بارش
 میماند و تجار ازین بکدر مضطر میشدند مؤمن سلطان وزیر نظام حسب الامر اولیای دولت علیه میرانی
 وسیع و بزرگ در قرب جبهه خانه مبارکه بزرگاری عالیجاه میرزا عبدالستوفی ساخته و انبارهای
 بسیار وسیع و بزرگ که بارهای تجار را در آنها گذاشته از برف و باران محفوظ بدارند بنا کرده اند
 و تاکنون در تبریز برای میزان چنین بنائی نشده بود و قریب تمام بوده و در اواسط محرم قرار بوده است
 که تجار بارهای خود را بنیزان جدید بساحل و نقل نمایند (خلعت بیکریسی که در دار السلطنه تبریز که از جانب
 سنی البجانب اقدس هاپون سرفرازی عالیجاه مقتب الخاقان علیقلی خان مرسته بود مؤمن سلطان
 وزیر نظام در نهم ماه ذیحجه خلعت مهر طاعت هاپون را مصحوب عالیجاه میرزا عبدالستوفی بنزد مقتب الخاقان
 مشار الیه روانه نمود در وقتیکه مجلس دیوانخانه مبارکه اراسته و مقتب الخاقان اسدالله خان پسر مؤمن

وزیر نظام و سایر اعیان و اشراف و لایست و کدخدایان محلات و غیره حاضر بودند مقترب الخاقان
 شاره لویه لازم استقبال و توقیر و احترام خلعت و شکرانه و متهمان تفقد و عوطف اولیای دولت جاوید
 مدت را بعل آورده و برب و دوش عیش و افشار خود ساخته اهل مجلس تهنیت و مبارکباد گفته و شربت
 شیرینی نمودند (دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی تبریز چند سال بود که تعمیر شده بود و بمردارایم
 اکثر جایها شکسته و خراب گشته بود در این اوقات مومنین سلطان وزیر نظام قدغن نمود که جمیع عمارات
 دیوانی خصوصاً دیوانخانه مبارکه و حوالی آن را که خراب و شکسته شده بود از نو تعمیر نمودند و الان همه
 عمارات دیوانی آنجا آباد و مسکون است) (در باب مواجب سه ماهه سرماز که باید دستی داده شود
 از وجه نظام اکثر آنها که از دستوالعمل و از اخلاف طهران احکام آورده بودند برآه آنها را شکر نویسان
 عظام از دفتر خانه مبارکه صادر کرده مواجب آنها را مومنین سلطان وزیر نظام کار سازی نمود) (دیگر
 مقترب الخاقان محمود خان میرنجه عالیجاه هدیه یمنی جان نایب اجدان باشی را فرستاده سکن
 فوج امیریه را دیده و تحقیق رسید که جیره آنها را اگر که صاحب مضبان رسانده اند یا نه پس از تحقیق
 حورسید کی معلوم شده بود که یک نفر سلطان قدری از جیره سرمازان راجف و میل نموده بود مشاراً
 بقاعده نظامی بقبر اول انداخته مراتب را مومنین سلطان وزیر نظام عرض نموده سلطان فرمود را حاضر آورد
 در پیش روی اطاق نظام تنبیه نظامی نموده بسبب خلافی که کرده بود باز بقبر اول انداختند) (سرمازان
 جدید که سبجه کسر فوج خاصه شریفه گرفته شده بود مقترب الخاقان میرنجه و عالیجاه میرزا نصر الله شکر نویسان
 در اطاق نظام در حضور مومنین سلطان وزیر نظام سان آنها را دیده بچاه نفر از آنها را که جوانان
 بسیار خوب بودند انتخاب و ثبت نموده صورت اسمی آنها را نوشته قرار دادند که روزی را در میدان
 مشغول مشق باشند) (دیگر نوشته اند که مقترب الخاقان میرنجه لبان توپچیان حاضر در سلطنت
 تبریز رسید کی نموده بعد از آن قرار جیره آنها را داد که ماه بمابه با آنها عاید شود) (دیگر نوشته اند که
 پنجم ماه و پنجمه مومنین سلطان وزیر نظام قدغن نموده داد در بازار با جاکشیدند که جباران نان را اند
 بفروشدند چنانچه قانون جباران است در وقت از نان شدن نان روز بر در دکان خود چراغ روشن
 می کنند بر در دکان کین خود چراغ روشن کرده نان را بوزن هزار مثقال پدهای و خنثند و اما ای است
 این مرحله بسیار مشوف و شکر که از بودند خصوصاً عجزه و ساکین) (در روز عید سعید غدیر نیز تواب مستطاب
 رکن الدوله العلیه در باغ شمال سلام عید منعقد نموده بقانون ایجاد بزرگ اجرای شنگ و ادای خطبه و لایحه
 عید را بطور شایسته بعل آوردند

عربستان و بر و جرد از قرار که در روزنامه عربستان نوشته اند خلعت محمد طاعت همایون
 که با فتح نواب امیرزاده ابراهیم میرزا مرجمش بود چون نواب معزی الیه با افواج کرازی و سواران
 و فیل در حویره مأمور نظم آن سرحدات بود نواب مستطاب هزاره و الا با حشام الدوله خلعت همایون را
 بجویره فرستاده در حین وصول با سران و صاحب منصبان نظام و سرباز و توپچی و شیخ اعراب نواب
 با استقبال شتافته لازم توقیر و احترام را بعمل آورده خلعت همایون را زیب برود و شش ماهات نمودند بعد
 اجرای شکر صرف شربت و شیرینی مراسم شکر گذاریر بمقدم رسانیدند (دیگر نوشته اند که
 نواب امیرزاده ابراهیم میرزا درین قیامت مأموریت در اهورا و حویره انتظام کامل در امور آن سامان
 سرحدات داده اغلب قزاقان که و الیهایی سابق در انولات گذشت بودند که باعث خرابی عتیب بود
 همه را برداشته و موقوف کرده نظم مالیات و سبک سباق عتیبی آنها را واری تازه داده اند
 و بدین سبب تفرقه که اغلب ارتعادات ولایت بق ترک آماکن و اوطان خود کرده بجاک دولت
 رفته بودند در این اوقات بسیاری از آنها مراجعت کرده بقاعده اعراب نوشته تحت حویره
 و می آیند و نواب معزی الیه بجهت ترفیه حال رعایای آنجا کتاچه دستور العمل نوشته بمولی محمد خان
 تازه آنجا که اسال بوایکری انولات برقرار گردیده است داده اند که از قرار آن دستور العمل مختلف
 اعراب و شیخ و سادات و رعایای انولات ازین رکذ رکال شکر گذاریر دارند) (دیگر در روزنامه عربستان
 نوشته اند که قلعه خرم آباد و باغ سروستان علی آباد که برود و دهور از حلیه عمارت و آبادی افتاده و
 چنان قلعه بلند و باغ بهشت مانند با روی رونق افتاده بود نواب مستطاب هزاره و الا با حشام الدوله
 و سالی است در صد و تعمیر و آبادی آنجا برآمده اند تا در این اوقات تعمیر قلعه صورت اتمام و انجام یافته
 بطوریکه بحسب کوه و آسکی و استحکام خیلی بهتر از اول شده و هم چنین باغ سروستان اگر چه سر و پای قدیم
 و از بی نظیمهای بق اغلب خشکیده و مقطوع گردیده بود ولی از سایر اشجار شمر و غیر شمر حسب احکام نواب
 معزی الیه غرس نمودند و بالفعل باغ مزبور سبز و خرم و اشجار شمره او نیز شمر شسته کمال حضرت و صفای
 دارد) (دیگر نوشته اند که چون صفحه برور نواب مستطاب حشام الدوله بنواب جلال الدین میرزا
 نایب الحکومه لرستان و اگذا نمودند بجهت تقویت کار نواب معسری الیه عالیجاه محمد مراد خان سرتیپ
 فوج رزندی را با فوج مأمور کرده مشار الیه با فوج در او اخر ذیقعه وارد خرم آباد شده و در هر جا
 نظم راه افت است چنانچه هم امالی محلیه و هم نواب جلال الدین میرزا از حسن کفایت معقولیت و سلوک
 او و صاحبان او و اہتمامشان انجام محاکم رضامند داشته

دیگر نوشته اند که دسته قطاع الطرق از طوایف سنوند و غیره من جمله ایلات لرستان بزم
عابرین و متردین چند شب در دور خرم آباد کین کرده و دوسه فقره نیز دستبرد زده بودند
بزم سرقه میوه میان باغی رفته باغبانی خبر شده دیگران را صدازده و بهیابانک یکدیگر خبر
کرده روی به زردان و دزدان روی بفرار نهادند باغبانی یکی از دزدان رسیده او را گرفت و در
چند زخم کار و باغبان زد بلکه او را کتک زد تا باغبانان دیگر رسیدند و دستهای دزد را
بسته نیز دزدان بایک حکومه آوردند و حسب حکم توأب مغزی الیه قیسه پیست گردید (دیگر از غزآ
اتفاقات نوشته اند که استاد خدا داد نامی رزق بارش در بالای بام میان خجواب خوابیده
بودند ضعیفه در خواب بوده است می بیند کسی دستی باورده گفت برخیز که طفلت از بام زمین افتاد
سر اسیم از خواب بیدار شده نگاه کرد طفل خود را بر لب بام دید که مشرف با فادن است مضطرب
بطرف طفل دوید که او را بگیرد خودش بضر تمام میان حیاط افتاد از صدای افتادن و فریاد
خبردار شده به وقت آمده او را بر دست باطاق بردند و کیفیت را از او سوال کردند که بچه چیست
افتاده تفصیل گذشته را بیان نمود بعد از آن جوای طفل شدند او را در بالای بام در میان خجواب
حفته یافتند ضعیفه مزبور بهمان صدمه بعد از سه روز فوت گردید) (دیگر نوشته اند که اسال حجه
در لرستان کمال فراوانی و ارزانی حاصلت چنانچه کند مخر واری چهار هزار دینار و جو خرواری
سه هزار دینار و سایر جو بات و میوه بات نیز بهین نسبت نهایت وفور دارد و اهالی آن ولایت ازین بکند
در کمال سود کی شنید اخبار دول خارجه در ماه ذیقعد در شهر و بچو تسولومبار
کلیانی طاقش فرود آمده و از سوان که در آن کلیا بوده اندت نفر در زیر خرابی مانده هلاک شده اند
(از کلیای بعد آن نیز یک کلیا چند وقت پیش ازین طاقش شکست خورده و از راه حیاط
در او قویا منع شده بود در این اوقات طاق مزبور منهدم گردیده ولی چون بکوت دراد سابقا ممنوع
در آنجا بنود ضرر جانی بکسی وارد نیامده است) (در این اوقات دروینم پای تحت استریه از ضرر
انجا بقدر شصت هزار تومان وجه سرقه شده بود در این باب تحقیق کردند معلوم شد که یکی از نامورین
صرا انجا حبه حبه این وجه را سرقه کرده و اوراق پیا نقوضیده و فرار کرده است) (در باب
سکوکات در پاریس و لندن که گاهی تنزل و گاهی ترقی می کند و معاملات تجار بصورت و خسارت
می انجامد بجهت اینکه رفع این اختلافات ترقی و تنزل از سکوکات به جهت یک قاعده مربوط باشد و اتفاقا
مابین فرانجهان پاریس و لندن موقوف شود درین اوقات انجا بضر انجا پاریس انجا لندن فرود آمد

از کشتیهای بخار دولت رزمیک کشتی قالیای نام بعضی سینه و یا پنجه بردن بطوس حمل کرده و در ششم
و یقیناً از جنوه حرکت کرده و از اهل ایالتیانی نفر از اشخاصی که در محاربات بق دول در قشون این
میکردند در آن کشتی بودند وقتی که کشتی به پیشگاه جزیره رسید جمعی کشتی بعد چهار صد و پانصد
در روز و قهائست نمودار شدند نزد یک کشتی که رسیدند آن سی نفر ایتالیائی که در کشتی بودند هر یک سلا
بر گرفته بروی کپتان و سایر اهل کشتی حمله آورده با آنها که در روز و قهائست بودند متفق شده بهر طور بود زمام
کشتی را بدست خود گرفتند و بجهت استخلاص بن ناپولی که بسبب بعضی موجبات پولتیک در جزیره بود
مجبوس بودند بدین رزمیه را بالا کشیده روانه شدند وقتی که به بخار رسیدند پس لکرگاه آنجا کشتی
مربور آمد که بقانون آنولایت تذکره و پاپورت اهل کشتی را ملاحظه نماید و اگر کشتی حبس نمودند و صد
پنجاه نفر و قهائست بکشتی درآمدند و قواولهای آنجا را متفرق کرده بحبس هجوم آوردند بعد رسیدن
از معتبرین را که محبوس بودند خلاص کرده با خود بکشتی در آوردند و از آنجا بایالت صالونه که در تحت حکومت
دولت رالیهاست بجل ساری نام رفته ارباب آنجا را با خود متفق نموده بجهت اجرای ف در آن
ایالت دسته دسته باطراف متهاجم شدند دولت رالیها این حادثه خبردار شده فوراً قشونی
از راه خشکی مأمور و دو کشتی بزرگ نیز با قشون سحری از راه دریای بنگ آنهار روانه نمود کشتیها آمدن کشتی را
از دست مفیدین گرفتند و بعد از محاربات مفیدین مغلوب و متفرق گردیدند و قشونی که از راه خشکی مأمور
بودند در انجمیتی از مفیدین برخورد کرده جنگ در پیوستند بعد از محاربات بسیار صد نفر از مفیدین کشته
و سی نفر دستگیر و باقی متفرق گردیدند و آن سی نفر را که دستگیر کرده بودند بدار کشیده معدوم کردند
این حادثه در پانزدهم ماه فروردین از مفیدین ایتالیائی از محفل غاندو و طوسخانه از شهر لیقوره دولت نفر
مبصره روانه شده قواول خانه بزرگ آنجا را فرود گرفتند بعد از غارت خسارت بسیار بظان آنجا را قتل کردند
حکومت آنجا خبردار شده درهای قلعه را کف بستند و قشونی بسرا آنها فرستاده با هم زد و خورد کردند از جانب
حکومت چهارده نفر و از جانب مفیدین سیزده نفر تلف گردید طرفین دست از جنگ کشیده مراجعت کردند و سوار
اینها در سیزدهم ماه فروردین در شهر جنوه نیز از طایفه ایتالیائی جمعی یک فده آنها مقتول کرده در درون شهر بگروشت
فوز از جانب حکومت بعد کفایت قشونی بر سر آنها مأمور شده چند نفر از زده زخمی کرده و باقی متفرق شدند
پن چند عراده هلف بار کرده بشهر می آوردند بطنیه حکومت آنها را گرفته معلوم شد که بعضی طایفه بسیار در زیر
هلف پنهان کرده بودند چند نفر از آنها و طایفه آنها بطنیه حکومت آنجا در آمده نظام خود را سخت نمود و ازین
کیفیات معلوم شد که مفیدین ایتالیائی کل در باب سورس و با هم اتفاق کرده و هم عهد نه

روزنامه قایم تبارخ یوم شنبه سیرم محرم مطهر لیلان

منبعه دار الخلافه طهران

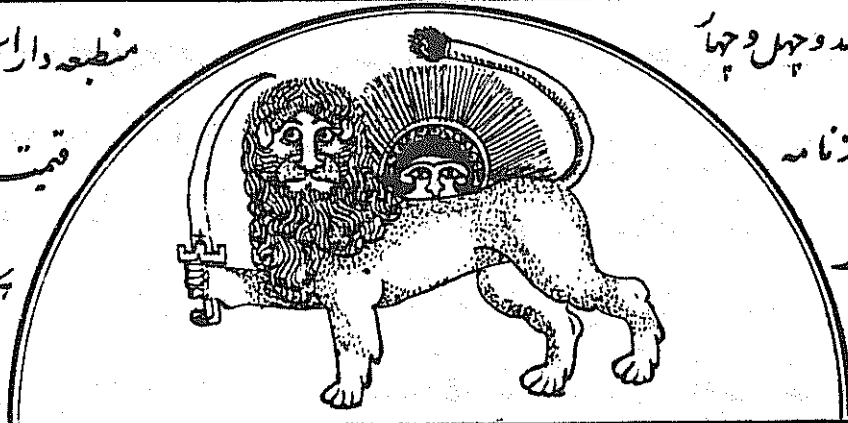
نمره سیصد و چهل و چهار

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طریده

هر نسخه دیشب



احبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

در این دمه عاشورا هر جمعی در هر جا که بودند تغزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام اقدام شدند جناب اشرف ارفع امجد خاتم صدر اعظم در عمارت داران خود نیکه تغزیه داری سببه طاق نما و سقاخانه های بسیار خوب به هزار سالهای دیگر تسمیه شده و هر روز بعد از انقضای مجلس تغزیه هزار صرف کردید بجهت حصول دعا کوئی دات اقدس بایون شاهنشاهی اطعام فقرا و مسکین از جانب جناب معظم الیه بعل این شبها را نیز هر شبی جمعی از علمای اعلام و اغره و اشراف و هزاران عظام و غیره تنگینه مزبور دعوت شده بدو که مصیبت جناب سید الشهدا و دعای وجود فانی بجزو اعلی حضرت ولی شاکست متذکر بودند در شب عاشورا که اقدس بایون تشریفاتی نیکه مزبور کرده از جانب جناب معظم الیه لوازم پیشکش و پای اندازد و قربانی بعل آمده و وضع نیکه و ار استکی طاق نما و سقاخانه ها که مشحون به بلور و قنادیل فراوان و نقایس و شاهای سنگین بود مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده جناب صدر اعظمی را منجلیب بخطابات غایت آمیز فرمودند و روز عاشورا را نیز شبیه به نقاد و دوشن شهدای د کرد بلا در آورده رقت زیادی از برای تغزیه داران دست داده مجلس تغزیه بدعای بقای وجود فانی بایون شاهنشاهی ختم کردید و هم چنین در شهر دار الخلافه مبارکه نیز بقانون معمول سال روز قتل را از جمیع تکایای محلات سینه زن و تغزیه خوان بیکه حال حصار آمده قتل را بر کرده بودند (کذا ترس و نفر نوابان هند که نابینا بودند و در محرم مطهر جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام پشان پنا کردید و در مقصد گذشته از روزنامه که درستان نوشته شد در این وقت که روز اربعه است احب که از جمیع کتبی مذکور در این کتب برای اعلیٰ کردیم

چند ی پیشتر قبل از حرکت نواب مستطاب مملکت خراسان از بهرات عالیجا حسن خان سرگرد
 سواره قراپاق با دولت نفر سواره خدمت نواب مغزی الیه بدار النقره هرات میرفت روز شنبه ۲۸
 شهر ذیحجه الحرام فیما بین خوف و غوریان بقدر دولت نفر سواره ترکان یا زیاد تر از نیت رود جا
 پیدا می شوند و یک نفر از االی غوریان هم در آن بین عالیجا حسن خان خبر میدهد که سواره زیاد هم در
 دارند باز عالیجا مشار الیه با مقتضای غیرت و رشادت چنانی از کثرت آنها اندیشه نموده با سواره قراپاق
 که اسیراه داشت از عقب آنها اسب می اندازند تا چهار فرسخ ایستادگی کنند و بقدرده پانزده نفر سواره
 قراپاق با آنها میسرند آنها نیز دست بشیر برشته هنگامه جنگ و کارزار را می کنند بقدرشش نفر از سواره
 ترکان بزخم کله می اندازند سایرین تاب مقاومت نیاورده رو بگریز میگردانند سواره قراپاق آنها را
 تا هفت فرسخ تعاقب کرده سی و دو اسیر و چهل اسب گرفته حاجت می کنند از قراریکه نوشته اند
 هوای آن روز بسیار گرم و در بین راه آب نبود و الا یک نفر از آنها را نمیکند اشتد جان بدر ببرند
 رشادت و جلالت عالیجا حسن خان در خاکپای هایون اعلحضرت شانای خلد الله ملکه و سلطانه
 محسن و مقبول افتاده موازی یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سیرسکی بانضمام یک رشته
 حایل سفید که مخصوص آن مرتبه است در حق او محبت و عنایت فرمودند (از قراریکه در ثانی نوشته بود)
 روز شنبه ۲۷ ذی قحچ الحرام بعد از ورود عساکر منصوره بشهر مقدس نواب مستطاب مملکت
 خراسان خبر میرسد که سواره زیاد دی از ترکانیه از آق در بند عبور کرده اند نواب مغزی الیه هم
 عالیجاان صف علیجان سیرت سواره هسون اینانلو و حسن خان سرگرد سواره قراپاق و همی تقی خان سرگرد
 سواره شاهسون فشار را مأمور فرموده اند که رفته در سنگ بست جلوترگان باشند و از اردو هم که در کال
 پا قوی بودند عالیجاان لطف الله خان سرگرد سواره دویرن و محمود خان و ذوالفقار خان سرگرد
 سواره حسن را مأمور میکنند و عالیجا پرویز خان سیرت سواره چهار دولی را با سواره خراسانی مأمور
 عنایت آبادی نمایند صبح چهارشنبه ۲۸ پانصد سوار از ترکانیه آمده طرُق را چایید قدری مال و اسیر میگردانند
 و نفر از آن اسیر استخلص شده خود را عالیجا صف علیجان سیرت میرسانند و هم بعضی شیدن با تعاقب سواره
 قراپاق و پشت سر ترکانان روانه میشوند و آنطرف شور کال بسواره ترکانیه رسید در اول
 حمله آورنده جمیع اسیر و آنچه آنها را گرفته شکت میدهند و سواره ترکان عرصه را بر خود تنگ دیده با
 رو بهت عنایت آباد فراری می کنند و ایشان هم پنج شش فرسخ آنها را تعاقب کرده بسواره دویرن و حسن و
 خرقانی که در آنجا مستعد و آماده بوده اند میرسانند آنها هم بسواره قراپاق و شاهسون ملحق شده هنگامه

کرم می کنند و آنهارا میدوانند تا بسواره چهار دلی و حریفانی می رسانند اگر چه هنوز عدد کسیر و شکان
 آنها مشخص نبوده صراحتاً نوشته بودند لکن از قراریکه نوشته بودند از پانصد سوار ترکان بقدری چهل نفر
 جان بدر برده بانی قبیل و دستگیر عا کر نصرت ماکر که دیده است اثبات و التفصیل آنها در روزنامه دیگر
 نگارش خواهد یافت (از قرار روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میزند و از روزنامه نرولور ترجمه
 شده بعضی ویلای دولت علیه رسید بعد از آنکه سفرای اربعه دول فرانسه و روس و پروس و اتریش و
 انگلیس نامه آخری خود را که عبارت از اولتیماتوم باشد با ویلای جدید دولت عثمانیه فرستادند و آنها
 انقضای شورای وزیران برپا شده پاشا عظمی جدید آن دولت بفر جواب فرستاد پس از وصول
 آن جواب سفراء دول مذکور مجدداً کافندی بآن دارالشورای برترک مرادیه دول اربعه فرستادند و بنا
 در روز چهارم و پنجم و ششم یکی از سفایران فرانسه از سفارت دولت مذکور حکم شد که بزودی در
 روبروی منزل سفارت حاضر و آماده حرکت باشد در ساعت ظهر همان روز کشتی بجن متعین بکمال اسکندریه
 رسیدیم عت از ظهر گذشته حسب حکم ایچی فرانسه بیرق سفارت را بشکلیک بیت یک تیر توف
 آورده در همان حین کل عت کشتی یکبار با و از بند گفتند امیر اطوار سلامت باشد بعد از چند دقیقه ایچی فرانسه کشتی
 سوار شده با لباس غیر رسمی بعبارت دله با نچه با اتفاق تهرجم اول سفارت بحضور سلطان رفتند اگر چه سفیر
 هیچوجه بعد از فرود آوردن بیرق حالت رسمیه نداشت چون در مدت توقف مغری الیه در اسلامبول
 سلطان انواع و اقسام ملاطفت و مهربانی فرموده بود و سفیر فرانسسخواست که بحضور سلطان برسیده و ا
 همنان مکرمه از اسلامبول حرکت کند در ظهر همان روز سفیر ساردینیا نیز بیرق خود را فرود آورده و سفیر
 نیز بیرق خود را در همان ساعت خوابانید چون در راه طرف کویا یعنی روی داده بود بدین جهت در خوابانیدن
 بیرق سفارت روس یکروز تاخیر شد هر یک ازین سفایر بیلاق خود که از اسلامبول مسافتی دارند
 سفیر فرانسه از اسلامبول کسیر بیلاق سفیر روس رفت سفایران دولتین روس و فرانسه که بهم رسیدند
 لوازم احترام را که عبارت از شکلیک و کشیدن بیرق با مرغی داشتند آنچه علامات دولتی در سفارتها
 اربعه بود هر چه ممکن بود حمل کنند حمل کردند و هر چه قابل حمل و نقل نبود مخور کردند بیرق سفارت روس را هم
 بیت و یک تیر توف فرود آوردند در عابا و تجارت و امور تجارت دول اربعه در ضیبت سفرای مذکور بامور
 سایر دول از تفراسپرده خواهد شد فرانسه بدولت اسپانول روس بدولت هولاند و روس
 بسوی دال سارو نیا معلوم نیست بکسپرده خواهد شد کویا سفیر دولت روس بویان برود و سفیر
 با عیال کسیر پاریس سفیر ساردینیا نیز بویان خواهد رفت

چون هر سال در غزه محرم که سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانة بكنية تغزيه
 حبيب الله عليه آلاف التحية و الثناء تشریف فرما میشوند یک طاووس شال زر که از جانب حجاب
 امجد ارفع صدر عظم پانده از میگرد و بعد از برخاستن سرکار اقدس تالیون از مجلس تغزیه آن طاووس
 سجده شگون بمقرت انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله رحمت میشود و درین سال نیز تفرقه نمود و در غزه
 محرم که به بکنیه پانده و در آن تشریف بردند یک طاووس شال زر از جانب حجاب صدر عظمی پانده از گرد
 بعد از برخاستن از مجلس تغزیه شال زر بمقرت انخافان حاجب الدوله رحمت شد (چون بمقرت انخافان
 میرزا محمد حسین دبیر الملک در انجام خدمات محوله سجده شگون معی مسکوره مرغی داشته محاسن
 خدمت و جان نثاری او مسواره در پیشگاه حضور هر ظهور علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی
 خلد الله ملكه و سلطانة جلوه گردود و در این ایام عاشورا که خدمت بکنیه تغزیه داری و تغزیه حضور تالیون
 بعهد اتمام او محول بود مراقبات کافی بعمل آورده نوعی در تدارک ملزومات و انتظام امورات آن
 اجتماع نمود که در خانقایی مبارک مقبول و مستحسن قاده محض رحمت موازی یکثوب کجاستن مبارک
 بر بسم خلعت برای مزید مفاخرت و ابد واری او غایت فرمودند بسیار ولایات
 اوزر با پیمان از قرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته اند خلعت مه طاعت تالیون که با پیمان
 نواب مستطاب شاهزاده فخر و الا تبار رکن الدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان
 مرحمت شده بود و در بیستم ماه دسجده احرام پر تو و وصول با سجا افکنده نواب مغزی الیه لوازم استقبال
 و توقیر و احترام خلعت تالیون را بعل آورده تفرار معمولی حکام آذربایجان با اعظم و اشرف اعیان
 تبریز و سران و صاحب مضبان نظام و خوانین و غیره منجبت پوشان حاضر آمد خلعت تالیون
 شاهنشاهی رازیب برود و شاعتبار و افتخار خود ساختند و اهل شهر امروز گلا باز را و دکاکین را
 سبب اهل تمام محلات برای تمییز از صغیر و کبیر و صنیع و شریف منجبت پوشان رفته مراسم
 مبارکباد را بعل آوردند و مورد التفات نواب مغزی الیه گردیده بعد از اجرای لوازم خلعت پوشان
 مراجعت مبارزل خود نمودند (دیگر نوشته اند که در روز و نواب مستطاب شاهزاده فخر
 و الا تبار رکن الدوله العلیه العالیه بدار سلطه تبریز التفات سرکار اقدس تالیون شاهنشاهی
 دولت علییه را بجمع اهل مملکت آذربایجان خصوصاً الالی دار سلطه تبریز گوش زد و خاطر نشان نمود
 یکی اهل مملکت آذربایجان ازین عنایت و التفات اظهار امتنان و شکر گذاری نموده صد بکرانه و
 دانت بهال اقدس تالیون شاهنشاهی بلند کردند

حسن از قراریکه در روزنامه خسته نوشته اند مقرب الخاقان چراغعلی خان حاکم انولایت
 بجهت رفع تراغ شاهسون فشار خست سلطانیه رفته عالیجاه میرزا ولیخان را بنیابت خود خسته
 گذاشته است و عالیجاه شالیه در نظم ولایت و انجام حداثت دیوانی کمال مراقبت و اهتمام
 بعمل می آورد و همه روزه باستوفیان انولایت در دیوانخانه نشسته با امور محاسبات و فیصلت
 میردازد و بعضی وادار عایا غوررسی کامل بنماید و هم چنین در نظم شهر و محلات قدغن اکید دارد
 و غیره نموده است که شبها در حفظ و حرست محلات لازمه مراقبت را بعمل بیاورند بعد از سه ساعتی
 شب هرکس در کوچه بی فانوس تردد نماید گرفته تا صبح نگاه میدارند و از وقتی که این قرار داده شده
 سرقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد (دیگر نوشته اند قبل از رفتن مقرب الخاقان چراغعلی خان
 سلطانیه خانه آقا حبیب تاج خسته را شب دزد زده قریب چهار صد تومان اموال او را برده بودند
 خود عالیجاه شالیه در مقام تفحص و تحقیق برآمده بود چیزی معلوم نشد و عالیجاه میرزا ولیخان
 سپرد که اموال مسروقه را پیدا نماید شالیه نیز بدروازها و جایهای دیگر سپرده و در جردن
 بود تا شبی کاششکان خبر آوردند که اموال مسروقه را امشب دو نفر از دزدان بار کرده بخانه عیقلی خان
 پیر نصر الله خان میبرند فوراً همان شب چند نفر سوار با اتفاق محمد رضا بیک نایب توپخانه و رستم بیک
 بعقب آنها فرستاده در نزدیکی اژدها تو که یکفرسخی شهر است بدزدان رسیدند دزدان مالها را باها
 گذاشته خود فراری و در تاریکی شب متواری شده مأمورین بجهت طلب لیل نوشته بودند دزدان را پیدا
 کنند اموال مسروقه را با همان دواب که بار کرده بودند برگردانده بنزد عالیجاه میرزا ولیخان آوردند
 شبانه آقا حبیب صاحب مال را اخبار صبح در حضور جمعی از اهلای و اعیان اموال مسروقه را تمام بدون کسر
 نقصان تسلیم او کرده و بعد فرستاده دزدان را نیز گرفته آورده اند و مجوس شدند تا حکم آنها بشود
 قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولایت قزوین نظام است و
 کامیاب بنزاده والا تبار عبد القدر میرزا حکمران قزوین که بجهت تعمیر آب و هوا آب کرم رفته بودند
 بشهر کرده اند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین بجهت رسیدگی اموردات خالصه و قرار
 نظم و نسق آنجا چندین بار به بلوکات رفته عالیجاهان میرزا اسمعیل خان و عبد الباقی خان و بعضی
 دیگر را نیز همراه برده در هر قریه و محل بازدید محصولات را بدقت نموده و قرار مابین مباحثه
 ضابط را بار عایا بطوری داده است که هرکس عمل خود را بداند و اضبط و مباشرین نسبت بر عایا
 احماف و زیادتی نشود و بکسان خود نیز قدغن کرده است که هیچ رسم و رسم از عایا حبه و دیگر

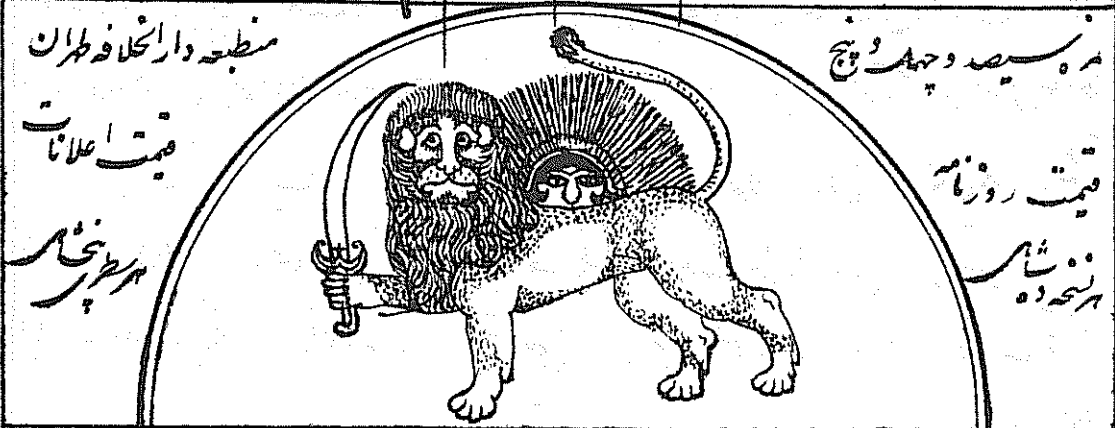
مطالبه نکنند و حیره و علق را قبض مایات و مقاطعه دیوانی بر عاید داده دریافت می کنند و نیزه
 بران هر قسم از کرباب باشد حبه و دیناری از عایدانستوانه بگیرد و قرار بدی و مقاطعه برقرار
 و محل را با اطلاع که خدایان در عاید داده یک شب یاد و شب در آن محل توقف کرده و از آنجا محل
 دیگر رفته از قرار یک نوشته اند کلمات خالصه را بهین نقی سرکشی نموده و قرار امور رعایا را بطور
 و نحوه آنها داده است که ضابطه و مباشرت دیناری بر عاید زیادتی نمی تواند بکنند و رعایا ازین مکلفند
 کمال امتنان و شکر گذارند و از عاید حقه تقی خان نیز در غیاب مقرب الخاقان مشایه در نظم شهر
 و محلات و انجام خدمات و محلات دیوانی و مراقبت خدمت نوابکامیاب هزاره کمال اهتمام را
 داشته شبها را بجهت نظم شهر و محلات و دعوت و نیم از شب رفته با چند نفر از که خدایان و فرزندان
 و سرکرمه الی نصف شب در محلات گردش کرده بکرمه و قرار دل هر جا رسیدگی کرده کسی قدرت
 سرقت و شرارت و حرکت خلاف ندارد و روزی از این بعد از مراجعت نواب هزاره از آب کرم
 با اعیان و غنای و که خدایان در محلات باغ بسلام نواب مغزی الیه حاضر شده با انجام خدمات
 و فرمایشات دیوانی و فیصل امور موجوده بخوبی سپردارند (دیگر نوشته اند که از پنجم ماه ذیحجه الی دهم
 ماه مزبور در قزوین و بلوکات آن خصوصاً بلوک قاقران با دینه شدت و متصل و زید و اوادینا
 سردی شدت سی که در راه ذغال یک نفر آدم و دوسه رسل لایع از شدت برودت هوا و وزیدن
 باد دینه هلاک شدند ولی از دوازدهم بعد هوا اعتدال بهم رسانده باد دینه موقوف گردید
گروستان از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند در شیخان اورامان که
 از متعلقات کردستان است مراد علی نامی از موده شیخ رسول خانقاهی در خانه شخصی همان شدت
 در آنجا بسر برده تعلق خاطر به روس انخانه بهم رسانده و با عروس مهند شده و مواضع کرده بود
 که اهل خانه را هم نوم و عروس را برده فراموشی بدستاری عروس سم در میان مطبوعه رنجته
 اهل انخانه خورده کلاً برض هلاک گرفتار شده بفاصله یکروز چهار مرد و زن از آن خانه هلاک گردیدند
 مراد علی نام بعد از وقوع این حادثه از شدت خوف و واهمه عروس را بجا گذاشته فراموشد الی
 قریه جمع شده در مقام شخص و تحقیق این قصه برآمد که کیفیت ماجرا جبری بزبان عروس جاری گردید
 او را گرفته حبس نمودند و از بقیه همان قسم که مراد علی نام با داده و در نزد او موجود بود در میان مطبوعه
 کرده بخورداد و اند فراموشش بهم خورده بعد از یکروز قدم در پی رفکان گذاشته راه قدیم گرفت
 ولی مراد علی نام مقصود است و هنوز بدست نیامده است

احبار دول خارجی

کذاش مفیدیتان و فادانها در خاک سار دین و ناپولی در روزنامه بنفیه گذشته نوشته شده بود
 روزنامه دیگر در این اوقات بیست یک نفر از ان مفیدین در پاریس بای تحت فرمانه دسیکریه
 در ضمن تحقیق و تکشاف احوال آنها معلوم شده است که اصل اذه فادها بنا بوده اند و منظور از ان
 خودشان بپاریس قصد علیحضرت امیر الطور فرانس بوده است و مذهب بوده اند که هر کدام در هر و
 که مستند بنای شورش و اعتشاش را بگذارند (سجده رفع اینکویت دات که حبه حبه دریا
 ظهور میکند مقدما منت فرو کشتی در تحت فرمانده جبرال لانیر از جانب دولت انجلس بایتان
 شده بود که مدتی در سواحل آنجا گردش نمایند از قرار که نوشته اند کشتیهای مزبور در این اوقات
 داخل لنکرگاه فالپاری شده اند و نیز در باب وقوعات مذکور مفیدین ایتالیا شرحی که در روزنامه
 رسمی ناپولی مندرج و از آن روزنامه ترجمه شده این است که در ۲۷ خرداد در ساعت نه یکشتی
 آنجا بامیدق رویه بوسیده سقط شد کی بلنکرگاه حوضون داخل شده رئیس لنکرگاه مقتضای
 خود کشتی مزبور رفت و او گرفته در آنجا حبس و توقیف و در این اثنا بعضی اشخاص مسلح با زور قهار
 مزبور سوا شده و قراول کمرک رازده و سواای این بعضی اشخاص مضره از برای خود بید و مخصوصی شده
 بروی سایر قراولان هجوم آورده اند سببه اینکه فوج عسکریه حوضون کم بود ما بین جنگ با آنها یکی
 ضابطان مقتول و دیگری مجروح شده اما مظلومین در آنجا محبوس گردیدند و در باب جرایم که در آنجا
 بودند یا مفیدین متفق گردیدند اموال امانی انولات را غصب و غارت کردند و اموال تجار را که در
 بود و بیا نمودند و بیرون شهر کشیدند و متفرقا از آنجا حرکت کردند سببه اندفاع این مقدمه
 از جانب حکومت دو قطعه کشتی جنگی و فوج دهم و یازدهم ششجبه و از راه خشکی نیز مقدار کافی
 از خاک کرد و لقی با آنجا فرستاده کشتیهای مأمورین کشتی مخالفین را با اسباب و اسلحه موجوده که
 میان او بود ضبط حکومت کرده با مخالفین بعد از زد و خورد بسیار مخالفین را متفرق و پراکنده
 کردند و عساکر مرمومه شعیبای مزبوره را تعاقب کرده و عساکر خشکی نیز متعاقب مفیدین حرکت کرده
 قریباً رفع و از آنجا این حادثه بحسن صورت مأمول است (جبرال کویناک که در ایام جمهوری فرانسه
 بر پاست جمهوری انتخاب شده بود بعد از استقلال سلطنت در فرانسه شارلیه چون مخالف قانون
 دولتی بود از فرانسه تبعید و اخراج گردید و از آنوقت تا حال با دو نفر دیگر که هم عهد او بودند در دولت
 اقامت داشتند در این اوقات از طرف امانی فرانسه با انتخاب داخل اعضای مجلس ملی فرانسه

و نیز ازین قبیل اشخاصی که از جانب مالی انتخاب شده اند موسیو پارس نام است که درین اوقات بواسطه روزنامه های پاریس خودش بصفت اعضا بودن مجلس مالی انتخاب تعین شده با مالی اظهار تشکر نمود که بجهت طرفداری جمهوری در این مجلس خود را تلف کرده بود و یکی از رزقهای خود را نیز از مالی التماس نمود که داخل اعضای مجلس ملی نمایند و آن شخص نیز بر حسب التماس و از جمله اعضای مجلس ملی شده است (پیردویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ضمن سیاحت و تحصیل فنون و معرفت مقدماتاً بالله خود بمالک المانیا غنیمت کرده بودند در این اوقات پیر اول پادشاه انگلیس که ولیعهد اوست با خدمتکار خود ^{تخصیص} بمالک مرقوم غنیمت کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس باز و چه خود بجهت رزقن بجایهای معدنی که عبارت از آب گرم باشد غنیمت المانیا کرده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است اعلیحضرت امپراطور مقدماً از پترزبورغ حرکت کرده و در پاریس دهم ذی القعدة بشهر باد موصلت نمود و بجهت تبریک سیاحت ایشان از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه مأمور مخصوصی بانجا فرستاده شده است) (سابقاً نوشته شده بود که اعلیحضرت امپراطور آستریه باز و چه خود غنیمت سیاحت مجارستان کردند بودند در انشای راه خبر فوت دختر اعلیحضرت امپراطور رسید باین سبب فح آن غنیمت نموده بینه معاودت کرده و از اقربای خودش شخصی را وکالت مأمور مجارستان کرده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است در استوس آئیده خود اعلیحضرت امپراطور غنیمت مجارستان را دارند و بجا وکیل که فرستاده بودند حکم کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس درین سیاحت توابع ارض قسطنطنین برادر خود را در پترزبورغ قائم مقام تعیین نموده و جناب قوت لوندوف را نیز مستر نصب کرده اند) (در پاریس در این اوقات شخصی بیک شخص کل منازعه کرده و در بین منازعه کچل بودن او را برایش زده آن شخص کچل فی الحال بمعرفت پوس که عبارت از کلانتری باشد او را بنزد ضابطی مثل خود کچل کشیده و کلاه منازعه را با هزار سوز و کداز بیان کرده ضابط از آن شخص پرسید که تو باین مرد کچل گفته ای بعد از آنرا ضابط حکم کرد که مثالی به پانزده روز حبس بشد آن شخص گفت حالتی که در کسی باشد اگر بگوید که من تو خودت هستم کچلی ضابط منور این حرف متعیر شده پانزده روز دیگر حبس او علاوه کرده آن شخص گفته بود شکر خدا را که ده کچل بیشتر در اینجا نیست اگر چند نفر کچل دیگر در اینجا بودند البته من مدتی طول می کشید حال بد و کچل گفتن و بیکاه در حبس بودن راضی هستم و ممنوناً داخل محبس شده بود) (بجهت تحصیل زبان و فنون و دیدن مصارفات واقعه خود در این اوقات مأمورین کبریه دولت روس از جانب وکیل عربیه دولت منور رخصت غنیمت پاریس داده شده است

روزنامه و کالج انجمن تاج پوچم بستیتم محرم الحرام مطابق سال ۱۲۷۲



اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

ارووی همایون

اعلی حضرت آقدس همایون شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان کماکان در سیاق بیادمان بسیرت و هوای شیرینات این اوقات در کمال خوبی و اعتدال است امنای دولت علیه و مفریان حضرت کردون بطسب سینه و سایر چاکران در بار همایون از خوین و ارباب قلم و عموم اهل سلام سلام سلطانی حاضر شده و بانجام خدات و دعوات مرجوعه خود اشتغال دارند (چون بر حسب امر اولیای دولت علیه حرم مبارک حضرت امام ثامن علیه و علی ابایه الف التحیه و التهنیه و آینه کاری می نمایند از قراریکه نوشته اند این اوقات دو معجزه در حرم مظهر بطور پیوسته یکی آنکه میخ آهنی بوزن دویست پیر از بالای قبه منوره از دست بتائی رو شده سر از بر می آمد همینکه یکد بیابین رسید لوک میخ که دوپایین بود بر کشته طرف دیگرش که تیرنویز باشد رواری جوید و هیچ آسیبی باور رسید هرگاه همان طور که می آمد لوکش باشد رواری میخ و از شکش بیرون میخ و دیگر یکی از بتایان در بالای چوبست کاری کردند از بالا افتادیم ذریع بشروانی ضریح مظهر شاه بود که در میان زمین و آسمان بیکرشته ریمانی که برای او نخستین قنادیل بسته شده بودند شد و سلامت پائین آمد خدام و زوارانش بده این معجزه صدای تکبیر و صلوات بلند کردند (مقت اخبار کان میرزا حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم تعلیس که بر حسب احضار اولیای دولت علیه برای سرکشی امورات خانگی خود موقوفه دارالخلافه الباهر آمده بود حسن مراقبت و اهتمام و صداقت و قاعده دانی عالیجاهش را لیه در لوازم سرپرستی تبعه دولت

علیه متوفی اولاد انجام نهادند بخود و رعایت رسوم مودت حاصله باین دولتی توطئه اولیا
 دولت محروص میگاهد رحمت دستگاه اقدس علیحضرت هایون شاهنشاهی دامت شوکتها
 و سزاوارش مولی مراحم خاطر اقدس هایون کردید این روزها که حسب الامر الاقدس الاعلی عالیجاه
 شارالیه بجل مأموریت خود روانه است محض شمول الطاف ملوکانه در حق او باعطای یک ثوبه
 ترمه کشمیری از صندوقخانه مبارکه برسم خلعت عنایت طلعت سرفراز آمد (جناب جلالت و
 ایالت رضاب کنیز الکندر بار اتشکی که از جانب علیحضرت امیرطور دولت بهیه
 بجانشینی ملک قفقاز و سه سالاری جنود قفقاز به مأمور شده است بمسببت روابط اتحاد
 و دوستی دولتی ایران و روس مقررت الخاقان سیو جان دادو خان سیرتپ مترجم اول دولت
 علیه از جانب سنی الجوانب هایون سرکار علیحضرت اقدس شاهنشاهی دامت شوکتها مأمور
 که بتقلید جناب معزی الیه رفته لازمه تبریک را بعل آورد و یکقطعه نشان مثال هایون را بکمال
 بالاس از درج اول با تحایل آبی که بایشان موافق فرمان هایون از جانب سنی الجوانب اقدس علی
 اعطاء شده است ابلاغ نماید و دلائل تفقعات ملوکانه نسبت بایشان ظاهر سازد و از جانب
 جناب اشرف ارفع امجد صد اعظم افخم نیز حامل مرسله مودت علامه بنجاب معزی الیه باشد
 و در آن ضمن بکربس اسب سواری خاص خودشان را که محض دوستی و یادکاری برای ایشان
 میفرستند برساند و علامت دوستی و دودار واضح و هویدا نماید سایر ولایات
 (افزایان از قراریکه از تبریز نوشته بودند بکفر مکاری که از تبریز بکربانان هان میرفت
 در نزدیکی باسیج با چند نفر سرباز تراغ میکند سربازان خورجین او را بر میدارند در بهین نزاع و کین
 سواره قرا سوران خبردار میشوند مکاری میگوید با و که شصت عدد دامپریال در میان خورجین دهم
 سربازان برداشته اند وکیل باشتی منور مکاری و سربازان را برداشته نزد مقررت الخاقان محمود
 میرنجه میرد بعد از تحقیق مراتب منور به معلوم میشود که مکاری دروغ گفته و حرف آخر او این شد که
 آن وجه مال تاجر بود مقررت الخاقان شارالیه تاجر را حاضر کرده غوررسی نموده تاجر گفته بود که ت
 عد دامپریال از مال تاجر دولت عثمانی نزد این مکاری بوده مقررت الخاقان میرنجه در منزل میر
 و میرهمام خارج بعد از تحقیق مراتب قرار میدهند دستک تاجر صاحب پول را حاضر کرده پسند
 حاضر کردن دستک و ملاحظه کردن آن معلوم میشود که سید امپریال پول بوده است نه شصت
 و بهم چنین آن مکاری هم سید امپریال را پیش از خودش با قافله فرستاده بوده است بجهت

کذب و افزای مکاری میجو استند و اقبیه نمایند مکاری میگوید که وجه را تا جرید کور داده لیکن نمیدانم
 در میان خوارجین بوده است یا برادریم با قافله قبل ازین برده بعد تحقیق معلوم میشود که در میان خوارجین
 سر بازان برداشته بودند بخیر مان چیزی نبوده است اگر چه سر بازان نیز بر آنچه خلاف نظامی که از آنها
 سر زده بود مقررت انخافان میرنجه مقابل طاق نظام در حضور مؤتمن سلطان وزیر نظام تبار یا بهیسته
 عقبیه نظامی نمود لکن سید امیر مال تاجر فرموده راهم از مکاری گرفته بصاحبش تسلیم کردند اما ازین طوط
 افترا معلوم میشود اکثر آدمها باینطور میخوانند شقاق نمایند در آذربایجان و طرف کرمانشاهان و سایر
 جاهای ادعای مال مسروقه می کنند و ازین قبیل زیاد اتفاق افتاده است اولیای دولت علیه بی تو اند
 اعتماد و باور نمایند ولی سبب از اینجه مردم متعرض شوند اصفهان از قراریکه در روزنامه
 اصفهان نوشته اند خلعت مهر طاعت یون که از جانب سنی الحجاب ملوکانه بافتن و نواب سلطان
 شاهزاده و الابر حشمت الدوله حکمران اصفهان مصحوب عالیجاه میرزا قایم شید متحرته
 بود در حین وصول بانجام نوات مغزی الیه با سران و صاحب مضبان نظام و سایر عا کر نصرت
 فرجام و امانی و اعیان و مستوفیان آتولایت باستقبال شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت یون
 بعلی آورده در باغ قوشخانه که در خارج شهر محل خلعت پوشان است زیب برود و شش مفاخر
 و مباحث نموده فرمان مهر لمان مبارک را که برافزای نوات مغزی الیه شرف صدور یافته بود
 خطیب در ملا عام خوانده شرح مشورت یون را که مسببی بر اظهار مرحم ملوکانه در حق نوات مغزی الیه
 گوشت و خاص عام نموده بعد از ادای مراسم نهیت و شکر گذاری و صرف شربت و شیرینی بهی
 نمودند (دیگر نوشته اند که نوات مغزی الیه در نظم ولایت و عرض و داد عیت و وصول و ایصال
 و انجام مهمات دیوانی مراقبت تام بعلی می آورند و همه روزه یک ساعت از روز با لآمده تا دو ساعت
 گذشته در عمارت چهل ستون نشسته بعبایض مردم و انجام مهمات دیوانی میپردازند و مستوفیان
 و عمال و مباحثین حسب حکم نوات مغزی الیه بمجاسبات و معاملات و داد و ستد دیوانی
 بنمایند و سجدات کمال اینست و وادانی و ارزانی در آتولایت حاصل و رعایا و برابا اسوده خاطر و مرفه
 بدعای از دیار دولت و شوکت ابد اتصال اشتغال دارند در باب بنائی و تعمیر عمارات دیوانی اصفهان
 خصوصاً میدان چهار حوض و میدان نقش جهان که اطاقهای مجلسین سر باز و تو سچی آنجا مخرابی بهم
 رسانده بود و سایر جاها که تعمیر لازم داشت حسب حکم نوات مغزی الیه بنا و عمه در کار و مشغول تعمیر و
 بنائی میشدند

کسلان از قرار یک در روزنامه رشت نوشته اند خلایق آفتاب شعاع ها یون شایسته
که با فتحی را میرالامرا العظام عمید الملک و اعیان و اهالی کیلان محبت شد و بود با بخاری
وصول آنگاه امیرالامرا العظام مشایخ را به اتفاق رسا و اعیان و تجار بخاری شهر تامل خلعت
شایسته و در حین وصول خلعت ها یون پیاده شده و لوازم استقبال و توقیر و احترام بعمل
آورده خلعت مبارک را زب برودش مفاخرت و مبالغت نموده و برین نیز خلعت خلایق مهر
شعاع گردیده زمان مهر لعلان که مبنی بر انهار عواطف ملوکانه در حق امیرالامرا العظام عمید الملک
شرف صدور یافته بود خوانده و مضامین آن را گوشه اهل مجلس نموده بعد از آن ادای خطبه بنام
نامی سرکاره سس ها یون و اختتام بدعای تقوا و از دیاد دولت و شوکت ابد بقرون کرد
بعد از ادای مراسم تنبیت و صرف شربت و شیرینی بشهر مراجعت نمودند (دیگر نوشته است)
که نه موسوم به نهرو که شلوک کاری زیاده از آب آومی شد آبش مقطوع گردیده و علاوه بر آن
در سوال و ذیقعه نیز بارندگی شد زراعت کاران این معنی زیاده در تشویش بود بدواره
زراعت شلوک آب یوس شده بود و امیرالامرا العظام عمید الملک دو نفر یاب فرا سخانه را
با جمعی فراتش سبجه ایجاری نامور نموده جمیع زیاده از بلوکات فراموش آورده بپتن سده و قضا
و جاری نمودن آب نهرو بر مشغول شدند چون مجرای آب سفید رود مهال تغییر یافته از طریقی
که سهل جریان داشت منحرف شده بود بعضی زیاده و زخات بسیار سده را سببه آب را
نهرو بر جاری کردند و قرار دادند و مزارع را سیراب نمودند و برین بن از تفصیلات الهی از بنای مقيم
و ذیقعه تا چهارم و پنجمه بارندگیهای زیاده شد بطوریکه از جمیع رودخانه های جاری گردیده
تا چند روز راه عبور و مرور متوقفین سببه بود و از قرار تقریر بر این معتر تا کنون اینطور بارندگی
آنولا سببه شده بود با کمال جمع مزارع و قرار کمال مشروب و زراعت کاران از تشویش بی
خارج گردیدند (دیگر نوشته اند که غلام سبای از حاجی سید باقر جهرشی یکصد تومان وجه نقد از
حج پشای را به سرفقت کرده بود مشایخ را پس از اطلاع مراتب را بعرض عمید الملک رسانید بچند نفر که
سرفقت داشت بعضی را گرفته محبوس نمودند و بعضی از خوف بپتن فرستاد و صاحب تنخواه هیچ کجا
غلام خود نداشت بعد از آنکه داروغه و که خدا یان حسب الحکم در مقام جستجو برآمدند معلوم شد که غلام نهرو
چند عدد اشرفی پیش صراف قزوینی برده و پول سفید گرفته است صرف و غلام را حاضر کردند بخیرائی تندید
غلام نهرو بر سرفقت خود اقرار نموده قدری از تنخواه را خرج کرده بود با بقی که موجود بود گرفته بصاحبش تسلیم کردند

خراسان از قراقرم یک در روزنامه خراسان نوشته اند در مرزهای آباد ترشیر مفتی بچاه
 قنات انجاریفته بود که متقیه غایب محشی در میان چاه دیده بود که طنبانی بگردن او بسته و ده تومان پول
 نقد هم در کمر بسته دارد چند نفر را خبر کرده بسر غش منور رفته رخت او را جستجو کرده هر علی صخره
 در میان رخت او یافته گمان کرده بودند که پول زیادی داشته است او را کشته و پولش را برده
 با بچه غش منور را برده و دفن کردند و قاتل او تاکنون معلوم نشده است (دیگر نوشته اند که در این
 اقدس مفتحت ارباب رفته دکان ندانی پیش گرفته کز نه و سایرین خبر دارند متوجه
 گردن پیش شدند اگر چه زود خبر شدند و زود آتش را خاموش کردند ولی دو سباب دکان دیگر
 سوخته بود و بنیمت طول کشید تا آتش را خاموش کردند و نگذاشتند بدکالین دیگر آتش
 گردستان از قراقرم یک در روزنامه گردستان نوشته اند امور ولایت احسن وقت
 مقترب الخاقان امان الدخان والی قرین نظام و انضباط است در نظم ولایت حصول بهجت
 رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورد و بجهت نهایت ارزا
 و فراوانی در آموختن حاصل و امالی بفرات خاطر بدعا کوئی ذات احسن کا یون شاهنشاهی خلد الله
 ملکه و سلطان اشتغال دارند (دیگر نوشته اند در این وقایع حسنی از قافله همایون در سرحد
 کوگردستان رقیق زده پنجاه شصت و سی سال باری آنهارا برده و یک نفر هم از امالی قریه قریه کس
 که مسراه قافله بود مقتول کرده بودند صاحبان مال بنزد مقترب الخاقان والی آمده مذکور داشتند که
 وزدهالهای ما از امالی سقرنی باشند چند روز از آنها مهلت خواست که تحقیق نماید اگر این سقرم تکب این
 عمل شده باشند از آنها استرداد نماید بعد آدم فرستاده معلوم شد که مرکب این از این کلهر جاف
 بوده اند و اموال مسروقه را بیان ایل جاف برده اند مقترب الخاقان شارالیه بنزد سرایط جاف
 فرستاده مطالبه اموال مسروقه و دیت مقتول نمود و ترک ایل منور معتدی فرستاده و جواب
 بود که این عمل از دست قادیق افتاده بمحصل اکامی محمد و پس نام سر دست آنها
 گرفته و الان بمجوس است صاحبان مال بیایند مال آنها تسلیم شود مقترب الخاقان صاحبان
 مال را با رسم سلطان نامی که از جانب مباشر که و کس سجه مقدمه مقتول منور آمده بود مصحوب دست
 سر ایل جاف نموده آدمی بهم از خود بر آنها کاشت که رفته مال همدانها را تمام و کمال گرفته با آنها تسلیم
 نماید و مقتول نیز بقصاص دیت برضای و در مقتول موافق حکم شرع مطاع بگذراند و بسر ایل منور نیز نوشت
 که مرکب این بتبیه بر نموده قرار می پذیرد نوشته شود که کسی تواند مرکب اینگونه قیادت بشود

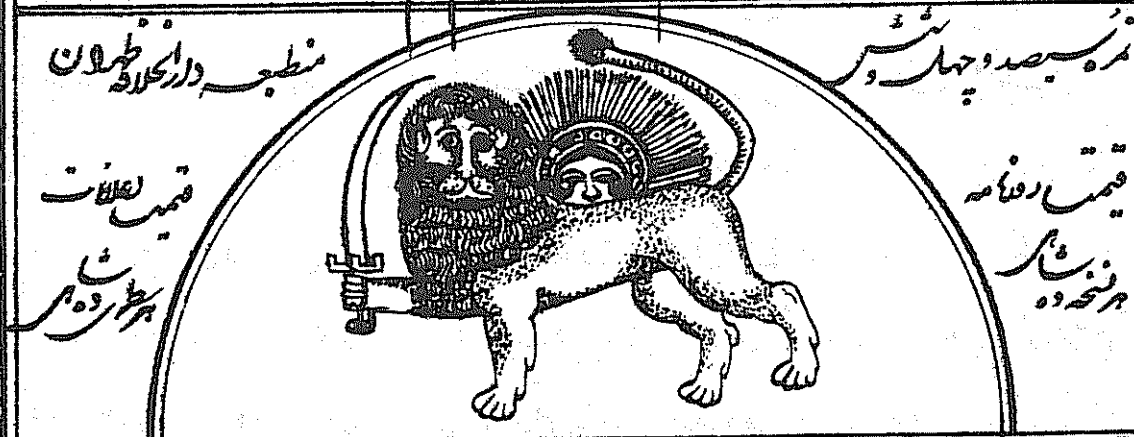
احبار دول خارجی

در مدت چهل سال قبل ازین که ناپلیان بزرگ با جیره ستم فتنه سازان خاص که همراه ناپلیان قزو و همدان را
اختیار کرده بودند قبل از رفتن خود بعضی اطاک و جوه نقد و صیقل که بود با آنها بدست دلی ناکون بین و
مجرس شده است در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس در ضمن اجرای وصایای ناپلیان بزرگ درین
خصوص مخصوصا قسیمیونیکل داده و قرار گذاشته اند بان شخص هر کدام در حیات متذمق و صیقل نامنه
ناپلیان از اطاک و نقد و مرقومه بخود آنها بدست و هر کدام مرده اند در حیات مجری بداند (درین اوقات
در پاریس شخصی ستمیفر ختجه رواج متاع خودش در هر صد و نه باسلق یکدانه لیری فرانس که
تخمینا بیست و دو هزار دینار پول ایران باشد در میان یک باسلق گذاشته و شترها اعلان کرده بودند و مقرر
مقاموده خلق یا دجته خریدن باسلق از دحام کرده اند بطوریکه شتر را لیه در در دکان خود قرار گذاشته
و منافع کلی ازین عمل حاصل کرده است) (ناکون و ضمن ادخال هر ستری بجهت سهولت رفتن کسان جسی حزن
احداث شده است از جمله بجهت سهولت امر زراعت مقدما اسبابی مثل چرخ بجا بجهت شیار کردن زمین
احداث کرده بودند و لی بروجه مطلوب مجری شده است در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس صاحب
این کار را همه پاریس دعوت کرده و قرار داده اند که هر کدام از ان اشخاص که این کار را سهولت و آسودگی
بمیدارند با و از جانب دولت امتیاز مخصوص داده شود) (درین ایالات سنویه جمهوری نیکی دنیا بیتی و
ملیان ریال که فریب به پنج کرو و تومان پول ایران باشد از سالهای دیگر زیاده تر آمده است و مجلس مشورت
درین باب گفتگو کرده اند که این وجه را بچه مصرف باید کرد بعضی در مقابل این تخفیف رسوایت که در آنجا
دیدند و بعضی صرف این فضل را برای در ترسند راههای آهن و کشتیها مناسب دیده اند) (در
یونانستان در جزیره سنوین در شط و لقان نام آبی که مت حکم و تاثیرش این است که هر کسی که داخل
میشود آلات و ادواتی که در زیر آب است پاک گشته و رنگ میگیرد و ضمن تحقیق این کیفیت بجهت خطراتی که از
دول خارجی یونان ظاهر شده بود چند وقت پیش ازین یکی از کشتیهای فرانس ببط مزبور رفته بعد از ساعت
از رود کشتی مزبور با بنجا آلات زیر کشتی گملا سیاه شده مقرر احوال سهولت رفع گردیده بود در این اثنا کشتیها
جکی فرانسه و انگلیس که در پیشگاه آتنه پای تخت یونان بودند ببط مزبور ارسال شدند و کل کشتیها با نطر زیر
سیاه شده بودند و در باب اینکه از چه سبب زیر کشتیها سیاه باشد بواسطه بعضی آلات و ادواتی که در
وقت کرده و رسیدگی نمودند معلوم شد که آبهای سرخ در آن زیر جریان دارد و بعضی منجها در آنجا
مشاهده کرده بودند

از قراریکه نوشته اند درین اوقات بجهت اختلافی که در سمت بنکاله و بعضی جاهای دیگر هندوستان
 بهم رسیده است فراموشی هندوستان از کمال استغف و تمکد بفجاء در گذشته این گذارش بجانب
 دولت انگلیس عرض بیان شد در حال دولت مشا را لیه خیرال کیل را که در اوقات محاسبه بقول فرم
 از جانب وکیل جریتیه دولت انگلیس سر قوماندان قشون اند دولت در فرم بود احضار و تقایم مقامی هندوستان
 انتخاب نمودند و استفسار کردند که چند روز میسر تواند از لادن حرکت بکنند گفته بود که همین غایت بود
 و هیچ حالت معطلی ندارم لهذا اوراق تقایم مقامی هندوستان منصوب و دو عت دیگر از لادن حرکت کردند
 از طریق مصر و اسکندریه روانه مقصد گردید (دیگر نوشته اند که قشون انگلیس که در هند با قضا
 قوانین موضوعه مدت محیته آنها ختام پذیر شده معارن این اختلافات حاضره هند معاودت آن
 با انگلیس تصیم یافته اند بجای آنها چهارده هزار قشون که چهار هزار آنها در محیث قومبانیته هند باشند
 از لادن هندوستان مأمور و روانه شدند همچون دو فرقه قشون انگلیس که هر یک شش هفت هزار بودند
 مقدما از انگلیس بچین مأمور و روانه شده بودند بجهت لزوم قشون در احوال حاضره هند یکی از آن دو قشون
 از بین راه سبب هندوستان برگردانده اند چون بجهت مراجعت دادن بعضی قشون مأمور چین را
 هندوستان قشون مأمور چین جزئی می شد و محاربه با ولایت چین بوجه دلخواه صورت پذیرفت
 از جانب دولت انگلیس حکم توقیف محاربه چین گردیده و مقرر شده است که قشون انگلیس کانتان
 یا هر جای آن جوار را که به استیلا گرفته باشند علی الحساب در همانجا توقف کرده امر محاربه چین را
 تا رفع اختلافات هندوستان موقوف دارند) (دیگر نوشته اند که بقدر مقصد و بخواه فقر از
 صاحب منصبان قشون انگلیس که در هند بودند و قبل از حدوث اغتشاش هند بکشی عیال خود ببلند
 رفته بودند درین اوقات معاودت شان سرعاً بهندوستان از جانب دولت انگلیس حکم شده
 (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت قرال دولت بروکش غنیمت ملاقات اعلیحضرت امپراطور
 استریه را نموده چند وقت پیش ازین از برلین پای تخت دولت خود حرکت کرده بودند در این اوقات
 بویینه پای تخت دولت استریه وارد شده اند و بجهت غنیمت قرال پروس بویینه از جانب دولت پروس
 غرض حقوق وکیل امور خارجه دولت مزبور با مأموریت خفیه بویینه غنیمت و قبل از ورود قرال و
 بروکش بانجا وارد شده بود) (در سال قبل ازین امالی شهر آتنه پای تخت یونان و سکنه لکرگاه
 آنجا را سر شماری کرده بودند سی و هفت هزار نفر ذکر انا تا بقلم آمده بود در این اوقات که مجدداً
 سر شماری کرده اند جمیعت آنجا بخواه هزار و پانصد است

شخصی یوکاری نام از اثمالی شهر سویل که از ولایات اسپانیول است و جنس اطهار نایرف و در این وقت
 از کانی که از سکت سکریتیه اسپانیول خارج شده اند جمعی را در حقیه باخو و متفق کرده و بجهت اینکه اراده است
 بر وزن کند تا اسباب کار فراهم سازد و دهکی آنها را قسم داده در پانزدهم ماه ذیقعد به باغستان
 تا شهرخت عساف دست جمع شدند و رالیه اسلحه و مهمات و وجه نقد با آنها داده و تحت حکم خود
 بشهر اتر بیا که نزدیکی آنجا بود غرمت نمودند از اثمالی آنجا و محبوبین جمعی دیگر باخو و متفق کرده بر
 قایم مقام آنجا و عمارات دیوانی را کلاً آتش زده و اموال دیوانی را غصب عارت نمودند آنچه آب
 و غیره در آنجا یافت میشد برای سواری خودشان گرفته چند هزار کس مرتب و برق مخصوصی برای خود
 گشوده رفح لوای عصیان نمودند و در آن جوار با بچه قرا و قصبات را بخواه عارت کردند و بجهت تحریک
 سایر مستدین اسپانیول بعضی اوراق بولایات منتشر کردند دولت اسپانیول بعد از وقوع بر این حادثه
 فی الحال قشونی از سوار سپیده بر سر آنها فرستاد و بموجب روزنامه دیگر که نوشته اند قشون
 در محل سیره نام بیاعیان مقابل شده و در مقدمه ذیقعد و فیما بین جینی محاربه اتفاق افتاده آخر
 باغیان مغلوب شده راه فرار پیش گرفتند و امورین آنها را تعاقب کرده ولی همه را نتوانستند بکشد
 و سیکر کرده بشهر سویل فرستادند و در آنجا بحکم دولت همه را هدف گلوله افکند نمودند و دولت
 اسپانیول بجهت کشف و تحقیق این فساد که از کدام طرف شده باشد در پای تخت مدد و تقوین
 داده و نیز بکلیل حربه حکم شده است که سرانجامه هزار قشون در زیر سلاح حرب حاضر و مهیا داشته باشند
 (از شعبه فواتی که در ایتالیا ظهور کرده بود در این اوقات در ایالت فلوریا که وزیر حکومت دولت
 ناپولی است و بعضی مجال اثر اختلال ظهور کرده دولت را ایها قشونی بدفع مفیدین فرستاده از قوای که خبر سپه
 ارباب اختلال با سر کرده آنها را قون نام کلاً و سیکر شده قطع بنکر دیدند سایر مفیدین این ولایت نیز از استیغ
 این که از شش متفرق شدند) (سبب این فساد ایتالیا از قوای که نوشته اند فرنی نام بوده است که در ایام
 جمهوری روم رئیس جمهور بود و بعد از برسم خوردن وضع جمهوری بدن رفته در این اوقات مخفی بروم آمده مفیدین
 ایتالیا را تحریک کرده دولت خواست او را بکشد و فرار کرده مدبر این فتنه شخصی بزرگ مفیدین حال چند
 هزار است و چند وقت یک دفعه در ملک ظاهر میشود و فت دی برپا می کند وقتی که در صد و هفتاد و هشتاد
 فراری کند در مدویر و فتاد و تغییر ثبات و چابکی در فرار مهارت تام دارد بلکه در شیوه خود عدیل و نظر
 ندارد و چنانچه تاکنون بکرات به تبدیل لباس و تغییر قیافه بروم و ایتالیا و سایر جاها رفته و رفت
 نموده و هر چه خواسته اند او را بکشد مکن نشده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه پنجم محرم الحرام مطابق سیل سال ۱۲۷۲



منطبعه دارالخلافه طهران

نرسیده چهارشنبه

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

قیمت عکاسات

هر نسخه ده

اخبار واحده ممالك محروسه پادشاهی

اردوی مایون

روز سه شنبه پنجم ماه محرم الحرام که بقاعده معموله بآتم هفته عقد سلام عام در پیکاه اردستان یون
اعلی حضرت شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطانیه سته شده و هر یک از شاهزادگان عظام و امرا و اعیان
و وجوه خدم در مقام مخصوص خود ایستاده بودند فرمایشاتی که مناسب حال و دلیل کمال حضرت
نسبت بامای مای مملکت اسپاهی و رعیت بود بلفظ و در بار مبارک جاری میفرمودند و از جمله فرما
طو کانه که در آن روز که شرف المای سلام شدن بود که دول دوست محمد در تهنید سباب مودت مای
فراهم داشتن احترامات و مهربانیه نسبت بسفر و مأمورین مای پیچیده فرو گذار نگردند و از سفری از
که هر یک از ممالک دول محتاج به مأمور شده و بشود چنانکه در خورد دوستی است از آنها احترام و اگر
مینماید مجالس مهمانی و ضیافت برای ایشان فراهم می آورنده مای بسیار خستودستیم که در خاک دولت
نیز نسبت بسفرای دول دوست و محمد که در حقیقت مکان و وارد این ملک مستند لازم محبت و مودت
بجمل آید باین احوال چنان بعضی رسید که از حقیقی مذکور شده است که کویا معاشرت چاکران حضرت
با سفارت دولت انگلیس که امروز دوست خیر خواه دولت علیه است خلاف دلخواه اولیای دولت
است بسیار عزیز و عجیب است که چنین اسناوی شهرت بدیند با وجود انعقاد عهد دوستی
با بین دولتین ایران و انگلیس کمال میل خاطر ما برآورد و استقرار این مودت چگونه میشود که این
صدق داشته باشد معاشرت با دوست نقرای ایران که مایعین داریم با طبع بشکامه طلب مای با
بستند و با قطع مای برودت مایین هم سعادت آنها شد اگر محض حفظ دوستی دولتین بر

منظور و مأمول اولیای دولت باشد لازم کرده است چاکران دربار گردن و قار و رعایای دولت
 علیه مآل و شد دوستی و مهربانی با آن سفارت نمایند و یا میل و رفت خاطرهایون مالت بخت
 جلالت مآل چارلس مورد و بر مختار انگلیس و بر صاحب مضبان سفارت از اهل انگلیس کمال
 نباشد و نیز از جمله الفاظ دربار ملوکانه بود که از استماع ظهور مقامات برودت مابین دول دوست
 همجهت و کیفیت افتادن بیدقهای سفارتی آنها در اسلامبول کمال تأثیف داشتیم و از اینکه میادیدند
 باز منجر بسبب دماء بندگان خدا شود و لکیر بودیم ولی بعد از آنکه شنیدیم غایله مابین دول مرفع شد
 و دوستی بحالت خود عود کرد نهایت خوشوقتی را حاصل فرمودیم و امید داریم که من بعد این دوستی
 مابین آنها و دولت ما و امنیت بندگان خدا و رواج تجارت ممالک و امینی و ابدی باشد (چون تذکره
 مور بمتر دین تمام ممالک داخله و بخارج از ممالک محروسه در بعضی از ولایات معتمد داده
 و بعد تذکره بمتر دین داخله ممالک حسب الامر اولیای دولت علیه موقوف و تذکره دادن منحصراً
 کردید که متر دین ولایات خارجه را در سرحدات تذکره میدهند نظر باینکه بعضی از نوکرهای دیوان
 که تنخواه دیوان در نزد آنهاست و یا محاسبه که بادیوان دارند پنداخته بدون اذن و رجعت اولیای
 دولت علیه و بنحیر بجزم زیارت عیالات از دارالخلافه بیرون رفته و در کرکشان تذکره
 مرور میگیرند لهذا درین روزنامه حسب الامر اولیای دولت علیه اشعار و اعلان میگردد که هر کس از نوکرهای
 دیوانی خواه محاسبه دیوانی داشته باشند و یا ندانسته باشند و عزیمت زیارت عیالات
 نمایند یا بایده زجناب اشرف امجد محمد صمد غفرلهم تعلیق اذن و اجازت بگیرند و همان تعلیق را در
 کرکشان نشان داده در طبق آن تذکره گرفته باشند یا در دارالخلافه موافق قاعده و قانون
 مقرر تذکره از برای خود گرفته عازم زیارت شوند میباشند تذکره کرکشان اذن ندارد بیک
 تعلیق مرخصی در دست ندارند یا تذکره از دارالخلافه گرفته اند تذکره در کرکشان بدیده باید اینگونه
 اشخاص را که نوکر دیوان استند و تعلیق یا تذکره دارالخلافه را ندارند بحکم کرکشان این اظهار نماید
 که حاکم آنها را بر کرده روانه دارالخلافه نماید و اگر از سایر ممالک محروسه سوای دارالخلافه از نوکرهای
 دیوانی عزم بیرون رفتن میکنند میباشند تذکره آن سرحد باید ضامن معتبر از آنها گرفته تذکره
 به به (طایفه نکرکان که بشارت و هرزگی و قطاع الطریق معروف و مسواره مشغول نیست و عازمت
 بودند سال گذشته مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلخانی بیکر سکی استر اباد آنها را کوشمال داده
 کرده بود پس از آنکه مقرب الخاقان شارالیه بدر بارهایون احضار کردید و مدتی در کبابهایون

بود طایفه ضلالت طایفه باغی و زعماء و دست مقرر انجمن قاضی را لایحه مقرر حکومت خودشان بپوش شده دوباره آورد
 هرزگی و بتمام تلاقی خدمات ایام گذشته که از اینجانی بپایان رسیده بود و آمده آق محمد سردار را
 چهار قدرتها را نزد روی آن طایفه فرستاده و آنها را ترغیب و تحریص بقتل و قتل و قتل
 بجهت کرده و زیاده از چهار هزار نفر جمعیت کرده بجهت بجهت رفتند از قرار که خبر اجمالی بعضی اولیا
 دولت علیه رسید عالیجاه سجاد علی خان نایب الحکومه و برادر مقرر انجمن قاضی بعد از آنکه از حرکت
 طایفه ترکمانیه خبر و ارشد جمعیت قلیلی که حاضر داشت سید و پنجاه سواره و یکصد نفر سنجاقی بودند
 بمقابل ترکمانیه پرداخت پس از تلاقی و یقین و وقوع مجادله و محاربه فیما بین ترکمانیه و سگت حوزده راه
 پیش گرفتند عالیجاه سجاد علی خان آنها را تعاقب کرده یکصد و پنجاه سواره و یکصد سیر از آنها زنده گرفته
 اسب و سیاه و زیاده بدست آورده مرخص نمودند (عالیجاه مقرر حضرت انجمن قاضی میرزا عبد
 طبری غنی حاضریه دیوان اعلی که سالها در خدمت ایشان تبحر و فراین و ارقام و مناسبت و کام مشغول بپوش و بقر و لطف
 موصوف است چند وقت قبل کتاب شرح قاموس فارسی بتفصیلی که در روزنامه آن وقت اعلان تالیف و تالیف
 در این کتاب نیز بصورت اتمام یافته بادیست تاریخ الوز که بترتیب و فنی احوال و درائی اقامت باین ایام موقع
 و موسوم بآثار الوز است خدمت جناب شرف مجد ارفع خمسم صدر اعظم برده در خدمت جناب عظمیه زاید الوصف
 قبول و تحسین فرموده و بلافاصله شال کشیری باو حمت نمودند و مرتب استعداد و حدکاری او را معروض بیکاهند
 ملوکانه داشته باده و جلد کتاب شرح قاموس که مخصوص پیشکش حضور بهر النور بود و ثواب عظیمی مبارک گرد و کتاب
 منظره امیر کایون را بختین و توصیف فرمود و یکثوب جبهه ترمه در حقش را لایحه حلت مرحمت کرد و بدین حکم شاهزاده
 نفاذ یافت که کتاب آثار الوز را نیز زود تمام نماید و از اختلاف طهران
 کمال انتظام و امنیت و دوزیر هر کونه نعمت در دار الخلافه طهران حاصل است و آداب کامیاب
 شاهزاده و آداب محمد تقی میرزا حکمران دار الخلافه طهران و توابع در بخت حکمرانی و سایر
 کار گذاران و چاکران دیوانی مقیم دار الخلافه در سر خدمات و مرجوعات و تحولات و در نظم و لایق
 امور سپاهی و رعیت کمال مراقبت را بعمل می آورند امر محلات با نهایت نظم و قیاس و کرمه و سباحت
 حفظ و حراست اند سرقت و خلاف حساب از کسی ظاهر نمی شود و اگر احیاناً بذرت سرقت
 اتفاق بیفتد بتمام عالیجاهان کلا نترسد که خدا بان سارق و سگیر و در مقام تنبیه و سیاست
 در آمده بپای خود میرسد و اموال مسروقه بصاحبش تسلیم شود هوای شهر نیز در همین خوبی و اعتدالت
 اگر چه باقتضای فضل و دوزیر و مرجوعات ناخوشی تب و لرز در میان مردم است ولی ملک نیست اغلب

بدو ای جزئی بلکه باساک و پر نیز از بعضی میوجات رفع شود سایر ولایات
 (اصفهان از قرائکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت
 نواب مستطاب نهاده والا بتا حثت الدوله حکمران اصفهان در نهایت انتظام است و امور
 ولایت و عرض و داد و رعیت خود بوقت و وقت و رسیدگی می نمایند مقترب انخاقان میرزا محمد
 مستوفی پیکار اصفهان و سایر ستوفیان حسب حکم نواب مغزی الیه همه روزه در دفتر نشسته
 بانجام خدمات و مهمات دیوانی میسر دارند و بحسابات و معاملات عمال و مباشرین و داد و
 انحاء وصول و ایصال مالیات دیوانی رسیدگی می نمایند) (دیگر نوشته اند که نواب حثت الدوله
 بعزم زیارت بقعه طبر که شاه رضا علیه السلام و سرکشی بجالین قش و سیرم با بخار فقه چند روز
 توقف داشتند در قریه دهقان که یکی از دهات سیرم است خبر رسیده بود که چند نفر سواران
 الیواختیاری بر سر راه فارس و یزد در قریه اموال زیاد از عابرین و تجارت سرت برده است
 سیرم عبور نمایند نواب مغزی الیه بحض استماع پاژده سواران اعلان اصفهانی که همراه بود
 بکفرین سارقین روانه نمودند غلامان بعد از طی شش هفت فرسخ مسافت بدزدان رسیده بودند
 غروب بود جنگ در پیوستند بعد یک ساعت مجادله نموده دزدان تاب مقاومت نیاورده
 سر و قد را بجا گذاشته خود را بپالای کوی که در اینجا بود کشیده در تاریکی شب فراری و متواری
 شدند اموال سر و قد بانه رساسب دزدان بدست غلامان منور افتاده خدمت نواب
 آوردند نواب مغزی الیه اسبها را بچند غلامان بخشید و اموال را در اینجا سپردند و مقررات
 که بصاحبان اموال که آمدند تسلیم نمایند و بعد از فراغت از امور آن محال نواب مغزی الیه باصفهان
 معاودت نمودند و عالیجاه میرزا محمد خان تلمک دارباشی خود را با سواران سوار سببه نظم طرق و سیر حد
 راه فارس روانه نمودند و هم چنین عالیجاه حسنعلی خان یوزباشی که با یکصد و پنجاه نفر سواره ابوالحسن
 از دربار معدلت مدار جایون مأمور توقف اصفهان بود و او را آنجا کرده پنجاه نفر سواره مثالی
 نیز مأمور محافظت طرق و شوارع نموده بجل مأموریت و قراول خانها رفتند) (عالیجاه ابوالفتح خان
 سرمنک فوج سربندی با فوج ابوالحسنی خود همه روزه ار سه عت از روز بالا آمده در میدان نقش جهان
 اصفهان مشغول مشق میباشند و عالیجاه مثالی نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارد و قراول
 خانه های شهر محول بفرج نور است و در حفظ و حراست شهر کمال مراقبت را دارند و مالی انولایت
 رضامندی احسن بک و رفقا آنها دارند

اخبار دول خارج

از قریب در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول مورخه بناج بیستم ذیحجه نوشته اند در وقوع این
عمومیته از مأمورین دول معلومه در پاریس مجلس قونفرانس عقد و تشکیل یافته بود که باقتضای تنظیم
عمومی از طرف دولت عثمانیه بجهت ملکیین افلاق و بعد از آن حق نظاماتی که احداث و اجرا میشود قرار
شد که در ضمن مذاکره دایره تعلیمات مجلسی تشکیل باید و درین مجالس رای و اتحاد عموم اهل نصیب
اعضا و اجرا مقرر گردد و درین خصوص بطلب عمومی در ضمن حسن اجرا با تقاضای جانب دولت عثمانیه
منفحیه معلومه مأمورین ملکیین مقرر تعیین شدند و موافق دلخواه اهل آنجا در بعد از آن مجلسی منعقد گردیده از
اهالی آنجا در باب آزادی ملکیین که در عهد نامه مقرر شده بود استماع گردید اهل ملکیین مسئله آزادی را
نکرده تبعیت دولت عثمانیه را کما فی السابق اختیار کردند این مطلب از جانب دولت عثمانیه بدو
انگیس و آتیه اظهار شده و ولتین مقرر نیز تصدیق کردند که در صورتیکه اهل ملکیین قبول آزادی نکردند
باید کما کان در تحت حکومت دولت عثمانیه باشند بعد از آن کذا ایش سفرای دول فرانسه
روس و پروس و آدینه مقیم اسلامبول اظهار شده آنها باقتضای بعضی اسباب پشتیبانی
معنویه بپاره عذر قبول و تصدیق کرده در ثانی اجرای عهد نامه اول را بر حسب مأموریت از دول
خودشان بطرف دولت عثمانیه تبلیغات نمودند و کلای دولت عثمانیه مجالس عقد و تشکیل داده
درین باب مذاکرات و مآمل نموده چون ولتین انگیس و آتیه تصدیق کردند شش افلاق بعد از آن
نموده بودند دیگر جای حرف نبود لهذا بر حسب اراده اعلیحضرت سلطان از جانب وزیر دول خارج
دولت عثمانیه باز کرده رسیده سفرای مقرر جواب داده شده تکلیفات آنها قبول دولت عثمانیه
نمودید آنها نیز بطرف دولت عثمانیه پروتست نموده بر حسب اذن از دولتهای خودشان در روز
چهارشنبه چهاردهم شهر ذیحجه سفرای فرانسه و پروس و آدینه بیرفهای خود را خواها باند
قطع خاربه با دولت عثمانیه نمودند و روز پنجشنبه سفیر دولت روس نیز برق خود را خواها باند
با سفرای مقرر موافقت نمود (دیگر نوشته اند که کشتیهای حربیه و تجارتیه دولتین انگیس و
فرانسه و سایر دول فوگستان که سمت بندوستان و آن اطراف میروند حسب الموضع از رست
امید گذشته و بقطعه فریقا که دشمن نموده بصوبت دمشق بسیار در عرض سه چهار ماه
بمقصد میروند و درین صورت باقتضای پولیتیکه دولت و تجارت تاخیر در وصول مقصد وقوع
می یابد بجهت تهلیل و تعویب و دو سال قبل ازین دولت فرانسه که از سحر اسکندریه براه سویس

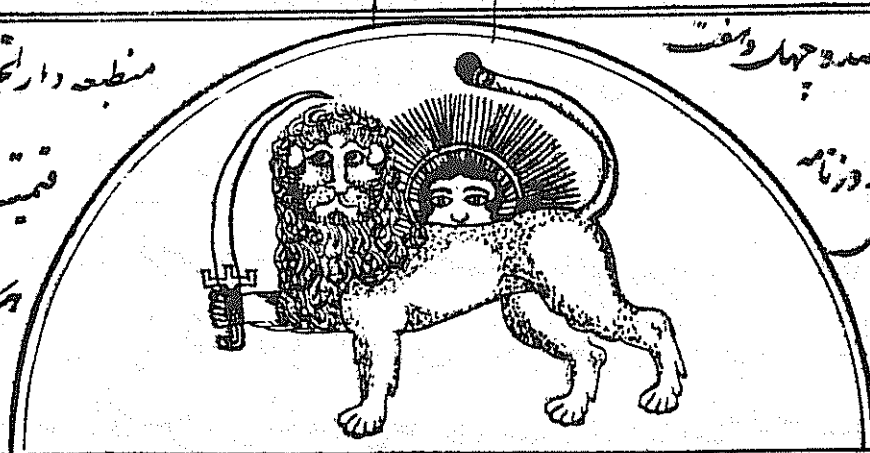
سبحانمندی بکنند که گشتی از سحر اسمر با سکنه ریه تردد نماید آنوقت رفتن سفایق دولتی و تجاری
فرنگستان سمت هندوستان بسیار نزدیک و آن میشود در باب لوازم اسباب این کار
از جانب دولت فرانسه قبول شود خوشش که در اسکندریه بود حکم شده و معرفت مشایخ
خدی قیل قومپایه در پاریس ترتیب دادند و مقرر بود که خیلی اشخاص از انجمن فرانسه
خود را در قومپایه منور نوشته و در خضر منور شرکت نمایند در این اوقات که خواستند
منور شروع نمایند در مجلس پارلمنتو انجمن شخصی از اعضای مجلس خطا با جناب لار پارلمنت
دولت منور گفتگو کرده است که در کندن این منور صرفه و تنوع دولت انجمن چه خواهد بود حالا دولت
انجمن هندوستان از هر دولتی نزدیکتر است و باین جهت با آنجا رابطه تجارت و مناسبتش از همه
بیشتر است بعد از آنکه این منور سحر اسکندریه سحر الاحمر کنده شود آنوقت راه انجمن هندوستان و
شرقی از اغلب دول فرنگستان دورتر میشود و گذشته از آن بجهت زیادتی حاصل مصر و اسکندریه
که آنوقت سایر دول در آنجا مداخله و ممکن یافته اولایت از تصرف دولت عثمانیه بیرون برود
درین حال دولت انجمن هیچوجه پولتیقه حاضر خود دست نخواهد یافت سر وکیل نیز تصدیق
این ایراد نموده از جانب دولت انجمن جواب باطلها مخالفت و مخالفت دخر منور داده شده است
(غنیمت علیحضرت امپراطور فرانسه بجهت مذاکره بعضی مواد مهمه بلندن در دو وادوم ماه دیگجه تقسیم
بود مبنی بر بعضی اسباب تاخیری در غنیمت افتاده بواسطه تفاوت خبر غنیمت ایشان در ۱۴ ذیحجه
رسیده بود) (اعلیحضرت امپراطور روس که بازوجه خودشان بجهت مذاو اجتماعهای معدنی که
از آب گرم باشد رفته بودند بموجب روزنامه که بعد رسید بجهت ملاقات با اعلیحضرت قزاق دولت
پروسه از آب گرم سمت برلین پایتخت دولت پروسه حرکت کرده اند) (سفایق حریره
دولت انجمن که در پیشگاه جزیره ساردینیه لکراقامت انداخته بودند بجهت اسباب معلومه از آنجا
حرکت کرد بگشتی سازخانه طلون رفته اند و سفیر دولت انجمن تقیم پاریس نیز بجهت ملاقات امیرال
لاتیر قوماندان کشتیهای منور از پاریس سمت طلون حرکت کرده است) (بجهت تأیید رابطه
و موالات اعلیحضرت امپراطور فرانسه ماموری مخصوصا به بطر بزرگ فرستاده اند که مثال اعلیحضرت
امپراطور روس را ترسیم نموده بپاریس بیاورد که در دایره امپراطوری خود نصب نمایند)
از مفسدین ایالتی که در لندن اقامت داشتند به نفر بقصد اعلیحضرت امپراطور فرانسه پاریس
آمده بودند معرفت پاریس و سیکر شده و ضمن تحقیق معلوم شده بود که طیت نفر از این اشخاص در
باهم مشور و هم قسم شده بودند که پاریس آید اعلیحضرت امپراطور فرانسه را بکشند آن سه نفر اگر رفته
جسم کردند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۲۷۳

منطقه دارالحکومت

نزدیک چهارم

قیمت اعلام شد
هر طرد



قیمت روزنامه
هر نسخه

احبار داخله مالک محروست پادشاهی

اردوی هایلون

چون فوج خلیج حبشی عالیجاه جانمخدا خان سرنگ در اوقات مأموریت عربستان با سرنگ
تجربک بعضی از مفسدین سوشش نموده بودند و بدون اذن و اجازت اولیای دولت علیه
برکات مستطاب آمده بودند لهذا در روز شنبه ۲۹ شهریور محرم بحرام حسب الامر اقدس هایلون
شاهی عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان صاحب منصبانی که در شهر توقف داشتند کلاً
در بالای رسم آباد در زیر قصر و عمارت لطیفی نیاوران از هر فوجی دولت نفر سر باز و بالابا
حاضر کرده سر بازان مقصر را حاضر نمودند و هر یک را فرافخور تقصیر و اندازه جرمی که داشتند
نظامی نمودند و تازیانه زدند و هم در آن روز سه نفر از توپچیان را نیز که در مأموریت عربستان
گروه بودند حاضر کرده در حضور کل صاحب منصبان قبیله نظامی نمودند و در روز یکشنبه غده شهر
صفر مقرب الخاقان امین لشکر عالیجاه جانمخدا خان سرنگ فوج نرگور را بحضور هر طور هایلون
مورد القات و عنایت ملوکانه کردید (مقرب الخاقان حسنعلی خان سرشپ فوج کروش
جنرال اجودان خاصه حضور مبارک اقدس اعلی که همیشه در خدمات مقررده اما حسن کفایت و صدق
ظاهر و با هر نموده این دفعه هم که از جانب سنی ایوان هایلون مأمور بغداد شده بود و در رسم
و مراقبت را در انجام خدمت نموده بخود بطور و طرز خوب بطور آورده مورد الطاف خدیوانه آمد
با عطای پادشاه تومان نقد بر رسم انعام قرین افتخار و مبالغات کردید) عالیجاه غرت و جلالت
مسره عبداللہ بیک یاور فوج کروش بر حسب تصدیق نوابش نهاده و الا بتاحام تسلطه و ا...

حسان و سایر رو و سران قشون ظفرنون در اوقات تسخیر قلعه خوریان و محاصره شهر هرات
نمایان کرده علایم خلوص عقیدت و جوهر ذاتی خود را در وظایف جان نثاری و خدمتگذاری دولت
علیه تقدیم رسانیده مشمول مرحمت شاهانه آید بقایا عطای نشان مرحمت است و شال ترکه
برسم خلعت مرطوبت سرافراز گردیده این روزها هم بوقت حبس خانواری کافی برسم ستمی برسد
و بسای کشت (نظر بملاحظه خدمتگذاری و صدقت عالیجا هم قرب الحضره انخافانیه میرزا علی
و ظهور مرحمت و عنایت ملکانه در باره او در این روزها بکثرت جبهه ترده برسم خلعت از جانب
سنی بجانب اقدس یون شاهنشاهی عالیجاه مشارالیه التفات شد که سبب مزید فاخت
و مباحثات او بوده با کمال امیدواری مشغول خدمتگذاری شود) (نظر بخدمت عالیجاه میرزا
لکرنوبس که در روز سان غلام شجاعت و غلام بطور خوب از غنمه برآمده بود حسب الامر بکثرت
جبهه کرانی برسم خلعت با و مرحمت شد) (چندی قبل در امانزاده قاسم طفل سیدی
کاوشاخ زده شکم او را دریده بود بطوریکه روده او مفتوح گردیده عالیشان میرزا رضا قلی دوا
که سابقا در نزد مرحوم میرزا بابای حکیم باقی بود در اینجا حضور بهم رسانده خواسته بود روده مفتوحه
بجای خود معاد دت دهد بجهت صیقل مجرای جراحت افتاع داشت لهند پوست شکم را که دریده بود
بیشتر شکافه وسیع نموده و روده مفتوحه را بجای خود گذاشته بعد از آن جراحت را بنجیه نموده و
لازمه بکار برده و عرض چند روز طفل مرزور صحت یافت و او را بنزد مقرب انخافان حکیم پولاک حکیم
خاصه سرکار اقدس یون شاهنشاهی برده محل جراحت را دیده و معالجه او را استحضار بهم رسانید
میرزا رضا قلی را درین عمل تصدیق و تحسین نمود که خوب از غنمه برآمده است و تصدیق نامه مهر کرد
بود و لهند آنچه اشتها مشارالیه و استحضار سایرین این گزارش در روزنامه نوشته شد

اعلانات

بقرا تفصیل ذیل اسباب نقره از صنایع خوب ساخته لندن مال کارخانه اعلیٰ فروخته میشود
قاشق چای خوری ۸ عدد قاشق قهوه و شربت خوری ۸ عدد کارد و چنگال غیره چنانچه در
اسباب نیز در یک صندوق سفری ساخته خوب ۷ عدد اسباب نقره نما ۳۷ عدد کارد و چنگال
میوه خوری همه نقره در یک صندوق است ۳۰ عدد شمعدان نقره زوج شمعدان نقره نما و زوج
شمعدان دستی عدد ادویه دان معشش شیشه و یک کلچ کیر و غیره ساعت طلا از کارخانه اعلیٰ
تازه رسیده و نگاه ساعت نقره کارخانه اعلیٰ نگاه یک دست صورت کشتی بسیار خوب برای سفر

هم شکل اوم و هم تصویر عمارت و شهر گرفته میشود که او را پو تو کرافیک مینامند یک دست صورتی
 با بروی تکا نقش گرفته میشود که او را دیگر دتایپ مینامند هر کس طالب و خیردار این سیاهی
 باشد در قلمک در نزد عالیه ماهی صاحب و در شهر در سرای انبیهان نیز دتایپ مینامند
 رفته خریداری نماید **سایه ولایت** (آذربایجان) از قرائن و نشانه‌های که در بیت و دویم محرم از تبریز نوشته بودند سجد الله کمال فدا وافی و از
 در آن ولایت حاصل است و هر چیزی و فور دارد خصوصاً غله که روز بروز در خوش در تنزل است
 و در همه دکانین خبازان نان فراوان است فقر و ضعف که سابقاً عبرت و شفقت نان است
 می آورند بجهت حصول ارزانی درین اوقات کمال دعا کونی و شکر گذاری را دارند (دیگر
 نوشته بودند که از غره محرم الحرام الی پانزدهم ماه فروردین در تبریز چند دفعه زلزله شده
 در روز پانزدهم زلزله شدت کرده و لی خرابی رساند مگر در طسوج شدت کرده در درج
 خرابی کرده بقدر بیت نفر تلف شدند اما بعد از پانزدهم دیگر زلزله وقوع نیافت امید
 که انشاء الله تعالی از فضل الهی و برکت ائمه اطهار صلوات الله علیه و آله جمیع رفق کرم و
 و من بعد وقوع نیاید **صفهان** از قرائن که در روزنامه صفهان نوشته اند عالیه
 حاجی میرزا حسین ممیز که از جانب اولیای دولت علیه و آله بمیمیزی و بازدید قرائن صفهان
 بود بلوکات رومش و بر آن وچی و کراج رفته با نهایت وقت و غوری جمع هر جا را
 نموده بت هر جا را از آباد و خراب بازدید کرده و صورت آنرا بدفتر خانه مبارکه سپرده و
 امانت و صداقت را در بازدید و ممیزی قرار نموده بجل آورده بعد از فراغت از امور بلوکات
 فروردین روانه ممیزی نظر شد و نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار حشمت الله و له حکمران صفهان
 مقرر داشتند که عالیه شاهزاده عبدالعزیز اتمام ممیزی نظر نجال اردستان برود و اخذ فی
 که در امر مراعی فیمابین رعایا حاصل شده مرفع نماید (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل در خانه کفر از
 شجاعت و سی بود چند نفر از نسوان که با نجای آمده بودند علی و زیور خود را بجاریه داده بودند که محفوظ بدارد و جات
 اسباب فروردین که بعد چهار صد تومان بود در طاقی گذاشته درش را نقل نموده بود ضعیفه رفته در آنجا متوجه
 اسباب فروردین است که رفته بود در آنجا و نواب شاهزاده سیده خدیو روز داروغه و غیره حبس محکم جمیع محلات را
 که دش کرده اثری از او نیافتند بعد از چند روز خبر رسید که ضعیفه رفته از شهر بدون رفته نواب شاهزاده سیده
 فرستاده در یکایکان او را یافته اسباب و قهر گرفته و لی خود ضعیفه از چنگ نماند رفته خود را تم سانه است

مروجس و از قراریکه در روزنامه برود نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و
 احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروج و بختیاری که حسب الامر اولیای دولتی
 مقرر بود از محل توقف حرکت نمایند در واسطه و بختیاری و فوج کرمانی و توپخانه
 حرکت نموده در بیست و هشتم ماه منور بود و وارد بندر گردیده بختی که اردوسی نواب جلالت الدین میرزا
 بود تزلزل نمودند و در منازل عرض راه تمام توپخانه و کلاهبران و دسته بدسته از سلسله
 و لغات و سگوند و بیرانوند هر یک در محل خود لوازم استقبال را بجا آورده بودند و التفات
 نواب معزی الیه گردیده مقرر شد که بمسرا با شند تا در توقف بروج و بختیاری رسید
 شود و بعد از ورود بهر و بکار هر طایفه علیحدگی نمودند و مقرر شد که نواب امیرزاده
 جلالت الدین میرزا نایب الحکومه لرستان روانه خاوه و شتر شوند که مالیات طوائف آنجا
 حواله و وصول نموده از آنجا بدربارهایون شاهی روانه شوند و نواب احتشام الدوله در روز
 بهر و بعضی اشخاص را که مصداق است و بهر کی و شرارت شده مقصد یوان بودند گرفته بودند
 تا بعد اجرای تنبیه و تادیب آنها شود و در اوقات توقف در عربستان امور انولات را از
 بهر باب و هر مواد انتظام کامل داده حکام و مباشرین آنجا را در سر شغل و کارشان مستقر کرد
 و نواب امیرزاده امیرزاده میرزا از حکومت عربستان برقرار نموده و دستور العمل بنوای الیه
 داده اند که امور انولات را بحسب و نحو انتظام و رعایا را امر و بحال و آسوده خاطر داشته باشند
 (دیگر نوشته اند که فوج ناصریه که مأمور لرستان بودند در سیم ماه محرم با شکوه و آراستگی
 وارد شدند و یکروز توقف کرده نواب احتشام الدوله بمیان فوج منور آمده صاحب مضبان و
 احاد و افراد آنها را نوازش نمود و در روز پنجم محرم بحرام با نواب جلالت الدین میرزا نایب الحکومه
 لرستان حبس الحکم روانه شتر گردیدند و عالیجاه محمد کاظم خان سرینک فوج منور
 از قراریکه نوشته اند فوج رهبر با نظم و قاعده حرکت داده و در منازل برود و
 و غیره با کمال معقولیت رفتار نموده و مالیات آنجا را بحسب سکوک عالیجاه شار الیه نهایت
 رضامندی داشته اند) (دیگر نوشته اند که فوج زرندی را نواب مستطاب احتشام الدوله
 سان دیده و موافقتشان را تمام و کمال عاید نموده و در دوازدهم ماه محرم بحرام حبس الحکومه
 معزی الیه مرخص خانه گردیده روانه امانکن و اطمان خود شده که در خانه های خود آسوده باشند
 تا وقتی که مأمور شوند

قسم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور آلو لایت از بن تو جهات اولیای دولت
 قاهره حسن اتمامات مقرب انخاقان ذوالفقار خان حاکم قم و ساه در کمال اتمیت تمام
 و فوریت و ارزانی حاصل و فضلا و سادات و اعیان و اشرف و رعایا و برپا است
 خاطر و مرقه الحال بیکوئی ذات اقدس پهل شاهی خلد الله ملکه و سلطان اشتغال
 و مقرب انخاقان مشاریه تمامی اوقات خود را شب و روز صرف انجام خدمات
 دیوانی و عرض و داد رعایا میدارد و در امور بنائیه و تعمیرات نهایت اتمام را بعمل می آورد
 و نیز در نظم شهر و محلات کارگذاران و مباشرین و خطیبین موجب قدغنهای اکیده بنای
 دارند و از احدی خلاف حساب ناشی و صادر نمیشود و کسی نسبت بدیکری تعدی نمی تواند
 و اگر بدست سرقه یا شرارتی اتفاق میفتد دزد و شریر و سرکشی که دیده تنبیه و سیاست
 (دیکر نوشته اند که چندی قبل ازین دو نفر عرب قول رباطی بهجه دولت عثمانیه را در ساه
 چند نفر قطاع الطريق برشان ریخته آنها را برهنه کرده بودند و رالیها بدربار محمد ابراهیم خان
 عارض شده تعلیمه از جناب اشرف امجدار رفع صدر اعظم بمحصل کینفر نایب فاشیانه بعد مقرب انخاقان
 ذوالفقار خان صادر شده بود که مال مسروقه احکام باید پیدا کرده بصاحب مال عاید ز دلچسب
 حصول آگاهی مقرب انخاقان مشاریه آدم نمیبست و اطراف فرستاده در مقام جستجو
 در بین تفتیش گیرسان دیان و بکرس الایع از اموال مسروقه در شهر قم در دست دو نفر
 دیدند آنها را گرفته نزد مقرب انخاقان مشاریه آوردند و ازان دو نفر تحقیق مراتب شده
 معلوم گردید که دزدان ده نفر اسد آبادی بوده اند و همه بشهر قسم آمده بودند بعد از دستگیری
 این دو نفر شش نفر دیگر مفقود الاثر شدند و چند نفر سوار طلب آنها با طرف فرستاده
 ولی خبری از آنها معلوم نگردید کویا از بیراهه بولایت خود رفته بودند با بجه مادیان و الاغ
 بمحصل فرجور داد و قبض از او دریافت و دو نفر سارق را همس نمود و سیاه اموال مسروقه و ادبی
 دزدان را ازان دو نفر سارق گرفته باسم و رسم لعالیجه خانبا با خان حاکم اسد آباد
 نوشت که دزدان و اموال مسروقه را بشخصه پیغمبر گرفته بقم فرستاد که بعضی اموال دیگر نیز در
 ساه برده اند از آنها مطالبه شود صاحبان مال را با بمحصل دیوان و ادبی از خود نتیجه انجام
 مراتب مسطوره با اسد آباد روانه نمود که بقیه اموال مسروقه را با دزدان گرفته بیاورند
 هنوز خبری از آنها نرسیده است

اخبار دول خارجه

تقراری که در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند بجهت سائل معلومه چنین بقادر روزنامه
می نوشتند که از جانب دولت فرانسه سفاین حربیه بجهت امداد و معاونت دولت انگلیس چین
فرستاده شده است از قرار روزنامه که این اوقات رسید این کیفیت اصلا صحت نداشته است بلکه
امپراطور فرانسه هیچ درین خیال نبوده است و مطلقا کشتی جنگی دولت فرانسه با نصیحت نرفته است
(دیکر نوشته اند که در ۲۴ ذیقعد در شهر جنوه ارباب عسبان دوباره رفع لوای یا عیگری نمود
شبانہ مستحق بعضی بروج را ضبط کرده و بدنه شهر هجوم آورنده بودند حکومت آنجا خبردار و
فی الحال عساکر برابر مقابل آنها فرستاده طرفین محاربه در پیوستند و چند ساعت جنگ طول کشید
از هر دو طرف خیلی کشته و زخمی شدند عاقبت آثار ضعف و فتور در طرف یا عیان ظاهر گردیده
متفرق شدند ولی کسی از آنها زنده و دستگیر نشدند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
شده بود از متاعی برای فرانسه بر اثره نام فوت شده ایلی پاریس بسیار اظهار خزن
و طالع کرده اند و برای مصارف جنازه او از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه خیلی وجه
شده چون متوفای مشایخ افاضی سلم عهد خود بیکه متقدمین شعرای فرانسه هم بحسب فصاحت
کمال قدرت رجحان داشت ایلی پاریس خصوصا اعلیحضرت امپراطور از فوت او زباده طول
مشتاثر شدند بجهت بقای نام او و آنکه را که مکن او بود حسب احکام اعلیحضرت امپراطور فرانسه با
او موسوم نموده محله بر اثره نامیدند و نیز حکم نمودند که صورت او را ترسیم کرده در دایره امپراطوری
خود نصب نمایند) (قرال دولت یونان اولادی که بولجهدی خود نصب نمایند و برادرش
که قرال باویر است خود و عیال و اولادش در مذبح کتولیک عیسوی شدند و تغییر مذبح
دادن غیر محتمل است و باقتضای قوانین موضوعه یونانستان هر کس بعد از قرال یونان
بقرالت یونان بنشیند باید مذبح روم باشد بخصوص این مقدمه برای تکلیف تبدیل مذبح درین
اوقات زوجه قرال یونان از راه وینه عنایت ملاقات برادرش را که قرال قراند و اولادش
نموده که قرال مشایخ مذبح روم را اختیار و بولجهدی قرال یونان قرار شود) (عجیب
اعلیحضرت امپراطور فرانسه بلندن در روزنامه های سابقه نوشته شده بود بموجب اخباری
در این اوقات بواسطه سیم تلگراف اسلامبول رسیده است چونکه اعلیحضرت پادشاه
بجهت تبدیل آب و هوامقدما بجل استوخ نام که در جزیره ویط واقع است رفته بود اعلیحضرت امپراطور

نیز در شهر دسج محل مزبور رفته در وقتی که سروکیل دولت انگلیس و وزیر امور خارجه دولت مزبور حضور
داشتند با پادشاه انگلیس ملاقات نموده اند (جناب قوت سرود وزیر امور خارجه سابق دولت
روس بمأموریت خفیه از جانب دولت مزبور پیاریس غنیمت کرده بود در این اوقات وارد پاریس
گردیده است) (اعلیحضرت امپراطور روس غنیمتشان از آب کرم المانیا بمبت پروس بجهت
ملاقات اعلیحضرت قرال پروستیه در روزنامه های سابق نوشته شده بود بموجب روزنامه
که این اوقات رسید در پنجم ماه ذیحجه برلین پایتخت دولت پروستیه وارد شده اند و
تبریک قدم ایشان از جانب قرال دولت پروستیه در مقام ماه مزبور پیش باری سکین اجرا شده است
(بجهت ملاقات دوباره با اعلیحضرت امپراطور فرانسه در این اوقات قرال ورتنویچ بمحل
بیاریچ نام که در سواحل فرانسه واقع است غنیمت نموده است که از آنجا پاریس برود) (تاکنون
عساکری که از جانب دولت انگلیس در کشتیهای تجاری بمبت هندوستان ارسال می شد هرگز
چهل و چهار لیر که تخمیناً قریب به صد تومان پول این ولایت است از جانب دولت انگلیس گریه بصاحبان
کشتی داده می شد در این اوقات بجهت احوال حاضره هند این گریه ترقی کرده است و هر نفری پنج
لیر که قریب به صد و چهل تومان باشد رسیده است) (دو فرقه قشون انگلیس که بمبت چین
ارسال شده و در روزنامه سابق نوشته شد که بجهت احوال حاضره هند یکفرقه آن قشون بمبت
هند برگردانند بموجب روزنامه بعد چون اختلال هندوستان غلیظ شد فرقه دیگر آن قشون را
بمبت هندوستان برگردانند) (در جزایر تایل که در زیر اداره دولت فلنک است در چند
جزیره بیع و شرای اسرا معمول و مجری است بجهت رفع و ازاله آن از جانب دولت مزبور و از طرف
فلورین که مفت کرد و پول این ولایت با تخصیص یافته است که بمبت ایران داده در دست کس
اسیر باشد بخزند) (دولت بمقتضای مقدمات از کثیر قوه سجزیه خود صرف نظر
نموده بود چنانچه دولت پروس نیز بجهت عدم لزوم ساختن کشتی جنگی را موقوف کرده بود بجهت
کیفیت در مجلس بالمنتویچ تاکنون جنبی گفتگو شده در این اوقات با کثرت آرا قرار شده است
که بعد از این دولت مشا را لیه بکثیر قوه سجزیه خود اقدام نماید) (از جانب حکومت بیان که
جهت شرقی چین واقع است تاکنون بفرنگستان و سایر ولایات اصلاحیه با مقرر قرار نموده
شود در این اوقات فرستادن سفرا و مأمورین به ول فرنگستان و غیره از جانب
حکومت مزبور مقرر گردیده است

در مکتبهای دولتی بطرز بوع اطفال فقرا و اصناف را داخل میکردند فقط اطفال و کلا و مأمورین
 در آن مکتبها تحصیل می نمودند بجهت تغییر این قاعده سابقا از جانب مالی استدعا شده بود که اطفال
 فقرا نیز اذن تحصیل در مکتبهای دولتی داشته باشند این استدعا در حضرت امیرطور سابق روس
 موقع قبول نیافتاده بود درین اوقات علیحضرت امیرطور روس درین خصوص قانون قدیم را مبرور
 داشته و اذن عمومی داده اند که اطفال فقرا و اصناف نیز داخل مکتبهای دولتی شده تحصیل علوم
 و فنون نمایند (بجهت اجاره دادن بفقرا و مساکین از جانب علیحضرت امیرطور فرانس سابقا
 دو باب کاروانسرا حکم شده بود که در پارسی ساخته شود در این اوقات آن دو باب با ما میام
 و حجرشان بکریا داده شده حجره خالی نماند لهذا مجددا حکم نمودند که سه باب کاروانسرای دیگر باز
 بجهت فقرا ساخته شود) (بقراریکه چند دفعه بیان شده بود مقدما قومپانیه لیکن یافت که از ایر
 ولایت انگلیس از درون بحر محیط اتلانتیک تا یکی دیناسیم ملغراف کشیده شود در این اوقات
 اسباب آن از طرف دولت انگلیس و جمهوری سیک دینا فراهم آمده و بجهت وضع سیمها و محل خود
 از جانب جمهوری سیک دینا یک قطعه کشتی با آلات و ادوات این کار با انگلیس ارسال شده و از
 جانب دولت انگلیس نیز چند قطعه کشتی بجهت این کار تخصیص یافته است و نیز سابقا نوشته شده بود
 که از اسکندرون برای اسکندریه تا مالطه از جانب دولت انگلیس و از بصره تا هندوستان از
 جانب قومپانیه مندر قرار شده بود که سیم ملغراف کشیده شود و اسباب آن را در لندن
 فراهم می آوردند در این اوقات بعضی از اسباب آن صورت انجام یافته و بجهت وضع سیمها
 از جانب دولت انگلیس با اسکندرون ارسال گردیده است و سوای اینهم از جانب دولت انگلیس
 بجهت برخوردن بجزیره سچیدیا تا مالطه یک راه ملغراف مندر قرار شده است که سیم کشیده شود) (در
 در بطرز بوع از سفاین تجار خارج شخصی با یکف کشتیان روسیه بیک سبب جزئی نزاع کرده بود
 و این نزاع رفته رفته کسب غلظت جهات نموده اهل چهل و یک کشتی تجارتی خارجی با کشتیهای تجاری
 روسیه محاربه نموده و از طرفین حتی تلف و محروح شده اند بجهت اجرای محاکمه آنها از جانب دولت
 روس امر بتوقیف کل کشتیهای تجارتی خارجی گردیده است) (مشهوره پایتخت استریه بالذات
 از بلاد خار است درین سال که در شهر مریور یاد شدت کرده حتی اطفال تاثیر انقلاب از آنجا صحنی که در کوه را
 سیر قه پندخ تغییر بکار افتاده و غلبه شده چون وقوع این گونه هلاکت در آن ولایت ماسبق بود لهذا
 آن چغ نغور بجهت تشریح بکتاب طبیعت بردند